تفسیر قرآن مهر

نگارش: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

ویژه جوانان





جلد ۲۲

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ – عنوان و نام پدیدآور : تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی‌اصفهانی ، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر : قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳– مشخصات ظاهری : ج. شابک : ۵۳۰۰۰ ریال ج.۲۲ ۹۷۸–۹۶۴–۲۵۳۴–۴۲–۵ : یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد هجدهم؛ ۱۳۸۸. یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : The mehr commentary on the holy Quran. یادداشت : ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴ ،۱۷، ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت : عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت : کتابنامه. مندرجات : ج.۲۲. سوره نبا تا ناس. عنوان روی جلد : تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ رده بندی کنگره : BP۹۸/ر۶ت۶۶ ۱۳۰۰ی رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری‌ها

یادآوری‌ها: تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیةاللَّه معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی ویراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق‌کنندگان وحامیان: حجج‌اسلام قمی، دکترکلانتری، دکترعلی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های تربیتی آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل‌بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن– روائی– عقلی– اجتهادی– علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیةاللَّه معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵ بسم اللَّه الرحمن الرحیم وصلی اللَّه علی محمد و آله الطاهرین «۱» وَأَنزَلْنَا إِلَيْکَ الذِّکْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَکَّرُونَ «۲» ؛ و آگاه کننده (: قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکّر کنند.

درآمد

درآمد: قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶ قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۱» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۲» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۳» نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷ ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجة ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن‌پژوه و مفسر سترگ حضرت آیة اللَّه محمدهادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظرعلمی این اثر بودند و مرحوم استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلای محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی، نصرت اللَّه نیکزاد و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸ معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجةالاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن‌پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصراللَّه سلیمانی، نعمت اللَّه صباغی، جواد و اکبر رحمتی، محمد رضایی، اکبر جعفری و یداللَّه رضانژاد سپاس گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد للَّه‌رب العالمین قم- ۲۳/ ۱/ ۱۳۸۸ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۹

بخش اول: سوره‌ی نبأ

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «نبأ» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۴۰ آیه، ۱۷۳ کلمه و ۷۷۰ حرف است. این سوره هفتاد و

نهمین سوره در ترتیب نزول (قبل از سوره‌ی «نازعات» و بعد از سوره‌ی «معارج» و هفتاد و هشتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «نبأ»، «عمّ»، «تَساؤُل»، «مُعصِرات» و «عمّ یتسائلون» که در این نام‌گذاری‌ها از آیات اول، دوم و چهاردهم این سوره الهام گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰

فضیلت

فضیلت: از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی عمّ را بخواند خدا در روز رستاخیز از نوشیدنی خنک (بهشتی) به او می‌نوشاند. «۱» و نیز روایت شده که حفظ و قرائت این سوره موجب کوتاه شدن زمان حساب در رستاخیز می‌شود. «۲» البته روشن است که این ثواب‌ها و فواید برای کسی است که این سوره را بخواند و به مضمون آن عمل نماید.

اهداف

اهداف: محوری‌ترین هدف این سوره تبیین مسئله‌ی معاد است.

مطالب

مطالب: در این سوره مطالب زیر به چشم می‌خورد: الف) عقاید: ۱. اثبات معاد به وسیله‌ی نشانه‌های نظم و قدرت الهی (در آیات ۶- ۱۶)؛ ۲. بیان نشانه‌های رستاخیز (در آیات ۱۸- ۲۰)؛ ۳. بیان اوصاف دوزخ و بهشت (در آیات ۲۱- ۳۸). ب) مطالب فرعی: ۱. اشاره‌ای به صفوف فرشتگان در رستاخیز (در آیه‌ی ۳۸)؛ ۲. اشاره‌ای به تجسم اعمال در رستاخیز (در آیه‌ی ۴۰)؛ ۳. اشاره‌ای به نامه‌ی اعمال در رستاخیز (در آیه‌ی ۲۹). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی نبأ قرآن کریم در آیات اول تا پنجم سوره‌ی نبأ به خبر بزرگ رستاخیز و اختلاف کافران در مورد آن اشاره می‌کند و با هشدار در این مورد می‌فرماید: ۱- ۵. عَمَّ یَتَسَاءَلُونَ* عَنِ النَّبَإِ الْعَظِیمِ* الَّذِی هُمْ فِیهِ مُخْتَلِفُونَ* کَلَّا سَیَعْلَمُونَ* ثُمَّ کَلَّا سَیَعْلَمُونَ از چه چیز از یک‌دیگر پرسش می‌کنند؟!* از خبر بسیار بزرگ (رستاخیز)!* (همان) چیزی که آنان در مورد آن اختلاف دارند.* هرگز چنین نیست؛ به زودی خواهند دانست.* سپس هرگز چنین نیست؛ به زودی خواهند دانست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از خبر بسیار بزرگ، «۱» روز رستاخیز است که پس از تذکرات قرآن در مورد معاد، کافران از هم‌دیگر یا از پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان می‌پرسیدند که اوصاف رستاخیز چیست و چه موقع واقع می‌شود. ۲. از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام روایت شده که مقصود ولایت امام علی علیه السلام یا مطلق ولایت است. «۲» و نیز روایت شده که در روز صفین مردی از شامیان وارد میدان مبارزه شد در حالی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲ که سوره‌ی نبأ را می‌خواند، امام علی علیه السلام از او پرسید: آیا می‌دانی خبر بزرگی که مردم در مورد آن اختلاف دارند چیست؟ و آن مرد شامی گفت: نمی‌دانم. حضرت فرمود: به خدا سوگند که آن خبر بزرگ من هستم که شما در مورد او اختلاف کردید و در ولایت او نزاع کردید. «۱» این‌گونه احادیث شاید اشاره به آن باشد که ولایت امام علی علیه السلام همانند رستاخیز، خبر بزرگی است که مردم در مورد آن اختلاف کردند و در حالی که حق بود، برخی آن را انکار نمودند. ۳. اختلاف کافران در مورد رستاخیز از چند جهت بود: برخی اصل معاد را بعید می‌شمردند و برخی معاد جسمانی را منکر بودند یا در آن تردید داشتند ولی برخی دیگر معاد را قبول داشتند. «۲» ۴. منظور عبارت «به زودی آگاه می‌شوند» که رستاخیز واقع می‌شود، چه زمانی است؟ پاسخ آن است که اولًا، در هنگام مرگ پرده‌ها کنار

می‌رود و به حقایق برزخ و معاد یقین پیدا می‌کنند. ثانیاً، عمر دنیا نسبت به آخرت بسیار کوتاه است، بنابراین به زودی رستاخیز فرا می‌رسد و از آن آگاه می‌شوند. ثالثاً، هر چه علم بشر بیش‌تر پیش‌رفت می‌کند، نشانه‌ها و دلایل معاد را بیش‌تر متوجه می‌شوند به طوری که دیگر جای انکار نخواهد بود. از این رو با تأکید می‌فرماید که به زودی از رستاخیز آگاه می‌شوند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز بسیار بزرگ است که خبر آن نیز عظیم است. ۲. کافران اختلافات عقیدتی درونی دارند. ۳. رستاخیز به زودی خواهد رسید (و اختلافات پایان می‌پذیرد). ۴. بشر هر چه پیش‌رفت می‌کند، از حقایق هستی آگاه‌تر می‌شود. *** قرآن کریم در آیات ششم تا شانزدهم سوره‌ی نبأ به نشانه‌های قدرت خدا در صحنه‌ی طبیعت، زمین و آسمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶- ۱۶. أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهاداً* وَالْجِبَالَ أَوْتَاداً* وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجاً* وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتاً* وَجَعَلْنَا الَّيْلَ لِباساً* وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشاً* وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعاً شِدَاداً* وَجَعَلْنَا سِرَاجاً وَهَّاجاً* وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجاً* لِنُخْرِجَ بِهِ حَبّاً وَنَبَاتاً* وَجَنَّاتٍ أَ لْفَافاً آیا زمین را بستر قرار ندادیم؟!* و کوه‌ها را میخ‌هایی؟!* و شما را جفت‌هایی آفریدیم؛* و خواب شما را (مایه‌ی) استراحت قرار دادیم؛* و شب را پوششی قرار دادیم؛* و روز را (وقت) زندگی قرار دادیم؛* و بر فراز شما هفت (آسمان) سخت بنا کردیم؛* و (خورشید را) چراغی فروزان قرار دادیم؛* و از (ابرهای) فشرده آبی ریزان فرو فرستادیم،* تا به وسیله‌ی آن دانه و گیاه بیرون آوریم،* و باغ‌هایی (با درختان) در هم پیچیده. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات از طریق برهان قدرت به اثبات معاد پرداخته شده است؛ یعنی به نشانه‌های قدرت خدا در صحنه‌ی طبیعت، آسمان و زمین اشاره شده است تا به منکران معاد نشان دهد که خدایی که می‌تواند این کارهای بزرگ را سامان دهد و زمین و آسمان با عظمت را بیافریند و با آب باران گیاهان و درختان را زنده گرداند و رشد دهد، همان خدا می‌تواند شما را مجدداً زنده و رستاخیز را بر پا سازد. این بهار نو ز بعدِ برگ‌ریز هست برهان وجود رستخیز در بهاران رازها پیدا شود هر چه خوردست این زمین رسوا شود مولوی آری؛ شبهه‌ی اصلی که موجب اختلاف در مورد معاد شده بود، مسئله‌ی امکان آن بود و از این رو منکران معاد آن را بعید می‌شمردند ولی این آیات نشان می‌دهد که خدا قدرتمند است و زنده کردن دوباره‌ی شما برای او مشکل نیست. ۲. این آیات می‌تواند از طریق برهان حکمت نیز به اثبات معاد بپردازد؛ یعنی خدای حکیم که این نظام دقیق و جالب آسمان و زمین و طبیعت را آفریده، حتماً هدفی داشته است، چون آفرینش بدون هدف این جهان با حکمت او منافات دارد؛ بنابراین هدفی بالاتر از این زندگی دنیوی در پیش است که همان معاد است. ۳. خواب و بیداری و رویش گیاهان نیز می‌تواند نمونه‌هایی از معاد باشد؛ مرگ خوابی طولانی است و انسان در معاد مجدداً بیدار می‌شود؛ زنده شدن گیاهان از خاک مرده نیز نمونه‌ای کوچک از رستاخیز بزرگ قیامت است. گل، دفتر اسرار خداوند گشوده است صحرا ورق تازه‌ای از پند گشوده است ۴. «مِهاد» به معنای مکان صاف و مرتب یا بستر کودک است و زمین به مهاد تشبیه شده است؛ چون با وجود حرکت‌های وضعی و انتقالیِ سریع خود، هم‌چون بستری برای استراحت بشر آماده شده است. ۵. در این آیات کوه‌ها «میخ» زمین معرفی شده‌اند؛ زیرا ریشه‌های عظیمی در زمین دارند و هم‌چون زرهی پوسته‌ی زمین را در برابر فشارهای ناشی از مواد مذاب درونی و نیروی جاذبه‌ی کرات دیگر نگاه می‌دارند و جلوی طوفان‌های بزرگ را می‌گیرند. زمین از تب لرزه آمد ستوه فرو کوفت بردامنش میخ کوه (سعدی) ۶. «ازواج» گاهی به معنای جفت‌ها، (جنس نر و ماده) و گاهی به معنای اصناف و انواع است و در این جا ممکن است به هر دو معنا باشد. آری؛ جفت بودن انسان‌ها موجب تداوم نسل آنها و مایه‌ی آرامش زن و مرد است، همان طور که اصناف مختلف انسان‌ها و روحیات، رنگ‌ها و نژادهای متفاوت آنها همگی از نشانه‌های قدرت خداست. ۷. واژه‌ی «سُبات» در اصل به معنای قطع کردن و نیز به معنای تعطیل کار و استراحت آمده است. آری؛ خواب موجب تعطیل شدن بخش قابل توجهی از فعالیت‌های جسمی و روحی و در نتیجه موجب تجدید قوا و نشاط و رفع خستگی می‌گردد. هر چند هنوز همه‌ی اسرار خواب کشف نشده است اما خواب نقش زیادی در سلامت انسان دارد و کمبود آن موجب ناراحتی و بیماری می‌شود. ۸. این آیات شب را پوشش و لباس و روز را وقت تلاش و زندگی معرفی کرده‌اند. آری؛ شب پوششی برای زمین و انسان است و

موجب تعطیلی یا کاهش بسیاری از فعالیت‌ها می‌شود و تاریکی شب زمینه‌ساز خوابی آرام‌بخش است. اما روشنایی روز موجب جنب و جوش موجودات و زندگی‌آفرین است، هر چند برخی افراد به خاطر انجام وظایف مهمی ناچارند شب‌ها بیدار بمانند و کار کنند و در روز استراحت نمایند اما این موارد استثنا است و استمرار آن موجب رنجور شدن انسان می‌شود و روش صحیح، خوابیدن در شب و کار در روز است. شب از بهر آسایش توست و روز مه روشن و مهر گیتی فروز (سعدی) ۹. مقصود این آیات از هفت چیز سخت بالای سر انسان چیست؟ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶ مفسران در این مورد چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) مقصود همان هفت آسمان است که کهکشان‌ها و ستارگانی که در شب می‌بینیم همگی جزء آسمان اول‌اند. «۱» ب) منظور آسمان‌ها و کرات زیادی هستند که با نظامی محکم و استوار بنا شده‌اند. «۲» ج) مقصود طبقات متعدد جوّ زمین‌اند که در همان حال رقیق بودن، دارای استحکام خاصی هستند که حتی شهاب‌سنگ‌ها را نابود می‌سازند و هم‌چون سقفی پولادین از زمین محافظت می‌کنند. «۳» ۱۰. خورشید هم چون چراغ فروزانی زمین را از نور و حرارت خویش بهره‌مند می‌سازد «۴» نور و حرارتی که موجب رشد گیاهان و انسان‌ها و موجب پیدایش ابرها و نزول باران می‌شود و اشعه‌های خاص آن میکرب‌کش است و غالباً به صورت متعادل به زمین می‌رسد و انسان‌ها را نه می‌سوزاند و نه در سرمای شدید نگاه می‌دارد. ۱۱. «مُعصرات» در اصل به معنای فشار است و اشاره به ابرهای باران‌زا است که خود را می‌فشارد تا باران از آن بیرون ریزد یا آماده‌ی ریزش باران است؛ «۵» بارانی که موجب رویش گیاهان و درختان می‌شود و غذای انسان را تأمین و زمین را سرسبز و هوا را لطیف می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات زمین‌شناسی، کیهان‌شناسی و زیست‌شناسی، خداشناس (و معادباور) شوید. ۲. در آرامش زمین، استواری کوه‌ها، نور و حرارت خورشید و سختی آسمان‌ها دقت کنید و درس خداشناسی بیاموزید. ۳. با دقت در زوجیت و خواب خود، نشانه‌های قدرت خدا را بنگرید. ۴. روز برای تلاش و کار و شب برای پوشش (و خواب) شماست. ۵. از زنده شدن زمین به وسیله‌ی باران به قدرت خدا برای زنده کردن موجودات در رستاخیز پی ببرید. *** قرآن کریم در آیات هفدهم تا بیستم سوره‌ی نبأ به روز جدایی در رستاخیز و ویژگی‌ها و حوادث آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷- ۲۰. إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتاً* يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجاً* وَفُتِحَتِ السَّماءُ فَكَانَتْ أَبْوَاباً* وَسُيِّرَتِ الْجِبالُ فَكَانَتْ سَرَاباً در حقیقت، روز جدایی، میعادگاه است.* روزی که در شیپور (رستاخیز) دمیده می‌شود و گروه گروه می‌آیید؛* و آسمان گشوده شود و درهایی (پیدا) شود؛* و کوه‌ها روان شود و سراب گردند؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از نام‌های رستاخیز «یَوم الفَصل» (روز جدایی) است. جدایی حق از باطل و مؤمنان از کافران و هر کسی از پدر و مادر و برادر خویش. ۲. «نفخ صُور» به معنای دمیدن در شیپور است که نوعی اعلام است برای حرکت یا توقف لشکر. از آیات قرآن استفاده می‌شود که دو بار در شیپور دمیده می‌شود: یک بار در آستانه‌ی رستاخیز برای اعلام مرگ همه‌ی موجودات زنده و بار دیگر برای زنده شدن موجودات برای برپایی رستاخیز. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸ آیه‌ی فوق به نَفْخ صُور دوم اشاره دارد که با دمیدن در شیپور، همه‌ی مردم زنده شده، گروه گروه در صحنه‌ی رستاخیز حاضر می‌شوند. چون برآید آفتاب رستخیز برجهند از خاکْ خوب و زشت تیز (مولوی) ۳. چرا در این آیه بیان شده که مردم به صورت دسته جمعی و گروه گروه برای رستاخیز می‌آیند، اما در برخی دیگر از آیات قرآن بیان شده که مردم به صورت فردی وارد رستاخیز می‌شوند؟ «۱» قیامت ایستگاه‌ها و مواقف متعددی دارد که در برخی گروهی و در برخی فردی وارد می‌شوند و ممکن است به این دلیل باشد که مردم در هنگام حساب‌رسی تنها در برابر دادگاه عدل الهی حاضر می‌شوند و یا این که مقصود، جدا شدن از دوستان و یاوران است. ۴. منظور از درهای آسمان چیست؟ مفسران قرآن در پاسخ این پرسش چند پاسخ داده‌اند: الف) مقصود از درهای آسمان، درهای عالم غیب و شهود است، که در رستاخیز پرده‌ها کنار می‌روند و راه‌های عالم غیب نمایان می‌شوند. «۲» ب) مقصود شکافته شدن آسمان است، یعنی کرات آسمانی متلاشی می‌شوند و آن‌قدر شکاف‌ها ظاهر می‌شوند که گویا سرتاسر آسمان به درهایی تبدیل شده است. «۳» به عبارت دیگر، گویا در رستاخیز انسان از کره‌ی خاکی آزاد

می‌شود و درهای سفر به آسمان‌ها به روی او گشوده می‌شود. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹ ۵. کوه‌ها در آستانه‌ی رستاخیز از هم متلاشی می‌شوند و به حرکت در می‌آیند، سپس هم‌چون سرابی دیده می‌شوند؛ البته آغاز متلاشی شدن کوه‌ها در هنگام شیپور اول است اما پایان آن، یعنی سراب شدن آنها، در هنگام شیپور دوم است. «۱» ۶. «سراب» در اصل به معنای راه رفتن در سراشیبی است، ولی از آن جا که در بیابان هنگامی که انسان در سراشیبی راه می‌رود، در اثر شکست نور خورشید، از دور آب‌نما می‌بیند. به این پدیده سراب گفته می‌شود. ۷. حکایت شده که از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آیه‌ی فوق پرسش شد و حضرت فرمودند: امت من به ده صورت در محشر حاضر می‌شوند: برخی مثل میمون و برخی مثل خوک و برخی وارونه و برخی نابینا و برخی ناشنوا و غیرعاقل و برخی زبان و دست‌های خود را می‌جوند و برخی آویزان بر آتش و برخی بدبو هستند. سپس گناهان هر گروه را بر شمرد. «۲» آری؛ گناهان انسان در روز رستاخیز تجسم می‌یابد و گاهی صورت فرد گناهکار را تغییر می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز جدایی‌هاست. ۲. رستاخیز وعده‌گاه شماست (پس خود را برای آن روز آماده سازید). ۳. رستاخیز با اعلام عمومی و حرکت گروهی مردم شروع می‌شود. ۴. حرکت کوه‌ها و گشوده شدن درهای آسمان از نشانه‌های رستاخیز است. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰ قرآن کریم در آیات بیست و یکم تا سی‌ام سوره‌ی نبأ به حالات طغیان‌گران در دنیا و دوزخ و ثبت اعمال آنان و کمینگاه بودن دوزخ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱- ۳۰. إِنَّ جَهَنَّمَ کَانَتْ مِرْصَاداً* لِلطَّاغِینَ مَآبَاً* لَابِثِینَ فِیهَا أَحْقَاباً* لَا یَذُوقُونَ فِیهَا بَرْداً وَلَا شَرَاباً* إِلَّا حَمِیماً وَغَسَّاقاً* جَزَاءً وِفَاقاً* إِنَّهُمْ کَانُوا لَا یَرْجُونَ حِسَاباً* وَکَذَّبُوا بِآیَاتِنَا کِذَّاباً* وَکُلَّ شَیءٍ أَحْصَیْنَاهُ کِتَاباً* فَذُوقُوا فَلَن نَّزِیدَکُمْ إِلَّا عَذَاباً در حقیقت، جهنم کمینگاه است؛* بازگشتگاهی برای طغیان گران است؛* در حالی که در آن‌جا مدّت‌های طولانی درنگ می‌کنند.* در آن‌جا هیچ سردی و نوشابه‌ای نمی‌چشند،* جز آبی سوزان و چرکاب؛* (این) کیفری موافق (اعمالشان) است.* [چرا] که آنان هرگز امیدی به حساب نداشتند،* و آیات ما را کاملًا تکذیب کردند.* و هر چیزی را در کتابی برشمرده‌ایم؛* پس (به آنان گفته می‌شود:) بچشید که جز عذاب بر شما نمی‌افزاییم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات چند ویژگی برای دوزخ بیان شده است: الف) کمینگاهی است که در راه خلافکاران سرکش بسیار کمین می‌کند و آنان را به آتش خویش گرفتار می‌سازد. «۱» ب) محل بازگشت و قرارگاه طغیانگران است. ج) در دوزخ نوشیدنی خنک یافت نمی‌شود و خوراک دوزخیان آب سوزان و خوناب است. ۲. چرا در این آیات بیان شده که طغیان‌گران ده‌ها سال در آتش دوزخ می‌مانند، «۲» در حالی که در برخی دیگر از آیات قرآن به جاودان بودن عذاب دوزخیان اشاره شده است؟ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱ برخی مفسران در پاسخ گفته‌اند که مقصود این آیات آن است که زمان عذاب طغیانگران پی‌درپی می‌آید ولی تمام نمی‌شود. «۱» اما از امام باقر علیه السلام روایت شده که مقصود آیه گناهکارانی است که سرانجام از دوزخ نجات می‌یابند «۲» (نه کافرانی که همیشه در دوزخ می‌مانند). ۳. غذای دوزخیان آب سوزان و چرک و خونی است که از زخم‌ها جاری می‌شود و یا مایعات بد بو. ۴. عذاب‌های دوزخیان به خاطر اعمال و عقاید آنهاست؛ یعنی عکس‌العمل کارهای آنان، بلکه تجسم اعمالشان است و ظلمی در حق آنها نمی‌شود. نگیرد هیچ کس در دامن محشر گریبانت اگر دامان خود را جمع‌سازی غنچه وار این جا ۵. در این آیات به دو عامل عذاب دوزخیان اشاره شده است: الف) آنان حساب رستاخیز را باور نداشتند و از آن روز غفلت کرده، هراسی به دل راه نمی‌دادند «۳» و از این رو دست به هر گناهی می‌زدند. ب) آنان نشانه‌های خدا و آیات او در زمینه‌ی توحید، نبوت و معاد را تکذیب می‌کردند، تا با پیروی از هوا و هوس خود، هر گناهی را مرتکب شوند. ۶. همه چیز، از جمله اعمال انسان‌ها، در کتابی شمارش و ثبت می‌شود تا در رستاخیز به حساب آنها رسیدگی و کیفر و پاداش مناسب به آنان داده شود. پس مجازات طغیانگران براساس علم و حساب است. ۷. در این آیات بیان شده که مرتب بر عذاب طغیانگران در دوزخ افزوده می‌شود. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲ این آیه شدیدترین آیه‌ای است که در قرآن درباره‌ی دوزخیان آمده است. «۱» ۸. امام خمینی رحمه الله در مورد دوزخ می‌نویسند: وجود جهنّم و

عذاب الیم آن از ضروریات جمیع ادیان و واضحات برهان است و اصحاب مکاشفه و ارباب قلوب، در همین عالم نمونه‌ی آن را دیده‌اند. درست تصور کن و تدبّر کن ... اگر احتمال صحّت هم بدهی، نباید مثل دیوانه‌ها سر به بیابان بگذاری؟ چه شده که ما این‌قدر در خواب غفلت و جهالتیم؟! ... ما را چه شده که هیچ حیا نکرده، در محضر ربوبیت، این‌قدر هتک حرمات و نوامیس الهی را می‌کنیم؟ «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از کمینگاه دوزخ بهراسید. ۲. سرکشی، تکذیب‌گری و معاد ناباوری زمینه‌ساز ورود به آتش است. ۳. اگر می‌خواهید دوزخی نشوید، از روز رستاخیز حساب ببرید. ۴. دوزخیان آسایش نخواهند داشت و همواره بر عذاب آنان افزوده می‌شود. ۵. همه چیز شما ثبت می‌شود (پس مراقب اعمال خود باشید). *** قرآن کریم در آیات سی و یکم تا سی و ششم سوره‌ی نبأ به پاداش‌های پارسایان در بهشت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۱- ۳۶. إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازاً* حَدَائِقَ وَأَعْنَاباً* وَكَوَاعِبَ أَتْرَاباً* وَكَأْساً دِهَاقاً* لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْواً وَلَا كِذَّاباً* جَزَاءً مِن رَبِّكَ عَطَاءً حِسَاباً تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۳ در حقیقت، برای خودنگه‌داران کام‌یابی است.* (همان) باغ‌ها و انگورها،* و (دختران) نوجوان هم‌سال،* و جامی پُر (از شراب بهشتی).* که در آن‌جا هیچ بیهودگی و تکذیبی نمی‌شنوند.* (این) پاداشی است از سوی پروردگارت، در حالی که بخششی حساب شده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقایسه و مقابله‌ی فرجام نیکان و بدان است. در این آیات نیز سرنوشت پارسایان در برابر سرنوشت طغیان‌گران به تصویر کشیده شده تا مردم بهتر بتوانند راه خود را انتخاب کنند. ۲. در این آیات چند نعمت بهشتی پارسایان برشمرده شده است: الف) رستگاری و پیروزی بزرگ آنان آن است که از انحرافات و دوزخ نجات یافتند و راه خیر و سلامت و سعادت را پیمودند و وارد بهشت شدند. «۱» ب) باغ‌های خرم و انگورهای متنوع است که برای پارسایان در بهشت آماده شده است. ج) حوریان نیکوی بهشتی، یعنی دوشیزگانی نوجوان و هم سن و سال که به همسری پارسایان درمی‌آیند. «۲» د) شراب طهور بهشتی که در جام‌هایی لبریز، صاف و زلال پی‌درپی برای پارسایان می‌آورند؛ «۳» شرابی که عقل‌آور و نشاط‌آفرین است و نوشیدن آن موجب مستی و بیهوده‌گویی و دروغ‌گویی نمی‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۴ ه) محیط سالم بهشت که از آلودگی‌های صوتی پیرایش شده است؛ یعنی در آن جا سخنان باطل و دروغ و تکذیب به گوش نمی‌رسد. «۱» ۳. در میان میوه‌های بهشتی از انگور نام برده شده است که اهمیت این میوه را نشان می‌دهد. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده «که بهترین میوه‌ی شما انگور است.» «۲» غذاشناسان نیز برآن‌اند که انگور یک غذای کامل است و خواص درمانی نیز دارد. ۴. بخشی از نعمت‌های بهشتی پاداش اعمال پارسایان است ولی بخشی دیگر از هدایای کافی و حساب شده‌ی الهی است؛ «۳» یعنی اعمال انسان‌ها آن‌قدر زیاد نیست که در برابر این نعمت‌های الهی قرار گیرد از این رو لطف الهی شامل حال پارسایان می‌شود. ۵. از امام علی علیه السلام روایت شده: در رستاخیز نیکی‌های مؤمنان را حساب می‌کنند و در برابر هر نیکی ده تا هفتصد برابر پاداش می‌دهند. سپس به آیه‌ی فوق اشاره کردند. «۴» نکوکاری از مردم نیک‌رأی یکی را به ده می‌نویسد خدای (سعدی) تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۵ ۶. در آیات پیشین در مورد عذاب‌های طغیان‌گران فرمود: «این‌ها کیفر مناسب اعمال آنهاست.»، اما در مورد بهشتیان، علاوه بر پاداش، هدایای حساب شده می‌دهد. آری؛ خدا با گناهکاران به عدل رفتار می‌کند ولی با پارسایان به فضل. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر نعمت‌های بهشتی می‌خواهید، پارسا شوید. ۲. پارسایی و تقوا زمینه‌ساز رستگاری و کام‌یابی است. ۳. بهشت را به بها می‌دهند (نه به بهانه). ۴. در محیط بهشت آلودگی صوتی وجود ندارد. ۵. خدا به پارسایان علاوه بر پاداش اعمالشان، هدایایی حساب شده می‌دهد. *** قرآن کریم در آیات سی و هفتم و سی و هشتم سوره‌ی نبأ به ویژگی‌های رستاخیز و ضوابط سخن گفتن در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۷ و ۳۸. رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَاباً* يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفّاً لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَقَالَ صَوَاباً (همان) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در بین آن دو است؛ (همان خدای) گسترده‌مهر؛ در حالی که از جانب او (اجازه‌ی) سخن گفتن ندارند.* روزی که روح و فرشتگان صف کشیده به پا می‌خیزند، در حالی که سخن نمی‌گویند جز کسی که (خدای) گسترده‌مهر به او رخصت دهد و مطابقِ واقع

بگوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سخن گفتن در محضر خدا آداب و ضوابطی دارد؛ ضوابطی که فرشتگان در رستاخیز رعایت می‌کنند؛ یعنی بدون رخصت الهی سخن نمی‌گویند و هر گاه اجازه‌ی سخن گفتن یافتند سخنان درست و مطابق واقع و حق می‌گویند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۶ ۲. سخن گفتن افراد با ربوبیت و رحمت گسترده‌ی الهی ارتباط دارد؛ یعنی نطق و قدرت سخن گفتن یکی از مظاهر رحمت خداست که به وسیله‌ی آن پرورش یافته، رشد و تکامل می‌یابند. ۳. همه‌ی اهل آسمان‌ها و زمین، پارسایان و طغیانگران، در رستاخیز، حقّ سخن گفتن ندارند؛ زیرا از طرفی حساب الهی دقیق و عادلانه است و جای سخن و اعتراض باقی نمی‌گذارد و از طرف دیگر باید در پیشگاه الهی ادب را رعایت بکنند و بدون رخصت سخن نگویند. ۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده که در مورد آیه‌ی فوق فرمودند: به خدا سوگند! در روز رستاخیز به ما اجازه‌ی سخن گفتن داده می‌شود (سپس توضیح دادند که) ما ستایش پروردگار می‌نماییم و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود می‌فرستیم و برای پیروان خود شفاعت می‌کنیم و خدا تقاضای ما را رد نمی‌کند. «۱» ۵. مقصود از به پاخاستن فرشتگان و روح در یک صف در پیشگاه خدا، آن است که آنان آماده‌ی اجرای دستورات الهی می‌شوند و همگی ساکت و گوش به فرمان هستند. ۶. مقصود از «روح» در این آیات، فرشته‌ای برتر از همه‌ی فرشتگان است، «۲» که براساس روایات، از جبرئیل نیز برتر است و با پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام همراه بوده و در رستاخیز نیز آماده‌ی اجرای فرمان الهی است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۷ ۷. شاید این آیات به عصمت فرشتگان اشاره داشته باشند، که آنان تسلیم محض خدا هستند و بدون اجازه‌ی او سخن نمی‌گویند و سخن صواب می‌گویند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر خدا، بدون اجازه و سخنان ناصواب نگویید. ۲. سخن گفتن افراد با ربوبیت و رحمت گسترده‌ی الهی ارتباط دارد. ۳. فرشتگان آداب حضور در پیشگاه خدا را کاملًا رعایت می‌کنند. ۴. فرشتگان معصوم هستند. *** قرآن کریم در آیات سی و نهم و چهلم سوره‌ی نبأ به آزادی انسان در انتخاب راه و حقانیت رستاخیز و تجسم اعمال و پشیمانی کافران در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۹ و ۴۰: ذلِکَ الْیَوْمُ الْحَقُّ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَی رَبِّهِ مَآباً* إِنَّا أَنذَرْنَاکُمْ عَذَاباً قَرِیباً یَوْمَ یَنظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ یَدَاهُ وَیَقُولُ الْکَافِرُ یَالَیْتَنِی کُنتُ تُرَاباً آن روز حق است؛ پس هر کس بخواهد (راه) بازگشتی به سوی پروردگارش برگزیند.* درحقیقت، ما شما را به عذابی نزدیک هشدار دادیم؛ روزی که انسان به دستاورد پیشین خود می‌نگرد، و کافر می‌گوید: «ای (مردم) کاش من خاک بودم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. رستاخیز حق است؛ یعنی ثابت و مطابق واقع است که تحقق می‌یابد. در آن روز حق هر کس به او داده می‌شود و حقایق و اسرار آشکار می‌شود. ۲. انسان دارای آزادی اراده است؛ یعنی با توجه به عقل و فطرت و راه‌نمایی پیامبران راه برای انسان روشن شده است و هر کس بخواهد تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۸ می‌تواند راه صحیح و هدایت را در پیش گیرد و به سوی خدا بازگردد «۱» و هر کس بخواهد می‌تواند راه سرکشی و گناه و دوزخ را در پیش بگیرد. ۳. منظور از بازگشت در این آیه، بازگشت تکوینی نیست؛ زیرا فرجام همگان خواه ناخواه به سوی خداست. مقصود بازگشت به دین الهی و توبه و حرکت تکاملی به سوی خداست که در اختیار انسان است. ۴. عذاب رستاخیز نزدیک است؛ عمر دنیا هر اندازه باشد در برابر خدا و رستاخیز کوتاه است، بلکه هم اکنون دوزخ کافران را احاطه کرده است. «۲» ۵. در رستاخیز اعمال انسان به صورت‌های مناسب تجسم می‌یابد و در برابر او ظاهر می‌شود و انسان دست‌آورد خویش را می‌بیند. در این روز نیکوکاران شاد و بدکاران گرفتار پشیمانی و حسرت می‌شوند. آری؛ همان اعمال گناه‌آلود است که در رستاخیز به صورت کیفر و عذاب درمی‌آید و آنان را گرفتار می‌سازد. «۳» پیشه‌ها و خُلق‌ها هم‌چون جهیز سوی خصم آیند روز رستاخیز ۶. تعبیر «چیزی که انسان با دستانش پیش فرستاده است.»، اشاره به آن است که انسان غالباً کارها را با دست خویش انجام می‌دهد، وگرنه همه‌ی کارهای دست و زبان و چشم و گوش مشمول این قانون است و انسان اعمالش را در رستاخیز می‌بیند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۹ ۷. کافران در رستاخیز پشیمان می‌شوند و آرزو می‌کنند که ای کاش خاک بودند و هرگز انسانِ کافرِ گناهکار نشده بودند که اکنون گرفتار عذاب الهی شوند. آری؛ انسانی که برترین موجودات است ممکن است کارش به

جایی برسـد که آرزو کنـد به خاک تبدیل شود. خاک از انسان کافر بهتر است؛ زیرا منبع مواد غذایی و معادن و بستر انسان است و به دیگران سـتم نمی‌کنـد اما گاهی افراد کافر هیـچ خیری برای هم‌نوعان خود ندارنـد و بلکه بر اثر سـتمکاری و سرکشـی، جامعه‌ی بشـری و جهان را به ورطه‌ی نابودی می‌کشانند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسـان در انتخاب راهِ کمال‌آفرین الهی آزاد است. ۲. رستاخیز حتمـاً واقع می‌شـود (پس برای آن روز تـوشه‌ای برگیریـد). ۳. عـذاب رسـتاخیز نزدیـک است (پس برای گناهـان خـود چاره‌ای بیندیشید). ۴. رسـتاخیز روز تجسم اعمال است (پس مراقب باشـید که در دنیا چه می‌کنید). ۵. رسـتاخیز روز پشیمانی کافران است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۱

بخش دوم: سوره‌ی نازعات

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «نازعات» در مکه بر پیامبراسـلام صـلی الله علیه و آله نازل شـد و دارای ۴۶ آیه، ۱۳۹ کلمه و ۷۵۳ حرف است. این سوره هشـتادمین سوره در ترتیل نزول (بعـد از سوره‌ی «نبأ» و قبل از سوره‌ی «انفطار») و هفتاد و نهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «نازعات» (از جاکنـدن) است و از آیه‌ی اول آن گرفته شـده است. تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۲

فضیلت

فضـیلت: از امـام صادق علیه السـلام روایت شـده: هرکس سوره‌ی نازعات را بخوانـد، سـیراب از دنیا می‌رود و در رسـتاخیز سـیراب می‌آید و سـیراب وارد بهشت می‌شود. «۱» البته این آثار برای کسـی است که این سوره را بخوانـد و به محتوای آن معتقد شود و در مسیر اهداف آن گام بردارد، که در این صورت از رحمت الهی سیراب خواهد شد.

اهداف

اهداف: محوری‌ترین هدف این سوره مسئله‌ی معاد و تأکید بر تحقّق آن است.

مطالب

مطالب: الف) عقایـد: ۱. بیـان مطـالبی دربـاره‌ی معـاد و مجهـول بودن تاریـخ وقوع آن (در آیـات ۶- ۴۶)؛ ۲. اشـاره‌ای به حوادث وحشـتناک رستاخیز (در آیات ۳۴ و ۳۶)؛ ۳. اشـاره‌ای به مظاهر قـدرت خـدا به عنوان دلایل معاد (در آیات ۲۷- ۳۳). ب) داستان: اشـاره‌ای بر مبارزات موسـی با فرعون و لزوم عبرت‌آموزی از آن (در آیات ۱۵- ۲۲). ج) مطالب فرعی: ۱. مبارزه با نفس و پاداش آن (در آیات ۴۰ و ۴۱)؛ ۲. اشاره به شبهات منکران معاد (در آیات ۱۰- ۱۴). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۳

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی نازعـات قرآن کریم در آیـات اول تا نهم سوره‌ی نازعات با سوگنـدهای مکرر به حقّانیّت رسـتاخیز و حوادث هولناک آن اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۱- ۹. وَالنَّازِعَاتِ غَرْقاً* وَالنَّاشِـطَاتِ نَشْـطاً* وَالسَّابِحَاتِ سَبْحاً* فَالسَّابِقَاتِ سَبْقاً* فَالْمُدَبِّرَاتِ

أَمْراً* یَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَهُ* تَتْبَعُهَا الرَّادِفَهُ* قُلُوبٌ یَوْمَئِذٍ وَاجِفَهٌ* أَبْصَارُهَا خَاشِعَهٌ سوگند به گیرندگان سخت‌گیر!* سوگند به بازستانان نرم گیر!* سوگند به شناوران تندرو!* و پیشی گیرندگان پیشتاز!* و تدبیر کنندگان کار [ها]!* روزی که لرزاننده می‌لرزاند،* در حالی که (لرزاننده‌ی) دنباله‌رو در پی آن درآید.* در آن روز دل‌های مضطرب،* دیدگانشان فروتن است، نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد پنج آیه‌ی نخست این سوره سه تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) منظور این آیات فرشتگان الهی‌اند که درهنگام گرفتن جان کافران به سختی عمل می‌کنند؛ ولی روح مؤمنان را با نرمی و نشاط می‌گیرند و در اجرای فرمان الهی با سرعت عمل می‌کنند و بر یک‌دیگر پیشی می‌گیرند و امور جهان را تدبیر می‌کنند. ب) مقصود آیات، ستارگان آسمان‌اند که از افق‌ها کنده شده، به نرمی در فضا شناور می‌شوند و بریک‌دیگر پیشی می‌گیرند و (به فرمان خدا با نور و حرارت خود) امور جهان را تدبیر می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۴ ج) منظور این آیات مجاهدان راه خدا هستند که از خانه‌های خود کنده می‌شوند و بانشاط راهی میدان نبرد می‌شوند و بر یک‌دیگر سبقت می‌گیرند و امور جنگ را تدبیر می‌کنند. «۱» البته مانعی ندارد که این آیات اشاره به هرسه تفسیر باشد؛ یعنی آیات مطلبی کلی را بیان می‌کنند که هرکدام از این‌ها یک مصداق آن است. اما تفسیر اول مناسب‌تر است؛ چون احادیث متعددی آن را تأیید می‌کنند. «۲» ۲. خدای متعال سخنانش حق است و نیازی به سوگند ندارد ولی گاهی برای تأکید بر مطلب و یا جلب توجه به امری خاص و نشان دادن اهمیت آن، سوگند یاد می‌کند؛ و در این جا به فرشتگان و کارهای آنان سوگند یاد می‌کند تا بر وقوع رستاخیز و حتمی بودن آن تأکید کند. «۳» ۳. در این آیات به دو حادثه‌ی بزرگ در آستانه‌ی رستاخیز اشاره شده است: الف) زمین‌لرزه‌ای هولناک، که اشاره به نفخ صور اول است. با دمیدن شیپور و اعلام عمومی، نظام جهان درهم می‌ریزد و همه‌ی موجودات می‌میرند. ب) حادثه‌ای بزرگ که به دنبال آن می‌آید. در این جا اشاره به نفخ صور دوم است که با دمیدن شیپور و اعلام عمومی، همه‌ی موجودات زنده شده، رستاخیز شروع می‌شود. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۵ از خاک برویند در این دور خلایق کین نفخه‌ی صورست که کردست صدایی ۴. در رستاخیز دل‌های خلافکاران به شدّت می‌لرزد؛ چون نگران حساب و کیفرخود هستند و از این رو چشمان آنها از شدّت ترس به زیر افتاده، فروتن گشته و از حرکت باز ایستاده است. آری؛ کسانی که در دنیا مردم را به وحشت می‌انداختند، امروز ترسان و لرزان می‌شوند و کسانی که سرکشی می‌کردند، امروز از ترس فروتن می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد کارهای فرشتگان الهی مطالعه کنید (تا به قدرت خدا پی ببرید و معاد شناس شوید). ۲. حرکت، نشاط، سبقت و تدبیر را از فرشتگان الهی بیاموزید. ۳. رستاخیز با حوادث هولناک پی‌درپی آغاز می‌شود. ۴. حوادث رستاخیز، بردل‌ها لرزه می‌افکند و سرکشان را فروتن می‌سازد. *** قرآن کریم درآیات دهم تا چهاردهم سوره‌ی نازعات با بیان بهانه تراشی منکران معاد، به ناگهانی بودن رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰- ۱۴. یَقُولُونَ ءَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِی الْحَافِرَهِ* ءَإِذَا کُنَّا عِظَاماً نَخِرَهً* قَالُوا تِلْکَ إِذاً کَرَّهٌ خَاسِرَهٌ* فَإِنَّمَا هِیَ زَجْرَهٌ وَاحِدَهٌ* فَإِذَا هُم بِالسَّاهِرَهِ در حالی که می‌گویند: «آیا قطعاً، ما به حالت نخستین (زندگی) بازگردانده می‌شویم؟!* آیا هنگامی که استخوان‌های پوسیده‌ای شدیم؟!»* گفتند: «در آن صورت، آن (رستاخیز) بازگشتی زیانبار است!»* و [لی آن (رستاخیز) تنها یک خروش است!* و ناگهان آنان بر روی زمین (رستاخیز) هستند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. منکران معاد، دلیل منطقی برای انکار رستاخیز ندارند، بلکه معمولًا بهانه‌تراشی و شبهه‌افکنی می‌کنند و رستاخیز را بعید می‌شمارند و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۶ می‌گویند: هنگامی که ما مردیم و استخوان پوسیده و پراکنده شدیم چگونه بار دیگر ذرات بدن ما جمع‌آوری و زنده می‌شود؟! در حالی که اگر آنان به قدرت و علم بی‌کران الهی توجه می‌کردند، می‌فهمیدند که این کارها برای خدا آسان است و زنده شدن در رستاخیز بعید نیست. ۲. منکران معاد رستاخیز را روزی «زیان آور» می‌دانستند و گاهی این سخن را بر زبان می‌آوردند. «۱» این تعبیر ممکن است نوعی ریشخند نسبت به رستاخیز باشد (یعنی آنان می‌گویند: اگر رستاخیزی باشد ما گرفتار عذاب می‌شویم و برای ما سخت است!) و یا اشکالی بر رستاخیز باشد که بازگشت به زندگی، کاری تکراری و بیهوده است «۲» و چرا خدا همین زندگی را ادامه نمی‌دهد؟!

ولی آنان نمی‌دانستند که قیامت مرحله‌ی تکاملی دنیاست و برای رسیدگی به اعمال و دادن پاداش و کیفر ضروری است. در هر صورت، رستاخیز برای کافران روزی سخت و زیانبار است؛ چون به کیفر اعمال خود می‌رسند و گرفتار عذاب می‌شوند. «۳» چو بد کردی مباش ایمن ز آفات که واجب شد طبیعت را مکافات سپهر آیینه‌ی عدل است، شاید که هر چه از تو بیند وانماید ۳. وقوع رستاخیز برای خدا مشکل نیست بلکه وقتی بانگ عظیم (نفخه‌ی صور دوم) واقع شود، ناگهان همه‌ی موجودات، زنده و در رستاخیز حاضر می‌شوند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منکران معاد، در برابر آن، شبهه‌پراکنی و بهانه‌تراشی می‌کنند (و دلیل منطقی ندارند). ۲. رستاخیز برای کافران روزی زیانبار است (پس مراقب اعمال خود باشند). ۳. رستاخیز حادثه‌ای ناگهانی است (پس خود را برای آن روز آماده سازید). ۴. برپا شدن رستاخیز برای خدا آسان است و با یک بانگ به‌پا می‌شود. *** قرآن کریم درآیات پانزدهم تا بیستم سوره‌ی نازعات به اهداف مبارزه‌ی موسی با فرعون و شیوه‌ی او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵- ۲۰. هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوىً* اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقُلْ هَل لَّكَ إِلَى أَن تَزَكَّى وَأَهْدِيَكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى فَأَرَاهُ الآيَةَ الْكُبْرَى آیا خبر موسی به تو رسیده است؟!* هنگامی که پروردگارش او را در سرزمین مقدس «طُوی ندا داد:* (که) به سوی فرعون برو که او طغیان کرده است؛* و بگو: «آیا برای تو [میلی به سوی [پاک شدن و] رشد یافتن هست؟!* و (این‌که) تو را به سوی پروردگارت راه‌نمایی کنم، پس بهراسی؟!»* و (موسی) نشانه (معجزه آسای) بزرگ‌تر را به او نمایاند؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل شبهات مشرکان و مخالفان اسلام در مورد معاد بیان شد، ولی این روش قرآن است که مکرر سرگذشت مخالفان پیامبران الهی را یادآور می‌شود تا هشداری برای مخالفان اسلام باشد و فرجام عذاب‌آلود آنان را ببینند و عبرت بگیرند. ۲. قرآن کریم در سوره‌های متعددی به سرگذشت موسی علیه السلام و مبارزات تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۸ او با فرعون اشاره کرده است. «۱» این مطلب اهمیت این ماجرا و عبرت‌آموز بودن آن را نشان می‌دهد. ۳. برنامه‌های تبلیغی موسی علیه السلام در چند مرحله تحقق یافته است: الف) رسالت و نبوت او در سرزمین مقدس طُوی بین مدین و مصر، با وحی بر موسی علیه السلام شروع شد و خدا با او سخن گفت. «۲» ب) مأموریت او برای مبارزه با فرعون بود؛ زیرا او سرکشی کرده بود و وظیفه‌ی پیامبران الهی است که با طغیانگر مبارزه کنند. ج) دعوت لطیف و تشویق‌آمیز فرعون به سوی پاکی و هدایت است، به طوری که موسی علیه السلام به او نمی‌گوید می‌خواهم تورا پاک کنم، بلکه می‌گوید: آیا می‌خواهی پاک شوی و رشدیابی؟ آری؛ پیامبران الهی باید با افراد سرکشی هم‌چون فرعون نیز، در مرتبه‌ی اول با لطف و هدایتگرانه سخن بگویند. «۳» به نرمی چو کاری توان برد پیش درشتی مجویید ز اندازه بیش د) معجزاتی هم‌چون عصای اژدهاگونه و دست سفید خویش را به فرعون نشان داد تا با دیدن این نشانه‌ها ایمان بیاورد. ۷. برای سعادت افراد، اول باید آنان را از آلودگی‌ها پاک و سپس به کوی دوست هدایت نمود. ۸. هراس از مقام و عذاب الهی، نتیجه‌ی هدایت انسان است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۵۹ ۹. موسی علیه السلام نخست با برخوردی عاطفی، فرعون را به سوی فطرت پاک هدایت کرد و در مرحله‌ی بعد به هدایت منطقی و قطعی او پرداخت و نشانه‌های معجزه‌آمیز و دلایل نبوّت خویش را به او نشان داد. درشتی و نرمی به هم‌در به است چو رگ‌زن که جراح و مرهم‌نِه است آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرگذشت موسی علیه السلام را مطالعه کنید و از آن عبرت بیاموزید. ۲. انسان می‌تواند به مقامی برسد که خدا با او سخن بگوید. ۳. برخی از مکان‌ها در زمین، مقدس است. ۴. وظیفه‌ی رهبران الهی مبارزه با سرکشان زمین است. ۵. برای تبلیغ و هدایت مردم از برخورد عاطفی شروع کنید سپس دلیل بیاورید. ۶. مردم را به سوی پاکی، رشد و پروردگار بخوانید (نه به سوی خویشتن). ۷. نتیجه‌ی هدایتگری شما هراس از (عذاب) خدا باشد. ۸. تزکیه، هدایت مردم و مبارزه با طغیان گران از اهداف رسالت است. ۹. در هنگام دلیل آوردن در برابر طاغوت، ابتدا بزرگ‌ترین دلیل خود را ارائه کنید. *** قرآن کریم در آیات بیست و یکم تا بیست و ششم سوره‌ی نازعات به واکنش منفی فرعون و ادعای خدایی او و فرجام عذاب‌آلود و عبرت‌آموز وی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱- ۲۶. فَكَذَّبَ وَعَصَى ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى فَحَشَرَ فَنَادَى فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ

الْآخِرَةِ وَالْأُولَى إِنَّ فِي ذلِكَ لَعِبْرَةً لِمَن يَخْشَى و [لی تکذیب کرد و نافرمانی نمود؛* سپس با کوشش پشت کرد،* و (مردم را) جمع کرد و نـدا داد،* و گفت: «من پروردگار والاتر شـما هسـتم.»* پس خدا او را به مجازات بازپسین و نخستین گرفتار ساخت.* قطعاً، در این (امور) عبرتی است برای کسـی که بهراسـد. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. این آیـات واکنش‌هـای منفی و متکبرانه‌ی فرعون در برابر دعوت هدایتگرانه‌ی موسـی علیه السلام را چنین برمی‌شمارد: الف) دروغ انگاشتن و تکذیب کردن موسی علیه السلام؛ ب) نافرمانی در برابر خـدا و پیامبر او؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۰ ج) پشت نمودن به آیین حق؛ د) تلاش برای مبارزه با موسـی علیه السـلام و آیین حقّ او؛ ه) گردآوری ساحران برای مبارزه با موسـی علیه السـلام و نیز دعوت مردم برای تماشای این مبارزه؛ «۱» و) این که فرعون ادعـای خـدایی کرد. همه‌ی این امور برخاسـته از روح تکبر، مقام‌پرستی و طغیان‌گری فرعون بود. ۲. گاهی انسان آن‌قـدر غافـل و متکـبّر می‌شود که هیـچ حـدّ و مرزی نمی‌شـناسد و نه تنهـا خود را خـدا، بلکه خـدای والاـتر، یعنی خـدای خـدایان می‌نامـد. فرعون ادعا می‌کرد «اگر شـما بت پرستید من از آنها بزرگ‌تر و قدرتمندتر هسـتم» وگاهی می‌گفت: «هیچ معبودی جز من نیست». «۲» آری؛ او ادعـای اولـوهیت و ربوبیت می‌کرد، ولی طعم تلـخ این کژراهه را چشـید و گرفتـار عـذاب دنیـا و آخرت شـد. زشتی‌ات پیـدا شد و رسوایی‌ات سـرنگون افتادی از بالایی‌ات ۳. مقصود از عـذاب «۳» بازپسـین و نخستین در مورد فرعون چیست؟ برخی مفسـران گفته‌انـد: فرعون دو بـار ادعـای الوهیت و ربوبیت کرد و آیه‌ی فوق اشاره به عـذاب‌های دنیوی این دو سـخن فرعون است، که در دنیـا گرفتار انواع عـذاب شـد و در نهایت نیز در رود نیل غرق گشت که در این مورد احادیثی نیز حکایت شـده است. «۴» امـا برخی از مفسـران برآنانـد که منظور از مجـازات بازپسین، عـذاب اخروی و منظور از مجازات نخستین همان عـذاب دنیوی فرعون است. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۱ ۴. «عبرت» به معنای عبور از ظاهر وقایع و رسیدن به ماورای آن است؛ یعنی انسان از پشت صحنه‌ی امور اطلاع یابد و پند بگیرد؛ و در این جا مقصود آن است که مردم از سرگذشت موسی علیه السلام و فرعون و فرجام عـذاب‌آلود او درس بیاموزنـد و بار دیگر راه فرعون را نپیمایند، که طبق قانون و سـنت الهی گرفتار همان سرنوشـت می‌شونـد. ای خوشا چشـمی که عبرت‌بین بود عبرت از نیک و بـدش آیین بود ۵. اگر کسـی در مورد آینـده‌ی خود تفکر کند و از عـذاب خـدا اندیشـناک باشـد، از مطالعه‌ی تاریـخ عبرت می‌آموزد، ولی کسـی که اهل انـدیشه و هراس از عـذاب الهی نیست و در غفلت به سـر می‌برد، از وقایع پندآموز تاریخ درس عبرت نمی‌گیرد. تو کز سـرای طبیعت نمی‌روی بیرون کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد؟ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. مخالفان پیامبران افرادی متکبّر بودنـد. ۲. مخالفان دین برای نابودی آن تلاش می‌کننـد. ۳. ممکن است کـار انسان‌هـای سـرکش به جـایی برسـد که ادعای خـدایی کننـد. ۴. فرجـام مخـالفت بـا رهـبران الهی، عـذاب‌آلود است. ۵. سرگـذشت فرعون را مطـالعه کنیـد و عـبرت بیاموزیـد. *** قرآن کریم در آیـات بیست و هفتم تـا سـی و سوم سوره‌ی نازعـات به نشانه‌های قدرت خدا در صـحنه‌ی آسمان و زمین و طبیعت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷- ۳۳. ءَأَنتُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمِ السَّماءُ بَنَاهَا* رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّاهَا* وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا* وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذلِكَ دَحَاهَا* أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا* وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا* مَتَاعاً لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ آیا آفرینش شـما سخت‌تر است یا آسـمان که (خـدا) آن را بنا کرد؟!* سـقف آن را برافراشت و آن را مرتّب نمود؛* و شبش را تاریک کرد و نیم‌روزش را بیرون تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۲ آورد؛* و بعد از آن، زمین را گسترش داد؛* آبش و گیاهش را از آن بیرون آورد؛* و کوه‌ها را اسـتوار ساخت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی دهم این سوره بهانه‌جویی و شبهه افکنی کافران در مورد امکان رستاخیز مطرح شد. آنان رستاخیز را بعید می‌شمردند و در مورد قدرت خدا برای بازگرداندن انسان‌ها تشـکیک می‌کردند. از این رو در آیات بعدی، نخست با یادآوری سرکشـی فرعون و فرجام عذاب‌آلود او، به مخالفان اسلام هشدار داد کـه اگر سرکشـی کننـد گرفتـار سـرنوشت فرعـون می‌شونـد. و اینـک نیز در این آیـات بـا یـادآوری نشانه‌هـای قـدرت خـدا به بهانه‌تراشـی مشـرکان در مورد معاد چنین پاسـخ می‌دهد: خدایی که آسـمان و زمین با عظمت را آفرید، قادر است بار دیگر شـما را زنده گرداند. ۲. در این آیات بیان شده که آفرینش کرات آسمانی و کهکشان‌های با عظمت، سخت‌تر از آفرینش انسان‌هاست؛ این

مطلبی است که اکثر مردم از آن غافل‌انـد «۱» و از آن جا که معرفت کافی به قدرت خدا ندارند، رستاخیز را بعید می‌شمرند. ۳. در این آیات درباره‌ی «سقف آسمان» سخن رانده شده که یا اشاره به جوّ زمین است و یا اشاره به فاصله‌ی زیاد کرات آسمانی از ما و مقصود از مرتب کردن آنها، همان نظم هوای اطراف زمین است که هم‌چون سقف محفوظی زمین را فراگرفته و یا تنظیم فاصله‌ی کرات آسمانی از زمین، مورد نظر است. برخی مفسران نیز از این تعبیر، کروی بودن زمین را برداشت کرده‌اند؛ چون تسویه، اشاره به فاصله‌ی مساوی اجزای این سقف نسبت به مرکز اصلی، یعنی زمین است و این بدون کرویت زمین ممکن نیست. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۳ ۴. در این آیات برخی از نعمت‌های الهی بیان شده است که هم قدرت الهی را به نمایش می‌گذارد و هم حس سپاس‌گزاری انسان را برمی‌انگیزد؛ خداست که شب‌های آسمان را کم نور یا تاریک قرار داد «۱» تا انسان از آرامش آن استفاده کند و روز را روشن ساخت تا انسان به زندگی و تلاش بپردازد و آب و گیاه از زمین بیرون آورد «۲» تا انسان از آنها استفاده کند و نیز حیوانات از آب و گیاه آن بخورند و سپس انسان‌ها از گوشت و شیر آنها بهره ببرند و سپاس او را بگویند. ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری ۵. «دحا» به دو معنای گستردن و تکان دادن آمده است، که اگر به معنای اول باشد اشاره به پیدایش خشکی‌های زمین از زیر آب دریاها و گسترش آنهاست و اگر به معنای تکان دادن باشد، اشاره به حرکت زمین است. ۶. در این آیات ویژگی ثابت بودن کوه‌ها مطرح شده است. آری؛ کوه‌ها که ریشه در زمین دارند، هم‌چون شبکه‌ای گسترده پوسته‌ی زمین را فراگرفته و آن را آرام نگاه داشته‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات کیهان‌شناسی و زمین‌شناسی، خداشناس و معادشناس شوید. ۲. خدایی که آسمان با عظمت را آفرید، قدرتمند است (و می‌تواند بار دیگر شما را در رستاخیز زنده کند). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۴ ۳. آفرینش آسمان منظم و پیدایش شب و روز و گسترش زمین و پیدایش آب و گیاه و کوه‌های استوار، از نعمت‌های الهی است که برای استفاده‌ی شما آفریده شده‌اند (تا خداشناس و سپاس‌گزار شوید). ۴. طبیعت مخصوص انسان نیست، بلکه حیوانات نیز از آن سهمی دارند. *** قرآن کریم در آیات سی و سوم تا چهل و یکم سوره‌ی نازعات به بیداری انسان در رستاخیز و سرنوشت دو گروه طغیانگران و پرهیزگاران اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۳- ۴۱. فَأَمَّا مَن طَغَى وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا* فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ مَا سَعَى وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَى (این‌ها) مایه‌ی بهره‌مندی برای شما و برای دام‌های شماست.* و هنگامی که (حادثه) دهشتناک بزرگ‌تر در رسد،* (همان) روزی که انسان کوشش خود را به یاد می‌آورد،* و دوزخ برای کسی که می‌بیند ظاهر می‌گردد.* و اما کسی که طغیان کرده،* و زندگی دنیا را برگزیده،* پس، در واقع، فقط دوزخ مقصد (او) است.* و اما کسی که از مقام پروردگارش ترسیده و نفس را از هوس منع کرده،* پس در حقیقت، تنها بهشت مقصد (او) است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از نام‌های رستاخیز «الطامّهُ الکُبری است. این واژه در اصل به معنای پرکردن است و به هرچیزی که در حد اعلی قرار گیرد، گفته می‌شود و در این جا مقصود رستاخیز است که پر از حوادث هولناک و بزرگ است. ۲. در روز رستاخیز پرده‌ها کنار می‌رود، انسان‌ها از خواب غفلت بیدار می‌شوند و نتیجه‌ی تلاش نیک و بد خویش را می‌بینند ولی این بیداری دیرهنگام و بی‌فایده است؛ چون راه بازگشت و توبه و جبران بسته است و جز افسوس چیزی در پی ندارد. روز محشر هر نهان پیدا شود هم ز خود هر مجرمی رسوا شود ۳. در رستاخیز حجاب‌ها برداشته می‌شود و دوزخ برای مردم آشکار می‌گردد و بدکاران جایگاه خود را در دوزخ می‌بینند. البته برخی از مردم در آن روز نابینا محشور می‌شوند «۱» و دوزخ را نمی‌بینند، ولی این در برخی از مواقف و ایستگاه‌های رستاخیز اتفاق می‌افتد. «۲» ۴. در این آیات مردم به دو گروه طغیانگران دنیاپرست و پارسایان تقسیم شده‌اند که فرجام گروه اول دوزخ و فرجام گروه دوم بهشت است. اما برخی انسان‌های باایمان، گناهکار نیز هستند که جزء هیچ کدام از این دو گروه به شمار نمی‌آیند. این افراد نیز، به یکی از دو گروه بهشتی یا دوزخی می‌پیوندند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز، روز حوادث بزرگ و

بیداری انسان از غفلت‌ها و دیدن دوزخ است. ۲. نتیجه‌ی کارهایتان را در رستاخیز می‌بینید. ۳. انسان‌ها دو مقصد دارند: گروهی به طرف دوزخ و گروهی به سوی بهشت می‌روند. ۴. دنیاپرستی و سرکشی، فرجامی عذاب‌آلود دارد. ۵. از مقام (عدل و علم) خدا بهراسید، تا بهشتی شوید. ۶. اگر طالب بهشتید، با هوای نفس خود مبارزه کنید. ۷. ترسایی و پرهیزگاری زمینه‌ساز ورود به بهشت است. ***** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۶ قرآن کریم در آیات چهل و دوم تا چهل و ششم سوره‌ی نازعات به کوتاهی عمر دنیا، هشدارگری پیامبر صلی الله علیه و آله و پرسش‌های مردم از زمان رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۲- ۴۶. یَسْأَلُونَکَ عَنِ السَّاعَهِْ أَیَّانَ مُرْسَاهَا* فِیمَ أَنتَ مِن ذِکْرَاهَا* إِلَی رَبِّکَ مُنتَهَاهَا* إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرُ مَن یَخْشَاهَا* کَأَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَهَا لَمْ یَلْبَثُوا إِلَّا عَشِیَّهًْ أَوْ ضُحَاهَا دربـاره‌ی ساعت (قیامت) از تو می‌پرسند، وقوعش چه زمانی است؟* تو از یادآوری آن چه (بهره‌ای) داری؟!* منتهای آن فقط به سوی پروردگار توست. * تو فقط هشدار دهنده‌ی کسی هستی که از آن می‌هراسد.* چنان‌که گویی آنان روزی که آن (قیامت) را می‌بینند، جز عصرگاهی یا نیم‌روز (ی در) آن (دنیا) درنگ نکرده‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات و آیات دیگر قرآن آمده است که یکی از مواردی که علم آن مخصوص خداست، زمان وقوع رستاخیز است، «۱» یعنی غیر از خدا کسی از آن اطلاع ندارد. البته پنهان بودن وقت رستاخیز، برای انسان فواید تربیتی دارد؛ زیرا اگر انسان می‌دانست که زمان رستاخیز بسیار دور است گرفتار غفلت می‌شد و اگر می‌دانست بسیار نزدیک است از روی اضطرار ایمان می‌آورد و دست از گناه بر می‌داشت، و این دو راه ارزش تربیتی نخواهد داشت. ۲. این آیات زمان رستاخیز را مشخص نکرده‌اند ولی در این رابطه سه مطلب را به پیامبر اسلام یادآوری کرده‌اند: الف) اگر تو زمان دقیق رستاخیز را می‌دانستی و مکرر آن را به یاد تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۷ می‌آوردی نتیجه‌ای برای تو نداشت، از این رو تو از آن مطّلع نشدی. «۱» ب) تو وظیفه‌ی خود را در مورد هشدار به مردم انجام ده، و پاسخ این پرسش‌ها را مده. ج) به زودی رستاخیز فرا می‌رسد و عمر دنیا بسیار کوتاه است به طوری که در رستاخیز مردم می‌پندارند که یک عصر یا نیم‌روز در دنیا بوده‌اند. ۳. منتهای رستاخیز با خداست، یعنی علم آن مخصوص اوست و یا این که تحقق آن به دست خداست. البته مانعی ندارد که هردو معنا مقصود آیه باشد. ۴. در این آیات وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله فقط هشدارگری معرفی شده است. روشن است که پیامبر صلی الله علیه و آله وظایف دیگری هم‌چون بشارت و مژده دادن و اجرای عدالت نیز دارد، و حصر و اختصاص در این آیه نسبی و اضافی است؛ یعنی تو در این شرایط و به این مخاطبان فقط هشدار بده. ۵. هشدار پیامبران برای کسانی سود دارد که از رستاخیز و کیفر و حساب آن هراس دارند؛ یعنی تا روح احساس مسئولیت در انسان زنده نشود به هشدارهای دیگران توجه نمی‌کند. گو بنده را چه غم که نصیحت قبول نیست گر نامه رد کنند گناه رسول نیست ۶. در این آیات و آیات دیگر قرآن به کوتاهی عمر دنیا و برزخ، و پُر شتاب آمدن رستاخیز اشاره شده است. «۲» البته عمر دنیا بلندست و به میلیون‌ها سال می‌رسد، اما این مدت در برابر رستاخیز جاویدان بسیار کوتاه است و هم‌چون عصرگاه یا نیم‌روزی است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پرسش از زمان وقوع رستاخیز سابقه‌ای طولانی‌دارد. ۲. بهانه جویان (به جای آمادگی برای رستاخیز) از زمان قیامت می‌پرسند. ۳. علم به زمان رستاخیز مخصوص خداست. ۴. هشدارگری از وظایف رهبران الهی است. ۵. احساس مسئولیت در برابر قیامت و ترس از حساب و کیفر آن، زمینه‌ساز پندپذیری است. ۶. عمر دنیا کوتاه است (و رستاخیز به زودی فرا می‌رسد). «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۶۹

بخش سوم: سوره‌ی عبس

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «عَبَس» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۴۲ آیه، ۱۳۳ کلمه و ۵۵۳ حرف است. این سوره بیست و سومین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «نجم» و قبل از سوره‌ی «قدر») و هشتادمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «عَبَس» (چهره درهم کشیده)، «اعمی» (نا بینا) و «السَفَره» (سفیران) که به ترتیب از آیات اول، دوم و پانزدهم سوره گرفته شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۰

فضیلت

فضیلت: از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده: هر کس سوره‌ی عَبَس را بخواند با صورتی خندان و شاداب وارد رستاخیز می‌شود. «۱» البته این تأثیرات برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در دنیا در راستای تعالیم آن حرکت کنند.

اهداف

اهداف: اهداف اصلی این سوره، یادآوری توحید و معاد و اهداف فرعی آن، نشان دادن اهمیت قرآن کریم و ارزش‌های اخلاقی است.

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. مطالبی درباره‌ی نشانه‌ها و نعمت‌های خدا و تحریک حس سپاس‌گزاری انسان در برابر آن (در آیات ۱۷- ۳۲)؛ ۲. اشاره‌ای به حوادث رستاخیز و سرنوشت گروه‌های مختلف در آن روز. ب) اخلاق: یادآوری ارزش‌های اخلاقی در برخورد با افراد نا بینا و تلاشگر (در آیات ۱- ۱۰). ج) مطالب فرعی: یادآوری عظمت قرآن (در آیات ۱۱- ۱۶).

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی عبس قرآن کریم در آیات اول تا دهم سوره‌ی عَبَس به برخوردهای متفاوت با نابینایان، ثروتمندان و تلاشگران خداترس و لزوم رعایت ارزش‌های اخلاقی اشاره کرده، می‌فرماید: ۱- ۱۰. عَبَسَ وَتَوَلَّی أن جَاءَهُ الْأَعْمَی وَمَا یُدْرِیکَ لَعَلَّهُ یَزَّکَّی أوْ یَذَّکَّرُ فَتَنفَعَهُ الذِّکْرَی أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَی فَأَنتَ لَهُ تَصَدَّی وَمَا عَلَیْکَ أَلَّا یَزَّکَّی وَأَمَّا مَن جَاءَکَ یَسْعَی وَهُوَ یَخْشَی فَأَنتَ عَنْهُ تَلَهَّی چهره درهم کشید و روی برتافت،* (به خاطر) این‌که نابینا به سراغ او آمد.* و چه چیز تو را آگاه می‌کند؟ شاید او رشد یابد [و پاک شود]،* یا متذکر گردد، پس یادآوری او را سود بخشد.* اما کسی که توانگری نماید،* پس تو به او روی می‌آوری،* در حالی که [پاک نشدن و] رشد نیافتن او، ایرادی بر تو نیست.* و اما کسی که با کوشش به سراغ تو می‌آید،* در حالی که او می‌هراسد،* پس تو از او (غافل می‌گردی و به دیگری) سرگرم می‌شوی. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که شخصی از بنی امیه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود درهمان حال عبداللّه بن ام مکتوم که نابینا بود وارد شد، آن شخص اموی خود را جمع کرد و چهره درهم کشید و صورت خود را برگرداند و آیات فوق فرود تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۲ آمد و این عمل را نقل و سرزنش کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دو گروه از انسان‌ها اشاره شده است: الف) ثروتمندانی که گرفتار غرور و سرکشی‌اند؛ آنان بارها سخنان حق را می‌شنوند ولی باز هم لجاجت می‌کنند. از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله مسئولیت چندانی در برابر آنان ندارد ولی با این حال آن حضرت اصرار داشتند که آنان را هدایت کنند. ب) انسان‌های تلاشگر و خداترسی که خالصانه به دنبال هدایت‌اند و می‌خواهند آیات الهی را بشنوند و بدان عمل کنند، که یکی از این افراد، عبداللّه بن ام مکتوم نابینا بود. این‌گونه افراد زمینه‌ی بهتری برای پذیرش حق و هدایت دارند. هر چند پیامبر صلی الله علیه و آله به این‌گونه افراد لطف خاص

داشتند، اما گاهی بر اثر مشغول شدن به کارهای تبلیغی از یکی از آنها غافل می‌شدند. این آیات به پیامبر صلی الله علیه و آله یادآوری می‌کنند که سزاوار نیست تو از افراد تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۳ تلاشگر و خداترس غافل شوی. ۲. این آیات فرهنگ اسلام را در برخورد با مستضعفان و مستکبران نشان می‌دهد. یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و مبلغان و رهبران دینی باید اولویت را در تبلیغ رعایت کنند و به مستضعفان حق‌جو اهمیت بیش‌تری بدهند؛ زیرا آنان زمینه‌ی بهتری برای پذیرش هدایت دارند و همیشه حامیان مخلص اسلام هستند. برخلاف ثروتمندان بی‌درد که در برابر اسلام موضع می‌گرفتند و لجاجت می‌نمودند از این رو باید بخش کم‌تری از وقت رهبران و مبلغان دینی برای آنان گذاشته شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران و مبلغان دینی ثروتمندان را بر فقرا مقدم ندارند. ۲. اولویت‌های تبلیغی را رعایت کنید و برای هدایت افراد خداترس و تلاشگر بیش‌تر وقت صرف کنید. ۳. با افراد هدایت‌جو ترش‌رویی نکنید و از آنان روی برنگردانید هر چند نابینا باشند (و واکنش شما را نبینند). ۴. در برخورد با مردم ارزش‌های اخلاقی را کاملًا رعایت کنید. ۵. پاکی و رشد افراد وابسته به ثروت و بینایی ظاهری آنها نیست. ۶. در تبلیغ و هدایت، سلیقه‌ای عمل نکنید و آیات الهی را بر همه‌ی مردم بخوانید تا شاید مفید واقع شود. ۷. تلاش و هراس (از عذاب الهی)، زمینه‌ساز هدایت‌پذیری است. ۸. مبلغان دینی پس از انجام وظیفه، مسئولیتی در مورد گمراهی افراد ندارند. *** قرآن کریم در آیات یازدهم تا شانزدهم سوره‌ی عَبَس به بیدارگری و عظمت قرآن و آزادی انتخاب انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱- ۱۶. كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ* فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ* فِي صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ* مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ* بِأَيْدِي سَفَرَةٍ* كِرَامٍ بَرَرَةٍ هرگز چنین نیست (که روش تو این‌گونه باشد)؛ در حقیقت، آن (آیات) یادآوری است،* و هر کس بخواهد آن را به یاد آورد.* (در حالی که این آیات) در کتاب‌های ارجمند،* بلند مرتبه‌ی پاکیزه،* در دستان سفیران (و نویسندگان)،* ارجمندان نیکوکار (است). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیات قرآن تذکّر و بیدار باش است برای کسانی که بخواهند بیدار شوند و از پندهای قرآن استفاده کنند. آری؛ قرآن کتابی روشنگر و بیدارگر برای همه‌ی نسل‌ها و انسان‌هاست. صد جهان تازه در آیات اوست عصرها پیچیده در آنات اوست ۲. انسان در انتخاب راه آزاد است؛ یعنی اگر بخواهد، از قرآن پند می‌گیرد و راه صحیح را انتخاب می‌کند؛ اما اگر نخواهد بیدار شود، کسی نمی‌تواند او را به زور بیدار و هدایت کند. ۳. در این آیات چند و یژگی مهم قرآن یادآوری شده است: الف) قرآن در صحیفه‌ها و لوح هایی ارجمند نوشته شده است؛ یعنی قبل از نزول بر پیامبر صلی الله علیه و آله در الواحی ارزشمند نوشته شده بود. «۱» ب) نوشته‌های قرآن، والا و پاک‌اند و دست نااهلان و تحریفگران بدان‌ها نمی‌رسد. ج) نوشته‌های قرآن به دست سفیرانی گرامی و نیکوکار سپرده شده‌اند، که آن را با احترام حمل می‌کنند. ۴. مقصود از سفیرانِ ارجمندِ نیکوکاری که قرآن را حمل می‌کنند، همان فرشتگان الهی و سفیران وحی یا کاتبان وحی هستند. ۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: حافظان قرآن، که بدان عمل می‌کنند، با سفیران ارجمند و نیکوکار (قرآن) همراه‌اند. «۲» از این حدیث استفاده می‌شود: دانشمندان قرآنی (حافظان و مفسرانی که از قرآن محافظت و بدان عمل می‌کنند)، کاری شبیه فرشتگان و سفیران وحی انجام می‌دهند و در ردیف آنان هستند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۵ ۶. فرشتگانِ حاملِ وحی افرادی گرامی هستند، چون در پیشگاه خدا مقام بلندی دارند و نیز افرادی نیکوکار هستند، چون دستورات خدا را عمل می‌کنند و حامل وحی اویند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن بیدارباش انسان‌هاست. ۲. انسان آزاد است و با اراده‌ی خویش پند می‌گیرد. ۳. حتی صحیفه‌های قرآن با ارزش و با اهمیت است. ۴. حاملان قرآن گرامی و نیکوکارند. ۵. از تذکرات قرآن پند گیرید. *** قرآن کریم در آیات هفدهم تا بیست و سوم سوره‌ی عَبَس با یادآوری نعمت‌های خدا در مراحل آفرینش انسان، به ناسپاسی و کفرپیشگی او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷- ۲۳. قُتِلَ الْإِنسَانُ مَا أَكْفَرَهُ* مِنْ أَيِّ شَيءٍ خَلَقَهُ* مِن نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ* ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ* ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ* ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ* كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ کشته باد انسان؛ چقدر او کافر است!* او را از چه چیزی آفریده است؟!* او را از آب اندك سیال آفرید و (اندازه) او را معین کرد؛* سپس راه (خروج) او را آسان کرد؛* سپس او را میراند و وی را در قبر نهاد؛* سپس هر گاه بخواهد او را زنده

می‌کند.* هرگز چنین نیست؛ هنوز آنچه را (خدا) به او فرمان داد به پایان نرسانده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات نعمت‌های الهی را در مراحل آفرینش انسان برشمرده‌اند تا هم با دقت در آنها به آفریدگار هستی پی ببرد و خداشناسی‌اش کامل شود و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۶ هم حسّ سپاس‌گزاری او برانگیخته شود و شکر خدا را به‌جا آورد و هم به هدف آفرینش توجه کند که خدا او را بیهوده و بی‌فرجام نیافریده و معادشناسی‌اش کامل گردد. ستایش خداوند بخشنده را که موجود کرد از عدم بنده را چو پاک آفریدت به هش باش و پاک که ننگست ناپاک رفتن به خاک ۲. در این آیات، خدا از انسان ناسپاس انتقاد می‌کند؛ مقصود او، از این انسان چه کسی است؟ مفسران گفته‌اند که مقصود انسان‌های کافر و منافق هستند که اسباب هدایت را رها می‌سازند و نشانه‌های حق را انکار می‌کنند و نا سپاسی پیشه می‌سازند و به ظلم و گناه می‌پردازند و یا همه‌ی انسان‌ها هستند، چون هیچ انسانی حق بندگی و اطاعت خدا را به طور کامل ادا نمی‌کند و نمی‌تواند عبادتی شایسته‌ی او به جا آورد. «۱» بنده همان به که زتقصیر خویش عذر به درگاه خدا آورد ور نه سزاوار خداوندی‌اش کس نتواند که به جا آورد البته در این جا معنای اول مناسب‌تر است؛ چون خدا همه‌ی انسان‌ها را نفرین نمی‌کند و بر آنها مرگ نمی‌گوید. ۳. مقصود از «کفر» در این آیات، ناسپاسی و یا بی‌ایمانی است. البته اصل واژه‌ی کفر به معنای پوشاندن است که شامل پوشاندن حق و انکار آن و بی‌ایمانی می‌شود؛ همان‌طور که شامل پوشاندن نعمت‌ها و ناسپاسی در برابر آنها نیز می‌شود. ۴. مقصود از گفتن «مرگ بر انسان ناسپاس» همان معنای کنایی آن است؛ یعنی اظهار خشم و تنفر و نفرین بر این انسان‌های کفرپیشه و ناسپاس، که این همه نعمت الهی را می‌بینند ولی شکر آن را به‌جا نمی‌آورند و به دستوراتش عمل نمی‌کنند و با لجاجت، حق را انکار می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۷ ۵. خدا انسان را از نطفه‌ای ناچیز آفریده و او را تقدیر کرده است؛ یعنی هر چیز را به اندازه، به انسان داده و ساختمان وجودی او را موزون ساخته است و یا این که خدا همه چیز را در وجود انسان آماده ساخته و نطفه‌ی انسان را توانا گردانیده است. «۱» ۶. خدا راه انسان را آسان کرد؛ یعنی راه تکامل و پرورش جنین در شکم مادر و راه انتقال او به دنیا و نیز و بعد از تولد، راه رشد و تکامل انسان و مسیر هدایت او را به وسیله‌ی عقل و فطرت آسان گرداند. ۷. تعبیر قرآن در این جا اشاره‌ای به اختیار و آزادی انسان دارد؛ چراکه نمی‌فرماید: انسان را در مورد راه خاصی مجبور کرد، بلکه می‌فرماید: «راه را برای او آسان کرد تا در صورتی که بخواهد، خودش آن راه را بپیماید.» ۸. در این آیات، مرگ انسان را از نعمت‌های الهی بر شمرده است؛ زیرا مرگ مقدمه‌ای برای آسوده شدن انسان از رنج‌های دنیا و ورود به سرای جاویدان است و نیز با مرگ هر نسل جا برای نسل آینده باز می‌شود و تکامل بشر ادامه می‌یابد. ۹. دفن انسان در زمین نیز یکی از نعمت‌های الهی است؛ اگر راهی برای دفن انسان نبود و به او تعلیم داده نمی‌شد و امکانات آن در زمین فراهم نمی‌گشت، جسد انسان بر زمین می‌ماند و متعفن و خوار می‌شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ناسپاسی و کفر انسان را سزاوار نفرین الهی می‌گرداند. ۲. برای کافران ناسپاس شعار «مرگت باد» بگویید. ۳. با مطالعه در مراحل آفرینش خود (خداشناس شوید و) ناسپاسی نکنید. ۴. به اندازه‌گیری دقیق عناصر و اعضای بدن خود بنگرید و سپاس‌گزار باشید. ۵. مرگ، دفن و رستاخیز از نعمت‌های الهی است. ۶. با مطالعه در مورد مرگ، قبر و رستاخیز خداشناس شوید و سپاس‌گزاری کنید. ۷. انسان نتوانسته حقّ الهی را ادا کند و به طور کامل سپاس‌گزاری نماید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۸ قرآن کریم در آیات بیست و چهارم تا سی و دوم سوره‌ی عبس با یادآوری نعمت‌های الهی در صحنه‌ی زمین و آفرینش گیاهان و میوه‌ها، انسان را به دقت در این امور فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۲۴- ۳۲. فَلْيَنْظُرِ الْإِنسَانُ إِلَى طَعَامِهِ* أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبّاً* ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقّاً* فَأَنبَتْنَا فِيهَا حَبّاً* وَعِنَباً وَقَضْباً* وَزَيْتُوناً وَنَخْلًا* وَحَدَائِقَ غُلْباً* وَفَاكِهَةً وَأَبّاً* مَتَاعاً لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ و انسان باید به غذایش نظر کند؛* که ما آب را با بارشی فرو ریختیم؛* سپس زمین را کاملًا شکافتیم؛* و در آن دانه (ها) رویاندیم؛* و (نیز) انگور و سبزی* و زیتون و درخت خرما* و باغ‌های انبوه* و میوه و گیاهان چراگاه؛* (که این) مایه‌ی بهره‌مندی برای شما و برای دام‌های شماست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از دعوت انسان برای نگاه کردن به غذای خویش چیست؟ در این مورد چند احتمال وجود دارد: الف) منظور

نگاه معمولی و تماشای غذا باشد که موجب تحریک غدّه‌های بزاقی دهان می‌شود و به هضم غذا کمک می‌کند. ب) مقصود نظر کردن با دقت به غذا باشد، که آیا از راه حلال به دست آمده است یا حرام؟ یعنی در جنبه‌های اخلاقی و قانونی غذا دقت کند. ج) منظور تفکر کردن در مورد ساختمان مواد غذایی و تأثیرات آنها در بدن انسان است، که موجب شناخت غذاآفرین می‌شود. د) مقصود آیه، غذاهای معنوی و علمی باشد؛ یعنی انسان در مورد دانشی که فرا می‌گیرد دقت کند که انحرافی و ناصحیح نباشد، چراکه دانش، غذای روح انسان است و اگر مسموم و ناصحیح باشد روح را بیمار می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۷۹ معنای چهارم از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است. «۱» البته مانعی ندارد که مقصود آیه از «نگاه»، اعم از نگاه ظاهری و فکری، و مقصود از «غذا»، اعم از غذای جسمی و روحی باشد؛ بنابراین آیه‌ی فوق می‌تواند به همه‌ی این معانی اشاره داشته باشد. «۲» ۲. از امام حسن علیه السلام روایت شده که تعجب می‌کنم از کسی که در غذای خود می‌اندیشد، ولی در معقول (و غذای روح) خود فکر نمی‌کند و غذای زیانبار را از شکم خود دور می‌کند اما روح خود را با مطالب هلاک کننده آکنده می‌سازد.» ۳. باران نعمتی است که بر سطح زمین می‌بارد و در دل زمین ذخیره می‌گردد و در نهرها جاری می‌شود و گیاهان و حیوانات و انسان‌ها را سیراب و شاداب می‌گرداند. شناخت این نعمت انسان را به سپاس‌گزاری بیش‌تر فرا می‌خواند. ۴. در این آیات به چندین نوع میوه و گیاه اشاره شده است: الف) گیاهانی که از زمین می‌رویند و دانه هایی هم‌چون جو و گندم می‌آورند و مواد غذایی بشر را تأمین می‌کنند. ب) انگور که سرشار از مواد غذایی است و یک غذای کامل محسوب می‌شود. ج) سبزیجات و میوه‌های بوته‌ای (مثل خیار) که از مفیدترین منابع غذایی بشرند. د) زیتون که خواص گوناگونی دارد. ه) خرما که غذایی مفید و نیروبخش است. و) باغ‌های پردرخت که از زیر درختان آن آب جاری است و منظره‌ای تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۸۰ زیبا و پرطراوت دارد. ز) میوه‌های مختلف که از درختان و گیاهان به دست می‌آیند. ح) چراگاه‌هایی که مواد غذایی حیوانات را تأمین می‌سازد (تا انسان از گوشت آنها بخورد). آری؛ همه‌ی این‌ها مایه‌ی بهره‌مندی انسان و حیوانات است و حیوانات نیز مواد غذایی انسان را تأمین می‌کنند تا انسان استفاده کند و خداشناس و سپاس‌گزار باشد. ۵. در این آیات به «شکافته شدن زمین» به عنوان نعمت اشاره شده است. مقصود از این تعبیر، یا شکافته شدن زمین به وسیله‌ی جوانه‌ی لطیف گیاهان است که دل خاک و سنگ را می‌شکافد و بیرون می‌آید یا شکافتن زمین به وسیله‌ی شخم زدن و یا شکافته شدن زمین با آب چنان که باران سنگ‌ها را می‌شکافد و ذرات آنها را در خود حل می‌کند و به صورت توده‌های خاک در می‌آورد، که برای کشاورزی مفید است. از این رو این آیات اشاره‌ای است به یک مسئله‌ی علمی جدید در زمین‌شناسی. «۱» البته مانعی ندارد که آیه‌ی فوق به همه‌ی این معانی اشاره داشته باشد. ۶. واژه‌ی «ابّا» به معنای «آمادگی»، و در این آیات به معنای گیاهان خودرو و چراگاهی است که آماده‌ی چراندن حیوانات است؛ البته به معنای میوه‌های قابل خشک کردن نیز آمده است، چون برای مصرف زمستان آماده می‌شود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۸۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از غذاشناسی به خداشناسی برسید. ۲. در غذای (جسمی، روحی و علمی) خود کاملًا دقت کنید. ۳. با مطالعات آب‌شناسی، زمین‌شناسی و گیاه‌شناسی، خداشناس شوید. ۴. از میان غذاها به انگور، زیتون، خرما و حبوبات توجه بیش‌تری کنید. ۵. به غذاهای متنوع و مفید خود بنگرید (و سپاس‌گزار باشید). ۶. غذاهای زمین مخصوص شما نیست، بلکه حیوانات نیز سهمی دارند. *** قرآن کریم در آیات سی و سوم تا چهل و دوم سوره‌ی عبس به ویژگی‌های رستاخیز و دو گروه مؤمنان شادمان و کافران غمناک در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۳- ۴۲. فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ* يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ* وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ* وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ* لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ* وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ* ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ* وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ* تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ* أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ و هنگامی که صدای مهیب (رستاخیز) بیاید،* (همان) روزی که مرد از برادرش می‌گریزد،* و (نیز از) مادرش و پدرش،* و (همسرِ) همراهش و پسرانش؛* در آن روز، برای هر مردی از آنان، کاری (و حالی) است که او را (از دیگران بازمی‌دارد و) دفع می‌کند.* چهره‌هایی که در آن روز درخشان است،* خندان [و] شادمان است؛* و چهره‌هایی که در آن

روز غباری بر آن است،* سیاهی آن را می‌پوشاند؛* فقط آنان کافران [و] بدکارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت نیکوکاران و بدکاران را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا مردم با مطالعه‌ی حالات آنان در تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۸۲ رستاخیز، بتوانند راه خویش را آگاهانه انتخاب کنند. در این آیات نیز «شادی مؤمنان» و «اندوه کافران خلافکار» به تصویر کشیده شده است، تا هرکس می‌خواهد راه یکی از این دو گروه را بپیماید از عاقبت آن آگاه باشد. ۲. یکی از نام‌های رستاخیز «الصاخَة» است. این واژه به معنای صدای شدید کرکننده است و در این جا اشاره به نفخه‌ی صور دوم است که با صدای عظیم آن، همه‌ی مردم زنده و در صحنه‌ی رستاخیز حاضر می‌شوند. ۳. رستاخیز روز بسیار هولناکی است. در آن روز هرکس از وحشت فرار می‌کند و به فکر چاره‌ی کار خود است و حتی نزدیکان خود را فراموش می‌کند و به پدر و مادر و همسر و پسران و برادران خود نیز توجه نمی‌کند؛ یعنی در آن روز محبت‌های دنیایی کارساز نیست. ۴. فرار انسان از دیگران یا به خاطر وحشت زیاد در رستاخیز است یا از ترس آن که مبادا خویشاوندان برگردن او حقّی داشته باشند و بخواهند آن را مطالبه کنند و یا این که از خویشاوندان بی‌تقوا و بی ایمان فرار می‌کند که مبادا به سرنوشت آنان گرفتار شود. البته مانعی ندارد که هر سه مورد از عوامل فرار انسان‌ها از هم دیگر باشد. ۵. در این آیات از پنج گروه برادر، مادر، پدر، همسر و فرزند یاد شده است که انسان‌ها در رستاخیز از آنان فرار می‌کنند. ذکر این پنج گروه برای آن است که معمولًا انسان با آنها ارتباط نزدیکی دارد و آنان نقش مهم‌تری در زندگی انسان دارند، ولی این به معنای انحصار نیست، بلکه از باب ذکر مصداق‌های مهم است و انسان از افراد دیگر هم می‌گریزد. ۶. «انسان‌ها در رستاخیز آن‌قدر گرفتار وضع خویش می‌شوند که برایشان کافی است و آنها را بی نیاز می‌کند.»؛ یعنی آن‌قدر حوادث، هولناک است که دیگر فرصت فکر کردن و پرداختن به کار دیگران را ندارند. بکوش امروز تا گندم بپاشی که فردا بر جوی قادر نباشی تو خود بفرست برگ رفتن از پیش که خویشان را نباشد جز غم خویش ۷. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: هنگام رستاخیز در سه ایستگاهِ میزان، صراط و هنگام دادن نامه‌ی اعمال، هیچ کسی دیگران را یاد نمی‌کند تا ببیند آیا اعمالش در میزان الهی سنگین است یا نه و آیا از صراط عبور می‌کند یا نه و آیا نامه‌ی اعمالش را به دست راستش می‌دهند یا چپش؟ (سپس به آیه‌ی فوق استشهاد کردند که هرکس به کار خود مشغول است). «۱» ۸. در رستاخیز آثار عقاید و عمل انسان در چهره‌اش نمایان می‌شود؛ انسان‌های مؤمن و نیکوکار، چهره‌ای شاد، و انسان‌های بدکار و کافر چهره‌ای اندوهناک دارند. رنگ رخساره خبر می‌دهد از سرّ درون. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز با صدای گوش‌خراشی شروع می‌شود که مردم را به هراس می‌افکند. ۲. رستاخیز روز گریز از دیگران است و خویشاوندان سودی به حال انسان ندارند. ۳. در رستاخیز هر کس به فکر خویش است (و کسی به فریاد شما نمی‌رسد، پس از هم اکنون به فکر خویش باشید). ۴. رستاخیز روز تقسیم مردم به افراد شاد و غمناک است (پس ببینید شما از کدام گروه هستید). ۵. کفر و خلافکاری در رستاخیز موجب اندوه می‌شود. ۶. اگر می‌خواهید در رستاخیز شادمان باشید، از کفر و خلافکاری دوری گزینید. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۸۵

بخش چهارم: سوره‌ی تکویر

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «تکویر» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۲۹ آیه، ۱۱۴ کلمه و ۵۵۳ حرف است. این سوره ششمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «لهب» و قبل از سوره‌ی «اعلی») و هشتاد و یکمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «تکویر» (درهم پیچیدن) و «کُوِّرت» (درهم پیچیده شد) که از آیه‌ی اول آن گرفته شده‌اند که

درهم پیچیده شدن و تاریک گشتن خورشید را به عنوان یکی از نشانه‌های رستاخیز بیان کرده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۸۶

فضیلت

فضیلت: از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که هرکس سوره‌ی تکویر را بخواند، خدا او را هنگامی که نامه‌ی عمل او گشوده می‌شود، از رسوایی حفظ می‌کند. «۱» البته روشن است که این تأثیرات برای کسانی است که این سوره را بخوانند و به محتوای آن پای‌بند باشند و در زندگی در راستای تعالیم آن حرکت کنند.

اهداف

اهداف: هدف اصلی این سوره یادآوری معاد و دفاع از نبوّت است.

مطالب

مطالب: ۱. بیان نشانه‌های رستاخیز (در آیات ۱- ۱۳)؛ ۲. اشاره به تجسّم اعمال در رستاخیز (در آیه‌ی ۱۴)؛ ۳. اشاره به نامه‌ی اعمال در رستاخیز (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۴. بیان اوصاف جبرئیل علیه السلام (در آیات ۱۹- ۲۱)؛ ۵. دفع تهمت جنون از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیات ۲۲- ۲۷).

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا چهاردهم سوره‌ی تکویر به دوازده نشانه‌ی رستاخیز و بازپرسی دختران زنده به گور شده و آگاهی انسان از اعمال خویش در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۱۴. إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ* وَإِذَا النُّجُومُ انكَدَرَتْ* وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ* وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ* وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ* وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ* وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ* وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ* بِأَيِّ ذَنبٍ قُتِلَتْ* وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ* وَإِذَا السَّماءُ كُشِطَتْ* وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ* وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ* عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ هنگامی که خورشید در هم پیچیده شود* و هنگامی که ستارگان بی‌فروغ شوند (و سقوط کنند)* و هنگامی که کوهها روان شوند* و هنگامی که شتران باردار متروک شوند* و هنگامی که حیوانات وحشی پراکنده شوند* و هنگامی که دریاها برافروخته (و پُر) شوند* و هنگامی که اشخاص (گروه) گروه شوند،* و هنگامی که از دختر زنده به گور شده پرسیده شود:* «به کدامین پیامد (گناه) کشته شد؟!»* و هنگامی که نامه‌ها (ی اعمال) گشوده شود* و هنگامی که پرده از (حقایق) آسمان برداشته شود* و هنگامی که دوزخ شعله‌ای فروزان شود* و هنگامی کـه بهشت نزدیک شود،* (در آن روز، هر) شخصی آنچه را که حاضر کرده است، می‌داند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بر پایی رستاخیز دو مرحله دارد: در مرحله‌ی اول حوادثی دهشتناک رخ می‌دهد و نظام جهان درهم تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۸۸ فرو می‌ریزد که شش آیه‌ی اول به این مرحله اشاره دارند که خورشید و ستارگان خاموش می‌شوند، کوهها به حرکت در می‌آیند، مردم از وحشت، حیوانات ارزشمند را بدون صاحب رها می‌کنند، و حیوانات وحشی پراکنده، و دریاها برافروخته می‌شوند. در مرحله‌ی دوم، با اعلام عمومی، همه‌ی موجودات زنده، و در صحنه‌ی رستاخیز حاضر می‌شوند و به اعمال آنان رسیدگی می‌شود. هشت آیه‌ی بعد به این مرحله اشاره دارند که بازپرسی‌ها شروع می‌شوند و نامه‌ی اعمال گشوده می‌شود و هر کس از اعمال خود و حقایق پشت پرده با خبر می‌گردد و بهشت و دوزخ آماده‌ی پذیرش افراد می‌شوند. ۲. درهم پیچیده شدن و تاریکی خورشید «۱» و نیز سقوط کردن و پراکندگی و تاریکی کرات «۲» از نشانه‌های رستاخیزند. در علم

کیهان‌شناسی نیز ثابت می‌شود که عمر خورشید روزی به پایان می‌رسد؛ چون مواد درونی در نهایت رو به اتمام است و خورشید خاموش می‌شود «۳» و در نتیجه کرات آسمانی که به دور آن می گردند و تحت تأثیر نیروی جاذبه و نور آن هستند، خاموش و پراکنده می‌شوند. ۳. در آیات قرآن از حرکت کوه‌ها و متلاشی شدن و غبارگونه شدن آنها در آستانه رستاخیز یاد شده است «۴» که این حوادث با زلزله‌های رستاخیز و دگرگونی نظام جهان در آن روز، ارتباط دارد. «عِشار» به معنای «ماده شتر باردار» است که ارزش مادی زیادی دارد و یا به معنای ابرهاست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۸۹ پس مقصود آیه آن است که حوادث رستاخیز آن‌قدر دهشتناک است که مردم اموال ارزشمند خود را رها می کنند و یا ابرهای گرانبار «۱» (که از گازهای مختلف، یا گرد و غبار و یا ابرهای اتمی تشکیل شده است)، در آسمان ظاهر می‌شوند ولی بارشی ندارند و این یکی از نشانه‌های شروع رستاخیز است. ۴. مقصود از «حشر» حیوانات وحشی در آستانه‌ی رستاخیز، پراکنده شدن آن‌ها در اثر وحشت از حوادث آن روز است؛ چون ظاهراً شش آیه‌ی اول سوره‌ی تکویر، از مرحله‌ی اول رستاخیز و حوادث هولناك آن سخن می گویند و هنوز به مرحله‌ی دوم، یعنی زنده شدن و گرد آمدن موجودات در صحنه‌ی رستاخیز، سخنی به میان نیامده است. ۵. «سُجّرت»، به معنای برافروخته شدن دریاها و یا پرشدن آنها در آستانه‌ی رستاخیز است؛ یعنی آب دریاها که از اکسیژن و هیدروژن تشکیل شده است، در صورتی که تجزیه شود، می‌تواند شعله‌ور گردد؛ و نیز بر اثر زلزله‌های شدید و متلاشی شدن کوه‌ها و مانند آن، ممکن است بسیاری از دریاها پر شوند و آب، مقدار زیادی از سطح زمین را فراگیرد. «۲» ۶. در هنگام رستاخیز مردم با هم‌دیگر جفت می‌شوند؛ یعنی نیکوکاران با ایمان با مؤمنان نیکوکردار گرد هم می‌آیند و بدکاران کفرپیشه با کافران قرین می‌شوند و نیز افراد بهشتی با حوریان جفت می‌شوند و دوزخیان با شیاطین قرین می گردند. ذره ذره کاندر این ارض و سماست جنس خود را هم‌چو کاه و کهرباست ۷. یکی از حوادث رستاخیز آن است که نامه‌ی اعمال افراد گشوده می‌شود و هرکس از حساب کارهای خود آگاه می گردد و نیز مردم نامه‌ی اعمال بدکاران را می‌بینند تا آنان رسوا شوند و نامه‌ی اعمال نیکوکاران را می‌بینند تا آنها تشویق گردند. می‌شود معلوم در پای حساب تا چه دارد هر کسی در بار خویش ۸. یکی دیگر از حوادث رستاخیز آن است که حجاب از آسمان‌ها و جهان برداشته می‌شود و حقایق هستی برای مردم آشکار می گردد و مردم بهشت و دوزخ و فرشتگان و حقایق دیگر را می‌بینند. ۹. یکی دیگر از حوادث رستاخیز آن است که شعله‌ی آتش دوزخ زیادتر می‌شود و بهشت به مؤمنان پارسا نزدیک می گردد. تعبیری که در این مورد به کار رفته است بسیار محترمانه است؛ نمی گوید: مؤمنان به بهشت نزدیک می‌شوند، بلکه می گوید: بهشت به مؤمنان پارسا نزدیک می‌شود. ۱۰. یکی دیگر از حوادث رستاخیز «تجسّم اعمال» است؛ یعنی در آن روز هرکس اعمال خویش را حاضر و مجسّم می‌بیند و از آنها اطلاع می‌یابد؛ به عبارت دیگر، اعمال انسان‌ها در دنیا نابود نمی‌شود، بلکه در رستاخیز به صورت‌های مناسب مجسّم و ظاهر می‌شود. صورتی کان بر نهادت غالب است هم بر آن تقدیر حشرت واجب است پیشه‌ها و خُلق‌ها هم‌چون جهیز سوی خصم آیند روز رستخیز ۱۱. در این آیات زنده به گور کردن دختران یادآوری شده است که یکی از عادات زشت اعراب جاهلی بود. برخی از قبایل عرب (مثل کِنْدِه) وجود دختران را ننگ می‌دانستند و برای جلوگیری از فقر اقتصادی، آنان را زنده به گور می کردند. «۱» قرآن کریم با این پدیده‌ی شوم برخورد کرد، و جایگاه زنان را در جامعه‌ی اسلامی تثبیت نمود و حقوق آنها را مشخص ساخت. البته این عادت جاهلی، در عصر ما نیز به صورت دیگری رخ نموده است و در برخی کشورها به زنان اجازه داده می‌شود که سقط جنین کنند و کودك خویش را بی‌رحمانه، قبل از تولد بکشند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۹۱ ۱۲. در رستاخیز از «دختران «۱» زنده به گور شده» پرسش می‌شود: «به کدامین گناه کشته شدند؟» جالب آن است که از قاتلان آنها پرسش نمی‌شود، گویا قاتلان بی‌رحم آنها، ارزش ندارند که از آنها پرسش شود و گواهیِ کودکان مظلوم به‌تنهایی کافی است. ۱۳. در تفسیر آیه‌ی فوق از امام باقر علیه السلام روایت شده که منظور کسانی هستند که در راه دوستی ما کشته می‌شوند (و از آنان پرسیده می‌شود به کدامین گناه کشته شدید؟). «۲» البته این گونه احادیث به بطن آیه نظر دارند؛ یعنی از دختران

زنـده به گور شـده الغای خصوصـیت می‌شود تا آیه، شامل هر مظلومی بشود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آسـتانه‌ی رستاخیز نظام جهان درهم فرو می‌ریزد. ۲. خاموشـی خورشید و ستارگان و حرکت کوه‌ها و برافروختگی دریاها، از نشانه‌های رستاخیز است. ۳. حوادث رسـتاخیز بسیار هولناك است، به طوری که انسان‌ها اموال ارزشمند خود را رها می‌سازند و حیوانات وحشی به همدیگر پناه می‌برند (پس برای آن روز آماده شویـد). ۴. رسـتاخیز روز ملحق شـدن به گروه همسـان است (پس بنگریـد که لایـق همراهی چه کسـانی هستید). ۵. در رسـتاخیز حجاب‌ها کنار می‌روند و حقایق را می‌بینید (پس مراقب اعمال خود باشـید). تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۹۲ ۶. در صـحنه‌ی رسـتاخیز اعمالتـان را به صورت کتبی و مجسم و حضوری می‌بینیـد. ۷. در رسـتاخیز، داد کودکان و بـانوان مظلوم سـتانده می‌شود. ۸. بهشتیـان مـورد احترامانـد و بهشت به آنـان نزدیـک می‌شـود. ۹. دوزخِ شـعله‌ور، آماده‌ی پـذیرش بـدکاران است. *** قرآن کریم در آیات پانزدهم تا بیست و پنجم سوره‌ی تکویر، با سوگنـدهای مکرر، بر حقانیت قرآن و پیامبر و صفات ویژه‌ی پیك وحی تأکیـد می‌کند و می‌فرماید: ۱۵– ۲۵. فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ* الْجَوَارِ الْکُنَّسِ* وَاللَّیْلِ إِذَا عَسْعَسَ* وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ* إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ کَرِیمٍ* ذِی قُوَّةٍ عِنـدَ ذِی الْعَرْشِ مَکِینٍ* مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِینٍ* وَمَا صَاحِبُکُم بِمَجْنُونٍ* وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِینِ* وَمَا هُوَ عَلَی الْغَیْبِ بِضَـنِینٍ* وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَـیْطَانٍ رَجِیمٍ و سوگنـد یاد می‌کنم به (سـیارات) بازگردنـده،* روان شـده‌ی پنهان شونده؛* و سوگنـد به شب، هنگـامی که روی آورد و برگردد (و به آخر رسـد)؛* و سوگنـد به بامـداد، هنگـامی که بدمـد،* قطعاً آن (قرآن) سخن فرسـتاده‌ی ارجمنـد (: جبرئیل) است؛* که قدرتمنـد [و] دارای جایگاهی نزد صاحب تخت (جهانداری و تدبیر هستی) است.* که در آن‌جا (در میان فرشتگان، فرمان او) اطاعت شده [و] درستکار است.* و هم‌نشین شما (: پیامبر) دیوانه نیست؛* و به یقین او را در افق روشن دیده است؛* و او نسبت به (بازگویی اخبار) نهان بخیل نیست؛* و آن (قرآن) سـخن شیطان رانده شده نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به کرات آسمانی سوگند یاد شده است. این سوگندها برای تأکید بر مطلب و نیز برای نشان دادن اهمیت کرات آسمانی و جلب توجه انسان به سوی آنهاست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۹۳ ۲. در این آیات، چند ویژگی برای کرات آسمانی بیان شده است: الف) کراتی که باز می‌گردند «۱» (و در یك مسیر حرکت می‌کنند). ب) کراتی که حرکت می‌کنند «۲» (و همچون ستارگان، در آسمان ثابت نیستند). ج) کراتی که گاهی از دید مردم پنهان می‌شوند، یعنی طلوع و غروب دارند. «۳» برخی مفسـران برآن‌اند که مقصود از این کرات آسـمانی، پنج سـیاره‌ی منظومه‌ی شمسی، یعنی عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل است که طلوع و غروب دارنـد و حرکت می‌کننـد. در این مورد حـدیثی نیز روایت شـده است. «۴» ولی مانعی نـدارد که این آیات، اشـاره به همه‌ی سـیاراتی باشـند که سه ویژگی فوق را دارنـد، هر چنـد سـیارات منظومه‌ی شمسـی از مصادیق بارز آن هسـتند؛ و هر کـدام از این کرات، نشانه‌ای از آفریدگار دانا و توانایند. ۳. در این آیات به شب و صـبح، سوگنـد یاد شده است؛ شب، هنگامی که پشت کرده و می‌رود و نوید صبح را می‌دهد و روز، هنگامی که می‌آید و مثل انسانی که از خواب بیدار شده، نفس می‌کشد. آری؛ شب و روز از نعمت‌های بزرگ الهی و نشانه‌ای از آفریدگار دانا و توانایند. منزل شب را تو به روز آوری روز فرو رفته تو باز آوری ۴. در این آیات چند ویژگی و صـفت، برای پیك وحی (جبرییل علیه السلام) بیان شده است: الف) جبرییل فرستاده‌ی خداست؛ ب) او فردی بزرگوار و ارجمنـد است؛ ج) او فردی نیرومنـد است (و توان دریافت و حمل وحی را دارد). تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۹۴ د) جبرییل نزد خدایی که تخت زمامداری هستی به دست اوست، جایگاه و مقام خاصی دارد. ه) فرمان جبرییل درمیان فرشـتگان اطاعت می‌شود و او فرمانده گروهی از فرشـتگان است. و) او فردی امین و درستکار است (و وحی الهی را به طور کامل و با امانت به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رساند). ۵. خدا مکان و تخت ندارد؛ پس صاحب عرش و تخت بودن او، کنایه از آن است که خـدا زمامدار هستی است و تـدبیر هستی به دست اوست. آری؛ جبرییل در حضور چنین خدایی، صاحب جایگاه و مقام و منزلت است. ۶. در این آیات چنـد ویژگی برای پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله بیان شده است: الف) نخست آن که او دیوانه و جن زده نیست؛ او هم‌نشـین و رفیق شماست که سالیان دراز درمیان شما زندگی کرده و او را به عقل و درایت و امانت می‌شناسید. ب) پیامبر

اسلام صلی الله علیه و آله خدا را شهود باطنی کرده، یا جبرئیل را در افق روشنی مشاهده کرده است. «۱» ج) پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به امور غیبی بخیل نیست و آنچه را از وحی و دانش دریافت می‌کند سخاوتمندانه، در اختیار مردم می‌گذارد. «۲» چون حجاب هزار نور درید دیده در نور بی‌حجاب رسید گامی از بود خود فراتر شد تا خدا دیدنش میسر شد ۷. یکی از تهمت‌های مخالفان به پیامبران الهی، از جمله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آن بود که ایشان را دیوانه می‌خواندند؛ زیرا آنان تابع محیط فاسد و خرافات مردم نمی‌شدند و به دنبال حرکت اصلاحی و انقلابی بودند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۹۵ ولی سخنان حکیمانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و کارهای خردمندانه و اعجاز قرآن، پاسخ کوبنده‌ای به این تهمت‌ها بود. ۸. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چه چیزی را در افق روشن مشاهده کرد؟ مفسران در این مورد دو احتمال داده‌اند: الف) نخست آن که او جبرییل را دو بار به صورت اصلی مشاهده کرد: یکی در آغاز بعثت در افق روشن بود و دوم در جریان معراج، که آیه‌ی فوق به مورد اول اشاره دارد. ب) منظور مشاهده‌ی خدا از طریق شهود باطنی باشد، که برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حاصل آمد. «۱» ۹. قرآن سخن شیطانِ رانده شده نیست؛ چراکه این قرآن توسط جبرییل امین و درستکار، به پیامبری فرزانه و سخاوتمند داده شده و در تمام مراحل نزول کنترل شده است؛ بنابراین شیطان نمی‌توانست در آن دخالت کند. و از طرف دیگر این کلام اعجازآمیز است و خود گواهی می‌دهد که سخن غیر خدا نیست. ۱۰. از این آیات استفاده می‌شود که شیطان از درگاه الهی رانده شد؛ «۲» زیرا نسبت به دستورات الهی نافرمانی کرد و برآدم سجده نکرد. آری؛ او دشمن انسان بوده و هست و خواهد بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کرات متحرک، آخر شب و صبحگاه، اهمیت ویژه‌ای دارند که خدا به آنها سوگند یاد می‌کند. ۲. آورنده‌ی قرآن و گیرنده‌ی آن، افرادی مطمئن بودند (و وحی سالم به دست مردم رسید). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۹۶ ۳. پیک وحی، فردی ارجمند، نیرومند، با منزلت، فرمانده و درستکار است. ۴. گیرنده‌ی وحی، نقطه ضعفی نداشته است (که به وحی زیان برسد). ۵. سخن شیطان را با سخن فرشته اشتباه نکنید (و در مورد قرآن تردید روا مدارید). ۶. کرامت، نیرومندی، منزلت، فرماندهی و درستکاری از صفات فرستاده و نماینده‌ی خوب است. *** قرآن کریم در آیات بیست و ششم تا بیست و نهم سوره‌ی تکویر با هشدار به مخالفان، به بیدارگری قرآن و آزادی انسان در انتخاب راه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶- ۲۹. فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ* إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ* لِمَن شَاءَ مِنكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ* وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ پس به کجا می‌روید؟!* آن (قرآن) جز یادآوری برای جهانیان نیست؛* برای کسی از شما که بخواهد به (راه) راست برود.* و (چیزی) نمی‌خواهید، مگر آن‌که خدایی که پروردگار جهانیان است، بخواهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات دو ویژگی قرآن بیان شده است: االف) قرآن تذکّردهنده است و فطرت انسان را بیدار می‌کند و او را به تفکر فرا می‌خواند و راه صحیح را نشانش می‌دهد. ب) قرآن کتابی جهانی است که تمام جهانیان را هدایت می‌کند و مخصوص قوم و ملت خاصی نیست. ۲. در این آیات، از طرفی به آزادی اراده‌ی انسان در انتخاب راه مستقیم و از طرف دیگر به توحید افعالی اشاره شده است؛ یعنی بیان شده که همه چیز تحت اراده‌ی خداست و اوست که به انسان اراده و اختیار داده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۷ اگر فقط به ظاهر آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی تکویر نظر کنیم، آزادی مطلق و «تفویض» را متوجه می‌شویم و اگر به ظاهر آیه‌ی بیست و نهم نظر کنیم «جبر» را می‌فهمیم ولی اگر به مجموع آیات نظر کنیم، حالت «امر بین امرین» را دریافت می‌کنیم؛ یعنی انسان نه آزادی مطلق دارد و نه مجبور است، بلکه هرچه دارد از ناحیه‌ی خداست و خدا به او «اراده و حقّ انتخاب» داده است. ۳. در آیه‌ی بیست و نهم، خواستن، هم به انسان‌ها نسبت داده شده و هم به خدا و برای خدا نام «ربّ» آورده شده است. یعنی اراده‌ی خدا از ربوبیت و پرورش‌دهندگی او سرچشمه می‌گیرد و در مسیر تربیت انسان است. ۴. در این آیات بیان شده که راه اصلی همان راه مستقیم است، و بقیه‌ی راه‌ها انحرافی است. راه مستقیم کوتاه‌ترین راه بین دو نقطه و همان راهی است که قرآن به انسان نشان می‌دهد و راه‌های انحرافی را نفی می‌کند، ولی با این حال انسان باز به کژراهه می‌رود؛ از این رو قرآن به منحرفان هشدار می‌دهد که «پس به کجا می‌روید؟!» ۵. این آیات تذکر می‌دهد که چراغ داشتن کافی نیست،

بلکه آمادگی و بینایی هم لازم است. قرآن بیدارگر است و راه مستقیم را نشان می‌دهد، اما خود انسان هم باید بخواهد و زمینه‌ی پذیرش آن را در خود ایجاد کند؛ یعنی شرط استفاده کردن از قرآن، خواست درونی انسان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با وجود چراغ بیدارگر قرآن، به کژراهه نروید. ۲. رسالت قرآن جهانی است. ۳. شرط استفاده از تذکرات قرآن، زمینه‌سازی درونی و خواستن خود انسان است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۹۸ ۴. به دنبال راه راست باشید و از قرآن بهره بجویید. ۵. در نهایت همه چیز را از خدا بدانید و توحید افعالی خود را کامل کنید. ۶. خواست «خدا» و «انسان» (هر دو) در انجام کارها مؤثر است (یعنی نه آزادی مطلق است و نه جبر). ۷. خدا می‌خواهد اراده‌ی شما در مسیر ربوبیت او و پرورش خودتان قرار گیرد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۹۹

بخش پنجم: سوره‌ی انفطار

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «انفطار» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۹ آیه، ۸۰ کلمه و ۳۲۷ حرف است. این سوره هشتاد و یکمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «نازعات» و قبل از سوره‌ی «انشقاق») و هشتاد و دومین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره «انفطار» (شکافته شدن) و «انفطرت» (شکافته شده) است که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده‌اند که از شکافته شدن آسمان در آستانه‌ی رستاخیز سخن می‌گوید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۰

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی انفطار و انشقاق را بخواند و در نماز واجب و مستحب در برابر دیدگان خود قرار دهد، هیچ حجابی او را از خدا نمی‌پوشاند و چیزی میان او و خدا حایل نمی‌شود و پیوسته (با چشم دل) به خدا می‌نگرد و خدا (با لطفش) به او نگاه می‌کند تا از حساب مردم فارغ شود! «۱» روشن است که این آثار برای کسانی است که این سوره‌ها را بخوانند ونصب العین خود قرار دهند و در راستای محتوای آنها حرکت و عمل کنند.

اهداف

اهداف: محور اصلی این سوره، رستاخیز و بیان نشانه‌ها و ویژگی‌های آن روز است.

مطالب

مطالب: ۱. بیان نشانه‌های رستاخیز (در آیات ۱- ۴)؛ ۲. اشاره‌ای به فرجام انسان‌های نیک وبد در رستاخیز (در آیات ۱۳ و ۱۴)؛ ۳. ثبت اعمال انسان‌ها توسط فرشتگان (در آیات ۱۰- ۱۲)؛ ۴. یادآوری نعمت‌های خدا به انسان و منع کردن غرور انسان در برابر خدا (در آیات ۵- ۸). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۱

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا پنجم سوره‌ی انفطار به نشانه‌های رستاخیز و آگاهی بخشی آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۵. إِذَا

السَّماءُ انفَطَرَتْ* وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انتَثَرَتْ* وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ* وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ* عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ هنگامی که (کرات) آسمان شکافته شود،* و هنگامی که سیارات پراکنده شوند (و در هم فرو ریزند)،* و هنگامی که دریاها (به روی یک‌دیگر) شکافته شود (و به هم بپیوندد)،* و هنگامی که قبرها زیر و رو گردد (و مردگان زنده شوند)،* (در آن روز هر) شخص، می‌داند آنچه را پیش فرستاده و واپس نهاده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات نشانه‌هایی از رستاخیز، و حوادثی که در آستانه‌ی قیامت اتفاق می‌افتد، چنین بیان شده است: الف) شکافته شدن کرات آسمانی؛ «۱» ب) پراکنده شدن و فروریختن ستارگان؛ «۲» ج) پیوند دریاها یا برافراخته شدن آنها؛ «۳» د) زیر و رو شدن قبرها. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۲ از مجموع این آیات و آیات دیگری که وضع رستاخیز را توضیح می‌دهند استفاده می‌شود که در آستانه‌ی رستاخیز، نظم فعلی جهان در هم می‌ریزد و نظم نوینی بر جهان حاکم می‌شود. ۲. «کواکب» به معنای ستارگان فروزان است؛ و شکافته شدن کرات و پراکنده شدن ستارگان، ممکن است در اثر انفجارهای عظیم و به هم خوردن تعادل نیروی جاذبه و دافعه، یا انبساط جهان، یا تحت تأثیر نیروی مرموز دیگری باشد. ۳. در رستاخیز پرده‌ها کنار می‌رود و حقایق اعمال انسان و نتایج آنها آشکار می‌شود و هر کس از اعمال خود اطلاع می‌یابد؛ اعمالی که در طول عمر خود آنها را مقدّم دانسته یا به تأخیر انداخته و آنچه را پیشاپیش برای رستاخیز فرستاده است و نیز اعمالی که بعد از مردن او برایش به جا آورده‌اند مثل کارهای خیر و بناها و نیز آثار علمی و سنت‌های نیکویی که از خود به جای گذارده و نتایج آنها بعد از مرگ به وی می‌رسد. «۱» می‌شود معلوم در پای حساب تا چه دارد هر کسی در بار خویش ۴. در احادیث اسلامی آمده است که پاداش چند چیز بعد از مرگ به انسان می‌رسد: الف) صدقه‌های جاری که در زندگی به جا گذاشته است (مثل بنای مسجد، بیمارستان و مدرسه)؛ ب) روش‌ها و سنت‌های نیکویی که بنیان‌گذارده است (زیرا هر کس بدان عمل کند ثوابش را برای او نیز می‌نویسند)؛ ج) فرزند شایسته‌ای که برایش طلب آمرزش می‌کند. د) قرآنی که آن را تلاوت می‌کند. ه) چاهی که حفر کرده، یا درختی که کاشته است. و) دانشی که در میان مردم باقی گذارده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آستانه‌ی رستاخیز نظام جهانی تغییر می‌کند (و نظم نوینی بر جهان حاکم می‌شود). ۲. رستاخیز آگاهی‌بخش است. ۳. شما از نتایج کارهای زودرس و دیررس خود در رستاخیز آگاه می‌شوید (پس مراقب کردار خود باشید). *** قرآن کریم در آیات ششم تا دوازدهم سوره‌ی انفطار با یادآوری آفرینش انسان و تحت نظر بودن او، در مورد غرور و سرکشی به وی هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۶- ۱۲. يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ* الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ* فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ* كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ* وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ* كِرَاماً كَاتِبِينَ* يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ای انسان! چه چیز تو را به پروردگار ارجمندت مغرور ساخته است؟!* (همان) کسی که تو را آفرید و مرتّب نمود و تو را معتدل ساخت،* به هر صورتی بخواهد، تو را ترکیب می‌کند.* هرگز چنین نیست؛ بلکه شما (روز) جزا را دروغ می‌انگارید.* و قطعاً، برای شما نگاهبانانی است،* که ارجمند [و] نویسنده‌اند،* در حالی که آنچه را انجام می‌دهید می‌دانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدای متعال، انسان را با لطف خود پرورش داد و با کرامت به او نعمت‌های فراوان بخشید. در مرحله‌ی اول، انسان را آفرید و نعمت وجود به او داد؛ در مرحله‌ی دوم، پیکر او را تنظیم کرد و هرکدام از اعضای او را در جای مناسب قرار داد؛ و در مرحله‌ی سوم، او را تعدیل کرد و رابطه‌ی بین اعضا و قوای او را هماهنگ کرد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۴ به طوری که دست و پا و چشم و استخوان‌بندی، با اعصاب و عضلات او هماهنگ عمل می‌کند و هم‌دیگر را تکمیل می‌کنند و انسان را راست قامت می‌نمایند. «۱» و در مرحله‌ی چهارم، انسان را صورت‌بندی کرد و او را به بهترین صورت آفرید، به طوری که در بین حیوانات، چهره‌ای زیبا دارد. ۲. انسان با وجود برخورداری از نعمت‌های فراوان، باز هم ناسپاسی می‌کند و در برابر خدا مغرور و سرکش است!! آیا سزاواراست که انسان در برابر چنین پرورش دهنده‌ی با کرامتی که او را به بهترین صورت آفریده و چهره‌پردازی کرده است غافل شود و در انجام دستورات او کوتاهی کند؟! دریغا که مشغول باطل شدیم ز حق دور ماندیم و غافل شدیم ۳. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هنگام

خوانـدن این آیات می‌فرمود: نادانی انسان او را مغرور ساخته است.» ۴. «غرور» به معنای غفلت در هنگام بیـداری است؛ یعنی غفلت در جایی که نبایـد انسان غافل باشـد و از آن جا که گاهی غفلت سرچشـمه‌ی جسارت و خود برتر بینی می‌شود، در این معانی نیز به کار رفته است. ۵. یکی از صـفات خدای متعال، «کریم» است؛ او با کرامت و ارجمند است، بخشنده‌ای که در پی کسب سود و دفع زیـان نیسـت، کسـی که عمـل کم را می‌پـذیرد و بهـای زیـاد می‌پردازد و آن چه را بر او لازم نیست می‌بخشـد. ۶. ریشـه‌ی غرور و سرکشی انسان همان تکذیب رستاخیز است. آری؛ کسی که قیامت را باور نداشته باشد، مست و مغرور، دست به هرکار می‌زند ولی کسـی که روز جزا را باور دارد، فروتن و قانون‌پـذیر می‌شود و از خدا اطاعت می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۵ ۷. واژه‌ی «دین» در معانی متعددی به کار می‌رود که در این جا به معنای جزا، یا دین اسلام است، البته معنای اول با آیات قبل و بعد سازگارتر است. ۸. افرادی ارجمند و با کرامت، مأمور محافظت انسان و نوشتن اعمال اویند، آنان فرشتگان الهی‌اند که شاهد و ناظر اعمال ما هسـتند. البته خدا، پیامبران، اعضای بدن، فرشـتگان دیگر و حتی زمان و مکان، شاهد اعمال انسان هستند، «۱» اما خدا افراد خاصـی از فرشـتگان را مـأمور ثبت اعمـال انسـان کرده است، تـا انسان‌هـا بیش‌تر مراقب اعمـال خود باشـند و از نافرمـانی او بیش‌تر نـاراحت شونـد. البته این فرشـتگان هم اعمال انسان را می‌نویسـند و هم انسان را از شـیاطین و آفات بسـیار حفظ می‌کننـد. «۲» ۹. از معصومین علیهم السلام روایت شده که فرشتگان مأمورند کارهای نیک انسان را ده برابر بنویسند و هر «نیت خوب» را «یک نیکی» ثبت می‌کننـد و امـا زمـانی که انسان تصـمیم بر گناه می‌گیرد، تا زمانی که عمل نکرده، چیزی بر او نمی‌نویسـند و بعـد از عمل فقط یک گناه ثبت می‌کننـد. «۳» و نیز روایت شـده که فرشـته، در مورد نوشـتن گناهان، تا هفت ساعت صبر می‌کنـد تا شایـد کار نیکی انجام دهـد که گناهان او را بپوشانـد. «۴» تفسـیر قرآن مهر جلـد بیسـت و دوم، ص: ۱۰۶ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. بـا مطالعه در مراحل آفرینش خویش، خداشناس شوید. ۲. شـما مخلوق خدایید، پس در برابر خدا مغرور نشوید. ۳. سزاوار نیست در برابر پرورشگری با کرامت، مغرور و سـرکش شوید. ۴. سرچشـمه‌ی سرکشی انسان، دروغ‌انگاریِ رستاخیز است. ۵. شـما تحت نظر هستید و اعمال شما آگاهانه ثبت و ضبط می‌شود. ۶. فرشـتگان مأمور ثبت اعمال، افرادی با کرامت و ارجمندند (و با لطف با شـما برخورد می‌کنند). ۷. هر انسانی محافظانی آگاه دارد (و تحت حمایت الهی است). *** قرآن کریم درآیات سیزدهم تا نوزدهم سوره‌ی انفطار به عظمت رسـتاخیز و فرجام نیکوی نیکان و فرجام عذاب‌آلود خلافکاران در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳– ۱۹. إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِی نَعِیمٍ* وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِی جَحِیمٍ* یَصْلَوْنَهَا یَوْمَ الدِّینِ* وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِینَ* وَمَا أَدْرَاکَ مَا یَوْمُ الدِّینِ* ثُمَّ مَا أَدْرَاکَ مَا یَوْمُ الدِّینِ* یَوْمَ لَا تَمْلِکُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَیْئاً وَالْأَمْرُ یَوْمَئِذٍ لِلَّهِ قطعاً، نیکان در نعمتی فراوان‌انـد،* و مسلماً، بدکاران در دوزخ‌اند،* که روز جزا وارد آن می‌شوند (و می‌سوزند)،* و آنان از آن (دوزخ) غایب نمی‌شوند. * و چه چیز تو را آگاه کرد که روز جزا چیست؟!* سپس چه چیز تو را آگاه کرد که روز جزا چیست؟!* روزی که هیچ شخصـی چیزی برای شـخص (دیگر) مالک نیست، در حالی که آن روز کار [ها] از آنِ خداست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ابرار»، به معنای افراد نیکوکار است، افرادی که عقاید و رفتار نیک تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۷ دارنـد و به دیگران امداد می‌رسانند. «۱» فرجـام این افراد بهشت پرنعمت و بادوام الهی است. «۲» ۲. «فُجّار»، در اصـل به معنـای شـکافتن وسیع است و به کسـی که پرده‌ی عفاف و تقوا را می‌شـکافد و در راه گناه قـدم می‌گـذارد، فاجر گفته می‌شـود. فرجـام چنیـن فردی آتش فروزان دوزخ اسـت. «۳» ۳. در ایـن آیـات بیـان شـده که «نیکوکـاران در بهشت و بـدکاران در دوزخ‌انـد.»، مفسـران قرآن این تعبیر را دو گـونه تفسیر کرده‌انـد: الـف) هم اکنـون نیکوکـاران در بهشت اعمـال خود مسـرورند و بدکاران در دوزخ اعمال خویش در عذاب‌اند. بهشت و دوزخت با توست در پوست چرا بیرون ز خود می‌جویی ای دوست ب) این تعبیرات به آینـده‌ی حتمی نیکـان و بـدکاران اشـاره دارد که در رسـتاخیز داخل بهشت و دوزخ می‌شونـد. «۴» البته مانعی نـدارد که آیات فوق به هر دو معنا اشاره داشـته باشـند؛ یعنی در دنیا به نوع اول عذاب و در آخرت به نوع دوم گرفتار می‌شوند، همان‌طور که در آیات بعد نیز بدان اشاره شده است. ۴. یکی از نام‌های رستاخیز «یوم الدین» (روز جزا) است؛ روزی که بسیار با عظمت و بزرگ

است، با حوادثی غیر قابل وصف که ما از آن آگاهی کافی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۸ نداریم، و حتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز آگاهی وسیعی از آن ندارد. ۵. در روز رستاخیز، بدکاران را داخل دوزخ می‌برند و در آتش می‌سوزانند و آنان هیچ‌گاه نمی‌توانند از دوزخ غایب شوند؛ یعنی به طور دایم در آن معذّب‌اند. مقصود از بدکاران در این آیات، همان کافران هستند که به طور جاودان در آتش خواهند ماند! ۶. در روز رستاخیز هیچ کس مالک چیزی نیست و کارها به دست خداست؛ البته در این دنیا نیز چنین است، اما در دنیا انسان، مالکیت وحاکمیت ظاهری و اعتباری دارد ولی در رستاخیز همین مالکیت وحاکمیت اعتباری نیز نخواهد بود و آشکار خواهد شد که خدا صاحب اختیار همه چیز است و اوست که به هرکس بخواهد اجازه‌ی شفاعت می‌دهد یا می‌بخشد یا عذاب می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر بهشت پرنعمت می‌خواهید، نیکوکار شوید. ۲. بدکاری، زمینه‌ساز ورود به دوزخ است. ۳. رستاخیز روز عذاب دایمی بدکاران است. ۴. رستاخیز، روز با عظمتی است که درک حقایق آن برای شما مشکل است. ۵. در رستاخیز، مالکیت‌ها و حاکمیت‌های اعتباری بی‌اعتبار می‌شوند و همه‌ی کارها به دست خداست. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۰۹

بخش ششم: سوره‌ی مطففین

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «مطفّفین» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده (احتمالًا بخش اول سوره در مدینه نازل شده است.) و دارای ۳۶ آیه، ۱۷۷ کلمه و ۸۳۰ حرف است. این سوره هشتاد و پنجمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «عنکبوت» و قبل از سوره‌ی «بقره») و هشتاد و سومین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره «مُطفّفین» (کم فروشان) و «تَطفیف» (کم فروشی) است که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده، که کم فروشان و فسادگران اقتصادی را نکوهش کرده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۰

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «مطففین» را بخواند، خدا روز رستاخیز، او را از شراب طهور خالصِ مُهر شده (و دست نخورده) سیراب می‌کند. «۱» البته روشن است که این پاداش‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و طبق محتوای آن عمل کنند.

اهداف

اهداف: هدف اصلی این سوره یادآوری رستاخیز و عذاب‌ها و نعمت‌های آن روز است.

مطالب

مطالب: ۱. هشدار به کم‌فروشان (در آیات ۱- ۳)؛ ۲. یادآوری رابطه‌ی ایمان به معاد، با ترک گناهان بزرگ (در آیات ۴- ۶)؛ ۳. بیان سرنوشت بدکاران در رستاخیز (در آیات ۷- ۱۷)؛ ۴. بیان نعمت‌های بزرگ نیکوکاران در بهشت (در آیات ۲۲- ۲۸)؛ ۵. ریشخند مؤمنان نسبت به کافران در رستاخیز، که این عکس العمل ریشخند کافران در دنیاست (در آیات ۲۸- ۳۴)؛ ۶. اشاره به

نامه‌ی اعمال در رستاخیز (در آیات ۷ و ۱۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۱

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا ششم سوره‌ی مطففین با یاد آوری رستاخیز به اخلال گران اقتصادی هشدار داده، می‌فرماید: ۱- ۶. وَیْلٌ لِلْمُطَفِّفِینَ* الَّذِینَ إِذَا اکْتَالُوا عَلَی النَّاسِ یَسْتَوْفُونَ* وَإِذَا کَالُوهُمْ أَو وَزَنُوهُمْ یُخْسِرُونَ* أَلَّا یَظُنُّ أُولَئِکَ أَنَّهُم مَبْعُوثُونَ* لِیَوْمٍ عَظِیمٍ* یَوْمَ یَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِینَ وای بر کم فروشان!* (همان) کسانی که وقتی از مردم پیمانه می‌گیرند، به طور کامل می‌گیرند؛* و [لی هنگامی که برای آنان پیمانه می‌کنند یا برای آنان وزن می‌کنند، (می‌کاهند و) خسارت می‌زنند.* آیا آنان نمی‌دانند که آنان برانگیخته می‌شوند،* در روزی بزرگ؟!* روزی که مردم برای پروردگار جهانیان به پا می‌خیزند؟! شأن نزول: حکایت شده که در زمان ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، مردم آن سامان، که بسیاری از آنها تاجرپیشه بودند، کم فروشی می‌کردند، آن گاه این آیات فرود آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردم مدینه خواندند، و آنان از کم فروشی دست برداشتند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مُطففین» در اصل به معنای کناره‌های چیزی است و به هر چیز کمی (مثل پیمانه‌ای که پُر نباشد) گفته می‌شود. تعبیر مطففین، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۲ کم‌فروشی و کم دادن حق مردم به هر شکل و هر صورت را شامل می‌شود؛ یعنی هر چند در آیه، به کم دادن پیمانه و وزن اشاره شده، ولی آیه مفهوم وسیعی دارد که شامل کم دادن چیزهای دیگر نیز می‌شود. برخی مفسران احتمال داده‌اند که آیه کم گذاشتن خدمات در هنگام کارگری و کارمندی را نیز شامل می‌شود. «۱» بترس از گناهان خویش این نفس که روز قیامت نترسی ز کس ۲. این آیات به افرادی نظر دارد که حق خود را به طور کامل از مردم می‌گیرند ولی حق مردم را به طور کامل نمی‌دهند. برخی مفسران حکایت کرده‌اند که در مدینه شخصی به نام ابوجهینه، دو پیمانه‌ی بزرگ و کوچک داشت که به هنگام خرید از پیمانه‌ی بزرگ و به هنگام فروش از پیمانه‌ی کوچک استفاده می‌کرد. آیه‌ی فوق فرود آمد و به امثال او هشدار داد. «۲» ۳. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که بعد از نزول آیه‌ی فوق فرمودند: هیچ گروهی کم‌فروشی نکردند، مگر آن که زراعت آنان از بین رفت و گرفتار قحطی شدند. «۳» و نیز حکایت شده که امام علی علیه السلام در بازار می‌گشت و به تجّار یادآوری می‌کرد که پیمانه و وزن را به طور کامل بدهند. و نیز از آن حضرت روایت شده که به بازرگانان سفارش می‌کرد که اول، احکام فقهی تجارت را به خوبی بیاموزید و سپس تجارت کنید. «۴» ۴. در این آیات برای خرید از پیمانه یاد شده، اما برای فروش به پیمانه و وزن اشاره شده است؛ زیرا در زمان‌های گذشته برای خرید اجناس عمده، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۳ بیش‌تر از پیمانه استفاده می‌کردند، چون ترازوهای بزرگ وجود نداشت اما برای خرده‌فروشی از دو روش پیمانه و وزن استفاده می‌کردند. علاوه بر آن، استفاده از ترازو برای کم فروشی، آسان‌تر و امکان تقلّب در آن بیش‌تر است. ۵. در این آیات به رابطه‌ی معادباوری با ترک گناهان اشاره شده و به کم‌فروشان یادآوری شده که اگر یقین به رستاخیز داشتند، کم فروشی نمی‌کردند. «۱» گوییا باور نمی‌دارند روز داوری کاین همه کار دغل در کار داور می‌کنند ۶. «ویل» به معنای شرّ، اندوه، هلاکت یا عذاب دردناک یا وادی سوزان و سختی در دوزخ است و برای نفرین و بیان زشتی چیزی به کار می‌رود و در فارسی، تعبیر «وای بر کم فروشان» تا حدودی گویای معنای آن است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کم فروشی نکنید که گناهی عذاب‌آور است. ۲. همان گونه که حق خود را به طور کامل از مردم می‌گیرید، حقّ مردم را نیز کامل بپردازید. ۳. اگر به رستاخیز ایمان دارید، از کار و مال مردم کم نگذارید (و وظیفه‌ی خود را انجام دهید). ۴. عقیده به معاد در ترک گناهان بزرگ تأثیر مستقیم دارد. ۵. در هنگام تجارت به یاد رستاخیز و دادگاه عدل الهی باشید و کم‌فروشی نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۴ قرآن کریم در آیات هفتم تا هفدهم سوره‌ی مطففین به ویژگی‌های منکران معاد در دنیا و رستاخیز و نامه‌ی اعمال آنان و فرجام عذاب‌آلودشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷- ۱۷. کَلَّا إِنَّ کِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِی سِجِّینٍ* وَمَا أَدْرَاکَ مَا سِجِّینٌ*

كِتَابٌ مَرْقُومٌ* وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ* الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ* وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ* إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ* كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ* كَلَّا إِنَّهُمْ عَن رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ* ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ* ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ هرگز چنین نیست، قطعاً، نامه (ی اعمال) بدکاران در زندان (دوزخ) است.* و چه چیز تو را آگاه کرد که زندان (دوزخ) چیست؟!* (آن) نامه‌ای است که نوشته شده است.* در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان!* (همان) کسانی که روز جزا را دروغ می‌انگارند؛* در حالی که جز، هر تجاوزکار گنه‌پیشه آن را تکذیب نمی‌کند.* هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، می‌گوید: « (این‌ها) افسانه‌های پیشینیان است.»* هرگز چنین نیست، بلکه آنچه را به دست می‌آوردند بر دل‌هایشان (غلبه کرد) و زنگار افکند.* هرگز چنین نیست، قطعاً، در آن روز، آنان از (ملاقات) پروردگارشان منع شده‌اند؛* سپس قطعاً آنان وارد دوزخ می‌شوند (و می‌سوزند)؛* سپس (به آنان) گفته می‌شود: «این چیزی است که آن را دروغ می‌انگاشتید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «سِجّین» در اصل به معنای «زندان» است و به معنای «محلی در قعر جهنّم» و نیز «آتش دوزخ» می‌آید. «۱» در مورد «سجّین» و «نامه‌ی رقم زده شده» که در این آیات آمده دو تفسیر وجود دارد: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۵ الف) مقصود همان نامه‌ی اعمال عمومی بدکاران است، که همه‌ی کارهای آنان درآن ضبط شده و آن کتاب جامعی است که در دوزخ سقوط کرده و زندانی شده است یعنی جایگاه نهایی آن دوزخ است. ب) مقصود از این تعبیرات، همان دوزخ است که سرنوشت رقم زده شده‌ی بدکاران خواهد بود. البته مانعی ندارد که هر دو تفسیر مقصود آیه باشد؛ چون نامه‌ی اعمال بدکاران عامل سقوط آنان در دوزخ است. ۲. مفسران برای انسان سه نوع نامه‌ی عمل برشمرده‌اند: الف) نامه‌ی اعمال شخصی که در رستاخیز به دست راست انسان می‌دهند؛ ب) نامه‌ی اعمال هر امت؛ ج) نامه‌ی اعمال عمومی بدکاران یا نیکوکاران، که همان دیوان کل است و در قعر دوزخ جای دارد یا سبب سقوط افراد به دوزخ و زندانی شدن آنها در آن جا می‌شود و واژه‌ی «سجّین» به این نامه‌ی اعمال عمومی اشاره دارد. نامه‌ای آید به دست بنده‌ای سرسیه از جرم و فسق آکنده‌ای ۳. این آیات، تجاوزگری و گناهکاری از عوامل انکار و تکذیب رستاخیز بر شمرده شده‌اند: آری؛ انسان‌های متجاوز و گنه‌پیشه برای این که بتوانند به خلافکاری‌های خود ادامه دهند، منکر رستاخیز می‌شوند؛ یعنی اعمال خلاف آنان در مواضع عقیدتی آنها تأثیر منفی می‌گذارد. ۴. در قرآن کریم مکرر بیان شده که مخالفان آیات الهی آنها را افسانه‌های پیشینیان می‌خوانند. «۱» این در حالی است که قرآن کریم معجزه‌ی الهی است و مخالفان را به هماوردی و آوردن مثل یک سوره دعوت کرده و همواره مخالفانش عاجز تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۶ بوده‌اند؛ و شاید همین عجز و ناتوانی مخالفان موجب می‌شود که سخنان غیرمنطقی بگویند و دست به تهمت بزنند و قرآن را اسطوره و افسانه بنامند. تا قیامت می‌زند قرآن ندا کای گروهی جهل را گشته فدا مرمرا افسانه می‌پنداشتید تخم طعن و کافری می‌کاشتید خود بدیدید ای خسان طعنه‌زن که شما بودید افسانه، نه من ۵. برخی مفسران گفته‌اند که این آیات در مورد نضر بن حارث نازل شده است که از سران کفر بود و آیات الهی را افسانه‌های نخستین می‌خواند، «۱» ولی آیات شامل همه‌ی افراد همچون او می‌شود. ۶. یکی از عوامل تکذیب معاد و افسانه خواندن قرآن آن است که اعمال بد خلاف‌کاران همچون پرده‌ای بردل و عقل آنان افتاده است، «۲» به طوری که حقایق روشن را درک نمی‌کنند و دست به تکذیب معاد و آیات الهی می‌زنند. ۷. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که گناه زیاد موجب فاسد شدن دل است. «۳» هنگامی که بنده گناه می‌کند، نقطه‌ی سیاهی در دل او پیدا می‌شود و اگر توبه نماید و دست از گناه بردارد و استغفار کند دلش صفا می‌یابد و اگر باز هم گناه کند، سیاهی افزون می‌شود تا این که تمام دلش را فرا می‌گیرد و این همان زنگاری است که در آیه‌ی فوق گفته شد. «۴» کسی روز محشر نگردد خجل که شب‌ها به درگه برد سوز دل تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۷ ۸. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: به همدیگر تذکّر دهید و با یکدیگر ملاقات نمایید و سخن بگویید که حدیث (پیشوایان دین) مایه‌ی جلای دل‌هاست و دل‌ها زنگار می‌گیرند همان طور که شمشیر زنگار می‌گیرد؛ و صیقل آنها حدیث است. «۱» ۹. این آیات چند کیفر خلاف‌کاران تکذیب‌گر را چنین بیان می‌کند: الف)

کیفر معنوی، که همان محرومیت از دیدار پروردگار در رستاخیز است. آنان همان طور که در این دنیا حق را نمی‌بینند در رستاخیز نیز از دیـدار حق محروم‌انـد؛ زیرا قلب‌شان در حجاب است و صـفا و نورانیت دل ندارند. ب) کیفر جسـمانی، که همان وارد شدن و همراهی بـا آتش دوزخ است؛ ایـن آتش نـتیجه‌ی محرومیـت از دیـدار حق اسـت. ج) کیفر روانی، کـه همـان سـرزنش و تـوبیخ خلاف‌کـاران در رستاخیز اسـت. به آنـان گفته می‌شـود: این همـان دوزخی است که همـواره آن را انکـار می‌کردیـد. ۱۰. یکی از عـذاب‌های خلاف‌کـاران، محرومیت از دیـدار حق است که محرومیت از رحمت و احسـان و کرامت و ثواب خـدا را به دنبال دارد. آری؛ برخی از مؤمنـان در دنیـا و آخرت از فیض دیـدار حق بهره می‌برنـد؛ چنان‌که امام علی علیه السـلام در دعای کمیل خطاب به پروردگـار می‌فرمایـد: گیرم که برعـذاب دردناک تو صبر کنم، چگونه بردوری و فراق تو صبر کنم! «۲» ولی برخی کوردلان، حتی در رسـتاخیز هم که پرده‌ها کنار می‌رود، از این فیض بی‌بهره‌اند. جمال یار ندارد حجاب و پرده ولی غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بدکاران نامه‌ی اعمال بدی برای خود رقم زده‌اند. ۲. نامه‌ی اعمال بـدکاران، آنان را در قعر دوزخ زنـدانی می‌کند. ۳. منکران معاد منتظر سرنوشت عذاب‌آلودی باشند. ۴. تجاوزگری و گناهکاری، زمینه‌ساز انکار معاد است. ۵. رسـتاخیز، روز جزا و کیفر شـماست (پس این واقعیت را بپذیرید و دست از گناه و تجاوز بردارید). ۶. اعمال بـد، زنگاری بردل می‌نشانـد (که مانع درک حقایق می‌شود). ۷. مخالفان اسـلام در برابر قرآن حرف منطقی ندارنـد و آن را افسانه می‌خواننـد. ۸. مخالفـان قرآن، منکران معـاد و خلافکـاران از دیـدار پروردگـار محروم‌انـد. ۹. خلاف‌کـاری، انکـار معـاد و تهمت‌زدن به قرآن، سرنوشتی عذاب‌آلود دارد. ۱۰. منکران معاد، منتظر روزی باشند که عذاب رستاخیز را بچشند، تا حقیقت آن را درک کنند. ۱۱. محرومیت از دیـدار خـدا و سـرزنش روانی، کیفری در ردیف عـذاب دوزخ به شـمار می‌آید. *** قرآن کریم در آیات هیجـدهم تا بیست و هشـتم سوره‌ی مطففین به نامه‌ی اعمال و فرجام نیکو و نعمت‌های بهشتی نیکان و مقرّبان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸- ۲۸. كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ* وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ* كِتَابٌ مَرْقُومٌ* يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ* إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ* عَلَى الْأَرَائِكِ يَنظُرُونَ* تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ* يُسْقَوْنَ مِن رَحِيقٍ مَخْتُومٍ* خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ* وَمِزَاجُهُ مِن تَسْنِيمٍ* عَيْناً يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۱۹ هرگز چنین نیست، قطعاً، نامه‌ی (اعمال) نیکـان در مراتب عـالی است.* و چه چیز تو را آگاه کرد که مراتب عالی چیست؟!* (آن) نامه‌ای است که نوشـته شـده است،* [و] مقربـان آن را گـواهی می‌دهنــد.* قطعـاً، نیکـان در نعمـتی فراوان‌انــد؛* در حـالی کـه بر تخت‌هـا (تکیـه زده و) می‌نگرنــد؛* در چهره‌هایشان شادابیِ فراوانیِ نعمت را می‌شناسـی؛* از شـراب خالص مُهر نهاده شـده نوشانده می‌شوند.* مُهر آن مُشک است؛ و در مورد این (شراب‌ها)، پس مشتاقان باید (بزرگوارانه بر یک‌دیگر پیشی گیرند و) اشتیاق ورزند.* و آمیزه‌اش از شراب برتر (چشمه‌ی بهشتی) است،* چشمه‌ساری که مقربان از آن می‌نوشند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت نیکـان و بـدان را در برابر هم‌دیگر به تصویر می‌کشـد تا مخاطبان بتواننـد راه خود را آگاهانه انتخاب کننـد. در این آیات سرنوشـت نیکان و نعمت‌های بهشتی آنان بیان شده است و در آیات پیشـین سرنوشت خلاف‌کاران تکذیب‌گر و کیفرهای آنان بیان شده بود. ۲. «عِلّیین» به معنـای مکان‌هـای بالاـ یا اشـخاص بالانشـین است و در این جا به برترین مکان‌های بهشت تفسـیر شـده است. در مورد «علّیین» و «کتاب رقم زده شـده‌ی نیکان»، دو تفسـیر ارائه شده است: الف) مقصود نامه‌ی اعمال نیکان است که همه‌ی کارهای آنان در آن ثبت است و این دیوانی بلنـدمرتبه است که در بهشت قرار دارد. ب) منظور سـرنوشت نهـایی نیکان است که به سوی درجات عالی بهشت رقم زده شده است. البته مانعی ندارد که آیه‌ی فوق به هردو تفسیر اشاره داشته باشد «۱» چون نامه‌ی اعمال نیکان عامل صعود آنان به درجات عالی بهشت است. تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۰ ۳. نامه‌ی اعمال نیکان را مقرّبان درگاه الهی مشاهـده می‌کنند و بر آن گواهی می‌دهند. مقرّبان، همان فرشـتگان ناظر اعمال یا گروهی برگزیده از مؤمنان هسـتند که مقامی بس والا دارند. در برخی آیات قرآن نیز اشاره شده که هر امتی گواهی دارد و پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله، گواه بر آنهاست. «۱» ۴.

در این آیات، برای نیکان پاداش‌های متعددی برشمرده شده است: الف) در نعمت‌های فراوان بهشتی هستند، نعمت‌های بزرگ و فراوان مادی و معنوی که نمی‌توان آنها را وصف کرد. «۲» ب) بر تخت‌ها و ارگ‌های زیبای بهشتی تکیه می‌زنند «۳» و به مناظر زیبا می‌نگرند و لذت می‌برند. ج) چهره‌های شاداب دارند و از نعمت‌های الهی مسرورند. د) از شراب زلال مهرزده و دست نخورده می‌نوشند؛ شرابی که پاک و پاک کننده است و هم‌چون شراب‌های زیان آور، بدبو و دست خورده‌ی دنیا نیست؛ شرابی که دربسته است، ولی در آن را با ماده‌ی مُشک خوش‌بو بسته‌اند که هرگاه دست بر مُهرش می‌نهند، بوی عطر مشک فضا را پر می‌کند؛ همان شرابی که تسنیم ممزوج است. آن شراب حق، ختامش مشکِ ناب باده، را ختمش بود، گند و عذاب ۵. در این آیات چند ویژگی برای شراب‌های بهشتی نیکان بیان شده است: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۱ الف) شرابی زلال و خالص است، که آلودگی و ناخالصی در آن نیست. ب) در ظرف‌های در بسته و دست نخورده است، که این نشانه‌ی احترام به میهمان است. ج) درِ ظرف‌های شراب بهشتی را با ماده‌ای پوشانده‌اند که بوی مُشک می‌دهد و هرگاه درِ آن را باز کنند، بوی آن فضا را عطر آگین می‌کند. د) این شراب با برترین نوع شراب بهشتی، یعنی تسنیم مخلوط شده است و طعم آن را می‌دهد. همه‌ی این‌ها برای نیکان است. ه) در بهشت به نیکان از این شراب می‌نوشانند؛ یعنی آنان برای نوشیدن شراب زحمت نمی‌کشند و با کمال احترام از آنان پذیرایی می‌شود. ۶. «تسنیم» به معنای چشمه‌ای است که از بالا به پایین فرو می‌ریزد و طعم خاصی دارد که مخصوص مقرّبان درگاه الهی است. در بهشت شراب‌های مختلفی است: برخی در نهرها جاری است، «۱» برخی در ظرف‌های دربسته است، و برخی از طبقات بالای بهشت فرو می‌ریزد، که از همه عالی‌تر است و نشئه‌ی روحانی غیر قابل وصفی دارد؛ البته همه‌ی این تعبیرات اشاره به حقایق برتر بهشتی و شبحی از آنهاست. ۷. مقرّبان درگاه الهی در بهشت از چشمه‌ای می‌نوشند که تسنیم از آن جاری است. از این آیات استفاده می‌شود که مقام مقرّبان از مقام نیکان برتر است؛ نیکان کسانی هستند که روحی بلند و وسیع و همّتی بلند در اعتقاد و عمل دارند؛ ولی مقرّبان کسانی هستند که در پیشگاه الهی مقامی خاص دارند. ۸. از امام حسن علیه السلام روایت شده: به خدا سوگند هر جا در قرآن از نیکان یاد شده است، جز علی و فاطمه و من و حسین علیهم السلام اراده نشده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۲ البته روشن است که این گونه احادیث، مصداق‌های کامل و روشن ابرار و نیکان را بیان می‌کنند و این مانع عمومیت و شمول آیات نمی‌شود. ۹. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: هر کس شراب دنیوی را برای خدا ترک کند، خدا از شراب زلال دست نخورده‌ی بهشتی او را سیراب می‌کند. «۱» و از امام سجاد علیه السلام روایت شده: هر کس مؤمن تشنه‌ای را سیراب کند، خدا او را از شراب زلال دست نخورده‌ی بهشتی سیراب می‌کند.» و نیز در مورد کسی که در روز گرم تابستان روزه بگیرد همین پاداش ذکر شده است. «۳» ۱۰. نعمت‌های بهشتی نیکان آن‌قدر ارزشمند است که باید انسان‌ها برای رسیدن به این نعمت‌ها مسابقه دهند و بزرگوارانه و در رقابتی سالم، برای رسیدن به آن مقام تلاش کنند و این جز در سایه‌ی نیکوکاری به دست نمی‌آید. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۳ ۱. نیکان نامه‌ی اعمال خوبی برای خود رقم زده‌اند. ۲. نامه‌ی اعمال نیکان آنان را به مرتبه‌ی والایی از بهشت سوق می‌دهد. ۳. مقرّبان درگاه الهی از نامه‌ی اعمال شما آگاه‌اند و به آن گواهی می‌دهند. ۴. اگر نعمت‌های فراوان بهشت و شراب‌های نیکوی آن را می‌طلبید از نیکان شوید. ۵. نیکوکاران در آخرت شاد و سیراب از شراب زلال هستند. ۶. بهشت نیکان، پرنعمت و خوش‌منظره است. ۷. برای رسیدن به مقامات بهشتی نیکان، از هم‌دیگر پیشی بگیرید و بزرگوارانه در نیکوکاری مسابقه دهید. ۸. مقربان درگاه الهی از شراب ویژه‌ای می‌نوشند (و مقامشان از نیکان بالاتر است). ۹. اگر شراب تسنیم می‌خواهید، به درگاه الهی نزدیک شوید. *** قرآن کریم در آیات بیست و نهم تا سی و ششم سوره‌ی مطففین به ریشخند مؤمنان توسط کافران در دنیا و عکس العمل آن در آخرت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹ – ۳۶. إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ* وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ* وَإِذَا انقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمُ انقَلَبُوا فَكِهِينَ* وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هؤُلَاءِ لَضَالُّونَ* وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ* فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ* عَلَى الْأَرَائِكِ

یَنظُرُونَ* هَلْ ثُوِّبَ الْکَفَّارُ مَا کَانُوا یَفْعَلُونَ در واقع، کسانی که خلافکاری کردند، به کسانی که ایمان آوردند، می‌خندیدند* و هنگامی که بر آنان می‌گذشتند، با اشاره ریشخند می‌کردند.* و هنگامی که به سوی خانواده‌شان بازمی‌گشتند، شادمانانه برمی‌گشتند،* و هنگامی که آنان را می‌دیدند، می‌گفتند: «قطعاً، اینان گمراهان‌اند.»* در حالی که بر آنان نگاهبانانی فرستاده نشده بود.* پس امروز کسانی که ایمان آوردند، به کافران می‌خندند،* در حالی که بر تخت‌ها (تکیه‌زده و) می‌نگرند.* آیا کافران آنچه را انجام می‌دادند پاداش داده شدند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۴ شأن نزول: حکایت کرده‌اند که روزی علی علیه السلام با گروهی از مؤمنان از کنار جمعی از کافران مکه عبور می‌کردند. آنان به علی علیه السلام و مؤمنان خندیدند و آنها را ریشخند کردند. آیات فوق بدین مناسبت فرود آمد و عکس‌العمل آن را در رستاخیز روشن ساخت. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به قانون عمل و عکس‌العمل اشاره شده است؛ قانونی که در دنیا و آخرت جاری است و هر کس عکس العمل متناسب با کارش را می‌بیند. آری؛ کسی که در دنیا مؤمنان را ریشخند کند، در آخرت کیفری متناسب می‌بیند و ریشخند می‌شود؛ زیرا آخرت محل اجرای عدالت و بازتاب اعمال است. چون ترازوی تو کژ بود و دغا راست چون جویی ترازوی جَزا ۲. در این آیات به اعمال زشت خلاف‌کاران در دنیا نسبت به مؤمنان اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) کافران به مؤمنان می‌خندیدند، خنده‌ای مستانه و تمسخرآمیز که نشانه‌ی روح غرور و غفلت و سرکشی و سبک‌سری آنان بود. ب) کافران با اشاره‌ی چشم و ابرو و دست، مؤمنانِ در حال عبور را نشان می‌دادند و به آنان ایراد می‌گرفتند که این‌ها فقیرانی هستند که ادعای توحید و رستاخیز دارند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۵ ج) کافران نه تنها مؤمنان را در میان اجتماع ریشخند می‌کردند، بلکه در جلسات خصوصی و در میان خانواده و دوستان نزدیک نیز چنین می‌کردند «۱» و در میان آنان خوشحالی می‌کردند، چنان که گویی پیروزی نصیب آنان شده است. د) یکی دیگر از رفتارهای ناشایست کافران با مؤمنان آن بود که هر گاه مؤمنان را می‌دیدند، می‌گفتند: قطعاً اینان گمراه‌اند چون آیین بت‌پرستی را رها کرده و راه توحید و آخرت را در پیش گرفته‌اند. البته مرحله‌ی شدید برخورد کافران وقتی به وجود می‌آمد که کار از ریشخند می‌گذشت و گاهی به نبردهای مسلحانه کشیده می‌شد. ۳. در این آیات خدای متعال به کافران پاسخی دندان شکن داده، از آنان سلب مسئولیت می‌کند ومی فرماید: ما شمارا نگهبان امور مؤمنان قرار ندادیم که حق داشته باشید برآنان خرده بگیرید. این کارها مربوط به شما نبود. ۴. عکس‌العمل کردار کافران در رستاخیز آن است که در آن روز مؤمنان به کافران می‌خندند و آنان را ریشخند می‌کنند؛ کافرانی که در دنیا با غرور و مستانه می‌خندیدند، اکنون گرفتار آتش شده‌اند و راه گریز ندارند. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که در رستاخیز درِ بهشت را به روی کافران می‌گشایند، ولی وقتی آنان به نزدیکی بهشت می‌رسند در را می‌بندند و این کار چند بار تکرار می‌شود و مؤمنان که شاهد این صحنه هستند می‌خندند. «۲» ۵. در آخرین آیه‌ی سوره‌ی مطففین، خدا یا فرشتگان یا مؤمنان، «۳» به تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۶ نوعی کافران را ریشخند و سرزنش می‌کنند و می‌گویند: آیا کافران ثواب اعمالشان را گرفتند؟! در این آیه، به جای آن که از واژه‌ی «کیفر» استفاده کند، واژه‌ی «ثواب» به کار برده است، که برای ریشخند کافرانی است که گرفتار عذاب شده‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از حربه‌های تبلیغیِ دشمنان دین، ریشخند و طعن به مؤمنان است. ۲. یکی از حربه‌های تبلیغی دشمنان، تهمت‌زنی است و مؤمنان را گمراه می‌خوانند. ۳. کافران دگرآزارند و از ریشخند و آزار مؤمنان لذّت می‌برند. ۴. مؤمنان نیازمندِ محافظت و خرده‌گیری کافران نیستند. ۵. در رستاخیز قانون عکس‌العمل حاکم است و کافران به سزای ریشخندشان، استهزا می‌شوند. ۶. مؤمنان در رستاخیز از موضع بالا با کافران برخورد می‌کنند. ۷. رستاخیز روز جزای اعمال و ریشخند کافران است. ۸. خلافکاری و تبلیغات ریشخندآمیز، از شیوه‌های کافران (لجوج) است. ۹. اگر می‌خواهید در رستاخیز مورد ریشخند واقع نشوید در دنیا مؤمنان را ریشخند نکنید. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۷

بخش هفتم: سوره‌ی انشقاق

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «انشـقاق» در مکه بر پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۲۵ آیه، ۱۰۹ کلمه و ۴۳۰ حرف است. این سوره هشـتاد و دومین سوره در ترتیب نزول (بعـد از سوره‌ی «انفطـار» و قبـل از سوره‌ی «روم») و هشـتاد و چهارمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «انشـقاق» (شـکافتن) و «انشـقّت» (شکافت) که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۸

فضیلت

فضـیلت: از پیامبر صـلی الله علیه و آله روایت شـده که هر کس سوره‌ی انشـقاق را بخوانـد، خدا او را در امان می‌دارد از این که در قیامت نامه‌ی اعمالش از پشت سرش داده شود. «۱» البته این آثار برای کسانی است که این سوره را بخواننـد و به محتوای آن معتقد و پای‌بند باشند.

اهداف

اهـداف: محور اصـلی این سوره، معـاد و نشانه‌هـای رسـتاخیز و فرجـام مؤمنان وکافران در آن روز است و به اهمیت قرائت قرآن نیز اشاره دارد.

مطالب

مطالب: ۱. بیان نشانه‌های رسـتاخیز (در آیات ۱- ۵)؛ ۲. یادآوری برنامه‌ی اعمال اصـحاب یمین و اصـحاب شمال و فرجام آنان (در آیات ۷- ۱۵)؛ ۳. اشـاره‌ای به تلاش انسان در راه ملاقات پروردگار (در آیه‌ی ۶)؛ ۴. اشـاره‌ای به عظمت و اهمیت قرائت قرآن (در آیه‌ی ۲۱)؛ ۵. بیان کیفر تکـذیبگران قرآن (در آیات ۲۲- ۲۴)؛ ۶. اشاره‌ای به پاداش مؤمنان نیکوکردار (در آیه‌ی ۲۵). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۲۹

دوم

قرآن کریم درآیات اول تا پنجم سوره‌ی انشـقاق نشانه‌های رسـتاخیز را برمی‌شـمارد و می‌فرمایـد: ۱- ۵. إِذَا السَّماءُ انشَـقَّتْ* وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ* وَإِذَا الْأَرْضُ مُـدَّتْ* وَأَلْقَتْ مَـا فِيهَـا وَتَخَلَّتْ* وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ هنگامی که (کرات) آسـمان شـکافته شود،* و به (فرمـان) پروردگارش گوش فرا دهـد و شایسـته شود،* و هنگامی که زمین گسترانـده شود،* و آنچه در آن است (بیرون) افکنـد و خالی شود،* و به (فرمان) پروردگارش گوش فرا دهـد و شایسـته شود، نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آستانه‌ی رستاخیز نظام جهان درهم فرو می‌ریزد و آسـمان‌ها شـکافته و زمین گسترده و کشیده می‌شوند و نظم نوینی بر جهان حاکم می‌شود. ۲. در تفسیر آیه‌ی فوق از امام علی علیه السـلام روایت شده که آسـمان‌ها از کهکشان‌ها جدا می‌شوند. «۱» برخی از مفسـران، این حدیث را از معجزات علمی امـام علی علیـه السـلام دانسـته‌اند کـه در آن عصـر «از جـدایی کرات آسـمانی از کهکشان‌هـا» سـخن گفتـه است. ۳. در این آیـات می‌خوانیم که آسـمان و زمین، تسـلیم پروردگـار هسـتند و تفسـیر قرآن مهر جلـد بیست و دوم، ص: ۱۳۰ کم‌ترین مقـاومتی در برابر

فرمان او ندارنـد؛ زیرا هر لحظه از او فیض وجود می‌گیرنـد و اگر یک لحظه رها شوند نابود می‌شوند؛ پس سـزاوار و حق این اسـت که گوش به فرمان او باشـند. «۱» خداونـدی که خلّاق الوجود است وجودش تا ابـد فیاض جود است ۴. مقصود از گسترده شـدن و کشـیده شـدن زمین این است که در آن روز، کوه‌ها متلاشـی می‌شونـد و پستی و بلنـدی‌های زمین از بین می‌روند و صـحنه‌ی زمین صـاف و گسـترده می‌شود؛ یعنی در رسـتاخیز زمین بسـیار گسترده‌تر از امروز می‌شود، تـا آمـاده‌ی حضور مردم در آن پهنه شود. ۵. مقصود از تخلیه‌ی زمین در این آیات چیست؟ مفسـران در پاسـخ این پرسـش احتمالات متعـددی داده‌انـد، از جمله این که معادن و گنـج یا مواد مـذاب درون زمین بیرون می‌ریزد؛ و یا این که انسان‌های آرمیـده در قبرها خارج می‌شونـد. البته مانعی ندارد که آیه‌ی فوق، اشـاره به همه‌ی این معـانی باشـد و در آسـتانه‌ی رسـتاخیز همه‌ی این اتفاقـات بیفتـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رسـتاخیز با حوادث هولنـاکی شـروع می‌شـود و نظم فعلی جهـان برهم می‌خورد (پس برای حضور در آن صـحنه آمـاده شویـد). ۲. آسـمان و زمین، به شایسـتگی گوش به فرمـان خـدا هسـتند (شـما چطور؟!). *** قرآن کریم در آیه‌ی شـشم سوره‌ی انشـقاق به تلاش انسان‌ها در راه ملاقات پروردگار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶. یَاأَیُّهَا الْإِنسَانُ إِنَّکَ کَادِحٌ إِلَی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلَاقِیهِ ای انسان! در حقیقت، تو به سوی پروردگارت کاملًا تلاش می‌کنی (و رنج می‌کشـی) و او را ملاقات می‌کنی. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یـک اصل اساسـی در حیات انسان این است که زنـدگی‌اش همواره با تلاش و زحمت آمیخته است «۱» و انسان در راه اهـداف دنیوی و یا اخروی خویش تلاش می‌کنـد و در نهایت به ملاقات پروردگار و پاداش و کیفر او در رسـتاخیز می‌رسـد و آرام می‌گیرد. ز کوشش بجو شادی و خرّمی که این است سرمایه‌ی آدمی ۲. از امام سجاد علیه السلام روایت شده که راحتی و آسایش، تنها در بهشت و برای اهل آن است. رنـج و زحمت در دنیا آفریـده شده و برای اهل دنیاست، هرکس پیمانه‌ای از آن به دست آورد دو برابر حریص می‌شود و کسانی که از دنیا بیش‌تر دارند فقیرترند ... دوستان خدا در دنیا برای دنیا زحمت نمی‌کشند، بلکه زحمت آنان در دنیا برای آخرت است. «۲» ۳. مقصود از «ملاقات پروردگار» در این آیه چیست؟ مفسـران قرآن در مورد ملاقات پروردگار چند تفسـیر ارائه کرده‌اند؛ از جمله این که: مقصود شـهود باطنی خدا یا ملاقات پاداش و کیفر الهی و یا ملاقات حاکمیت مطلق خدا در رسـتاخیز است. زاهـدان در هوس طوبی و انـدیشه‌ی جنت من در آن غم که چه سـان قـامت و رخسـار تو بینم ۴. تعبیر «انسان» و «ربّ» در این آیه نشان می‌دهد که سـیر به سوی خدا برای همه‌ی انسان‌ها میسّر است و این تلاشـگری جزئی از برنامه‌ی ربوبی برای تربیت و تکامـل انسـان است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلـد بیسـت و دوم، ص: ۱۳۲ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. انسـان موجودی زحمت‌کش است. ۲. هدف نهایی سـیر انسان، ملاقات خداست. ۳. در دنیا آرامش و راحتی نیست، بلکه آرامش نزد خـداست. *** قرآن کریم در آیات هفتم تا پانزدهم سوره‌ی انشقاق به نامه‌ی اعمال سعادتمندان و شقاوتمندان اشاره کرده، فرجام آنان را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۷– ۱۵. فَأَمَّا مَنْ أُوتِیَ کِتَابَهُ بِیَمِینِهِ* فَسَوْفَ یُحَاسَبُ حِسَاباً یَسِیراً* وَیَنقَلِبُ إِلَی أَهْلِهِ مَسْرُوراً* وَأَمَّا مَنْ أُوتِیَ کِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ* فَسَوْفَ یَدْعُوا ثُبُوراً* وَیَصْلَی سَعِیراً* إِنَّهُ کَانَ فِی أَهْلِهِ مَسْرُوراً* إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَن یَحُورَ* بَلَی إِنَّ رَبَّهُ کَانَ بِهِ بَصِیراً و اما هر کس نـامه‌ی (عمـل) او به دست راسـتش داده شود،* پس به زودی با حسابی آسان حساب‌رسـی می‌شود،* و شادمان به سوی خانواده‌اش بـاز می‌گردد.* و امـا هر کس که نـامه‌ی (عمـل) او از پشت سـرش (به او) داده شود،* پس در آینـده (واویلا می‌گویـد و) هلاکت می‌خواهد!* و در شـعله‌ی فروزان (آتش) وارد می‌شود (و می‌سوزد)؛* [چرا] که او در خانواده‌اش (از گناه) شادمان بود؛* [چرا] که او یقین کرد که (به سـوی خـدا) بـازنمی‌گردد.* آری، در واقع، پروردگـارش نسبت به او بینـاست! نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. یکی از روش‌هـای تربیتی قرآن آن است که سـرنوشت انسان‌هـای نیـک و بـد را در برابرهم به تصویر می‌کشـد تا مخاطبان قرآن بتواننـد راه صحیح را تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۳ به‌خوبی تشخیص دهند. ۲. «اصحاب یمین» (یاران راست) کسانی هستند که سرمایه‌های وجود خویش را در مسـیر ایمان و عمل شایسـته مصـرف کردند و در رسـتاخیز نامه‌ی اعمالشان به دست راست‌شان داده می‌شود و این نشانه‌ی پاکی کردار و فرجام نیکوی آنان است. ۳. خدا حساب اصحاب یمین را آسان می‌گیرد و با لطف و احسان از

لغزش‌های آنان می‌گذرد و بر آنان سخت نمی‌گیرد. ۴. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: سه چیز عامل آسانی حساب و ورود به بهشت است: اول این که هرکس تو را محروم کرد به او عطا کنی؛ دوم آن که هر کس از تو برید (و قطع رابطه کرد) با او پیوند برقرار سازی؛ و سوم آن که هرکس بر تو ستم کرد او را عفو کنی. «۱» از امام باقر علیه السلام روایت شده: خدا روز رستاخیز در مورد حساب بندگان، به اندازه‌ی عقلی که در دنیا به آنان داده، سخت‌گیری و دقت می‌کند. «۲» ۵. یکی از پاداش‌های یاران راست آن است که در رستاخیز به اهل خود ملحق می‌شوند و شادی می‌کنند و مقصود از «اهل» در این مورد، خانواده یا دوستان مؤمن و یا حوریان بهشتی‌اند. البته ممکن است همه‌ی آنها مقصود باشند. چو مستور باشد زن خوبروی به دیدار او در بهشت است شوی ۶. در مقابل اصحاب یمین و یاران راست، اصحاب شِمال هستند؛ خلاف‌کارانی که نامه‌ی اعمالشان را به دست چپ‌شان می‌دهند و در آیه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۴ فوق آمده است که نامه‌ی اعمالشان را از پشت سر به آنان می‌دهند. مقصود از این تعبیر، یا آن است که نامه را از پشت سر به دست چپ آنان می‌دهند که نشانه‌ی خواری و سرافکندگی آنان است و یا این که دستانشان را مانند اسیران پشت سر می‌بندند و نامه‌ی اعمال را در دست چپ آنها می‌گذارند «۱» که نشانه‌ی ناپاکی کردار و سرنوشت عذاب‌آلود آنان است. ۷. خلافکاران شقاوتمند، هنگامی که نامه‌ی اعمالشان را می‌گیرند و متوجه سرنوشت عذاب‌آلود خود می‌شوند، فریاد برمی‌آورند: «ای وای هلاک شدم!» «۲» ولی این فریادها به جایی نمی‌رسد و آنان وارد آتش می‌شوند می‌سوزند. ۸. خلاف‌کاران شقاوتمند، در دنیا و در میان خانواده و دوستان خویش شاد بودند؛ شادی همراه با غفلت و گناه و همراه بی‌خبری از رستاخیز؛ این‌گونه شادی‌های دنیوی، اندوه آخرت و عذاب الهی را به دنبال دارد. ۹. شادی و سرور در اصل نیکوست و سفارش شده که مؤمنان در معاشرت با دیگران بشّاش باشند و شادشان کنند و در آیات قبل بیان شد که مؤمنان نیکوکار و یاران راست، در سرای آخرت نیز شادمان‌اند. ولی اگر این شادی در دنیا با غفلت، غرور و گناه آلوده شود و انسان را از یاد آخرت غافل سازد زمینه‌ساز عذاب می‌گردد. ۱۰. در این آیات به ریشه‌ی انحراف خلاف‌کاران اشاره شده است. آنان گمان داشتند که معاد و بازگشتی در کار نیست «۳» و از این رو دست به هرگناهی می‌زدند و از ظلم و بدکاری خویش، نه تنها ناراحت نمی‌شدند تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۵ بلکه شادمان نیز می‌گشتند. ۱۱. در این آیات بر علم پرودگار به حالات انسان‌های خلاف‌کار تأکید شده است. بینایی و علم خدا و ثبت اعمال انسان‌ها، شاهدی برای معاد و مقدمه‌ای برای حساب و کیفر و پاداش است و گرنه بیهوده خواهد بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر حسابِ آسان و شادمانی رستاخیز را می‌خواهید، از یاران راست باشید. ۲. در رستاخیز، گرفتن نامه بادست راست نشانه‌ی سعادتمندی است. ۳. هلاکت و آتش، در انتظار معادناباوران است. ۴. معادناباوری، زمینه‌ساز شادی غفلت‌انگیز و موجب عذاب است. ۵. خدا بیناست و کارهای شما را تحت نظر دارد. ۶. در رستاخیز، گرفتن نامه‌ی عمل از پشت سر نشانه‌ی فرجامی عذاب‌آلود است. ۷. مردم در رستاخیز به دو گروه نیک‌فرجام و بدفرجام تقسیم می‌شوند (شما از کدامین گروهید؟). *** قرآن کریم در آیات شانزدهم تا بیست و پنجم سوره‌ی انشقاق با سوگندهای متعدد به حالت‌های مختلف انسان و ویژگی‌های کافران و فرجام عذاب‌آلود آنان و پاداش مؤمنان نیکو کردار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶- ۲۵. فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ* وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ* وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ* لَتَرْكَبُنَّ طَبَقاً عَن طَبَقٍ* فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ* وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ* بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ* وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ* فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۶ و سوگند یاد می‌کنم به روشنایی سرخگون (آخر روز)!* سوگند به شب و آنچه را جمع‌آوری می‌کند!* سوگند به ماه هنگامی که جمع (و کامل) می‌شود!* که قطعاً (شما) از حالی به حالی برخواهید نشست.* پس آن (کافر) ان را چه شده که ایمان نمی‌آورند؟!* و هنگامی که قرآن بر آنان خوانده می‌شود سجده نمی‌کنند؟!* بلکه کسانی که کفر ورزیدند (قرآن را) تکذیب می‌کنند؛* و خدا به آنچه (در ذهن) ذخیره می‌کنند داناتر است.* پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده!* مگر کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، که برای آنان پاداشی بی‌پایان است.

نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سخنان خدا راست و درست است و نیازی به سوگند ندارد، اما گاهی برای تأکید بر مطلب و نشان دادن اهمیت چیزی و جلب توجه انسان به برخی پدیده‌ها سوگند یاد می‌کند. «۱» برخی مفسران برآن‌اند که در این آیات به شفق، شب و ماه کامل سوگند یاده شده است تا انسان با مطالعه در این پدیده‌های شگفت‌انگیز، خداشناس‌تر شود. «۲» ۲. «شَفَق» به معنای روشنایی آخر روز است که با تاریکی شب آمیخته می‌شود و سرخی کم‌رنگی دارد و بعد به صورت سفیدی درمی‌آید. البته برخی نیز آن را به معنای «نازکی» دانسته‌اند. البته «شفق» در اصطلاح، به همان سرخی آخر روز گفته می‌شود که نشانه‌ی تحوّل و دگرگونی در جهان است؛ چون روز پایان می‌گیرد و شب شروع می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۷ ۳. در این آیات به شب اسرارآمیز سوگند یاد شده است که انسان‌ها و حیوانات را در خانه‌هایشان جمع‌آوری می‌کند و به ماه هنگامی که جمع می‌شود و به صورت بدر کامل در می‌آید. آری؛ این‌ها نشانه‌هایی از قدرت و علم خداست که قابل مطالعه برای بشر است. ۴. در این آیات به چهار موضوع و دگرگونی پشت سرهم اشاره شده است؛ یعنی به شب و تبدیل شدن آن به روز و بازگشتن به سرعت موجودات به خانه‌ها و کامل و آشکار شدن ماه. سوگند به این حالات و دگرگونی‌های چهارگانه برای تأکید بر دگرگونی‌های انسان است. ۵. مقصود از دگرگونی‌های انسان چیست؟ مفسران در این مورد تفسیرهای مختلفی ارائه کرده‌اند: الف) حالات و دگرگونی‌های انسان از دنیا به برزخ و رستاخیز که به سوی خدا می‌رود؛ ب) حالات انسان از نطفه تا مرگ؛ ج) حالات انسان از سلامت و بیماری، اندوه و سرور و صلح و جنگ؛ د) حالات وشدائدی که انسان در رستاخیز با آنها رو به‌رو می‌شود؛ ه) حالات تلخ و شیرین اقوام پیشین، که مشابه مخالفت‌های آنان، در امت اسلام نیز واقع می‌شود. «۱» البته مانعی ندارد که آیه‌ی فوق به همه‌ی این معانی اشاره داشته باشد. ۶. تغییر و دگرگونی این پدیده‌های طبیعی و انسان‌ها، نشانه‌ی حدوث، نیازمندی و مخلوق بودن آنها، ناپایداری جهان و حرکت مستمر انسان به سوی خدا و معاد است؛ پس با این دلایل روشن چرا کافران ایمان نمی‌آورند؟! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۸ ۷. این آیات کافران را سرزنش می‌کند که چرا در برابر قرآنی که این حقایق عالی را برای شما بیان می‌کند و اعجاز آن آشکار شده است، لجاجت می‌کنید و ایمان نمی‌آورید و فروتن نمی‌شوید؟ ۸. مقصود از «سجده» در این آیات، فروتنی و تسلیم و اطاعت است؛ هر چند سجده‌ی اصطلاحی نیز، یکی از مصداق‌های آن است. حکایت شده که هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله این آیات را می‌خواندند سجده می‌کردند. از نظر فقهی نیز مشهور آن است که در هنگام خواندن این آیه، سجده مستحب است. «۱» ۹. در این آیات اشاره شده که کافران به طور مستمر آیات الهی و معاد را تکذیب می‌کنند، و همین موجب عذاب دردناک آنان می‌شود. ۱۰. تعبیر «بشارت» در مورد عذاب دردناک کافران، نوعی ریشخند آنان است؛ چون این تعبیر معمولًا در مورد نعمت‌های بهشتی و خبرهای خوب به کار می‌رود، نه عذاب الهی. ۱۱. کافران مستحق عذاب دردناک هستند، اما خدا راه بازگشت و توبه را به روی آنان نمی‌بندد و با یک استثنا می‌فرماید: هر کس ایمان آورد و کارشایسته انجام دهد، پاداشی مستمر خواهد داشت. «۲» ۱۲. پاداش مؤمنان شایسته‌کردار، پایدار و بدون منت است؛ «۳» چون پاداش‌های بهشتی نقصان‌ناپذیر و خالی از منت است، برخلاف نعمت‌های دنیوی که عوارض نامطلوبی دارد و نقصان‌پذیر و گاهی همراه با منت است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۳۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در پدیده‌های شفق، شب، جمع‌آوری موجودات در آن، و ماه بدر، دقت و تأمّل کنید (و خدا شناس شوید). ۲. شما تغییرپذیر (و ناپایدار و مخلوق) هستید، پس به خالق خود ایمان بیاورید. ۳. اگر در آوای قرآن دقت کنید، فروتن می‌شوید. ۴. تکذیبگری عامل عذاب انسان است. ۵. خدا شما را تحت نظر دارد و حتی از (اهداف و انگیزه‌های) درون شما آگاه است. ۶. اگر پاداش مستمر الهی را می‌طلبید، با ایمان و شایسته‌کردار باشید. ۷. کافران اگرتوبه کنند و ایمان آورند و شایسته‌کردار شوند، مورد لطف الهی قرار می‌گیرند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۱

بخش هشتم: سوره‌ی بروج

اول

کلیات

کلیـات: سوره‌ی «بُروج» در مکه بر پیـامبر صـلی الله علیه و آله نازل شـده و دارای ۲۲ آیه، ۱۰۹ کلمه و ۴۵۸ حرف است. این سوره بیست و ششـمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «شـمس» و قبل از سوره‌ی «تین») و هشـتاد و پنجمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «بُروج» (بُرج‌ها) است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۲

فضیلت

فضیلت: از پیـامبر صـلی الله علیه و آله روایت شـده که هر کس این سوره را بخوانـد، خـدا ده برابر تعـداد کسانی که در نماز جمعه شرکت می‌کننـد و کسانی که در روز عرفه جمع می‌شونـد، حسنه به او می‌دهد و خواندن این سوره، انسان را از ترس‌ها و سـختی‌ها نجات می‌دهد. البته روشن است که این آثار و ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راسـتای محتوای آن حرکت کنند.

اهداف

اهـداف: هدف اصـلی این سوره تقویت روحیه‌ی مؤمنان در برابر آزارهای مخالفان و هشدار به آنان است. مطالب: ۱. بیان برخی از صفات خـدای متعال؛ ۲. بیـان جریـان اصـحاب اخـدود، مؤمنـانی که به خـاطر ایمانشان آزار دیدنـد و کشـته شدنـد؛ ۳. اشـاره‌ای به سرگـذشت عـذاب‌آلود فرعون و قوم ثمود؛ ۴. یـادآوری فرجـام نیکوی مؤمنان در بهشت؛ ۵. بیـان جایگـاه واقعی قرآن کریم. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۳

مطالب

اهـداف: هدف اصـلی این سوره تقویت روحیه‌ی مؤمنان در برابر آزارهای مخالفان و هشدار به آنان است. مطالب: ۱. بیان برخی از صفات خـدای متعال؛ ۲. بیـان جریـان اصـحاب اخـدود، مؤمنـانی که به خـاطر ایمانشان آزار دیدنـد و کشـته شدنـد؛ ۳. اشـاره‌ای به سرگـذشت عـذاب‌آلود فرعون و قوم ثمود؛ ۴. یـادآوری فرجـام نیکوی مؤمنان در بهشت؛ ۵. بیـان جایگـاه واقعی قرآن کریم. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۳

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا نهم سوره‌ی بُروج با سوگنـدهای متعـدد به شـکنجه‌گری اصـحاب اخدود و سوخته شدن مؤمنان به جرم ایمانشان اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۱ – ۹. وَالسَّماءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ* وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ* وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ* قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ* النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ* إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ* وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ* وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ* الَّذِى لَهُ مُلْكُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ سوگند به آسـمان که دارای برج‌هاست!* سوگند به روز (رسـتاخیز) وعده داده شده!* سوگند به گواهی دهنده و گواهی داده شده!* کشـته باد همراهان گودال (آتش و صاحبان کوره‌های آدم‌سوزی)!* (همان) آتشـی که دارای سوخت (فراوان) بود،* آن‌گاه که آنان بر (گرد) آن نشسـته بودند؛* و آنان بر آنچه با مؤمنان انجام می‌دادند گواه

بودند.* و از آنان خرده و انتقام نگرفتند، جز این‌که به خدای شکست‌ناپذیر ستوده ایمان آورده بودند؛* (همان) کسی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آنِ اوست؛ و خدا بر هر چیز گواه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات به ماجرای اصحاب اخدود، یعنی شکنجه‌گران و آدم‌سوزانی اشاره می‌کند که مؤمنان را در گودال‌های آتش می‌انداختند و با خون‌سردی صحنه را تماشا می‌کردند. مفسران قرآن در مورد این قوم شکنجه‌گر و مؤمنان آزاردیده ومکان تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۴ مورد نظر، دیدگاه‌های متفاوتی دارند «۱» ولی مشهور آن است که این ماجرا در زمان «ذُونواس»، آخرین پادشان حِمیَر، در سرزمین یمن اتفاق افتاده است. ذُونواس یهودی، به سرزمین نجران در شمال یمن آمد که مردم آن جا مسیحی بودند، ذُونواس تلاش کرد که آنان را به پذیرش آیین یهود وادارد، ولی آنان حاضر نشدند و از این رو دستور داد گودال بزرگی از آتش فراهم کردند و گروهی را زنده در آتش افکندند. یکی از مسیحیان فرار کرد و به روم رفت و کمک خواست. قیصر روم از طریق پادشاه حبشه به یمن لشکرکشی کرد و ذو نواس کشته شد و سرزمین یمن تحت سیطره‌ی حبشه درآمد. «۲» طبق این نقل، آیات فوق به این ماجرا اشاره دارد. ۲. خدای متعال در این آیات به «بُروج» آسمان، سوگند یاد کرده است. «بُروج» در اصل به معنای چیز آشکار است و از این رو به قصرها و باروی شهر و ستارگان آسمان که آشکار هستند بروج می‌گویند؛ در این جا همین معنای ستارگان یا صورت‌های فلکی آسمان مقصود است که سوگند به آنها نشانه‌ی عظمت آنها و آفریدگارشان است. «۳» ۳. در این آیات به روز موعود رستاخیز سوگند یاد شده است؛ روزی که پیامبران الهی آن را وعده داده و صدها آیه‌ی قرآن از آن خبر می‌دهند و وعدگاه همه‌ی مردم است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۵ ۴. مقصود از «شاهد و مشهود» که در این آیات بدانها سوگند یاد شده است چیست؟ مفسران در این مورد احتمالات متعددی داده‌اند، از جمله این که: شاهد، پیامبر صلی الله علیه و آله یا گواهانِ اعمالِ انسان‌ها یا روز جمعه و عید قربان، و مشهود، روز قیامت و اعمال انسان‌ها و یا روز عرفه است. البته مانعی ندارد که مقصود از «شاهد»، هر گونه گواه و مقصود از «مشهود»، همه‌ی چیزهایی باشند که مورد گواهی واقع می‌شوند و موارد فوق که در آیات و روایات به آنها اشاره شده، «۱» یا مفسران دیگر گفته‌اند، «۲» همگی مصادیق این‌ها باشد. ۵. در این آیات بیان شد که شکنجه‌گران برگودال پر از هیزم و آتش، با خون‌سردی می‌نشستند و سوختن مؤمنان را در کوره‌های آدم‌سوزی تماشا می‌کردند.» این احتمال نیز هست که آیه اشاره به دو گروه شکنجه‌گر و تماشاچیِ راضی به کار آنان باشد. «۴» ۶. تنها ایراد مؤمنان آن بود که به خدا ایمان داشتند و به همین جرم شکنجه شدند و سوختند و از آنان انتقام گرفته شد. «۵» ایمان به خدای شکست‌ناپذیرِ توانا و ستوده صفات، جرم محسوب می‌شد، اما پیروی از ادیان نسخ شده و راه غلط پدران و خرافات، جُرم نبود. آری؛ اگر نظام ارزشی جامعه دگرگون شود، کارها و عقاید نیکو، جرم و گناه شمرده می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۶ ۷. در این آیات، به صفات «عزیز و حمید و فرمان‌روایی و گواه بودن خدا» اشاره شد، که نوعی پاسخ به شکنجه‌گران است؛ یعنی ایمان به چنین خدایی چگونه جرم محسوب می‌شود؟ و در ضمن هشداری است به آنان که شما بر خدای شکست‌ناپذیر و توانا پیروز نخواهید شد؛ چرا که او فرمان‌روا و مالک هستی و گواه بر اعمال شماست و روزی به حساب شما رسیدگی خواهد کرد. ۸. سرگذشت اصحاب اخدود و کوره‌های آدم سوزی آنان و مقاومت مؤمنان، از طرفی درس استقامت و نوعی دل‌داری برای همه‌ی مؤمنان در طول تاریخ است. آری؛ این پروانه‌های با ایمان، شجاعانه در آتش خشم دشمنان سوختند و دست از حق برنداشتند. در احادیث روایت شده که در این ماجرا، گاهی مادر به همراه کودک در آتش سوختند و گفتند: این در راه خدا چیز کوچکی است. «۱» و از طرف دیگر، این ماجرا، درس عبرتی برای شکنجه‌گران و ستمکاران، به ویژه صهیونیست‌هاست. آری؛ کسانی که کوره‌های آدم سوزی برای مؤمنان ایجاد کردند، قرن‌ها بعد، خود گرفتار شدند و در عصر ما نیز ظلم آنان به ملت فلسطین دوام نخواهد داشت و خود را گرفتار عذاب الهی خواهند کرد. ای زبردست ز بازوی مکافات بترس زیردستان جهان را دگر آزار مکن میل داری شبِ تارِ تو شود روز سپید روز سپیدِ کسی را تو شب تار مکن آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد ستارگان آسمان و رستاخیز و گواهی دهندگان و موارد گواهی، دقت

و تأمل کنید. ۲. مرگ بر شکنجه‌گران مؤمن ستیز. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۷ ۳. دشمنان خدا، کوره‌های آدم سوزی به پاکرده و مؤمنان را به جرم عقیده می‌سوزاندند. ۴. دشمنان راه خدا، بسیار سخت دل، شکنجه‌گر و عقیده‌ستیز و آدم‌سوزند. ۵. گاهی آن‌قدر ارزش‌ها دگرگون می‌شود که ایمان به خدا هم جرم می‌شود. ۶. به صفات ستوده‌ی خدا توجه کنید و با فرمان‌روای شکست‌ناپذیر و آگاه جهان دشمنی نکنید و افراد با ایمان را آزار ندهید. ۷. از مقاومت مؤمنان در برابر کوره‌های آدم سوزی درس استقامت بگیرید. *** قرآن کریم درآیات دهم و یازدهم سوره‌ی بروج فرجام عذاب‌آلود مؤمن‌آزاران و فرجام نیکوی مؤمنان شایسته کردار را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ* إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ در حقیقت، کسانی که مردان مومن و زنان مومن را در بلا افکندند، سپس توبه نکرده‌اند، پس برایشان عذاب جهنم است و (نیز) برای آنان عذاب سوزان است.* در واقع، کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، برایشان بوستان‌های (بهشتی) است که نهرها از زیر [درختان]- ش روان است؛ آن کام‌یابیِ بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت انسان‌های نیکوکار و بدکار را در برابر یک‌دیگر به تصویر می‌کشد تا مخاطب قرآن بهتر بتواند راه خود را انتخاب کند. در این جا نیز سرنوشت عذاب‌آلود کافرانِ دگرآزار و سرنوشت نیکوی مؤمنان شایسته‌کردار در برابر هم ترسیم شده است. ۲. «فَتَنوا» در اصل به معنای قرار دادن طلا در آتش برای معلوم شدن میزان تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۸ خلوص آن است. این واژه به معنای آزمایش، عذاب، شرک و گمراهی نیز به کار می‌رود و در این جا به معنای عذاب و آزار مؤمنان توسط کافران شکنجه‌گر است. ۳. هر چند این آیات فرجام کافران شکنجه‌گر را دوزخ و عذاب سوزان معرفی کرده اما راه توبه و بازگشت را برای آنان بازگذاشته است و این نهایت لطف پروردگار نسبت به گناهکاران و هشداری به مخالفان دین است که تا دیر نشده بازگردند و توبه کنند. موی سفید مشرق صبح ندامت است «صائب» به توبه کوش که فرصت نمانده است ۴. در این آیات به دوگونه عذاب کافران شکنجه‌گر اشاره شده است: یکی عذاب دوزخ و دیگری عذاب سوزان. شاید این دو تعبیر اشاره به دو نوع عذاب آنان و یا هر کدام از عذاب‌های آنان در برابر گناهی خاص، هم‌چون کفر و شکنجه‌گری آنان باشد. ۵. در این آیات فرجام مؤمنان شایسته‌کردار را بهشت معرفی کرده و آن را کام‌یابی بزرگی خوانده است؛ زیرا مؤمنان به نعمت‌های پایدار می‌رسند و در جوار قرب الهی جای می‌گیرند. ۶. در این آیات بیان شده که ایمان و کارهای شایسته کلید بهشت است، البته یک کار شایسته کافی نیست، بلکه باید کارهای متعدد انجام شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان مؤمنان، فرجامی عذاب‌آلود دارند. ۲. فتنه‌گری زمینه‌ساز عذاب سوزان است. ۳. راه توبه حتی برای کافران شکنجه‌گر باز است. ۴. کام‌یابی بزرگ و بهشت پرنعمت در انتظار مؤمنان است. ۵. اگر بهشت می‌خواهید، ایمان بیاورید وکارهای شایسته انجام دهید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۹ قرآن کریم در آیات دوازدهم تا بیستم سوره‌ی بروج با اشاره به لجاجت کافران و یاد آوری سرگذشت قوم فرعون و ثمود و با بیان صفات الهی، به آنان هشدار داده، می‌فرماید: ۱۲- ۲۰. إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ* إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ* وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ* ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ* فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ* هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ* فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ* بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ* وَاللَّهُ مِن وَرَائِهِم مُحِيطٌ قطعاً، سخت‌گیری پروردگارت شدید است؛* [چرا] که او خود (آفرینش را) آغاز می‌کند و (در رستاخیز) بازمی‌گرداند؛* و او بسیار آمرزنده [و] دوست‌دار (بندگان) است؛* صاحب تخت (جهان‌داری و تدبیر هستی و) بزرگوار است؛* آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد.* آیا خبر لشکریان به تو رسیده است؟!* (لشکریان) فرعون و ثَمود؟!* بلکه کسانی که کفر ورزیدند، در تکذیب (تو و قرآن غوطه‌ور) هستند؛* و خدا از فرا روی آنان احاطه دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات، هم هشدار به کافران مکه و مخالفان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که از سرگذشت اقوام فرعون و ثمود عبرت بیاموزند و از عذاب سخت الهی بهراسند و هم، با بیان صفات مهربانی و آمرزش‌گری الهی، راه توبه و بازگشت را به سوی آنان می‌گشاید، تا نا امید نشوند و ایمان آورده و نجات

یابنـد. و هـم، نـوعی دل‌داری به پیـامبر صـلی الله علیه و آله و مؤمنـان است، که خـدایتان نیرومنـد است و هر کـاری بخواهـد انجـام می‌دهد. ۲. «بَطْش»، به معنـای گرفتن همراه با قـدرت و قهر است و از آن جا که این کار مقـدمه‌ی مجازات است، به معنای کیفر نیز آمده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۰ در این آیه کیفر بسیار شدید الهی نسبت به کافران یادآوری شده است «۱» که هرگاه خـدا بخواهـد آن را اعمال می‌کند و چیزی یا کسـی نمی‌تواند مانع اراده‌ی خدا شود؛ چون او معبودی با عظمت است که آغـاز و انجـام جهـان و مرکز فرمـان‌روایی و تـدبیر هستی به دست اوست. ۴. «عرش» بـه معنـای چیز سـقف‌دار است و به تخت‌هـای پادشاهـان که نشـان قـدرت و فرمـان‌روایی آنهـاست گفته می‌شود. این تعبیر کنـایه از فرمانـدهی و تـدبیر هستی است، که به دسـت خداست. ۵. واژه‌های «وَدُود» و «غفور» هر دو صـیغه‌ی مبالغه‌اند؛ یعنی خدا بسـیار مهربان و بسیار آمرزنده است. این صفات خدا راه بازگشت و توبه را به سوی گناهکاران مخالف اسلام می‌گشاید. ۶. «مجید» یکی از صفات خدا و به معنای گستردگی کرم، شرافت و جلال است. این صـفت مخصوص خـداست و در مورد دیگران کم‌تر به کار می‌رود. ۷. در این آیات به سـرگذشت فرعون اشاره شـده است که سرکشـی کرد و در نهایت گرفتار عـذاب الهی شـد و غرق گردیـد و نیز از سـرگذشت قوم ثمود یاد شده که در برابر پیامبرشان صالح علیه السـلام لجاجت کردند و گرفتار تندبادی سـخت شدند و هلاک گردیدند. آری؛ خدایی که این اقوام سرکش ولشـکریان نیرومند آنان را در هم می‌کوبد، می‌تواند کافران مخالف اسـلام را نیز ادب و مجازات کند. ۸. راه حق روشن است، ولی کافران راه تکـذیب و انکار را پیش می‌گیرنـد و لجاجت می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۱ ۹. خدا در همه جا هست و از همه طرف انسان‌ها را تحت نظر دارد و اگر در این آیات می‌فرمایـد: «خـدا از پشت سـر کافران به آنان احاطه دارد.»، این تعبیر اشـاره به احـاطه‌ی کامـل قـدرت و علم خـدا بر آنـان است، به طوری که آنان را رها کرده تا زیر نظر او عمل کننـد و آزمایش شوند و نوعی هشدار به کافران نیز به شمار می‌آید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خود را گرفتار عذاب خدا نکنید که عذاب او شمارا سخت گرفتار می‌کنـد، همان طور که قوم ثمود و فرعون را گرفتارکرد. ۲. آغاز و فرجام شـما به دست خدای با عظمت و فرمانده‌ی هستی است و چیزی مانع اراده‌ی او نیست (پس از عذاب خدا بهراسـید و دست از مخالفت با اسلام بردارید). ۳. راه بازگشت به سوی خدا بـاز است و اگر تـوبه کنیـد، مـورد لطف و آمرزش قرار می‌گیریـد. ۴. از سـرنوشت فرعـون و قـوم ثمود عـبرت بیاموزیـد و دست از تکـذیب و لجاجت بردارید. ۵. شـما تحت نظر خـدا هستیـد (پس مراقب گفتـار و اعمال خود باشـید). *** خداونـد متعال درآیات بیست و یکم و بیست و دوم سوره‌ی بروج عظمت و جایگاه قرآن را معرفی می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۲۱ و ۲۲. بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِیدٌ* فِی لَوْحٍ مَحْفُوظٍ بلکه آن (قرآن) خوانـدنی [و] بـاعظمت است،* که در صـفحه‌ی نگه‌داری شـده‌ی (علم الهی) موجود است. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. «مجیـد» بـه معنـای گسـتردگی شـرافت و شـکوه اسـت و از آن جـا که قرآن محتـوایی عظیم و گسـترده و معـانی بلنـد و پرمایه‌ای در زمینه‌ی معارف، اعتقادات و اخلاق و احکام دارد، تعبیر مجیـد برای آن مناسب است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۲ ۲. «لَوح» به معنای صـفحه‌ی عریضـی است که بر آن چیزی می‌نویسند و در این جا اشاره به صفحه‌ی علم الهی است که قرآن برآن نوشته شده است. صفحه‌ای گسترده که جهان را فرا گرفته و از هرگونه تغییر و تحریف محفوظ است. «۱» مصطفی را وعـده کرد الطـاف حق گه بمیری تو، نمیرد این سـبق من کتـاب و معجزات را حافظم بیش و کم کن را ز قرآن رافضم ۳. «قرآن» به معنای «خوانـدنی» یا «جمع شـده» است؛ یعنی این کتابی است که آیات آن به یک‌دیگر ضـمیمه شـده، قابل خوانـدن و قرائت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتابی با عظمت و محافظت شـده است. ۲. پنـدارها و تکذیب‌های مخالفان درباره‌ی قرآن بی‌مورد است؛ چون قرآن جایگـاه والایی دارد. ۳. قرآن، کتـابی خوانـدنی و محفـوظ در علم الهی است (و دست‌خـوش تحریف نمی‌گردد). ۴. به جنبه‌ی خواندنی بودن و اصالت قرآن توجه (و از آن استفاده کنید). «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۳

بخش نهم: سوره‌ی طارق

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «بُروج» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۲۲ آیه، ۱۰۹ کلمه و ۴۵۸ حرف است. این سوره بیست و ششمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «شمس» و قبل از سوره‌ی «تین») و هشتاد و پنجمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «بُروج» (بُرج‌ها) است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۲

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس این سوره را بخواند، خدا ده برابر تعداد کسانی که در نماز جمعه شرکت می‌کنند و کسانی که در روز عرفه جمع می‌شوند، حسنه به او می‌دهد و خواندن این سوره، انسان را از ترس‌ها و سختی‌ها نجات می‌دهد. البته روشن است که این آثار و ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن حرکت کنند.

اهداف

اهداف: هدف اصلی این سوره تقویت روحیه‌ی مؤمنان در برابر آزارهای مخالفان و هشدار به آنان است. مطالب: ۱. بیان برخی از صفات خدای متعال؛ ۲. بیان جریان اصحاب اخدود، مؤمنانی که به خاطر ایمانشان آزار دیدند و کشته شدند؛ ۳. اشاره‌ای به سرگذشت عذاب‌آلود فرعون و قوم ثمود؛ ۴. یادآوری فرجام نیکوی مؤمنان در بهشت؛ ۵. بیان جایگاه واقعی قرآن کریم. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۳

مطالب

اهداف: هدف اصلی این سوره تقویت روحیه‌ی مؤمنان در برابر آزارهای مخالفان و هشدار به آنان است. مطالب: ۱. بیان برخی از صفات خدای متعال؛ ۲. بیان جریان اصحاب اخدود، مؤمنانی که به خاطر ایمانشان آزار دیدند و کشته شدند؛ ۳. اشاره‌ای به سرگذشت عذاب‌آلود فرعون و قوم ثمود؛ ۴. یادآوری فرجام نیکوی مؤمنان در بهشت؛ ۵. بیان جایگاه واقعی قرآن کریم. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۳

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا نهم سوره‌ی بُروج با سوگندهای متعدد به شکنجه‌گری اصحاب اخدود و سوخته شدن مؤمنان به جرم ایمانشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱ - ۹. وَالسَّماءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ* وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ* وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ* قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ* النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ* إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ* وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ* وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ* الَّذِى لَهُ مُلْكُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيءٍ شَهِيدٌ سوگند به آسمان که دارای برج‌هاست!* سوگند به روز (رستاخیز) وعده داده شده!* سوگند به گواهی دهنده و گواهی داده شده!* کشته باد همراهان گودال (آتش و صاحبان کوره‌های آدم‌سوزی)!* (همان) آتشی که دارای سوخت (فراوان) بود،* آن‌گاه که آنان بر (گرد) آن نشسته بودند؛* و آنان بر آنچه با مؤمنان انجام می‌دادند گواه بودند.* و از آنان خرده و انتقام نگرفتند، جز این‌که به خدای شکست‌ناپذیر ستوده ایمان آورده بودند؛* (همان) کسی که

فرمـانروایی آسـمان‌ها و زمین فقـط از آنِ اوست؛ و خـدا بر هر چیز گواه است. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. این آیات به ماجرای اصـحاب اخـدود، یعنی شـکنجه‌گران و آدم‌سوزانی اشـاره می‌کنـد که مؤمنان را در گودال‌های آتش می‌انداختنـد و با خون‌سـردی صـحنه را تماشا می‌کردند. مفسـران قرآن در مورد این قوم شکنجه‌گر و مؤمنان آزاردیده ومکان تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۴ مورد نظر، دیدگاه‌های متفاوتی دارند «۱» ولی مشـهور آن است که این ماجرا در زمان «ذُونواس»، آخرین پادشان حِمیَر، در سرزمین یمن اتفاق افتاده است. ذُونواس یهودی، به سـرزمین نجران در شـمال یمن آمـد که مردم آن جا مسـیحی بودند، ذُونواس تلاش کرد که آنـان را به پـذیرش آیین یهـود وادارد، ولی آنـان حاضـر نشدنـد و از این رو دسـتور داد گودال بزرگی از آتش فراهم کردنـد و گروهی را زنـده در آتش افکندند. یکی از مسـیحیان فرار کرد و به روم رفت و کمک خواست. قیصـر روم از طریق پادشاه حبشه به یمن لشکرکشـی کرد و ذو نواس کشـته شد و سرزمین یمن تحت سیطره‌ی حبشه درآمد. «۲» طبق این نقـل، آیات فوق به این ماجرا اشاره دارد. ۲. خدای متعال در این آیات به «بُروج» آسـمان، سوگند یاد کرده است. «بُروج» در اصل به معنای چیز آشکار است و از ایـن رو بـه قصـرها و بـاروی شـهر و سـتارگان آسـمان کـه آشـکار هسـتند بروج می‌گوینـد؛ در ایـن جـا همیـن معنـای سـتارگان یا صورت‌های فلکی آسـمان مقصود است که سوگنـد به آنها نشانه‌ی عظمت آنها و آفریـدگارشان است. «۳» ۳. در این آیـات به روز موعود رسـتاخیز سوگند یاد شده است؛ روزی که پیامبران الهی آن را وعده داده و صدها آیه‌ی قرآن از آن خبر می‌دهند و وعدگاه همه‌ی مردم است. تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و دوم، ص: ۱۴۵ ۴. مقصود از «شاهـد و مشـهود» که در این آیات بدانها سوگند یاد شـده است چیست؟ مفسـران در این مورد احتمالات متعـددی داده‌انـد، از جمله این که: شاهد، پیامبر صـلی الله علیه و آله یا گواهانِ اعمالِ انسان‌ها یا روز جمعه و عید قربان، و مشـهود، روز قیامت و اعمال انسان‌ها و یا روز عرفه است. البته مانعی ندارد که مقصود از «شاهـد»، هر گونه گواه و مقصود از «مشـهود»، همه‌ی چیزهـایی باشـند که مورد گواهی واقع می‌شونـد و موارد فوق که در آیـات و روایات به آنها اشاره شده، «۱» یا مفسران دیگر گفته‌اند، «۲» همگی مصادیق این‌ها باشد. ۵. در این آیات بیان شد که شکنجه‌گران برگودال پر از هیزم و آتش، با خون‌سردی می‌نشستند و سوختن مؤمنان را در کوره‌های آدم‌سوزی تماشا می‌کردند.» این احتمال نیز هست که آیه اشاره به دو گروه شـگنجه‌گر و تماشاچیِ راضـی به کار آنان باشـد. «۴» ۶. تنها ایراد مؤمنان آن بود که به خـدا ایمان داشـتند و به همین جرم شکنجه شدند و سوختند و از آنان انتقام گرفته شد. «۵» ایمان به خدای شکست‌ناپذیرِ توانا و ستوده صفات، جرم محسوب می‌شـد، اما پیروی از ادیان نسـخ شده و راه غلط پدران و خرافات، جُرم نبود. آری؛ اگر نظام ارزشـی جامعه دگرگون شود، کارهـا و عقایـد نیکو، جرم و گناه شـمرده می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و دوم، ص: ۱۴۶ ۷. در این آیات، به صـفات «عزیز و حمید و فرمان‌روایی و گواه بودن خدا» اشاره شد، که نوعی پاسخ به شکنجه‌گران است؛ یعنی ایمان به چنین خدایی چگونه جرم محسوب می‌شود؟ و در ضـمن هشـداری است به آنان که شـما بر خـدای شـکست‌ناپذیر و توانا پیروز نخواهیـد شد؛ چرا که او فرمان‌روا و مالک هستی و گواه بر اعمال شـماست و روزی به حساب شـما رسیدگی خواهد کرد. ۸. سرگذشت اصحاب اخدود و کوره‌هـای آدم سوزی آنـان و مقاومت مؤمنان، از طرفی درس اسـتقامت و نوعی دل‌داری برای همه‌ی مؤمنان در طول تاریـخ است. آری؛ این پروانه‌های با ایمان، شـجاعانه در آتش خشم دشـمنان سوختنـد و دست از حق برنداشـتند. در احادیث روایت شـده که در این ماجرا، گاهی مادر به همراه کودک در آتش سوختنـد و گفتنـد: این در راه خـدا چیز کوچکی است. «۱» و از طرف دیگر، این ماجرا، درس عبرتی برای شـکنجه‌گران و ستمکاران، به ویژه صهیونیست‌هاست. آری؛ کسانی که کوره‌های آدم سوزی برای مؤمنان ایجاد کردند، قرن‌ها بعد، خود گرفتار شدند و در عصـر ما نیز ظلم آنان به ملت فلسطین دوام نخواهد داشت و خود را گرفتار عذاب الهی خواهند کرد. ای زبردست ز بازوی مکافات بترس زیردستان جهان را دگر آزار مکن میل داری شبِ تارِ تو شود روز سپید روز سپیدِ کسی را تو شب تار مکن آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد ستارگان آسمان و رستاخیز و گواهی دهندگان و موارد گواهی، دقت و تأمل کنیـد. ۲. مرگ بر شـکنجه‌گران مؤمن سـتیز. تفسـیر قرآن مهر جلـد بیست و دوم، ص: ۱۴۷ ۳. دشـمنان خدا، کوره‌های آدم

سوزی به پاکرده و مؤمنان را به جرم عقیده می‌سوزاندند. ۴. دشمنان راه خدا، بسیار سخت دل، شکنجه‌گر و عقیده‌ستیز و آدم‌سوزند. ۵. گاهی آن‌قدر ارزش‌ها دگرگون می‌شود که ایمان به خدا هم جرم می‌شود. ۶. به صفات ستوده‌ی خدا توجه کنید و با فرمان‌روای شکست‌ناپذیر و آگاه جهان دشمنی نکنید و افراد با ایمان را آزار ندهید. ۷. از مقاومت مؤمنان در برابر کوره‌های آدم سوزی درس استقامت بگیرید. *** قرآن کریم درآیات دهم و یازدهم سوره‌ی بروج فرجام عذاب‌آلود مؤمن‌آزاران و فرجام نیکوی مؤمنان شایسته کردار را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ* إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ در حقیقت، کسانی که مردان مومن و زنان مومن را در بلا افکندند، سپس توبه نکرده‌اند، پس برایشان عذاب جهنم است و (نیز) برای آنان عذاب سوزان است.* در واقع، کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، برایشان بوستان‌های (بهشتی) است که نهرها از زیر [درختان]- ش روان است؛ آن کامیابیِ بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت انسان‌های نیکوکار و بدکار را در برابر یک‌دیگر به تصویر می‌کشد تا مخاطب قرآن بهتر بتواند راه خود را انتخاب کند. در این جا نیز سرنوشت عذاب‌آلود کافرانِ دگرآزار و سرنوشت نیکوی مؤمنان شایسته‌کردار در برابر هم ترسیم شده است. ۲. «فَتَنوا» در اصل به معنای قرار دادن طلا در آتش برای معلوم شدن میزان تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۸ خلوص آن است. این واژه به معنای آزمایش، عذاب، شرک و گمراهی نیز به کار می‌رود و در این جا به معنای عذاب و آزار مؤمنان توسط کافران شکنجه‌گر است. ۳. هر چند این آیات فرجام کافران شکنجه‌گر را دوزخ و عذاب سوزان معرفی کرده اما راه توبه و بازگشت را برای آنان بازگذاشته است و این نهایت لطف پروردگار نسبت به گناهکاران و هشداری به مخالفان دین است که تا دیر نشده بازگردند و توبه کنند. موی سفید مشرق صبح ندامت است «صائب» به توبه کوش که فرصت نمانده است ۴. در این آیات به دوگونه عذاب کافران شکنجه‌گر اشاره شده است: یکی عذاب دوزخ و دیگری عذاب سوزان. شاید این دو تعبیر اشاره به دو نوع عذاب آنان و یا هر کدام از عذاب‌های آنان در برابر گناهی خاص، هم‌چون کفر و شکنجه‌گری آنان باشد. ۵. در این آیات فرجام مؤمنان شایسته‌کردار را بهشت معرفی کرده و آن را کامیابی بزرگی خوانده است؛ زیرا مؤمنان به نعمت‌های پایدار می‌رسند و در جوار قرب الهی جای می‌گیرند. ۶. در این آیات بیان شده که ایمان و کارهای شایسته کلید بهشت است، البته یک کار شایسته کافی نیست، بلکه باید کارهای متعدد انجام شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان مؤمنان، فرجامی عذاب‌آلود دارند. ۲. فتنه‌گری زمینه‌ساز عذاب سوزان است. ۳. راه توبه حتی برای کافران شکنجه‌گر باز است. ۴. کامیابی بزرگ و بهشت پرنعمت در انتظار مؤمنان است. ۵. اگر بهشت می‌خواهید، ایمان بیاورید وکارهای شایسته انجام دهید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۴۹ قرآن کریم در آیات دوازدهم تا بیستم سوره‌ی بروج با اشاره به لجاجت کافران و یاد آوری سرگذشت قوم فرعون و ثمود و با بیان صفات الهی، به آنان هشدار داده، می‌فرماید: ۱۲- ۲۰. إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ* إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ* وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ* ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ* فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ* هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ* فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ* بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ* وَاللَّهُ مِن وَرَائِهِم مُّحِيطٌ قطعاً، سخت‌گیری پروردگارت شدید است؛* [چرا] که او خود (آفرینش را) آغاز می‌کند و (در رستاخیز) بازمی‌گرداند؛* و او بسیار آمرزنده [و] دوست‌دار (بندگان) است؛* صاحب تخت (جهان‌داری و تدبیر هستی و) بزرگوار است؛* آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد.* آیا خبر لشکریان به تو رسیده است؟!* (لشکریان) فرعون و ثَمُود؟!* بلکه کسانی که کفر ورزیدند، در تکذیب (تو و قرآن غوطه‌ور) هستند؛* و خدا از فرا روی آنان احاطه دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات، هم هشدار به کافران مکه و مخالفان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که از سرگذشت اقوام فرعون و ثمود عبرت بیاموزند و از عذاب سخت الهی بهراسند و هم، با بیان صفات مهربانی و آمرزش‌گری الهی، راه توبه و بازگشت را به سوی آنان می‌گشاید، تا نا امید نشوند و ایمان آورده و نجات یابند. و هم، نوعی دل‌داری به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان است، که خدایتان نیرومند است و هر کاری بخواهد انجام

می‌دهد. ۲. «بَطْش»، به معنای گرفتن همراه با قدرت و قهر است و از آن جا که این کار مقدمه‌ی مجازات است، به معنای کیفر نیز آمده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۰ در این آیه کیفر بسیار شدید الهی نسبت به کافران یادآوری شده است «۱» که هرگاه خدا بخواهد آن را اعمال می‌کند و چیزی یا کسی نمی‌تواند مانع اراده‌ی خدا شود؛ چون او معبودی با عظمت است که آغاز و انجام جهان و مرکز فرمان‌روایی و تدبیر هستی به دست اوست. ۴. «عرش» به معنای چیز سقف‌دار است و به تخت‌های پادشاهان که نشان قدرت و فرمان‌روایی آنهاست گفته می‌شود. این تعبیر کنایه از فرماندهی و تدبیر هستی است، که به دست خداست. ۵. واژه‌های «وَدُود» و «غفور» هر دو صیغه‌ی مبالغه‌اند؛ یعنی خدا بسیار مهربان و بسیار آمرزنده است. این صفات خدا راه بازگشت و توبه را به سوی گناهکاران مخالف اسلام می‌گشاید. ۶. «مجید» یکی از صفات خدا و به معنای گستردگی کرم، شرافت و جلال است. این صفت مخصوص خداست و در مورد دیگران کم‌تر به کار می‌رود. ۷. در این آیات به سرگذشت فرعون اشاره شده است که سرکشی کرد و در نهایت گرفتار عذاب الهی شد و غرق گردید و نیز از سرگذشت قوم ثمود یاد شده که در برابر پیامبرشان صالح علیه السلام لجاجت کردند و گرفتار تندبادی سخت شدند و هلاک گردیدند. آری؛ خدایی که این اقوام سرکش ولشکریان نیرومند آنان را در هم می‌کوبد، می‌تواند کافران مخالف اسلام را نیز ادب و مجازات کند. ۸. راه حق روشن است، ولی کافران راه تکذیب و انکار را پیش می‌گیرند و لجاجت می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۱ ۹. خدا در همه جا هست و از همه طرف انسان‌ها را تحت نظر دارد و اگر در این آیات می‌فرماید: «خدا از پشت سر کافران به آنان احاطه دارد.»، این تعبیر اشاره به احاطه‌ی کامل قدرت و علم خدا بر آنان است، به طوری که آنان را رها کرده تا زیر نظر او عمل کنند و آزمایش شوند و نوعی هشدار به کافران نیز به شمار می‌آید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خود را گرفتار عذاب خدا نکنید که عذاب او شمارا سخت گرفتار می‌کند، همان طور که قوم ثمود و فرعون را گرفتارکرد. ۲. آغاز و فرجام شما به دست خدای با عظمت و فرمانده‌ی هستی است و چیزی مانع اراده‌ی او نیست (پس از عذاب خدا بهراسید و دست از مخالفت با اسلام بردارید). ۳. راه بازگشت به سوی خدا باز است و اگر توبه کنید، مورد لطف و آمرزش قرار می‌گیرید. ۴. از سرنوشت فرعون و قوم ثمود عبرت بیاموزید و دست از تکذیب و لجاجت بردارید. ۵. شما تحت نظر خدا هستید (پس مراقب گفتار و اعمال خود باشید). *** خداوند متعال درآیات بیست و یکم و بیست و دوم سوره‌ی بروج عظمت و جایگاه قرآن را معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۲۱ و ۲۲. بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ* فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ بلکه آن (قرآن) خواندنی [و] باعظمت است،* که در صفحه‌ی نگه‌داری شده‌ی (علم الهی) موجود است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مجید» به معنای گستردگی شرافت و شکوه است و از آن جا که قرآن محتوایی عظیم و گسترده و معانی بلند و پرمایه‌ای در زمینه‌ی معارف، اعتقادات و اخلاق و احکام دارد، تعبیر مجید برای آن مناسب است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۲ ۲. «لَوح» به معنای صفحه‌ی عریضی است که بر آن چیزی می‌نویسند و در این جا اشاره به صفحه‌ی علم الهی است که قرآن برآن نوشته شده است. صفحه‌ای گسترده که جهان را فرا گرفته و از هرگونه تغییر و تحریف محفوظ است. «۱» مصطفی را وعده کرد الطاف حق گه بمیری تو، نمیرد این سبق من کتاب و معجزات را حافظم بیش و کم کن را ز قرآن رافضم ۳. «قرآن» به معنای «خواندنی» یا «جمع شده» است؛ یعنی این کتابی است که آیات آن به یک‌دیگر ضمیمه شده، قابل خواندن و قرائت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتابی با عظمت و محافظت شده است. ۲. پندارها و تکذیب‌های مخالفان درباره‌ی قرآن بی‌مورد است؛ چون قرآن جایگاه والایی دارد. ۳. قرآن، کتابی خواندنی و محفوظ در علم الهی است (و دست‌خوش تحریف نمی‌گردد). ۴. به جنبه‌ی خواندنی بودن و اصالت قرآن توجه (و از آن استفاده کنید). «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۵۳

بخش دهم: سوره‌ی اعلی

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «اعلی» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده «۱» و دارای ۱۹ آیه، ۷۲ کلمه و ۲۷۰ حرف است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۶۴ این سوره هفتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «تکویر» و قبل از سوره‌ی «لیل») و هشتاد و هفتمین سـوره در چینش کنـونی قرآن است. نـام این سوره «اعلی» است که از آیه‌ی اول آن گرفته شـده و به عنوان یکی از صـفات خدا آمده است.

فضیلت

فضـیلت: روایت شـده که پیامبر صـلی الله علیه و آله این سوره را دوست داشت. و نیز می‌فرمود: هرکس سوره‌ی اعلی را بخوانـد، ده برابر حروفی که بر ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله فرود آمده، حَسَنه به او عطا می‌شود. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسی است که این سوره را بخواند و در راستای معارف بلند آن حرکت و عمل کند.

اهداف

اهداف: در این سوره دو محور اساسی پی‌گیری می‌شود: ۱. شناخت خدا و صفات او؛ ۲. معرفی پیامبر صلی الله علیه و آله و وظایف او.

مطالب

مطـالب: در این سوره مطـالب زیر به چشم می‌خورد: ۱. یادآوری صـفات الهی و نشانه‌های خـدا در صـحنه‌ی آفرینش و طبیعت (در آیات ۱- ۵)؛ ۲. اشاره‌ای به تضـمین سـلامت وحی و حفظ آن توسط پیامبر صـلی الله علیه و آله (در آیات ۶ و ۷)؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۶۵

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا پنجم سوره‌ی اعلی، با معرفی صـفات و نشانه‌های خـدا، همه را به سوی تسبیح گویی نام او فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۱- ۵. سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَی الَّذِی خَلَقَ فَسَوَّی وَالَّذِی قَدَّرَ فَهَدَی وَالَّذِی أَخْرَجَ الْمَرْعَی فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَی نام پروردگار والاترت را تسبیح بگوی؛* (همان) کسـی که آفریده و مرتّب کرد؛* و کسـی که معین کرد و ره‌نمون ساخت؛* و کسـی که گیاه را بیرون آورد؛* سپس آن را خاشاکی تیره‌گون قرار داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از اسم پروردگار، همان نام‌های نیکوی اوست؛ نام‌هایی که بر ذات خـدا دلالت می‌کنـد و باید پاک و منزّه بماند و در ردیف بت‌ها قرار نگیرد؛ و یا منظور از اسم، خود ذات اسـت که شایسـته‌ی تسبیـح و تنزیه از هرگونه عیب و نقص است. ۲. در این آیات به چنـد صـفت و فعل الهی اشاره شده است: الف) خدا پروردگار و پرورشـگر پیامبر صـلی الله علیه و آله (و همه‌ی مردم) است؛ ب) خدا از هرچه تصور شود و از هرگونه وهم و خیال برتر اسـت؛ ج) آفریننـده‌ی موجودات اسـت؛ د) موجـودات را پس از آفرینش مرتـب می‌کنـد و سامـان می‌دهـد، یعنی بـه کهکشان‌هـا، منظومه‌ها و جسم و جان انسان و طبیعت نظام می‌بخشـد؛ تفسـیر قرآن مهر جلـد بیست و دوم، ص: ۱۶۷ ه) خدا اندازه‌ی هر چیزی را متناسب با هدف آن مشخص و تقدیر می‌کند؛ و) موجودات را پس از آفرینش به سوی اهداف خویش راه‌نمایی می‌کند؛ ز) گیاهان را ازدل زمین بیرون می‌آورد و رشـد می‌دهـد و غـذای حیوانات و انسان‌ها را از آنها فراهم می‌سازد؛ ح) خـدا همان کسـی است که

می‌توانـد گیاهان را خشک و تیره رنگ سازد، «۱» یعنی همان کسـی که آنها را سبز و خرم می‌سازد می‌توانـد آنها را نابود کنـد. ۳. مقصود از «هـدایت» در این آیات، هـدایت «تکوینی» و «تشـریعی» است. هدایت تکوینی همان انگیزه‌ها و قوانین حاکم بر موجودات است که هر موجودی را به سـوی هـدف خویش سوق می‌دهـد، همـان‌طور که کودک را به طرف شـیر مـادر می‌کشانـد و هـدایت تشـریعی همان معارف و راه‌نمایی‌هایی است که توسط پیامبران و امامان علیهم السـلام ارائه می‌شود و مخصوص انسان است. «۲» ۴. در این آیات به گیاهان خشک و سـیاه‌گون اشاره شـده است که هم بازگوکننـده‌ی ناپایداری و فنای دنیاست که درس عبرتی برای انسان‌هاست و هم اشاره دارد که این گیاهان سازنده‌ی نوعی کود طبیعی یا ذغال سنگ‌اند و نشانه‌ی قدرت و علم الهی است. ۵. در برخی احادیث روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه علیهم السلام، هنگامی که آیه‌ی اول سوره‌ی اعلی را می‌خواندند، به دستور آن عمل می‌کردند و می‌گفتند: «سبحان ربّی الاعلی». «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حتی نام خدا شایسته‌ی تنزیه و تسبیح است. ۲. تسبیـح گوی کسـی باشـید که والاتر، آفریـدگار و هدایتگر شـماست. تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۶۸ ۳. با مطالعه در مورد آفرینش، نظام هستی و اندازه‌گیری‌های آن، خدای والا را بشناسید. ۴. با مطالعه در صحنه‌ی طبیعت (و رویش و فنای گیاهان)، خدای والا را بشناسید. *** قرآن کریم در آیات ششم تا سیزدهم سوره‌ی اعلی به محافظت وحی در حافظه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و وظایف او و برخوردهای مثبت و منفی با تـذکراتش اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۶- ۱۳. سَنُقْرِئُکَ فَلَا تَنسَی إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ یَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا یَخْفَی وَنُیَسِّرُکَ لِلْیُسْرَی فَذَکِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّکْرَی سَیَذَّکَّرُ مَن یَخْشَی وَیَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَی الَّذِی یَصْلَی النَّارَ الْکُبْرَی ثُمَّ لَا یَمُوتُ فِیهَا وَلَا یَحْیَی به زودی (قرآن را) بر تو می‌خوانیم و فراموش نمی‌کنی،* مگر آنچه را خـدا بخواهـد؛ [چرا] که او آشـکار و آنچه را پنهان می‌شود می‌داند.* و آسان‌ترین (راه) را برای تو فراهم می‌کنیم؛* پس یادآوری کن اگر یادآوری سودمند است؛* که به زودی کسـی که می‌هراسد متذکر می‌شود.* و بدبخت‌ترین (افراد) از آن دوری می‌گزینند،* (همان) کسـی که در آتش بزرگ‌تر وارد می‌شود (و می‌سوزد)؛* سپس در آن‌جا نه می‌میرد و نه (در خوشـی) زنده می‌ماند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات سلامت قرائت وحفظ وحی در حافظه‌ی پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله از طرف خدا تضمین شده است؛ چون پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگـام نزول وحی، عجله و آن را تکرار می‌کرد «۱» تا مبادا فراموش کنـد، ولی خـدای متعال به او اطمینان داد که ما حافظ وحی در ذهن تو هستیم و تو آن را فراموش نمی‌کنی؛ پس نگران مباش! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۶۹ ۲. برخی مفسران حفظ سوره‌هـای طولانی قرآن را در حـافظه‌ی پیـامبر صـلی الله علیه و آله یکی از معجزات ایشـان شـمرده‌اند، چرا که او برخی سوره‌هـای طولانی را یک بار بیش‌تر از جبرئیل نشنیده بود، ولی فراموش نکرد و همیشه به خاطر داشت. «۱» ۳. در این آیات اشاره شده که اگر خدا بخواهد، می‌تواند آیات را از ذهن پیامبر صـلی الله علیه و آله ببرد و او را دچار فراموشی سازد. مقصود این آیه، بیان قدرت خدا بر این کار است، نه بـدین معنا که این کار واقع شده است. «۲» ۴. در این آیات اشاره شده که خدا مشـکلات راه رسالت را بر پیامبر صلی الله علیه و آله آسان می‌کنـد و توفیق پیروزی بر دشـمنان را به او عطا می‌کنـد. شاید این مطلب اشاره‌ای به آسان بودن محتوای رسالت پیامبر صـلی الله علیه و آله باشد. آری؛ اسـلام دین آسان و آسان‌گیر است و احکام سـخت و کمرشـکن در آن وجود ندارد. گر چه راهیست پر از بیم زمـا تا بر دوست رفتن آسان بود ار واقف منزل باشـی ۵. در این آیات به پیامبر صـلی الله علیه و آله دستور داده شـده که «به مردم تـذکر بـده، اگر تـذکّر و یـادآوری سـود دارد.» منظـور از این جمله چیست؟ مفسـران قرآن در این مورد سـه احتمال را مطرح کرده‌انـد: الف) منظور آن است که اگر تـذکّر مفیـد است، تـذکّر دهیـد و اگر هیـچ سود و اثری ندارد، تذکّر لازم نیست. ب) به هر حال، تـذکر سود دارد و اکثریت از آن بهره‌منـد می‌شود و اگر تعداد اندکی از آن سود نبرند، حداقل بر آنان اتمام حجّت می‌شود. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۷۰ ج) منظور آن است که تذکّر بده چه سود داشته باشد و چه نداشته باشد. «۱» البتـه پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله، در هر صـورت (چه سـود داشت و چه نـداشت) به مردم تـذکّر می‌داد یعنی روش عملی ایشـان بـا معنای دوم سازگارتر بود، «۲» هر چنـد معنای اول نیز می‌توانـد صـحیح باشـد و مانعی برای جمع بین این سه تفسـیر

وجود نـدارد و هر سه می‌توانـد مقصود آیه باشـد؛ به عبارت دیگر، اگرچه تـذکّرِ بـدون حاصل، لازم نیست، ولی انجام آن اشـکالی نـدارد و حتی برای اتمام حجّت خوب است. ۶. در این آیات بیان شـده که مردم در برابر تـذکّرات پیامبر صـلی الله علیه و آله به دو گروه تقسیم می‌شونـد: الـف) کسـانی کـه احساس مسئولیّت می‌کننـد و از مقـام عـدالت الهی و رسـتاخیز می‌هراسـند، این افراد از تـذکرات پیـامبر صـلی الله علیه و آله بهره‌منـد شـده سود می‌برنـد. ب) گروه بـدبخت‌ها، یعنی مشـرکان و کـافران لجوجی که با حق دشـمنی می‌ورزنـد و از سـخنان پنـدآموز پیامبر صـلی الله علیه و آله فرار می‌کننـد. چنگ در پرده همین می‌دهـدت پنـد ولی وعظت آن‌گاه کند سود که قابل باشـی ۷. در این آیات سـعادتمندان را در برابر بدبخت‌ها قرار نداده، بلکه افراد با مسئولیّت و هراسناک را در برابر بـدبخت‌ها قرار داده است؛ چرا کـه ریشه‌ی سـعادتمندی انسـان، همـان احسـاس مسـئولیت و هراس از مقـام عـدالت خـدا و رستاخیز است. بترس از گناهان خویش این نفس که روز قیامت نترسی زکس ۸. فرجام کافران بدبخت، آتش بزرگ‌تری است، که در آن جـا بین مرگ و زنـدگی دست و پـا می‌زننـد؛ این آتش، یا همان مراتب پایین جهنّم است که تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و دوم، ص: ۱۷۱ عـذاب هولناک‌تری دارد و یا آتش بزرگ دوزخ است که آتش و عـذاب دنیا در برابر آن کوچک است. ۹. از امام صـادق علیه السـلام روایت شـده که آتش دنیا یک هفتادم آتش دوزخ التهاب دارد. «۱» ۱۰. امام خمینی رحمه الله در مورد شـدّت عـذاب دوزخ می‌نویسـند: ای عزیز! در علوم عالیه ثابت شده است که «مراتب اشـتداد غیرمتناهی است.» هر چه تو تصور کنی و تمام عقول تصور کننـد شـدت عـذاب را، از آن شدیدتر هم ممکن است. ... قدری تفکر در قرآن کن، ببین چه عذابی را وعده کرده که اهل جهنّم از مالک (دوزخ) می‌خواهنـد که آنها را بکشد، هیهات که مرگ در کار نیست. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مصونیت قرآن در ذهن پیامبر صـلی الله علیه و آله نیز تضمین شده است. ۲. همه چیز تحت کنترل قدرت و علم خداست. ۳. کار اسلام، آسان و راه پیش‌روی آن هموار شـده است. ۴. وظیفه‌ی رهبران الهی یادآوری و بیـدار کردن مردم است. ۵. انرژی خود را در موارد سودمنـد و مؤثر (و یـا برای اتمـام حجت) مصـرف کنیـد. ۶. هر ترسـی بـد نیست، بلکه برخی ترس‌هـا زمینه‌سـازِ بیـداری و پندپـذیری است. ۷. محرومیت از پنـدهای دینی، نشـانه‌ی بـدبختی است و فرجامی عـذاب‌آلود دارد. *** تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و دوم، ص: ۱۷۲ قرآن کریم در آیـات چهـاردهم تـا نوزدهم سوره‌ی اعلی به دنیاگرایـان و آخرت گرایان و ویژگی‌های آنان در کتاب‌های پیشـینیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴- ۱۹. قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا* وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى إِنَّ هذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى به یقین، رستگار شد کسی که [پاک گردید و] رشد یافت،* و نام پروردگارش را یاد کرد و نمـاز گزارد.* بلکـه (شـما) زنـدگی دنیـا را برمی‌گزینیـد،* در حـالی که آخرت بهـتر و پایـدارتر است.* قطعاً، این (مطـالب) در کتاب‌هـای نخستین (آمـده) است؛* (همـان) کتاب‌هـای ابراهیم و موسـی. نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. مقصـود از «تزکیـه» در این آیـات، پاک‌سـازی روح از شـرک و پـاک کردن دل از رذایـل اخلاقی است. البته برخی مفسـران برآن‌انـد که مقصود از تزکیه در این آیه، دادن صـدقه یا زکات فطره است که در روز عیـد فطر داده می‌شود. این مطلب از امامان معصوم علیهم السـلام نیز روایت شده است. «۱» البته مانعی نـدارد که معنای تزکیه در این آیه گسترده باشـد و شامل پاک‌سازی و رشد روحی و نیز دادن زکات فطره بشود، که آن هـم مـوجب پـاکی و رشـد است. ۲. در ایـن آیـات بـه سه مرحله‌ی سـیر انسـان اشـاره شـده است: الـف) زدودن عقایـد فاسـد و پاک‌سازی درون؛ ب) حضور معرفت و صـفات و اسـمای الهی در دل؛ ج) اشتغال به خدمت خدا به وسیله‌ی نماز. آری؛ تا دل پاک نشود نور الهی در قلب نمی‌تابـد و تا نور ذکر در دل نتابد، نماز به ثمر نمی‌نشـیند؛ زیرا نمازی ارزشـمند است که همراه با یاد و ذکر خـدا باشـد. آیینه شـو چهره‌ی پری‌طلعتـان طلب نخست جـاروب زن خـانه را سپس میهمـان طلب ۳. «فلاـح» به معنای رسـتگاری و پیروزی و در اصل به معنای شـکافتن و بیرون آمدن دانه از خاک است؛ از این رو به کشاورز فلّاح می‌گویند. کسی که خود را پاک کنـد و رشـد دهـد و به یـاد خـدا باشـد، حقایق وجودش جوانه می‌زنـد و رشـد می‌یابـد و از خاک به افلاک می‌رود و رسـتگاری و پیروزی بزرگی می‌یابد. طیران مرغ دیدی تو ز پای‌بند شـهوت به در آی تا ببینی طیران آدمیّت ۴. در این آیات به دو خط اساسی و

دو گروه مهم انسان‌ها اشاره شـده است که عبارت‌انـد از: الف) کسانی که راه پاکی و رشـد را در پیش می‌گیرند و در راه خدا گام می‌نهنـد و آخرت‌طلبی را پیشه‌ی خود می‌سازنـد (هر چند از دنیای حلال نیز بهره‌مند می‌شوند) بر سـردوراهیِ دنیا و آخرت، سـرای جاویدان را برمی‌گزینند. ب) کسانی که دنیاطلبی را در پیش می‌گیرند و آخرت جاویدان را به دنیای زودگذر می‌فروشند و گام در راه مقـام‌پرستی، پول‌پرستی و شـهوت‌پرستی می‌گذارننـد؛ بفروخته دین به دنیا از بی‌خبری ۵. از پیـامبر صـلی الله علیه و آله، «۱» امام علی علیه السـلام، «۲» امام صادق علیه السـلام «۳» و امام سـجاد علیه السلام «۴» روایت شـده که تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۷۴ محبّت دنیا، سرچشمه‌ی هرگناه و خطاست. البته این‌گونه احادیث، بدان معنا نیست که انسان از مواهب حلال و نعمت‌های الهی در دنیـا بهره‌منـد نشود، بلکه منظور آن است که دنیـاپرستی، منشأ مقام‌پرستی، برتری‌جویی، تن‌پروری و انتقام‌جویی‌هاست، که موجب انحرافـات زیـادی در انسان می‌شود و آتش جنگ و ظلم را در بشـریت شـعله‌ور می‌سازد. ۶. علاـقه به دنیا عامل گرفتاری و هلاـکت است: امـام خمینی رحمه الله در این مورد می‌فرمایـد: علایق را بایـد کم بکنیـد، علاقه‌ها بایـد کم بشود، طبیعتاً ما از این جا می‌رویم، علی ایّ حال، چه علاقه‌ی قبلی به چیزی داشته باشـیم یا نداشـته باشـیم فرقی به حال ما نمی‌کند. شما فرض کنید که علاقه داشـته باشـید به این کتاب‌هایتان یا نداشـته باشید، کتاب مال شماست از آن استفاده می‌کنید، علاقه را تا می‌توانید از بین ببرید آنچه انسان را گرفتار می‌کند آن علاقه است که انسان دارد و آن هم مبدأش همان حبّ نفس است؛ حب مسند، حب ریاست دردی است که انسـان را به هلاکت می‌رسانـد ... «۱» ۷. مطـالب این سوره، به ویژه دسـتورات اخیر در مورد تزکیه، نمـاز و مقـدم نشـمردن دنیا برآخرت، در کتاب‌های پیامبران پیشین، به خصوص در کتاب‌های ابراهیم علیه السلام و تورات موسی علیه السلام آمده است. آری؛ برخی مطالب قرآن با کتاب‌های آسمانی اصیل (و تحریف نشده)، یکسان و همگون است؛ چون همه‌ی آنها ریشه‌ی الهی دارند و از یک منبع سرچشمه می‌گیرند و مطالب اساسیِ الهی در آنها تکرار و تأکید می‌شود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۷۵ ۸. از پیـامبر صـلی الله علیه و آله روایت شـده: خـدا صـد و چهار کتاب فروفرسـتاده است، ده کتاب بر آدم علیه السـلام، پنجاه کتاب برشـیث علیه السـلام و سـی کتاب بر ادریس علیه السلام، و ده کتاب بر ابراهیم علیه السلام، و تورات را بر موسی علیه السلام، انجیل را بر عیسـی علیه السـلام، زبور را بر داود علیه السلام و فرقان را بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آورد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر رستگاری می‌طلبید، خود را تزکیه و با خدا ارتباط برقرار کنید. ۲. پیروزی و رستگاری، در پاکی، رشد، نماز و یاد خداست. ۳. بر سـر دو راهی‌هـا آخرت را انتخاب کنیـد. ۴. سـرای جاویـدان و نیکوتر را با دنیای پست مبادله نکنیـد. ۵. دنیا نسـبت به آخرت پست است و آخرت نسـبت به دنیـا نیکوتر و پایـدارتر است (پس بنگریـد کـدام یـک را می‌طلبیـد). ۶. قرآن و کتاب‌های آسـمانی همگون‌اند (چون همگی ریشه‌ی الهی دارند). «۲» *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۷۷

بخش یازدهم: سوره‌ی غاشیه

اول

کلیات

کلیـات: سوره‌ی «غاشـیه» در مکه بر پیامبر صـلی الله علیه و آله فرود آمـده و دارای ۲۶ آیه، ۷۲ کلمه و ۳۳۰ حرف است. این سوره شصت و هفتمین سـوره در ترتیب نزول (بعـد از سـوره‌ی «ذاریـات» و قبـل از سوره‌ی «کهف») و هشـتاد و هشـتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «غاشیه» (پوشاننـده) و اشاره به روز رسـتاخیز است که حوادث هولناک آن همه را می‌پوشانـد. این نام از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۷۸

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هرکس این سوره را بخواند، خدا حساب او را در رستاخیز آسان می گرداند. «۱» البته روشن است که این آسانیِ حساب برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن حرکت و عمل کنند.

اهداف

اهداف: دو محور اساسی این سوره توحید و معاد است.

مطالب

مطالب: ۱. بیان ویژگی‌های رستاخیز و حالات دوزخیان و بهشتیان در آن روز (در آیات ۱- ۱۶)؛ ۲. بیان نشانه‌های خدا در صحنه‌ی آسمان و زمین و وجود حیوانات (در آیات ۱۷- ۲۰)؛ ۳. یادآوری وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد تذکر دادن به مردم (در آیات ۲۱ و ۲۲)؛ ۴. اشاره‌ای به فرجام عذاب‌آلود کافران (در آیات ۲۳- ۲۶). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۷۹

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا هفتم سوره‌ی غاشیه با بیان یکی از نام‌های رستاخیز، به حالات و غذاهای دوزخیان در آن روز اشاره می کند و می‌فرماید: ۱- ۷. هَلْ أَتَاکَ حَدِیثُ الْغَاشِیَهِ* وُجُوهٌ یَوْمَئِذٍ خَاشِعَهٌ* عَامِلَهٌ نَاصِبَهٌ* تَصْلَی نَاراً حَامِیَهً* تُسْقَی مِنْ عَیْنٍ آنِیَهٍ* لَیْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِیعٍ* لَا یُسْمِنُ وَلَا یُغْنِی مِن جُوعٍ آیا خبر (حوادث) فراگیر (رستاخیز) به تو رسیده است؟!* در آن روز چهره‌هایی که فروتن‌اند؛* [و] کوشنده‌ی رنجور؛* در آتش سوزان وارد می‌شوند (و می‌سوزند)؛* از چشمه‌ای جوشان نوشانده می‌شوند؛* هیچ غذایی برای آنان جز از خار تلخ، بد بو و زهردار نیست؛* که فربه نمی کند و گرسنگی را دفع نمی گرداند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از نام‌های رستاخیز «غاشیه»، به معنای فراگیر و پوشاننده است؛ یعنی حوادث هولناك رستاخیز، همه چیز را زیر پوشش خود قرار می‌دهد و یا این که عذاب آن روز، چهره‌ی کافران و مجرمان را می‌پوشاند. «۱» ۲. در این آیه از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پرسد که آیا خبر روز رستاخیزِ پوشاننده به تو رسیده است؟ این پرسش از پیامبر صلی الله علیه و آله، برای نشان دادن عظمت آن روز و اهمیت آن است و در حقیقت می توانـد پرسشی از همه‌ی انسان‌ها باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۰ ۳. در این آیات به چند ویژگی دوزخیان و برخوردهای متعدد با آنان در رستاخیز اشاره شده است: الف) چهره‌های آنان فروتن است؛ یعنی از ترس عذاب خوار و سرافکنده می‌شوند و سران کفر که در دنیا سرکشی می کردند، در آن روز آرام و فروتن می گردند. «۱» ب) آنان آن‌قدر کار کرده‌اند که خسته شده‌اند؛ یعنی تلاش‌های آنان در دنیا، جز زحمت و خستگی برایشان نداشته است و هیچ نام و کار نیکی از خود به جای نگذاشته‌اند، و از این‌رو خستگی آنان در رستاخیز ظاهر می گردد. البته برخی مفسران نیز احتمال داده‌اند که در رستاخیز مجرمان را به کارهای پرمشقت وادارند تا عذاب بیش‌تری ببینند. «۲» ج) آنان در رستاخیز گرفتار آتش سوزان می‌شوند. د) غذاهای نامناسب به آنان می‌دهند، که خود نوعی عذاب برای دوزخیان است. ۴. نوشیدنی دوزخیان از چشمه‌ای سوزان و غذای آنان از «ضریع» (نوعی خار خشك، سمّی، بد بو و تلخ و ذلّت آور) است که هرگاه دوزخیان آنان را می‌خورند به درگاه خدا زاری می کنند. «۳» این غذا نه موجب چاقی دوزخیان می‌شود و نه گرسنگی آنان را برطرف می کند، بلکه

نوعی غذای گلوگیر است که خود عذابی دیگر است. ۵. چگونگی عذاب‌های دوزخیان در تصور انسان نمی‌گنجد و این تعبیرات شبحی از آنها در ذهن تصویر می‌کند. ۶. از این آیات استفاده می‌شود که نوشابه‌ی سوزان و غذای بی‌فایده از خوراک‌های دوزخی است. این مطلب می‌تواند اشاره به آن باشد که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۱ نوشابه‌ی داغ خوب نیست و غذایی خوب است که یا به انسان نیرو و فربهی عطا کند و یا حداقل گرسنگی او را برطرف سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. روز پراهمیت رستاخیز (و اخبار آن) را مطالعه کنید (و خود را برای آن روز آماده سازید)؛ روزی که همه چیز را تحت پوشش خود می‌گیرد. ۲. رستاخیز، روز خواری (کافران و مجرمان) و فراگیر است (پس از آن روز بهراسند). ۳. در رستاخیز، کارهای پر زحمتِ بی‌حاصل رخ می‌نماید. ۴. آتشی سوزان و نوشیدنی داغ و غذایی نا مطبوع و بی‌فایده در انتظار دوزخیان است. *** قرآن کریم در آیات هشتم تا شانزدهم سوره‌ی غاشیه به حالات و مکان بهشتیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸- ۱۶. وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ* لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ* فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ* لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً* فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ* فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ* وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ* وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ* وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ در آن روز چهره‌هایی که (شاداب) به نعمت‌اند؛* [و] از تلاششان خشنودند؛* در بهشتی عالی هستند؛* در آن‌جا هیچ بیهوده نمی‌شنوند؛* در آن‌جا چشمه‌ای روان است؛* در آن‌جا تخت‌های بلند،* و سبوهایی نهاده شده،* و بالش‌هایی صف داده شده،* و فرش‌های فاخر گسترده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن این است که حالات دو گروه مؤمنان و کافران را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا افراد بهتر بتوانند راه خود را انتخاب کنند. در این آیات نیز ویژگی‌های بهشتیان در رستاخیز بیان شده است: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۲ الف) چهره‌های شاداب دارند و از گذشته‌ی خود راضی هستند؛ «۱» ب) مکان بهشتیان عالی و پرنعمت و آرام بخش است؛ برخلاف دوزخیان که از تلاش خود بهره‌ای جز خستگی نداشتند و مکانی عذاب‌آلود وغذاهایی نا مطبوع داشتند و حالات آنان در آیات پیشین بیان شد. ۲. بهشتیان از گذشته وکار خویش و نتایج آن راضی هستند و این رضایت از خویش، یکی از نعمت‌هاست؛ برخلاف دوزخیان، که خسته و ناراحت از گذشته‌ی خویش، و گرفتار عذاب وجدان هستند. ۳. مقصود از عالی بودن بهشت، درجه‌ی عالی، یعنی برتری مقامی و یا برتری مکانی است؛ یا به عبارتی طبقات بهشت عالی است؛ البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود باشد. ۴. در بهشت آلودگی صوتی وجود ندارد؛ یعنی بهشتیان در آن جا سخنان بیهوده نمی‌شنوند وکسی سخنی منافقانه، جدال برانگیز، کینه‌توزانه، دروغ، تهمت و غیبت نمی‌گوید. آری؛ محیط بهشت آرام و آرام بخش است. بسیاری از نا آرامی‌ها، ناراحتی‌ها و اختلافات مردم در دنیا، از همین سخنان بیهوده و باطل است. ۵. در بهشت، چشمه‌های متعددی با نوشابه‌های متنوع، در کاخ‌های بهشتیان روان می‌شود و نیز در آن جا تخت‌هایی است که مجالس انس و سرور بر آنها بر قرار می‌شود؛ تخت‌های گران‌بها و بلندی که بر مناظر و صحنه‌های اطراف مسلط است و بهشتیان از مشاهده‌ی آنها لذت می‌برند. «۲» ۶. در بهشت همه‌ی وسایل خوش گذرانی بهشتیان فراهم است؛ قدح‌های دسته‌دار زیبایی در کنار چشمه‌ها گذاشته شده که از آنها می‌نوشند، بالش‌هایی منظم و صف‌کشیده برتخت‌ها گذاشته شده تا تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۳ بهشتیان بر آنها تکیه زنند و مجالس انس تشکیل دهند و نیز فرش‌های زیبا و گران‌بها و نرم و راحت گسترانده شده است. ۷. نعمت‌های عالی بهشت، با الفاظ محدود بشری قابل وصف نیست و تعبیرات فوق شبحی از آنها را به تصویر می‌کشد؛ البته بالاتر از این نعمت‌ها، رضوان الهی ولقای خداست که اگر کسی لحظه‌ای بدان دست یابد، آن را بر تمام نعمت‌های بهشتی ترجیح می‌دهد. اگر به هر دو جهان یک نفس زنم با دوست مرا ز هردو جهان حاصل آن نفس باشد باغ بهشت و سایه‌ی طوبی و قصر حور با خاک کوی دوست برابر نمی‌کنم گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی دوست ما را و چه نعمت فردوس شما را آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهشتی پرنعمت و شادان در انتظار (مؤمنان نیکوکار) است. ۲. بهشتیان از عملکرد خویش راضی و شادمان‌اند (پس اگر می‌خواهید در رستاخیز چنین باشید راه آنان را بروید). ۳. بهشتیان از مکانی عالی، بدون آلودگی صوتی، از انواع نعمت‌های زیبا و وسایل آسایش برخوردارند (پس شما هم بهشتی شوید تا به این نعمت‌ها برسید). *** قرآن کریم در آیات هفدهم تا بیستم سوره‌ی

غاشیه، به نشانه‌های خدا در کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی و زیست‌شناسی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷– ۲۰. أَفَلَا یَنظُرُونَ إِلَی الْإِبِلِ کَیْفَ خُلِقَتْ* وَإِلَی السَّماءِ کَیْفَ رُفِعَتْ* وَإِلَی الْجِبَالِ کَیْفَ نُصِبَتْ* وَإِلَی الْأَرْضِ کَیْفَ سُطِحَتْ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۴ و آیا به شتر نظر نمی‌کنند که چگونه آفریده شد؟!* و به سوی آسمان که چگونه بر افراشته شد؟!* و به سوی کوه‌ها که چگونه نشانده شد؟!* و به سوی زمین که چگونه هموار گشت؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات، آدمی را به مطالعه در صحنه‌ی آسمان، زمین و حیوانات فرا می‌خواند و نشانه‌های علم و قدرت او را در صحنه‌ی هستی به نمایش می‌گذارد. آری؛ توجه به این نشانه‌ها، مانع انکار مبدأ و معاد می‌شود؛ چون خدایی که چنین علم و قدرتی دارد، می‌تواند انسان‌ها را دوباره زنده و در رستاخیز حاضر کند. ۲. در این آیات به «نظر کردن» انسان‌ها اشاره شده است. مقصود از نظر، نگاه تنها نیست، بلکه مقصود دقت و تفکر در دیده‌هاست؛ یعنی انسان به معلول بنگرد و پی به علت ببرد. ۳. در این آیات به نشانه‌های خدا در زیست‌شناسی و حیوان‌شناسی اشاره شده است و در میان حیوانات از شتر نام برده شده است. شتر حیوانی است که مخاطبان اولیه‌ی قرآن، به خوبی آن را می‌شناختند، و از نعمت‌ها و فواید وجودی‌اش اطلاع داشتند. شتر حیوانی نیرومند، مقاوم، اهلی و بارکش است، حیوانی که گوشت و شیرش برای تغذیه مفید است و وسیله‌ی سواری انسان‌هاست و می‌تواند مسافت زیادی را بدون غذا و آب طی کند و از این رو کشتی بیابان‌ها نامیده شده است. ۴. آسمان بلند و برافراشته، با همه‌ی ستارگان و سیّارات و نظم و نظام آن، یکی از نشانه‌های خداست؛ همان طور که کوه‌های استوار، که هم‌چون میخ‌هایی بر بدن زمین کوبیده و نصب شده‌اند و هم‌چون زرهی زمین را احاطه کرده‌اند و مانع لرزش‌های شدید و طوفان‌های بزرگ می‌شوند، یکی از نشانه‌های خدایند؛ و همان گونه که مسطّح بودن کره‌ی زمین، یکی از شگفتی‌های آفرینش است و انسان را به یاد آفریدگار هستی می‌اندازد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از زیست‌شناسی، کیهان‌شناسی و زمین‌شناسی به خداشناسی برسید. ۲. در آفرینش و حالات شتر، آسمان، کوه‌ها و زمین دقت کنید (و به علم و قدرت خدا پی ببرید). *** قرآن کریم در آیات بیست و یکم تا بیست و ششم سوره‌ی غاشیه وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را بیدارگری معرفی می‌کند و با هشدار به کافران در مورد حساب و عذاب آنان می‌فرماید: ۲۱– ۲۶. فَذَکِّرْ إِنَّمَا أَنتَ مُذَکِّرٌ* لَسْتَ عَلَیْهِم بِمُصَیْطِرٍ* إِلَّا مَن تَوَلَّی وَکَفَرَ* فَیُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَکْبَرَ* إِنَّ إِلَیْنَا إِیَابَهُمْ* ثُمَّ إِنَّ عَلَیْنَا حِسَابَهُمْ پس یادآوری کن که تو فقط یادآوری کننده‌ای.* (تو) بر آنان هیچ سیطره‌ای نداری،* مگر کسی که روی برتافت و کفر ورزید؛* پس خدا او را به عذاب بزرگ‌تر مجازات می‌کند.* در حقیقت، بازگشتشان فقط به سوی ماست،* سپس در واقع، حساب آنان فقط با ماست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را، تنها یادآوری و تذکّر معرفی کرده است؛ یعنی پیامبران و مبلغان دینی، مسئول کفر و مخالفت مردم نیستند و نباید آنان را مجبور به ایمان سازند. البته این انحصار وظیفه، نسبی است؛ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به این مورد وظیفه‌ای جز یادآوری ندارد و سلطه و اجباری برآنان ندارد، نه این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وظایف دیگری مانند رهبری، حکومت و داوری بین مردم را به عهده نداشته باشد. ۲. یکی از اصول ثابت اسلام، اصل رشد و تکامل آزادانه‌ی انسان است و پیامبر صلی الله علیه و آله وظیفه دارد که به انسان‌ها تذکر دهد و مطالب حق و آیات الهی و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۶ دلایل را یاد آوری کند و زمینه‌ی تکامل را فراهم سازد، اما انتخاب راه سعادت و تکامل، با خود انسان است و حتی پیامبران الهی حق ندارند مردم را مجبور سازند؛ چون انسان آزاد و با اختیار آفریده شده و ارزش، رشد و تکامل او در گرو حفظ این آزادی است. از این‌رو اجبار انسان با اهداف آفرینش منافات دارد و اصولًا تکامل اجباری چیزی بی‌مفهوم و بی‌فایده و بی‌ارزش است. ۳. مقصود از جمله‌ی «مگر کسی که پشت کند و کافر شود.» چیست؟ برخی مفسران برآن‌اند که این جمله استثنای متصل است و وظیفه‌ی یادآوری و تذکّر پیامبر در این مورد استثنا می‌خورد؛ یعنی اگر کسی لجاجت کرد و از حقایق الهی روی گردان شد، لزومی ندارد که رهبر الهی وقت خود را صرف چنین فردی کند، بلکه او را رها می‌کند تا به راه غلط خود ادامه دهد و گرفتار عذاب الهی شود. «۱» کسی که هزار چراغ دارد وبی راهه می‌رود بگذار تا رود و بیند

سزای خویش البته برخی مفسـران نیز گفته‌انـد: اسـتثنا در این جـا منقطع و به معنای «بلکه» است؛ یعنی: بلکه کسانی که روی گردان شوند وکافر گردند، خدا آنان را به عذاب بزرگ‌تر گرفتار می‌کند. البته مانعی ندارد که هردو معنا مقصود آیه باشد. «۲» البته مانعی نـدارد که هردو معنا مقصود آیه باشد. «۲» ۴. منظور از «عـذاب اکبر» در این آیه، عـذاب آخرت است و احتمال دارد منظور قسـمت شدیـدتر عـذاب دوزخ باشد. تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۷ ۵. حساب و بازگشت همه‌ی انسان‌ها به سوی خـداست، ولی در این جا این مطلب را در مورد کافران بیان می‌کنـد، تا هشداری به آنان و نوعی دل‌داری به پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله باشـد که از مخالفت‌های کافران ناراحت و دل‌سرد نگردد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی و مبلغـان دینی حق ندارنـد مردم را به پذیرش دین مجبور کنند. ۲. رهبران و مبلغان دینی بیدارگر و یادآور (حقایق فطری) انسان هسـتند. ۳. کفر و روی‌گردانی از رهبران الهی، زمینه‌ساز عذاب بزرگی است. ۴. به فکر بازگشت نهایی به سوی خـدا و حساب خود باشـید (و دست از کفر و عناد بردارید). ۵. اگر کسـی تـذکرات رهبران الهی و مبلغان دینی را نپـذیرفت (ناراحت نباشـند که) حساب آنان با خداست. «۱» *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۸۹

بخش دوازدهم: سوره‌ی فجر

اول

کلیات

کلیـات: سوره‌ی «فجر» در مکه بر پیـامبر صـلی الله علیه و آله نـازل شـده و دارای ۳۰ آیه، ۱۳۷ کلمه و ۵۷۷ حرف است. این سـوره نهمین سوره در ترتیب نزول (بعـد از سوره‌ی «لیل» و قبل از سوره‌ی «ضُـحی») و هشـتاد و نهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «فجر» (به سپیده‌دم) است که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است.

فضیلت

فضـیلت: از امام صادق علیه السـلام روایت شده: تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۰ سوره‌ی فجر را در نمازهـای واجب و مسـتحب بخوانید که سوره‌ی حسین بن علی علیه السلام است و هرکس آن را بخواند، در قیامت، با حسین علیه السلام و در درجه‌ی او در بهشت خواهد بود. «۱» البته روشن است که این آثار و پاداش برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن حرکت کنند. معرفی این سوره به عنوان سوره‌ی امام حسـین علیه السـلام، شاید به خاطر آن باشد که آن حضرت مصداق روشن نفس مطمئنه است که در آیه‌ی آخر این سوره به آن اشـاره شـده و یا به خاطر شب‌های دهگانه است که در آغاز این سوره آمـده و یکی از تفسیرهایش شب‌های دهگانه‌ی آغاز محرم است، که رابطه‌ی خاصی با امام حسین علیه السلام دارد.

اهداف

اهداف: محورهای اساسی این سوره مسئله‌ی معاد، امتحان مردم در دنیا و یادآوری سرنوشت عبرت‌آموز اقوام پیشین است.

مطالب

مطالب: ۱. سوگنـدهای متعددی که زمینه‌ساز تهدید جباران است (در آیات ۱– ۵)؛ ۲. بیان سـرنوشت عبرت‌آموز قوم عاد و ثمود و فرعونیان (در آیات ۶– ۱۴)؛ ۳. اشاره‌ای به قانون امتحان مردم و واکنش‌های افراد در برابر آن (در آیات ۱۵، ۱۴)؛ ۴. یادآوری بخل

ثروت‌اندوزان مال‌دوست (در آیات ۱۷- ۲۰)؛ ۵. معرفی صحنه‌ی رستاخیز وحالات فرشتگان و انسان‌ها در آن روز (در آیات ۲۱- ۲۶)؛ ۶. بیان حالات نفس مطمئنه و برخورد محبت‌آمیز خدا با آن (در آیات ۲۷- ۳۰). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۱

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا پنجم سوره‌ی فجر، با سوگندهای مکرر، اهمیت برخی امور را به خردمندان یادآوری می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۵. وَالْفَجْرِ* وَلَيَالٍ عَشْرٍ* وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ* وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ* هَلْ فِي ذلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرٍ سوگند به سپیده دم!* سوگند به شب‌های دهگانه!* سوگند به زوج و فرد!* سوگند به شب، هنگامی که سپری می‌شود!* آیا در این (موارد) سوگندی برای خردمند نیست؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سخنان خدای متعال راست و درست است و نیاز به سوگند ندارد، اما گاهی خدا به خاطر تأکید بر مطالب یا نشان دادن اهمیت چیزهایی، به آنها قسم می‌خورد. مواردی که اهمیت آنها را خردمندان درک می‌کنند و بدان معترف‌اند. ۲. واژه‌ی «فَجر» در اصل به معنای شکافتن وسیع است و از آن جا که در هنگام سپیده دم، نور صبح، دل تاریکی شب را می‌شکافد، بدان فجر می‌گویند. فجر بر دو گونه است: فجر کاذب و فجر صادق. فجر کاذب، همان سپیدیِ طولانیِ قبل از طلوع واقعی فجر است که هم‌چون مخروطی بر صحنه‌ی آسمان ظاهر می‌شود و سر مخروط به طرف افق و قاعده‌ی آن به طرف آسمان است. اما فجر صادق، همان طلوع واقعی سپیده دم است که سفیدی آن در افق گسترش می‌یابد و نورانیتی شفاف دارد و بعد تمام آسمان را فرا می‌گیرد. ۳. سپیده‌ی صبح اعلام پایان ظلمت شب و آغاز حاکمیت نور و نقطه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۲ عطفی در زندگی انسان‌ها و شروع جنبش موجودات زمینی و یکی از نشانه‌های عظمت خداست. ۴. برخی مفسران برآنند که مقصود از «فجر» در این آیات، فجر آغاز محرم یا فجر روز عید قربان یا صبحگاه ماه رمضان یا فجر صبح جمعه است، ولی آیه‌ی فوق معنای وسیعی دارد که همه‌ی این موارد را شامل می‌شود، به طوری که برخی مفسران گفته‌اند: هر نوری که در دل تاریکی می‌درخشد مقصودِ این آیه است. «۱» بنابراین، درخشش اسلام و نور محمدی صلی الله علیه و آله در تاریکی جاهلیت، یکی از مصادیق آن است، همان‌طور که سپیده‌دم قیام مهدی (عج) در تاریکی ظلم و ستم جهان یکی دیگر از مصادیق آن است. در احادیث نیز به این موارد اشاره شده است. «۲» ۵. مقصود از شب‌های دهگانه در این آیات چیست؟ از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که منظور شب‌های آغازین ذی الحجهٔ است که بزرگ‌ترین اجتماع عبادی- سیاسی مسلمانان جهان برگزار می‌شود. «۳» و برخی مفسران برآنند که ده شب آخر ماه رمضان است که شب قدر در آن است و یا شب‌های آغازین محرم؛ البته مانعی ندارد که همه‌ی این موارد از مصادیق آیه باشد. «۴» ۶. منظور از «زوج و فرد»، در این آیات چیست؟ در این مورد تفسیرهای گوناگونی شده است؛ از جمله این که: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۳ الف) مقصود اعداد زوج و فرد است که نظم و حساب وعدد را در زندگی انسان شکل می‌دهد؛ ب) مقصود همه‌ی مخلوقات هستند که برخی به صورت فرد و برخی به صورت زوج‌اند؛ ج) منظور از «فرد» خداست که یگانه است و منظور از «زوج» مخلوقات هستند که معمولًا دارای زوج و قرین‌اند؛ «۱» د) مقصود نمازهاست، که رکعات آنها زوج یا فرد است و یا نماز شفع و وتر است که سه رکعت آخر نماز شب است؛ ه) زوج، روز هشتم یا دهم ماه ذی الحجهٔ و فرد همان روز نهم یعنی روز عرفه است. «۲» البته اگر معنای زوج و فرد عام باشد، همه‌ی موارد فوق را شامل می‌شود و اگر خاص باشد، سه تفسیر اخیر مناسب‌تر است که در احادیث نیز به آنها اشاره شده است. «۳» ۷. در این آیات، به شب، هنگامی که به سوی روشنایی صبح حرکت می‌کند سوگند یاد شده است. مقصود از این شب یا همه‌ی شب‌هاست که نشانه‌ای از قدرت خداست؛ یا شب عید قربان است که حاجیان از عرفات به سوی مشعر و مِنی می‌روند که گویا همه‌ی شب با مردم حرکت می‌کند. ۸. واژه‌ی «حِجْر» در اصل به معنای منع است و از آن جا که عقل، انسان را از کارهای ناپسند منع می‌کند حِجْر نامیده

می‌شود. آری؛ در این موارد سوگند مهمی است برای خردمندان، چرا که خردورزان، اهمیت این امور را به خوبی درک می‌کنند. ۹. جواب این سوگندها آیه‌ی چهاردهم این سوره است؛ یعنی: سوگند به تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۴ این امور که پروردگار در کمین (ستمکاران سرکش) است. و این احتمال نیز وجود دارد که جواب سوگند محذوف باشد؛ یعنی: سوگند به این امور که ما کافران سرکش را عذاب می‌کنیم.» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه درمورد سپیده دم، شب و زوج و فرد، به اهمیت آنها (و نشانه‌های خدا) پی ببرید. ۲. خردورزی زمینه‌ساز درک حقایق عالی است. *** قرآن کریم درآیات ششم تا چهاردهم سوره‌ی فجر به اقوام سرکش و فسادگر تاریخ بشر، و فرجام عذاب‌آلود آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶- ۱۴. أَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِعَادٍ* إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ* الَّتِی لَمْ یُخْلَقْ مِثْلُهَا فِی الْبِلَادِ* وَثَمُودَ الَّذِینَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ* وَفِرْعَوْنَ ذِی الْأَوْتَادِ* الَّذِینَ طَغَوْا فِی الْبِلَادِ* فَأَکْثَرُوا فِیهَا الْفَسَادَ* فَصَبَّ عَلَیْهِمْ رَبُّکَ سَوْطَ عَذَابٍ* إِنَّ رَبَّکَ لَبِالْمِرْصَادِ آیا ندیده‌ای که پروردگارت با (قوم) «عاد» چه کرد؟!* (همان مردم شهر) ارم ستون‌دار،* که همانند آن در شهرها آفریده نشده بود!* و (قوم) ثمود که صخره‌ها را در سرزمین (خود) می‌بریدند؛* و فرعونی که صاحب میخ‌ها بود؛* (همان) کسانی که در شهرها طغیان کردند،* و در آن‌جا فساد را افزودند؛* و پروردگارت تازیانه‌ی عذاب را بر آنان فرو ریخت!* قطعاً، پروردگارت در کمینگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات سخن از «دیدن» قوم عاد، ثمود و فرعون است و منظور از دیدن، همان علم و آگاهی یافتن از سرنوشت این اقوام است و از آن جا که سرنوشت این تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۵ اقوام مشهور است، گویی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (مردم) آنان را دیده بودند. ۲. مخاطب این آیات پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما در حقیقت هشداری به همگان است که سرنوشت عذاب‌آلود عاد و ثمود و فرعون را بنگرید و عبرت بیاموزید. چشم عبرت بازکن، گردید چون مویت سپید مگذران در خواب غفلت این شب مهتاب را ۳. قرآن کریم در آیات متعددی، از قوم عاد سخن گفته است. «۱» آنان مردمی بودند که احتمالًا حدود هفتصد سال قبل از میلاد مسیح علیه السلام در سرزمین احقاف یا یمن زندگی می‌کردند. «۲» افرادی نیرومند و بلندقامت و جنگ‌جو که تمدنی پیش‌رفته و شهرهایی سرسبز و کاخ‌های عظیم با ستون‌های متعدد داشتند. پیامبر آنان هود علیه السلام بود که سخنان هدایت‌آمیز او، سودی به حال مردم عاد نداشت و در نهایت آنان گرفتار تندبادی سرد و سوزان شدند و همگی هلاک گشتند. «۳» ۴. «ارم» نام شهری بی‌نظیر «۴» دارای ستون‌های زیاد بود که توسط قوم عاد ساخته شده بود. این تعبیر کنایه از قدرت قوم عاد است. آری؛ قوم عاد، شهری بی‌نظیر با کاخ‌های باشکوه و ستون‌دار ساختند، که مثل آن در شهرهای دنیا پدید نیامده بود. ۵. قرآن کریم بارها از قوم «ثمود» و فرجام عبرت‌آموز آنان سخن گفته تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۶ است. «۱» قوم ثَمود در میان مدینه و شام زندگی می‌کردند و تمدنی پیشرفته و زندگی مرفهی داشتند. آنان صخره‌ها را می‌شکافتند «۲» و سنگ‌ها را قطعه قطعه می‌کردند و ساختمان‌های سنگی می‌ساختند؛ و یا در دل کوه‌پایه‌ها، «۳» خانه‌های سنگی به وجود می‌آوردند. «۴» خدا پیامبری به نام «صالح» را به سوی آنان فرستاد، ولی آنان او را تکذیب کردند و در نهایت گرفتار صیحه‌ی آسمانی شدند و هلاک گشتند. «۵» تا دل مردِ خدا نامد به درد هیچ قومی را خدا رسوا نکرد ۶. در این آیات بیان شده که فرعون دارای «میخ هایی» بود. مقصود چیست؟ مفسران قرآن در این مورد چند پاسخ داده‌اند: الف) منظور میخ‌هایی است که وسیله‌ی شکنجه‌ی فرعونیان بود و بر دست و پای مخالفان می‌کوبیدند و یا دست و پای افراد را به آنها می‌بستند، همان‌طور که در احادیث نیز آمده است. ب) لشکریان فرعون در خیمه‌هایی زندگی می‌کردند که با میخ‌ها محکم بسته می‌شد. «۶» ج) این تعبیر کنایه از قدرت و استقرار حکومت است. «۷» البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد. ۷. اقوام عاد، ثمود و فرعون اقوام طغیانگر و سرکشی بودند و در شهرها تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۷ فساد به پا می‌کردند، یعنی به ظلم و تجاوز و هوس‌رانی مشغول می‌شدند. ۸. در این آیات بیان شده که «خدا تازیانه‌ی عذاب را بر این اقوام سرکش فرو ریخت.» این تعبیر کوتاه، کنایه‌ای زیباست که اشاره به مجازات شدید قوم عاد با تندباد و عذاب قوم ثمود با صیحه‌ی آسمانی و نیز غرق شدن فرعون است. آری؛ عذاب این اقوام آن‌قدر شدید و مستمر بود که

گویی تازیانه‌های عذاب بر آنان فرو ریخت. ۹. این آیات به طغیان‌گران هشدار می‌دهد که خدا در کمینگاه آنان است و گمان نکنید که می‌توانید از چنگال عذاب الهی بگریزید، بلکه او مردم را آزمایش می‌کند و به ستمکاران مهلت می‌دهد و هنگامی که غرق در گناه و ظلم شدند آنان را به دام می‌افکند و عذاب می‌کند! او به همه‌ی جباران و مجرمان احاطه دارد و می‌تواند آنها را مجازات کند. ۱۰. از امام صادق علیه السلام روایت شده: مرصاد (کمینگاه)، همان پل صراط است که از روی دوزخ می‌گذرد و هیچ بنده‌ای که حقّ مظلومی بر گردن او باشد از آن جا نخواهد گذشت. «۱» البته این حدیث به یکی از مصادیق کمینگاه‌های الهی اشاره دارد و کمینگاه‌های متعددی در دنیا و آخرت وجود دارد که ستمکاران را به دام می‌اندازد. ۱۱. تعبیر «ربّک» (پروردگار تو) خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است. این تعبیر نوعی تسلّی خاطر برای پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان و نوعی هشدار به مخالفان اسلام است که بدانند این سنت الهی که در مورد مجازات سرکشان ملت‌های پیشین اجرا شد، در مورد امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز جاری می‌شود و طغیان‌گران نمی‌توانند از چنگال عذاب الهی فرار کنند. ۱۲. تعبیر «ربّک» ممکن است اشاره به این مطلب نیز باشد که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۸ مجازات‌های الهی و کمینگاه‌های او با «پروردگار» بودن خدا ارتباط دارد و نوعی زمینه‌سازی برای تربیت بشر است؛ یعنی او انسان‌ها را به دام می‌اندازد تا تربیت و هدایت کند؛ هم‌چون پدری که فرزند خود را ادب می‌کند تا رشد نماید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از فرجام عذاب‌آلود طغیانگران پیشین، عبرت بگیرید. ۲. اقوام قدرتمند بی‌نظیری، هم‌چون قوم عاد، ثمود و فرعون سرکشی کردند و هلاک شدند (پس شما راه آنان را نروید). ۳. نتیجه‌ی طغیان‌گری و فسادگری در شهرها، عذاب الهی است. ۴. تازیانه‌های ظلم و فساد را بر مردم فرود نیاورید، که گرفتار تازیانه‌ی عذاب الهی می‌شوید. ۵. خدا کمینگاه‌هایی دارد! (پس خود را ایمن ندانید و فساد و سرکشی نکنید). *** قرآن کریم در آیات پانزدهم تا بیستم سوره‌ی فجر به غرور انسان متنعم و ناراحتی انسان تنگ‌دست و عوامل گرفتاری انسان، هم‌چون بُخل و مال‌دوستی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵- ۲۰. فَأَمَّا الْإِنسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّى أَكْرَمَنِ* وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّى أَهَانَنِ* كَلَّا بَلْ لَاتُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ* وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ* وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمَّاً* وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبّاً جَمّاً و اما انسان هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و او را ارج نهد و وی را نعمت بخشد، پس می‌گوید: «پروردگارم [مرا] ارج نهاده است!»* و اما هنگامی که او را بیازماید و روزی‌اش را بر او تنگ سازد، پس می‌گوید: «پروردگارم [مرا] خوار کرده است!»* هرگز چنین نیست؛ بلکه یتیم (ها) را ارج نمی‌نهید،* و یک‌دیگر را بر غذا دادن بینوا (یان) تشویق نمی‌کنید،* و میراث را کاملًا یک‌جا می‌خورید،* و ثروت را با علاقه‌ای فراوان دوست دارید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۱۹۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات مواردی از کمینگاه‌های الهی و امتحانات انسان بیان شده است. خدا گاهی انسان را به وسیله‌ی نعمت دادن می‌آزماید و گاهی به وسیله‌ی تنگ‌دستی و محرومیت از نعمت، تا بنمایاند که آیا انسان سپاس‌گزار است یا مغرور و ناسپاس. ۲. آمده که انسان کم‌ظرفیت است و هنگامی که خدا به او نعمت می‌دهد مغرور گشته، خود را ارجمند و مقرّب درگاه الهی می‌پندارد «۱» ولی هنگامی که خدا بر او تنگ می‌گیرد نا امید شده، می‌پندارد که خدا به وی اهانت و او را خوار کرده است. «۲» در حالی که انسان‌های مومن، پرظرفیت و دریادل هستند و در حال ثروتمندی یا تنگ‌دستی سپاس‌گزار خدایند؛ چون می‌دانند که این‌ها آزمایش‌هایی است که طبق حکمت الهی انجام می‌گیرد. چون صفا بیند، بلا شیرین شود خوش شود دارو چو صحت بین شود ۳. ثروتمندی یا تنگ‌دستی، معیار و نشان دهنده‌ی نزدیکی و دوری انسان از خدا نیست. چه بسیار دوستان خدا که گرفتار بلا و فقر شدند و چه بسیار دشمنان خدا که ثروتمند گشتند. این هر دو وسیله‌ی آزمایش انسان‌هاست. ۴. معیار ارجمندی و تقرّب انسان به خدا چند چیز است: الف) اکرام یتیمان، یعنی ارج گذاشتن و توجه کردن به آنها؛ ب) تشویق هم‌دیگر برای امداد رسانی به بینوایان؛ ج) انسان مال‌پرست نباشد و از ثروت و میراث خویش به دیگران نیز کمک کند. ۵. عوامل دوری انسان از خدا، که موجب انحراف و گرفتاری او نیز می‌شود، عبارت‌اند از: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۰۰ ۱. احترام نگذاشتن به کودکان بی‌سرپرست؛

۲. تشویق نکردن افراد به امـداد رسانی برای بینوایان؛ ۳. ثروت‌دوستی و مال‌اندوزی (همراه با بُخل). ۶. غذا دادن به بینوایان و اکرام یتیمـان امری ضـروری است؛ یعنی در مورد افراد یتیم نه تنهـا اطعام و حفظ اموال، بلکه اکرام و احترام نیز لازم است به طوری که بر اثر محبت دیگران جای خالی پدرشان را احساس نکنند. چو بینی یتیمی سرافکنده پیش مده بوسه بر روی فرزند خویش اگر سایه‌ای خود برفت از برش تو در سـایه‌ی خویشـتن پرورش ۷. از امام صادق علیه السـلام روایت شـده که هیچ بنده‌ای دست مرحمت بر سـر یـتیمی نمی‌کشـد، مگر این که خـدا به تعـداد موهـایی که از زیر دست او می‌گـذرد، نوری در رسـتاخیز به او می‌بخشـد. «۱» ۸. تنها غـذادادن به بینوایـان کافی نیست، بلکه تشویق به این کار نیز لازم است؛ «۲» یعنی انسـان خود بُخل نورزد و دیگران را نیز از بُخل و مال پرستی دور سازد و به غـذا رسانی تشویق کند و این جاست که تشـکیل انجمن‌های خیریه و امدادرسانی و تبلیغات مثبت در این راه معنا پیـدا می‌کند. ۹. در این آیـات بیـان شـده که انسان‌هـای تربیت نایافته در مکتب وحی، مال‌دوست و زرانـدوز هسـتند و مال حلال و حرام را جمع می‌کننـد و میراث و اموالی را که بـدون زحمت به دست می‌آورنـد یک جا می‌خورنـد؛ ولی به فقیران کمک نمی‌کننـد و بُخل می‌ورزنـد و حتی میراث یتیمان و فقرا را با تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و دوم، ص: ۲۰۱ زور می‌گیرند و مصرف می‌کنند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان‌هـا (ی تربیت نایافته)، کم ظرفیت هسـتند و از نعمت، مغرور، و از فقر، نا امیـد می‌شونـد. ۲. انسـان گاهی با ثروت و گاهی با تنگ‌دستی امتحان می‌شود. ۳. معیار ارجمندی شـما در پیشگاه الهی، بهره‌مندی یا تنگ‌دستی شما نیست. ۴. بی‌توجهی نسبت به کودکـان بی‌سرپرست و تشویق نکردن مردم برای غـذارسانی به بینوایـان و مال دوستی و زرانـدوزیِ بخیلانـه، از عوامل دوری از خـداست. ۵. اکرام یتیمـان، تشویق مردم برای غـذارسانی به بینوایـان و دوری از زرانـدوزی بخیلانـه، از عوامل نزدیکی در پیشگاه الهی است. ۶. همه‌ی میراث و ثروت را برای خود نخواهید (به دیگران هم بدهید). ۷. هم خود به بینوایان کمک کنیـد، و هم دیگران را به این کار تشویق نمایید. ۸. اگر اکرام خـدا را می‌خواهید یتیمان را اکرام کنید. *** قرآن کریم در آیات بیست و یکم تا بیست و شـشم سوره‌ی فجر، به حوادث سـخت رسـتاخیز و حالات فرشتگان و بیداری و آرزو اندیشی انسان‌ها در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱- ۲۶. كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكّاً دَكّاً* وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفّاً صَفّاً* وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي* فَيَوْمَئِذٍ لَايُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ* وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ تفسیر قرآن مهر جلـد بیسـت و دوم، ص: ۲۰۲ هرگز چنیـن نیسـت؛ هنگـامی کـه زمین (بـا ضـربه‌ای،) کاملًا خُرد (و همـوار) می‌شـود،* و (فرمـان) پروردگـارت و فرشـتگان صـف به صـف فرا می‌رسـند،* و در آن روز جهنم آورده شود؛ در آن روز انسـان متـذکر می‌شود؛ و [لی تـذکر کجا برای او (سود) دارد؟!* می‌گوید: «ای (مردم) کاش من برای زندگی‌ام (در رسـتاخیز، چیزی) از پیش فرسـتاده بودم!»* و در آن روز هیـچ کس [هماننـد] عـذاب او عـذاب نمی‌کنـد؛* و هیـچ کس [هماننـد] به بنـد کشـیدن او به بنـد نمی‌کشـد. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در این آیات، یکی از حوادث تکان دهنده‌ی پایان دنیا و آغاز رستاخیز بیان شده است؛ در آن روز زمین سخت می‌لرزد و کوه‌هـا متلاشـی می‌شونـد و زمین درهم کوبیـده، خُرد و صـاف می‌گردد. آری؛ حوادث «۱» سـخت رستاخیز، آرامش زراندوزان بخیل را به هم می‌زنـد و آنان را از خواب غفلت بیدار می‌سازد. ۲. با توجه به این که خدا جسم نیست و انتقال مکانی او معنا ندارد، مقصود از «آمدن پروردگار» در روز رسـتاخیز چیست؟ مفسـران در این مورد چند تفسـیر ارائه کرده‌اند: الف) فرمان پروردگار برای رسیدگی به حساب مردم؛ ب) ظهور نشانه‌های عظمت پروردگار؛ ج) ظهور معرفت پروردگار در رستاخیز، به طوری که جای انکار نخواهـد داشت. البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد، ولی معنای اول در احادیث اهل بیت علیهم السـلام آمده «۲» و با آیـات دیگر قرآن سازگـارتر اسـت. «۳» تفسـیر قرآن مهر جلـد بیسـت و دوم، ص: ۲۰۳ ۳. مقصـود از صف کشـیدن فرشتگان در رسـتاخیز آن است که آنها در صـفوف مختلف وارد صحنه‌ی رستاخیز و آماده‌ی اجرای فرمان حق می‌شوند؛ آنان گرداگرد مردم را می‌گیرنـد، به طوری که هیـچ کس راه گریزی از عـدالت نخواهد داشت. ۴. از تعبیرات این آیـات اسـتفاده می‌شود که «جهنّم» قابل حرکت دادن است و آن را نزد مردم حاضـر می‌سازنـد، همـان طـور که بهشت به پارسایـان نزدیـک می‌شود. «۱» البته حقـایق جهان

رستاخیز برای ما دقیقاً روشن نیست، و شرایط حاکم بر آن جا با دنیا تفاوت دارد. ۵. حکایت شده که وقتی آیه‌ی فوق فرود آمد رنگ چهره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله دگرگون شد و اصحاب به علی علیه السلام خبر دادند. علی علیه السلام آمد و از حادثه پرسید و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیه‌ی فوق را جبرئیل بر من تلاوت کرد، سپس توضیح دادند که هفتاد هزار فرشته دوزخ را می‌آورند و اگر او را رها کنند همه را آتش می‌زند! ولی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌گوید: گوشت تو بر من حرام است. امّا پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: پروردگارا! امتم، امتم! «۲» ۶. انسان با دیدن صحنه‌ی هولناك دوزخ و رستاخیز بیدار می‌شود واز کردار گذشته‌ی خویش پشیمان می‌گردد. او می‌خواهد توبه کند، امّا زمان توبه سپری شده است؛ او می‌خواهد کارهای بد خود را جبران کند، ولی دیگر دیر شده است. و در این جاست که فریاد می‌زند: ای کاش برای زندگی اخروی خود کار نیکی کرده بودم و از پیش فرستاده بودم! به شهر قیامت مرو تنگ‌دست که وجهی ندارد به حسرت نشست آری؛ این همان انسانی است که در دنیا به زراندوزی و میراث‌خواری مشغول بود و به یتیمان و بینوایان توجهی نمی‌کرد. ۷. در این آیه از سرای آخرت با عنوان «زندگی‌ام» یاد شده است. گویا زندگی واقعی فقط آخرت است و زندگی دنیا، شایسته‌ی نام حیات نیست. آری؛ حیات حقیقی و جاودانی همان زندگی اخروی است. «۱» ۸. خدا چنان خلافکاران را به بند می‌کشد و گرفتار عذاب می‌کند که هیچ کس نمی‌تواند همانند او به بند بکشد و عذاب کند. آری؛ مجازات الهی در مورد این افراد بی‌نظیر است؛ چون آنان مردم مظلوم را در بند کشیده، با گرسنگی و فقر عذاب می‌کردند و شکنجه می‌دادند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حوادث سخت رستاخیز، انسان‌های غافل را بیدار خواهد کرد. ۲. بیداریِ دیرهنگام انسان در رستاخیز، به حال انسان سودی ندارد. ۳. در هم کوبیده شدن زمین، ظهور فرمان پروردگار، صفوف فرشتگان و آماده‌سازی دوزخ در رستاخیز، شما را از خواب غفلت بیدار می‌سازد. ۴. آرزومندی و حسرت خوردن در رستاخیز، سودی ندارد (تا دیر نشده برای آن روز توشه بردارید). ۵. گرفتاری و عذاب الهی بی‌نظیر است (پس مراقب کردار خود باشید و برای آخرت فکری کنید). *** قرآن کریم در آیات بیست و هفتم تا سی‌ام سوره‌ی فجر به حالات بندگان خاص خدا و لطف الهی نسبت به آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷- ۳۰. يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ* ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي* وَادْخُلِي جَنَّتِي تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۰۵ ای جان آرام یافته!* به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که (تو از او) خشنودی [و] مورد رضایت (او) هستی؛* پس در (سلك) بندگان (ویژه‌ی) من در آی،* و در بهشت (ویژه) من وارد شو. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات دارای تعبیرات جالب، دل‌انگیز و روح پرور و نشان دهنده‌ی لطف ویژه‌ی خدا نسبت به بندگان خاص خویش است؛ خدا آنان را به طور مستقیم به مهمانی خویش دعوت می‌کند و رضایت خود را از آنان اعلام می‌دارد. ۲. در این آیات ویژگی‌های بندگان خاص خدا را برشمرده است که عبارت‌اند از: الف) آنان دارای نفس مطمئن و جان آرامی هستند؛ ب) به سوی خدا باز می‌گردند و به ثواب و رحمت الهی می‌رسند؛ ج) در سلك بندگانِ خاص، مورد لطف قرار می‌گیرند؛ د) در بهشت الهی وارد می‌شوند؛ ه) از پاداش‌ها و الطاف الهی راضی‌اند؛ و) اعمال و عقاید آنان مورد رضایت و پسند خداست. ۳. نفس انسان همان روح آدمی است که می‌تواند حالات و مراتب مختلفی داشته باشد که در این آیات به سه حالت آن اشاره شده است: الف) نفس «مطمئنه»: یعنی روحی که در پرتو ایمان و یاد خدا آرامش یافته و به مرحله‌ی اطمینان رسیده است و به وعده‌های الهی اطمینان دارد و دربرابر طوفان حوادث اضطراب ندارد. ب) نفس «راضیه»: یعنی از خدا راضی و خشنود است؛ چون می‌بینند که به تمام وعده‌هایش عمل کرد و پاداش‌ها و نعمت‌های زیادتری به او ارزانی داشت؛ بندگان خاص خدا به مقام تسلیم و رضا رسیده‌اند و هرچه را دوست بخواهد می‌پسندند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۰۶ ج) نفس «مرضیه»: یعنی خدا از کردار و عقاید این شخص راضی و خشنود است و او را می‌پسندد. البته در آیات دیگر قرآن از نفس «اماره»، «لوّامه»، «ملهمه» و «تسویه شده» نیز یاد شده است. «۱» ۴. مقصود از بازگشت به سوی خدا، بازگشت در هنگام مرگ یا بازگشت در رستاخیز یا هر دو است که انسان به سوی ثواب و رحمت الهی بازمی‌گردد. ۵. خشنودی انسان از خدا و خشنودی خدا از انسان در

حقیقت علت‌های سعادتمندی انسان و وارد شدن او در سلک بندگان خاص و بهشت الهی‌اند. ۶. در برخی از تفاسیر، این آیات بر «حمزه سید الشهداء» تطبیق شده است و نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده: این سوره، سوره‌ی حسین علیه السلام است و هر کس آن را بخواند در قیامت در درجه‌ی او در بهشت خواهد بود. «۲» و نیز روایت شده که مخاطب «ای جان آرام» در این آیات، امام حسین علیه السلام است. «۳» البته روشن است که این سوره مکی است در حالی که حمزه و امام حسین علیه السلام بعد از هجرت شهید شدند؛ پس نسبت دادن آن به حمزه یا امام حسین علیه السلام از باب تطبیق بر مصداق‌های روشن و کامل است. ۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده: هنگام مرگ مؤمن، فرشته‌ی مرگ او را دلداری می‌دهد که من نسبت به تو مهربانم، چشمهایت را بگشای! و او پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و امامان دیگر علیهم السلام را می‌بیند و فرشته تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۰۷ می‌گوید: این‌ها دوستان تو هستند و ناگهان گوینده‌ای از سوی پروردگار ندا می‌دهد: ای جان آرام یافته که به محمد و اهل بیت او اطمینان داشتی، بازگرد به سوی پروردگارت، در حالی که تو به ولایت او راضی هستی و او با ثوابش از تو خشنود است؛ داخل بندگان من یعنی محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او شو و در بهشتم درآی! «۱» هر کجا تو با منی من دلخوشم وربود در قعر گوری منزلم خوش‌تر از هر دو جهان آن جا بود که مرا با تو سَر و سودا بود آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر بهشت الهی می‌خواهید، کاری کنید که مورد پسند خدا شوید. ۲. بندگان خاص خدا به مقام رضا رسیده‌اند و آن پسندند که دوست پسندد. ۳. با رسیدن به مرحله‌ی نفس مطمئن و جان آرام یافته (با یاد خدا)، آماده‌ی بازگشت به سوی او شوید. ۴. خدا کسانی را در میان بندگان خاص خود و در بهشت خویش وارد می‌کند که (کردار و عقاید) آنها را بپسندد. ۵. بندگان خاص خدا مورد لطف ویژه‌ی او هستند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۰۹

بخش سیزدهم: سوره‌ی بلد

اول

کلیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز کلیات: سوره‌ی «بلد» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۲۰ آیه، ۸۲ کلمه و ۳۳۰ حرف است. این سوره سی و چهارمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «ق» و قبل از سوره‌ی «طارق») و نودمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «بلد» (سرزمین یا شهر مکه) است که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۱۰

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی بلد را بخواند، خدا او را از خشم خود در روز قیامت در امان می‌دارد. «۱» روشن است که این آثار برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن حرکت کنند.

اهداف

اهداف: محور اصلی این سوره، بیان دو راه اساسی در مسیر زندگی انسان و مشکلات و فرجام آنهاست.

مطالب

مطالب: ۱. سوگندهای متعدد به شهر مکه و پدر و فرزند (در آیات ۱- ۳)؛ ۲. یادآوری مشکلات زندگی بشر (در آیه‌ی ۴)؛ ۳. اشاره‌ای به ثروتمندان سرکش (در آیات ۵ و ۶)؛ ۴. یادآوری نعمت‌های الهی برای انسان (در آیات ۸- ۱۰)؛ ۵. معرفی کارهای نیک، مثل آزاد کردن اسیران و غذا دادن به یتیمان و بینوایان (در آیات ۱۱- ۱۶)؛ ۶. بیان فرجام نیک مؤمنان شایسته‌کردار (در آیات ۱۷ و ۱۸)؛ ۷. اشاره‌ای به فرجام عذاب‌آلود کافران (در آیات ۱۹ و ۲۰). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۱۱

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره‌ی بلد با سوگندهای مکرر، به زندگی پررنج انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۴. لَا أُقْسِمُ بِهـذَا الْبَلَدِ* وَأَنتَ حِلٌّ بِهـذَا الْبَلَدِ* وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ* لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِی كَبَدٍ به این سرزمین (مکه) سوگند یاد می‌کنم!* در حالی که تو در این سرزمین فرود آمده‌ای!* سوگند به پدر و آنچه زاد!* که به یقین، انسان را در رنج و مشقت آفریدیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدای متعال سخن راست و درست می‌گوید، اما گاهی برای تأکید بر مطلبی و نشان دادن اهمیت آن، سوگند یاد می‌کند. این سوگندها نشان دهنده‌ی عظمت آن چیزهاست و توجه انسان را به آنها جلب می‌کند. ۲. در این آیات به سرزمین مکه سوگند یاد شده است؛ زیرا آن جا نخستین مرکز توحید و عبادت پروردگار است و پیامبران بزرگی هم‌چون ابراهیم علیه السلام، اسماعیل علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله در آن جا طواف کرده‌اند. ۳. شرافت مکه به خاطر وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آن جاست و در حالی به آن شهر سوگند یاد می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن جا باشد. از این رو هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه هجرت می‌کند، با عنوان «قریه» یعنی روستا و آبادی از آن یاد می‌شود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۱۲ آری؛ ارزش سرزمین‌ها به ارزش انسان‌هایی است که در آنها زندگی می‌کنند. اگر در سرزمینی عالمان و رهبران الهی زندگی کنند، آن جا شهر و متمدن است و حتی می‌توان بدان سوگند یاد کرد، و گرنه سزاوار نام شهر نیست. گفت معشوقی به عاشق کای فتی توبه غربت دیده‌ای بس شهرها گو کدامین شهر از آنها خوش‌تر است گفت آن شهری که در وی دلبر است ۴. برخی مفسران برای این آیات تفسیر دیگری ذکر کرده‌اند: خدا می‌فرماید: به شهر مکه سوگند یاد نمی‌کنم؛ «۱» زیرا مردم مکه با تو بسیار بد رفتاری می‌کنند. شهری که هر کس داخل آن شود امنیت دارد، چرا برای تو امنیتی ندارد و مشرکان حرمت تو را نگاه نمی‌دارند. این تفسیر که در برخی احادیث نیز آمده است» به نوعی سرزنش مشرکان مکه است. ۵. در این آیات از «پدر و فرزند» یاد شده است. مقصود از این پدر و فرزند، یا ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام هستند که کعبه و مکه را بنیاد نهادند یا آدم و فرزندانش یا آدم و پیامبران از نسل او و یا هر پدر و فرزندی هستند. البته مانعی ندارد که آیه به هر چهار معنا اشاره داشته باشد، هر چند معنای اول مناسب‌تر است. «۳» ۶. انسان از آغاز زندگی تا هنگام مرگ گرفتار مشکلات و رنج و مشقّت است؛ «۴» گاهی رنج‌های روحی و روانی و گاهی مشقّت‌های جسمانی را تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۱۳ تحمّل می‌کند تا به پیری می‌رسد و حتی پیامبران الهی نیز از این قانون استثنا نبوده‌اند و جوامع به ظاهر آرام و سرخوش نیز در دل خود رنج‌های زیادی دارند که با مطالعه و دقت معلوم می‌گردد. آری؛ انسان در همین رنج و مشکلات ساخته می‌شود و تکامل می‌یابد، آرامش بی‌رنج در زندگی مادی ممکن نیست؛ تنها سرای آخرت و بهشت جای راحتی و آرامش نهایی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرنوشت انسان با رنج و مشقّت رقم خورده است (پس منتظر آرامش و راحتی مطلق در دنیا نباشید). ۲. ارزش شهرها، به ارزش مردان الهی است که در آن جا ساکن می‌شوند. ۳. شهر مکه همراه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام آن‌قدر ارزشمند است که می‌توان به آن سوگند یاد کرد (پس در مورد آنها دقت کنید). *** قرآن کریم در آیات پنجم تا دهم سوره‌ی بلد با یادآوری نعمت‌های الهی، به ثروتمندان سرکش هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۵- ۱۰. أَيَحْسَبُ أَن لَن يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ* يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَداً* أَيَحْسَبُ أَن لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ* أَلَمْ نَجْعَل لَهُ عَيْنَيْنِ* وَلِسَاناً وَشَفَتَيْنِ* وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ آیا (انسان) می‌پندارد که هیچ کس بر او

توانايى (دست يابى) نـدارد؟!* مى گويـد: «ثروت انبوهى را نابود كردم.»* آيا مى‌پندارد كه هيچ كس او را نديده است؟!* آيا براى او دو چشم قرار نداده‌ايم؟!* و زبان و دو لب؟!* و او را به دو راه (خير و شـر) رهنمون كرديم؛ نكته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در اين آيات به ثروتمنـدان سركشـى اشـاره شـده كـه مى‌پنداشـتند هيـچ كس نمى‌تواند بر آنـان دست يابـد و بـازخواست و مجازاتشـان كنـد؛ آنها مى‌پنداشـتند كه كسـى اعمال و خلاف كارى آنها را نديده است و از اين رو به گناه و سركشى ادامه مى‌دادند. تفسير قرآن مهر جلد بيست و دوم، ص: ۲۱۴ در حالى كه خدا آنها را تحت نظر دارد و از درون و برون آنان آگاه است و هرگاه بخواهد آنها را مجازات مى كنـد و اگر مـدتى به آنـان مهلت مى‌دهـد به خـاطر آن است كه در گناه غرق شونـد و مستحق مجازات سـنگين‌ترى گردنـد. ۲. ثروتمندان سركش مى گفتند: «ما اموال خويش را نابود كرديم.» اين مطلب اشاره به افرادى همچون عمرو بن عبدود است كه در راه مبارزه با اسلام اموال زيادى مصرف كرد و هنگامى كه على عليه السلام به او پيشنهاد كرد كه اسلام را بپذيرد، گفت: پس آن همه اموالى كه بر ضد شـما مصـرف كردم چه مى‌شود؟ يا فردى همچون حارث بن عامر، وقتى مرتكب گناهى شد و پيامبر صلى الله عليه و آله به او دسـتور كفّاره داد، او گفت: از روزى كه من مسـلمان شده‌ام، اموالم در راه كفاره و انفاق نابود شده است. و يا آيه اشاره به افرادى دارد كه اموال خود را ريا كارانه براى اسـلام مصـرف كرده بودنـد و اين كار را نوعى نابودى اموال خود مى‌دانسـتند. البته آيه‌ى فوق مفهوم گسترده‌اى دارد كه همه‌ى اين موارد را شامـل مى‌شود. «۱» ۳. در اين آيات تلاش شـده كه نعمت‌هاى الهى به ياد انسـان آورده شـود تـا حسّ سپاس گزارى در او زنـده گردد و از سركشـى دست بردارد؛ نعمت‌هـايى چـون: الف) نعمت چشم، كه مهم‌ترين وسيله‌ى ارتباط انسان با جهان خارج است و همچون دوربينى بسيار دقيق، عكّاسى و فيلم بردارى مى كند؛ ب) نعمت زبان، كه مهم‌ترين وسـيله‌ى ارتبـاط انسـان بـا ديگران، براى مبادله‌ى اطلاعات است و نقش به سـزايى در پيش‌رفت علوم بشـرى دارد؛ ج) نعمت لب‌هاى انسان كه براى سـخن گفتن و غـذا خوردن مفيـد است و زيبايى خاصـى به چهره‌ى انسان مى‌دهـد؛ د) نعمت هدايت، يعنى خدا به وسـيله‌ى عقل، از درون و به وسيله‌ى تفسير قرآن مهر جلد بيست و دوم، ص: ۲۱۵ پيامبران، از بيرون، انسان را به دو راه نيك و بـد راه‌نمايى مى كند «۱» تا آزادانه راه صـحيح را انتخاب كند. ۴. از پيامبر صـلى الله عليه و آله روايت شـده كه فرمودند: اى فرزنـد آدم! اگر زبـانت خـواست تـو را وادار بـه حرام كنـد، من دو لب را، براى جلوگيرى از آن، در اختيـار تـو قرار دادم، پس لب فروبند. «۲» ۵. از امام على عليه السـلام روايت شـده كه فرمودنـد: شـگفتا از اين انسان كه با يك قطعه پيه مى‌بينـد و با قطعه گوشتى سخن مى گويد، و با اسـتخوانى مى‌شـنود و از شـكافى نفس مى كشد! «۳» اين سـخن اعجاز گونه‌ى امام على عليه السـلام به عجايب آفرينش در چشم، گوش، زبان و تنفس اشاره دارد. ۶. از پيامبر صـلى الله عليه و آله روايت شده كه فرمودند: اى مردم! منظور از دو راه و سـرزمين مرتفع، همـان راه خير و راه شـرّ است و راه شـرّ در نزد شـما محبوب‌تر از راه خير قرار داده نشـده است. «۴» ۷. خداى متعـال راه خير و شـرّ را به انسان شـناسانده است؛ يعنى از سه راه «عقل و اسـتدلال» و از طريق «فطرت و وجـدان» و از طريق «وحى و پيـامبران»، مسـير تكامـل انسان را باز نموده و آنها را همچون سـرزمين مرتفعى آشـكار كرده است تا هر كس آزادانه به سوى راهى برود كه انتخاب كرده است. دست را مسپار جز در دست پير حق شده است آن دست او را دست گير عقل كامل را قرين كن با خرد تا كه باز آيـد خرد زان خوى بـد آموزه‌ها و پيام‌ها: ۱. ثروتمندان سـركش، خود را در زيانكارى مى‌بينند. ۲. انسان خود را رها شده نپندارد (چون تحت نظر و قدرت خداست). ۳. نعمت مادى و معنوى خدا را بشناسيد (و سپاس گزار باشيد). ۴. خدا وسيله‌ى هدايت شما را به سوى خير و شـرّ فراهم كرده است (تا خودتان كـدامين راه را انتخاب كنيـد). *** قرآن كريم در آيات يازدهم تا هجدهم سوره‌ى بلد به گردنه‌هاى نيكوكارى و فرجام سـعادتمندانه‌ى مؤمنان شايسـته كار اشاره كرده، مى‌فرمايد: ۱۱- ۱۸. فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ* وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ* فَكُّ رَقَبَةٍ* أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْـغَبَةٍ* يَتِيماً ذَا مَقْرَبَةٍ* أَوْ مِسْكِيناً ذَا مَتْرَبَةٍ* ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِـالصَّبْرِ وَتَوَاصَـوْا بِالْمَرْحَمَـةِ* أُولئِـكَ أَصْـحَابُ الْمَيْمَنَةِ و [لى بـا مشـقت وارد گردنـه نشـد.* و چـه چيز تـو را آگـاه كرد كه گردنه چيست؟!* (آن) آزاد كردن برده‌اى،* يا غذا دادن در روز گرسنگى،* به يتيم خويشاوند،* يا به بينواى خاك‌نشين است،* سپس از

کسانی باشد که ایمان آوردند و یک‌دیگر را به شکیبایی سفارش کردند و هم‌دیگر را به مهرورزی سفارش نمودند.* آنان یاران خجسته (دست راست) اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات مجموعه‌ای از عقاید صحیح و کارهای نیک، هم‌چون آزاد کردن بندگان و غذادادن به یتیمان و بینوایان را گردنه معرفی کرده است؛ زیرا انسان‌ها معمولًا به مال و ثروت علاقه دارند و نمی‌توانند آنها را به راحتی برای آزادی دیگران یا سیرکردن آنها مصرف کنند. به ویژه اگر این تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۱۷ غذا دادن در قحطسالی و گرسنگی باشد، که بخشش اموال در آن شرایط مشکل‌تر است و هم‌چون گردنه‌ای صعب العبور است که فقط مؤمنان اهل عمل می‌توانند از آن عبور کنند. ۲. ثروتمندان سرکش و ناسپاس نمی‌توانند از گردنه‌ی نیکوکاری بگذرند؛ زیرا آنان علاقه‌ی شدیدتری به اموال خود دارند و مصرف آنها را در راه خیر، نابودی اموال می‌دانند و از این رو خود را به مشقّت نمی‌اندازند و وارد کارهای خیر نمی‌شوند. یکی زَهره‌ی خرج کردن نداشت زرش بود و یارای خوردن نداشت نه خوردی، که خاطر برآسایدش نه دادی که فردا به کار آیدش ۳. در حدیثی روایت شده که مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: به من عملی آموزش بده که مرا وارد بهشت کند! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر چه سخن کوتاهی گفتی اما مطلب بزرگی خواستی (و مطلب خود را به خوبی بیان کردی. آن گاه حضرت فرمود:) بردگان را آزاد نما و گردن‌ها را بگشا. «۱» (سپس توضیح دادند: منظور آن است که یا مستقلًا برده‌ای آزاد کنی یا در پرداخت قیمت آن کمک کنی). ۴. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که: هر کس گرسنه‌ای را در روزگار قحطی سیر کند، خدا او را در قیامت از دری از درهای بهشت وارد می‌سازد که هیچ شخص دیگری از آن وارد نمی‌شود، جز کسی که عملی همانند او انجام داده باشد. «۲» اگر این جا گشایی عقده‌ای از کار محتاجان درِ جنت به رویت باز گردد بی کلید آن جا ۵. در این آیات بر رسیدگی به «یتیمان خویشاوند» تأکید شده است. این مطلب اشاره به آن است که یتیمان خویشاوند هر کس، اولویت دارند و انسان برای غذا دادن به آنها مسئولیت بیش‌تری دارد. ۶. غذا دادن به «بینوایان خاک‌نشین» اهمیت بیش‌تری دارد؛ یعنی کسانی که شدیداً فقیر هستند در اولویت قرار دارند؛ هر چند غذادادن به همه‌ی بینوایان مطلوب است. ۷. در حدیثی آمده است:امام رضا علیه السلام هنگام غذا خوردن دستور می‌داد سینی بزرگی کنار سفره می‌گذاشتند و از هر غذایی که در سفره بود بهترین آنها را برمی‌داشت و در سینی می‌گذاشت و آنها را برای نیازمندان می‌فرستاد و بعد آیه‌ی فوق را تلاوت می‌کرد (فلا اقتحم العقبهٔ ...) و می‌فرمود: خدا می‌دانست که همگان توانایی آزاد کردن بنده را ندارند، راه دیگری به سوی بهشت قرارداد. «۱» ندهد فرصت گفتار به محتاج، کریم گوش این طایفه آواز گدا نشنیده است ۸. در این آیات برای عبور از گردنه‌ی نیکوکاری شرایطی بر شمرده است: «۲» الف) ایمان؛ ب) سفارش هم‌دیگر به صبر در مشکلات؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۱۹ ج) سفارش به یک‌دیگر در مورد مهرورزی و عواطف انسانی. آری؛ کسانی می‌توانند از گردنه‌های صعب العبور زندگی بگذرند که در سه میدان: ایمان، اخلاق و عمل گام نهند و پیروز شوند. ۹. مسائلی هم‌چون شکیبایی و مهرورزی، نباید فردی باشد؛ لازم است که همه‌ی مؤمنان یک‌دیگر را به صبر و عواطف انسانی سفارش کنند تا فضای جامعه‌ی اسلامی پراستقامت و مهرآگین شود و این کار به صورت جریانی درآید و پیوندهای جامعه را استوارتر گرداند. بیا تا مونس هم، یار هم، غم‌خوار هم باشیم انیس جان غم فرسوده‌ی بیمارِ هم باشیم یکی گردیم در گفتار و در کردار و در رفتار زبان و دست و پا یک کرده، خدمتکار هم باشیم ۱۰. نیکوکاران شایسته کردار در رستاخیز نامه‌ی اعمالشان به دست راستشان داده می‌شود که این نشانه‌ی سعادتمندی آنهاست. آنان افراد خجسته‌ای هستند که وجودشان برای خودشان و دیگران مایه‌ی برکت است. «۱» ۱۱. «صبر» دارای اقسامی است؛ هم‌چون صبر در راه اطاعت از دستورات الهی و شکیبایی در برابر گناه و پرهیز از آن و صبر در مشکلات و سختی‌های زندگی، که آیه‌ی فوق می‌تواند به همه‌ی این‌ها اشاره داشته باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گردنه‌های نیکوکاری را بشناسید (و آنها را بپیمایید). ۲. نیکوکاری، هم‌چون عبور از گردنه‌های پرزحمت است که ثروتمندان سرکش نمی‌توانند از عهده‌ی آن برآیند. ۳. آزادی بردگان، در اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد. ۴. در روزگار قحطی به داد یتیمان و بینوایان

برسید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۰ ۵. رسیدگی به یتیمانِ خویشاوند اولویت دارد. ۶. در رسیدگی به فقیران اولویت‌ها را در نظر بگیرید. ۷. ایمان، شکیبایی و مهرورزی، کلید عبور از گردنه‌های سخت زندگی است. ۸. فضای جامعه‌ی اسلامی را پراستقامت و پرعطوفت سازید. ۹. اگر فرجامی خجسته می‌خواهید، ایمان آورید و جامعه را به شکیبایی و مهرورزی سفارش کنید. ۱۰. اگر فرجام نیکی در رستاخیز می‌خواهید، به بردگان، یتیمان و فقیران امداد رسانی کنید. *** قرآن کریم در آیات نوزدهم و بیستم سوره‌ی بلد به کافران شوم و فرجام عذاب‌آلود آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹ و ۲۰. وَالَّذِینَ کَفَرُوا بِآیَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ* عَلَیْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَةٌ و تنها کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند، یاران شوم (دست چپ) اند؛* که بر آنان آتشی فرو بسته شده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کافران افرادی شوم و نامیمون و عامل بدبختی خود و جامعه هستند و در رستاخیز نشانه‌ی این افراد شوم آن است که نامه‌ی اعمالشان را به دست چپ آنها می‌دهند، تا متوجه بدکرداری و سرنوشت عذاب‌آلود خود بشوند. «۱» ۲. در این آیات اشاره شده که کافران شوم‌صفت، فرجامی عذاب‌آلود دارند و در آتشی گرفتار می‌شوند که راه فراری از آن نیست و همچون کوره‌ی پرحرارتی است که درهایش بسته و آتش آن را احاطه کرده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران، شوم و نامیمون هستند. ۲. فرجامی عذاب‌آلود در انتظار کافران است. ۳. از فرجام عذاب‌آلود کافران عبرت بگیرید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۳

بخش چهاردهم: سوره‌ی شمس

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «الشمس» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۵ آیه، ۵۴ کلمه و ۲۴۷ حرف است. این سوره بیست و پنجمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «قدر» و قبل از سوره‌ی «بروج») و نود و یکمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «شمس» (خورشید) که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است و نیز «الناقة» (شتر) و «صالح» (نام پیامبر قوم ثمود) که این تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۴ دو نام نیز از آیه‌ی سیزدهم این سوره گرفته شده‌اند که داستان قوم ثمود و شتر معجزه‌آسا و صالح پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان می‌کند.

فضیلت

فضیلت: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده: هر کس سوره‌ی «شمس» را بخواند، گویی به تعداد تمام چیزهایی که خورشید و ماه بر آنها می‌تابد در راه خدا صدقه داده است. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن حرکت کنند.

اهداف

اهداف: دو هدف اساسی این سوره عبارت‌اند از: الف) بیان اهمیت تزکیه‌ی نفس و رشد و پاکی روح انسان؛ ب) بیان سرگذشت قوم ثمود، برای عبرت‌آموزی از آن؛

مطالب

مطالب: ۱. سوگندهای متعدد به خورشید و ماه، شب و روز و نفس انسان (در آیات ۱- ۷)؛ ۲. الهام پذیری نفس انسان از خدای متعال در مورد کارهای نیک و بد (در آیه‌ی ۸)؛ ۳. تذکر در مورد پیروزی و رستگاری افرادی که خود را پاک کردند و تزکیه نمودند (در آیه‌ی ۹)؛ ۴. یادآوری سرگذشت قوم ثمود و مخالفت آنها با صالح پیامبر علیه السلام و فرجام عذاب‌آلود و عبرت‌آموز آنان (در آیات ۱۱- ۱۵). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۵

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا دهم سوره‌ی شمس با سوگندهای متعدد به دو بعد نفس انسان و فرجام پاک‌کنندگان و آلوده‌کنندگان آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۱۰. وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا* وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا* وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا* وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا* وَالسَّماءِ وَمَا بَنَاهَا* وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا* وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا* قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا* وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا سوگند به خورشید و (تابش) نیمروزش!* سوگند به ماه، هنگامی که در پی آن درآید!* سوگند به روز، هنگامی که آن را آشکار سازد!* سوگند به شب، هنگامی که آن را فراگیرد!* سوگند به آسمان و آن‌که آن را بنا کرد!* سوگند به زمین و آن‌که آن را گستراند!* سوگند به نفس و آن‌که آن را مرتب ساخت،* و بد کاری‌اش و پارسایی‌اش را به او الهام کرد!* که به یقین، کسی که آن را [پاک کرد و] رشد داد، رستگار (و پیروز) شد؛* و به یقین، کسی که آن (نفس را با گناه آلوده کرد و) پوشاند، نومید شد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در سوره‌ی شمس یازده سوگند یاد شده و این بیش‌ترین تعداد سوگند است که در یک سوره‌ی قرآن آمده است و نشان دهنده‌ی اهمیت موضوع نفس است که برای آن سوگند یاد شده است. در ضمن، این سوگندها انسان را متوجه صحنه‌ی آسمان و زمین و نفس می‌کند تا در آنها تأمل و تفکر کند و نشانه‌های خدا را ببیند. ۲. در این آیات به خورشید و تابش نیم‌روز آن سوگند یاد شده است؛ زیرا تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۶ خورشید منبع نور و حرارت و عامل حرکت و رشد موجودات است. آری؛ انسان در پرتو نور خورشید همه چیز را می‌بیند و از منابع انرژی مستقیم و غیر مستقیم آن، به ویژه در نیم‌روز استفاده می‌کند. این مطالب، قابل دقت و تأمل و نشانه‌ای از لطف الهی است. ۳. در این آیات به «ماه که در پی خورشید، در می‌آید» سوگند یاد شده است. مقصود از این جمله تبعیت دایمی ماه از خورشید و کسب نور از آن منبع «۱» و یا بدر کامل و شب چهاردهم ماه است که در هنگام غروب، ماه به دنبال خورشید، سر از مشرق برمی‌آورد و از هر زمان دیگر پرشکوه‌تر است. «۲» ۴. در این آیات، به روز، در آن هنگام که خورشید را آشکار می‌کند و صفحه‌ی زمین را روشن می‌سازد سوگند یاد شده است. «۳» این سوگند به اهمیت روز و تأثیر فوق‌العاده‌ی آن در زندگی بشر اشاره دارد که عامل حرکت و جنب و جوش و شروع زندگی روزمره است. ۵. در این آیات به شب سوگند یاد شده که صفحه‌ی زمین و خورشید را می‌پوشاند و مایه‌ی استراحت و آرامش انسان است و از شدّت حرارت خورشید جلوگیری می‌کند و از این رو یکی از نعمت‌های الهی است. ۶. در این آیات به آسمان و بنای آن، یا بنا کننده‌ی آن سوگند یاد شده است. «۴» آسمان در قرآن گاهی به معنای جوّ زمین و گاهی به معنای کرات آسمانی و گاهی به معنای آسمان معنویت، یعنی مراحل عالی وجود آمده است، که بنا کننده‌ی همه‌ی این‌ها خداست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۷ ۷. منظور از «گسترش زمین» در این آیات چیست؟ مفسران در این مورد چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) زمین در آغاز، زیر آب دریاها بود و سپس خشکی‌ها از آن سر برآورد و گسترش یافت. ب) زمین در ابتدا دارای پستی و بلندی‌های غیر قابل سکونت بود، که با بارش باران‌ها به تدریج مسطّح و قابل سکونت شد. «۱» ۸. برخی مفسران قرآن برآنند که یکی از معانی واژه‌ی «طحاها» راندن است؛ یعنی سوگند به زمین و کسی که آن را به حرکت درآورد؛ بنابراین، آیه‌ی فوق به حرکت انتقالی و وضعی زمین اشاره دارد. «۲» ۹. مقصود از «نفسٍ» انسان در آیات فوق، همان «روح» یا «جسم و روح» است؛ یعنی خدا به روح انسان و تعدیل و تنظیم قوای آن و یا به روح و جسم انسان و مرتب کردن اعضا و جوارح جسمی و تنظیم قوای روحی‌اش سوگند یاد کرده است تا انسان در این

امور تفکر کنـد و به اهمیت آنها پی ببرد و خالق آنها را بشناسد. «۳» تو مرد صحبت دل نیستی چه می‌دانی که سر به جیب کشیدن چه عـالمی دارد ۱۰. نفس انسـان دارای ابعـاد مختلفی است که شامـل حواس ظـاهری (هم‌چون شـنوایی، بینایی و چشایی) و حواس بـاطنی (هم‌چون ادراک، تخیّل و ..) می‌شود. نفس انسان قـدرت درک خیر و شـرّ را دارد؛ چون خـدای متعال کارهای تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۸ نیک و بـد را به او الهام کرده و بایدها و نبایدها را به او آموزش داده است و از این رو نفس انسان دو بعـدی است و می‌توانـد به طرف هر یک از کارهای نیک یا بـد میل کنـد و این اراده‌ی انسان است که آن را جهت می‌دهد و به طرف کمـال می‌برد تـا از فرشـتگان برتر شود یا به طرف شـر و گمراهی می‌برد تا از حیوانات پست‌تر گردد. ۱۱. «الهام»، در اصل به معنـای بلعیـدن یـا نوشـیدن چیزی است؛ سـپس به معنای القای مطلب از سوی خـدا به روح و جان انسان آمـده است. تفاوت الهام با وحی آن است که انسان در حال الهام متوجه نمی‌شود که مطلب از کجا به او القا می‌شود، اما پیامبران در حال وحی شـهود می‌کنند و می‌داننـد که از کجا و به وسیله‌ی چه کسـی مطالب به آنها رسـیده است. ۱۲. «فجور» در اصل به معنای شـکافتن وسـیع است و به کسـی که خلافکـاری کنـد فـاجر می‌گوینـد؛ چون با ارتکاب گناه پرده‌ها را می‌شـکافد؛ و در آیه‌ی فوق مقصود آن است که خـدا اسـباب، عوامـل و راه‌های خلافکاری را به انسان الهام می‌کنـد و انسان از این راه‌ها آگاه است. ۱۳. «تقوی» در اصـل به معنای حفظ خود از زیـان است «۱» و در ایـن جـا بـه معنـای آن است که خـدا به انسـان آمـوزش داده که چگـونه به راه تقـوا برود و خـود را از آلودگی‌ها حفظ کنـد و این آموزش‌ها از طریق عقل و وجـدان فطرت بوده است. ۱۴. «زکّی» در اصـل به معنای رشـد دادن و نیز به معنای پاک کردن آمده است و در این جا هر دو معنا مقصود است؛ یعنی اگر انسان نفس خود را از آلودگی‌ها پاک کند، زمینه‌ساز رشـد آن می‌شود و به رسـتگاری می‌رسـد. ۱۵. لزوم کنـترل و تربیـت نفس بـه ویژه در جـوانی: امـام خمینی رحمه الله در این مـورد می‌فرمایند: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۲۹ ... انسان یک موجود است که اگر چنانچه مهار نشود و سـرخود بار بیاید و یک علف هرزه‌ای باشد و تحت تربیت واقع نشود، هر چه بزرگ‌تر بشود به حسب سال و بلند پایه‌تر بشود به حسب مقام، آن جهات روحی تنزل می‌کنـد و آن معنویـات، تحت سـلطه‌ی شیطان، شـیطان بزرگ که همان شـیطان نفس است واقع می‌شود ... «۱» هر چه فرصت جوانی از دست برود، ریشه‌هـای اخلاـق فاسـد در انسـان زیادتر می‌شود و جهاد مشکل‌تر. جوان زود می‌توانـد در این جهاد پیروز بشود؛ پیر به این زودی نمی‌تواند. نگذارید اصـلاح حال خودتان را از زمان جوانی به زمان پیری بیفتد. «۲» ۱۶. «فلح» به معنای شکـافتن زمین و بیرون آمـدن دانه است و از این رو به کشاورز فلّاح می‌گوینـد؛ و در این جا اشاره دارد که کسـی که نفس خود را پاک کنـد و رشـد دهـد، بالنـده می‌شود و سـر از خاک برمی‌آورد و به سوی ملکوت پر می‌کشد و رسـتگار و پیروز می‌شود. تو کز سرای طـبیعت نمی‌روی بیرون کجـا به کـوی طریقت گـذر توانی کرد ۱۷. واژه‌ی «دسّاهـا» به معنـای پوشانـدن و داخل کردن چیزی همراه بـا کراهت است. این تعبیر در این آیه به معنـای آلوده کردن و پوشانـدن نفس با گناهان است و اشاره‌ای ظریف به این مطلب دارد کـه در اصـل نفس انسـان طـالب نیکی و پـاکی است و اگر کسـی به دنبـال گنـاه برود، آن را بـا کراهت بر نفس خـود تحمیل می‌کند، ولی در نهایت به مطلوب نمی‌رسد و محروم و زیانکار می‌شود. «۳» ۱۸. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که دو راه نیک و بد و فرجام رهروان آنها را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا انسان بهتر بتواند راه خویش تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۰ را انتخـاب کنـد. در ایـن آیـات نیز راه پـاک کننـدگان نفس و فرجـام پیروزمنـدان و راه آلـوده کننـدگان نفس و فرجـام زیانکارانه‌ی آنان به تصویر کشـیده شـد تا هر کس آگاهانه راه خود را انتخاب کند. ۱۹. از امام باقر و صادق علیهما السلام روایت شـده که در تفسیر این آیات فرمودنـد: هر کس (خدا را) اطاعت کرد، رسـتگار شد و هر کس نافرمانی کرد نومید و محروم گشت. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد خورشـید و ماه، روز و شب و آسـمان و زمین بیندیشید و به نظام شگرف آنان توجه کنید که آنها در نزد خـدا با اهمیت‌انـد. ۲. قوای نفس انسـان در حـالت تعـادل مرتّب شده‌انـد. ۳. نفس انسـان دو بُعـدی اسـت و نیکی و بـدی را می‌شـناسد (و می‌توانـد به هر طرف برود). ۴. اگر رسـتگاری می‌خواهیـد، خودتان را پاک کنیـد و رشد دهید. ۵. اگر می‌خواهید از

نومیدی و زیان‌کاری رهایی یابید خودتان را به گناه‌آلوده نسازید. *** قرآن کریم در آیات یازدهم تا پانزدهم سوره‌ی شمس سرگذشت عبرت‌آموز قوم ثمود را یادآوری می‌کند و می‌فرماید: ۱۱- ۱۵. كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا* إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا* فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا* فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا* وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (قوم) ثمود به خاطر طغیانش (پیامبرش را) تکذیب کرد،* آن‌گاه که بدبخت‌ترین‌شان برانگیخته شد؛* و فرستاده‌ی خدا به آنان گفت: «ماده شتر (معجزه آسای) خدا و آبشخور آن را (واگذارید.)»* و او را تکذیب کردند و آن را پی کردند؛ پس پروردگارشان به سبب پیامد [گناه شان آنان را هلاک ساخت و آنها را (با خاک) یکسان کرد؛* در حالی که از فرجام آنها نمی‌ترسد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سرگذشت عبرت‌آموز قوم ثمود در سوره‌های مختلف قرآن کریم آمده است. «۱» آنان گروهی بودند که در منطقه‌ای بین شام و حجاز زندگی می‌کردند و سرزمینی آباد و زندگی مرفهی داشتند. خدا پیامبری به نام «صالح»، به سوی آنان فرستاد و او معجزه‌ای برای آنان آورد، ولی قوم ثمود با لجاجت و سرکشی، صالح پیامبر علیه السلام را تکذیب نمودند و در نهایت گرفتار صاعقه‌ی آسمانی و هلاک گشتند. ۲. معجزه‌ی صالح علیه السلام ماده شتری بود که به طور معجزه‌آسا از دل صخره‌ای از کوه برآمده بود تا سند راست‌گویی و نبوّت صالح باشد. حضرت صالح علیه السلام به قوم ثمود خبر داد که باید آب آشامیدنی روستا، بین مردم و شتر تقسیم شود و هر کدام در نوبت خود از آن آب استفاده کنند؛ «۲» و سفارش کرد که مزاحم شتر نشوند و آبشخور او را رها سازند که در غیر این صورت به عذاب الهی گرفتار می‌شوند! «۳» ۳. از این آیات استفاده می‌شود که یکی از شقی‌ترین و سنگدل‌ترین افراد قوم ثمود به‌پاخاست و شتر معجزه‌آسا را پی کرد و هلاک نمود. «۴» مورخان و مفسران نام این شخص را «قدار بن سالف» «۵» گفته‌اند. او با هلاک کردن شتر، به پیامبر خدا اعلان جنگ کرد و زمینه‌ساز عذاب قوم خویش شد. ۴. هر چند شتر معجزه‌آسا را یک نفر هلاک کرد اما این آیات این عمل را به تمام قوم ثمود نسبت می‌دهد و عذاب نیز بر همه‌ی آنان فرود آمد؛ چون تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۲ اولًا افراد دیگری از قوم ثمود در طراحی این توطئه دست داشتند و اجرای نقشه با یک نفر بود. ثانیاً، این کار با رضایت همه‌ی قوم انجام شد و کسانی که از کاری راضی باشند، در آن شریک هستند. در احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است.» بی‌ادب، تنها نه خود را داشت بد بلکه آتش بر همه آفاق زد ۵. عذاب قوم ثمود به وسیله‌ی صاعقه‌ای آسمانی بود، «۲» که با خانه‌های آنان برخورد کرد وهمه چیز را به لرزه درآورد و آنها را با خاک یکسان نمود و کارشان را یکسره کرد، به طوری که هیچ کس از آنان زنده نماند و همگی ریشه‌کن شدند و به مجازات کامل و مساوی رسیدند. «۳» ۶. مجازات قوم ثمود به خاطر گناه و سرکشی آنان بود و این تناسب عین عدالت و حکمت است، همان‌طور که نجات هود و یاران مؤمن او از این عذاب نیز عین عدالت بود. «۴» ۷. خدا از پیامدهای عذاب قوم ثمود نمی‌ترسید؛ چرا که خدا قدرتمندترین و داناترین است و کسی نمی‌تواند در برابر قدرت خدا مقاومت کند. اگر حاکمان معمولی از عواقب مجازات مخالفان می‌هراسند، به خاطر ضعف قدرت یا جهل به پیامدهای آن است، ولی خدا این‌گونه نیست. ۸. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که به علی علیه السلام فرمودند: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۳ ای علی! شقی‌ترین پیشینیان کسی بود که شتر صالح را پی کرد؛ و شقی‌ترین افراد از آخرین، قاتل توست. «۱» ابن ملجم مرادی با قدار بن سالف شبیه هم بودند چون هر دو می‌خواستند نور حق را خاموش سازند، یکی معجزه‌ی صالح را هلاک کرد و یکی معجزه‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را شهید کرد؛ چرا که علی علیه السلام معجزه‌ی تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله بود، همان‌طور که قرآن معجزه‌ی دیگر او بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرکشی، عامل مخالفت با راه خداست. ۲. افراد شقی و بدبخت، در برابر راه خدا به پا می‌خیزند. ۳. نافرمانی در برابر رهبران الهی، موجب عذاب است. ۴. گناهکاری، عامل عذاب اقوام است. ۵. برای نابودی معجزات پیامبران تلاش نکنید، که خودتان را به هلاکت می‌اندازید. ۶. پیامدهای نابودی شما به خدا زیان نمی‌رساند و او هراسی از آنها ندارد. ۷. از مطالعه‌ی سرنوشت و فرجام عذاب‌آلود قوم ثمود درس عبرت گیرید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۵

بخش پانزدهم: سوره‌ی لیل

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «لیل» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۲۱ آیه، ۷۱ کلمه و ۳۰۲ حرف است. این سوره هشتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «اعلی» و قبل از سوره‌ی «فجر») و نود و دومین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «لیل» (شب) است که از اولین آیه‌ی آن گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۶ هر کس سوره‌ی لیل را بخواند (و پیروی کند) خدا آن‌قدر به او می‌بخشد که راضی شود و او را از سختی‌ها نجات می‌دهد و مسیر زندگی را برای او آسان می‌سازد. «۱» البته این نتایج با توجه به محتوای سوره معنا پیدا می‌کند؛ زیرا این سوره به بخشش و رعایت تقوا فرا می‌خواند و پاداش آن را آسان شدن سختی‌ها و راضی شدن به بخشش الهی معرفی می‌کند؛ پس اگر کسی این سوره را بخواند و به محتوای آن عمل کند به این نتایج می‌رسد.

اهداف

اهداف: محورهای اساسی این سوره عبارت‌اند از: ۱. تشویق مردم به بخشش و تقوا؛ ۲. هشدار به مردم در مورد بُخل و کفر./

مطالب

مطالب: ۱. سوگند به شب و روز و نر و ماده، و جلب توجه انسان به این مخلوقات (در آیات ۱- ۳)؛ ۲. تقسیم انسان‌ها به دو گروه مؤمنان با تقوا و بخشنده و کافران بخیل (در آیات ۵- ۱۱)؛ ۳. تأثیر بخشش و تقوا در آسانی کارها (در آیه‌ی ۸)؛ ۴. تأثیر کفر و بُخل در مشکل شدن کارها (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۵. هدایت به دست خداست (در آیه‌ی ۱۲)؛ ۶. هشدار به تکذیب‌گران در مورد آتش دوزخ (در آیات ۱۴- ۱۶)؛ ۷. تذکری در مورد نجات افراد با تقوا، خالص و بخشنده و پاداش آنها (در آیات ۱۷- ۲۱). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۷

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره‌ی لیل با سوگند به شب و روز، بر تفاوت تلاش‌های انسان‌ها تأکید می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۴. وَاللَّیْلِ إِذَا یَغْشَی وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّی وَمَا خَلَقَ الذَّکَرَ وَالْأُنْثَی «۳» إِنَّ سَعْیَکُمْ لَشَتَّی سوگند به شب، هنگامی که فرا گیرد!* سوگند به روز، هنگامی که آشکار شود!* سوگند به آن (خدایی) که نر و ماده را آفرید!* که قطعاً، تلاش شما گوناگون است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که شخصی فقیر در همسایگی درخت خرمایی زندگی می‌کرد که شاخه‌ای از آن درخت به خانه‌ی او آمده بود و گاهی فرزندانش از خرماهای آن می‌خوردند، اما صاحب درخت بُخل می‌ورزید و خرماها را از دست و دهان کودکان می‌گرفت. مرد فقیر به پیامبر صلی الله علیه و آله شکوه کرد و پیامبر به صاحب درخت پیشنهاد کرد که درخت خرما را در عوض درختی

بهشتی واگـذار کنـد، ولی او قبول نکرد. یکی از مسلمانان که این مـاجرا را شـنید، از پیامبر صـلی الله علیه و آله اجازه گرفت و نزد صاحب درخت رفت و آن را به چهل برابر قیمت خریـد و آن را به پیامبر صـلی الله علیه و آله هدیه داد و حضـرت آن را به مرد فقیر بخشید. «۱» در این هنگام سوره‌ی لیل فرود آمد (و صـفات افراد بخشـنده و بخیل و فرجام آنان را به تصویر کشید). «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۳۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به سه نعمت اساسی خدا اشاره شده است: الف) نعمت شب، که جهـان و خورشـید و روز را فرا می‌گیرد و می‌پوشانـد و حرارت آفتـاب را تعـدیل و زمینه‌ی استراحت انسـان را فراهم می‌سـازد. ب) نعمـت روز، که جهـان را روشن و خورشـید را جلوه‌گر می‌کنـد و تاریکی‌هـا را عقب می‌زنـد و مـایه‌ی رشـد و حرکت موجـودات می‌شود. ج) نعمت نر و مـاده بودن موجودات، که جفت بودن انسان‌هـا، حیوانـات و گیاهـان موجب تولیـد نسـل و دانه می‌شود. «۱» آری؛ خدای متعال به این امور سوگند یاد می‌کند تا هم اهمّیت این امور را نشان دهد و توجه انسان را به آنها جلب کند تا در مورد آنها تفکر نمایـد و نشانه‌های خـدا را بشـناسد و هم اهمیت چیزی را نشان دهـد که برای آن سوگند یاد شده است. ۲. در این آیات پس از سوگنـدهای مکرر، می‌فرمایـد: «تلاش شـما گونـاگون است.» آری؛ انسـان در زنـدگی آرام نـدارد و کوشـش‌های متفاوتی می‌کنـد و اهـداف مختلفی دارد؛ پس بهتر است انسـان بنگرد که تلاش او در کـدام مسیر است و اسـتعداد و تلاش خود را به بهای انـدک نفروشد و آنها را در یک جهت و با هدفی مشـخص سامان دهد تا به نتیجه‌ی بهتری برسد. آری؛ هر چه در راه خدا می‌دهی آن می‌مانـد آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. شب و روز و نر و مـادگی موجـودات، مهم است (در مـورد آنهـا تفکر کنیـد). ۲. تلاش‌های شما متفرق است (آنها را در یک جهت سامان دهیـد، تا بهتر به نتیجه برسـید). *** تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و دوم، ص: ۲۳۹ قرآن کریم در آیـات پنجم تـا یازدهم سوره‌ی لیل به دو گروه متفاوت، یعنی مؤمنان بخشـنده و آسانی کارشان و کافران بخیل و دشواری کارشان اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۵- ۱۱. فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى* فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى و اما کسی که عطا کند و خود نگه‌داری (و پارسایی) نماید،* و (وعده‌ی) نیکوی (پـاداش رسـتاخیز) را تصـدیق کنـد،* پس به‌زودی (راه) آسان را برای او فراهم خواهیم کرد؛* و اما کسـی که بُخل ورزد و توانگری نمایـد،* و (وعـده‌ی) نیـک (پاداش رسـتاخیز) را تکـذیب کنـد،* پس به زودی (راه) دشوار را برای او فراهم می‌کنیم؛* و هنگامی که هلاک شود، ثروتش (عـذاب را) از او دفع نمی‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دو گروه متقابل، یعنی مؤمنان بخشـنده و کافران بخیل اشاره شده و فرجام کار آنان به تصویر کشیده شده است. این روش تربیتی قرآن است که سرنوشت گروه‌ها را در برابر یـک‌دیگر به نمـایش می‌گـذارد تـا مخاطبـان قرآن بتواننـد آگاهـانه راه خود را انتخـاب کننـد. ۲. در این آیـات به تـأثیر بخشـش، تقوا و معادباوری در آسان شدن مشـکلات زندگی انسان اشاره شده است؛ افرادی که به مردم کمک و مشـکلات آنان را حـل نماینـد، در تعامـل بـا جـامعه مشـکلاتشان حل می‌شود و چنان چه خود نگه‌دار و پارسا باشـند، زمینه‌ی بروز برخی مشـکلات و انحرافـات از بین می‌رود و ایمان به معاد نیز تحمّل مشـکلات را بر آنان آسان می‌کنـد. ۳. مقصود از عطـاکردن در این آیات، همان بخشـش‌های مـالی و کمک به نیازمنـدان است و منظور از تقوا، نگه‌داری و حفظ خویش از ضـرر، و انجام واجبات و ترک کارهای حرام است، به طوری که اموال خود را از راه حرام جمع آوری نکند و بخشـش خالصانه و به دور از ریا داشته باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۰ ۴. مقصود از امور نیکو، همان باور داشـتن پاداش نیکوی رستاخیز یا ایمان به بهترین آیین، یعنی اسلام است. البته معنـای اول با سـیاق آیات و شأن نزول سازگارتر است. «۱» ۵. مقصود از آسان‌کردن مشـکلات «۲» برای مؤمنان بخشنده چیست؟ مفسـران قرآن در این جا چند پاسخ ارائه کرده و نوشـته‌اند: این مطلب یا اشاره به توفیق الهی و آسان کردن راه اطاعت خدا و یا گشودن راه بهشت و اسـتقبال فرشـتگان از این افراد است. و یا مقصود این است که مشـکل بودن بخشش بر نفس انسان کم کم حـلّ و آسـان می‌شود، به طوری که از بخشـش لـذّت می‌برد و چون معـاد باور است با شوق بهشت به بخشـش اقدام می‌کنـد. ۶. بر کافران بخیل کار مشـکل خواهـد شد؛ چون خدا به آنان توفیق نمی‌دهد و انجام کار نیک و بخشـش برای افراد بخیل سـخت دشوار

است؛ زیرا به معاد باور ندارند و بخشش را نوعی نابودی اموال خود می‌پندارند. ۷. کافران بخیل، معاد و پاداش‌های آن را باور ندارند و توانگری خود را وسیله‌ای برای ثروت اندوختن و بخل‌ورزیدن قرار می‌دهند یا این که خود را از اطاعت خدا و پاداش‌های او بی‌نیاز می‌پندارند. «۳» ۸. هرگاه کافران بخیل بمیرند و در قبر و یا دوزخ سقوط کنند اموالشان به همراه آنان نیست تا مانع آتش شود و اگر هم آنها را به همراه خود ببرند، به حال آنان سودی نخواهد داشت و مانع آتش دوزخ نخواهد شد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۱ از سیم و زر مگو که سزاوار خنده است زندانی‌ای که فخر به بند گران کند آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بخشش، تقوا و معادباوری، موجب آسانی کارها در زندگی شما می‌شود. ۲. بخشش به همراه تقوا و معادباوری ارزشمند است. ۳. خدا به پارسایان بخشنده، توفیق روزافزون می‌دهد. ۴. بُخل‌ورزی، زراندوزی و انکار معاد، زندگی انسان را سخت می‌سازد. ۵. خدا از کفرپیشگانِ بخیل سلب توفیق می‌کند. ۶. ثروت افراد بخیل، در رستاخیز، که به آن نیازمندند، به حالشان سودی نمی‌بخشد. ۷. دو راه پارسایی همراه با بخشش و کفر همراه با بُخل، فرا روی شماست (هر کدام را انتخاب کنید نتیجه‌اش را می‌بینید). *** قرآن کریم در آیات دوازدهم تا بیست و یکم سوره‌ی لیل با هشدار در مورد آتش دوزخ، به فرجام تکذیبگران بدبخت و پارسایان بخشنده اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲- ۲۱. إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى وَإِنَّ لَنَا لَلآخِرَةَ وَالْأُولَى فَأَنذَرْتُكُمْ نَاراً تَلَظَّى لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى وَسَيُجَنَّبُهَا الأَتْقَى الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُ مِن نِعْمَةٍ تُجْزَى إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الأَعْلَى وَلَسَوْفَ يَرْضَى قطعاً، راه‌نمایی فقط بر [عهده‌ی ماست؛* و مسلماً، (سرای) آخرت و (سرای) نخستین فقط برای ماست.* پس شما را به آتشی که شعله‌ور می‌شود هشدار می‌دهم!* که جز بدبخت‌ترین (افراد) وارد آن نمی‌شود (و نمی‌سوزد)؛* (همان) کسی که تکذیب کرد و روی برتافت؛* و به زودی خودنگه‌دارترین (مردم) از آن دور نگه داشته می‌شود؛* (همان) کسی که ثروتش را می‌دهد تا [پاک شود] و رشد یابد.* و برای هیچ کس نزد او نعمتی نیست که پاداش داده شود،* جز آن‌که به خاطر طلب (رضایت) ذات پروردگارش که والاتر است (انجام می‌دهد)؛* و حتماً در آینده خشنود می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وظیفه‌ی خدا هدایت و راه‌نمایی مردم است، نه اجبار و الزام آنان به راه نیک. از این رو خدا مردم را به وسیله‌ی عقل و فطرت از درون و به وسیله‌ی پیامبران و رهبران الهی و کتاب‌های آسمانی از بیرون هدایت می‌کند، ولی این خود انسان است که در نهایت راه نیک و بد را انتخاب می‌کند. ۲. دنیا و آخرت از آنِ خداست؛ پس خدا نیازی به چیزی یا کسی ندارد و اگر شما را هدایت می‌کند و بر پیمودن راه نیک اصرار می‌کند، سود آن به خود شما خواهد رسید. «۱» ۳. در این آیات به مردم هشدار داده شده که از شعله‌ی خالص آتش دوزخ بهراسید. آری؛ شعله‌ی خالص آتش، حرارت بیش‌تری دارد و بیش‌تر می‌سوزاند و آتش دوزخ چنین است. «۲» ۴. در این آیات بیان شده که دوزخ مخصوص کافران تکذیبگر و بدبخت است، پس چرا برخی از آیات و روایات اشاره می‌کنند که مؤمنان گناهکار نیز سهمی از آتش دوزخ دارند؟ پاسخ: انحصار این آیات نسبی است؛ یعنی حال دو گروه با تقوا و بدبخت را بیان می‌کند که یک گروه فقط به دوزخ می‌روند و گروه دیگر از آن نجات می‌یابند؛ پس انحصار حقیقی نیست و آیه نسبت به حال مؤمنان گناهکار، ساکت است. و این احتمال نیز وجود دارد که مقصود از آتشی که فقط کافران بدبخت در آن وارد می‌شوند، دوزخ موقت نیست که کسانی که در این عذاب می‌شوند پس از مدتی از آن نجات می‌یابند. ۵. در این آیات چهار ویژگی برای نجات یافتگان از آتش بیان شده است: الف) آنان افرادی باتقوا هستند؛ ب) آنان بخشنده‌اند؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۳ ج) هدف آنان رشد و پاکی است و اموال خویش را برای رشد و پاکی خود در راه خدا به مردم می‌بخشند؛ د) آنان وام‌دار کسی نیستند تا بخواهند پاداش نعمت او را بدهند، بلکه برای جلب رضایت الهی بخشش می‌کنند. ۶. از این آیات استفاده می‌شود که بخششی انسان را از دوزخ نجات می‌دهد که همراه با تقوا و با هدف پاکی و رشد روحی و با معرفت نسبت به خدا و با قصد خالص برای او باشد، به طوری که فرد بخشنده، پروردگارش را «والاتر» از هر چیز بداند و قصد او جلب رضایت خدا باشد. ۷. قصد قربت و اخلاص برای خدا، با هدف قرار دادن رشد و پاکی معنوی خویش، منافات ندارد، بلکه پاکی و رشد اخلاقی و

نفسانی، مقدمه نزدیکی به خداست. ۸. این آیه می‌تواند شامل کافران بخیل و پارسایان بخشنده شود و مخصوص یک فرد خاص نیست. اگر چه شأن نزول آن در مورد دو نفر بود، ولی این موجب انحصار معنای آیه نمی‌شود؛ پس مقصود از «اتقی»، افراد با تقوا و منظور از «اشقی ، افراد بدبخت است. ۹. پاداش پارسایان بخشنده آن است که خدا در رستاخیز پاداش عظیمی به آنان می‌دهد تا راضی شوند. آری؛ کسی که برای رضای الهی کار کرده است خدا نیز از او راضی است و او را راضی می‌سازد؛ «۱» رضایتی نا محدود که تصور آن برای ما مشکل است. ۱۰. در احادیث اسلامی بر بخشش در راه خدا تأکید فراوان شده است؛ از جمله: حکایت شده: فردی مهار مرکب پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفت و گفت: ای رسول خدا! چه عملی از همه‌ی کارها برتر است؟ حضرت فرمود: «غذا دادن (به مردم) و خوش‌زبان بودن.» «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۴ و از آن حضرت روایت شده: هر کس یک شبانه‌روز از خانواده‌ی مسلمانی پذیرایی کند، خدا گناهانش را می‌بخشد. «۱» و از امام باقر علیه السلام روایت شده: محبوب‌ترین اعمال نزد خدا، شاد کردن دل مؤمن، سیر کردن مسلمان یا ادای بدهی اوست. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه‌نمایی بشر را خدا بر خود لازم کرده است (پس از راه‌نمایان درونی و برونی او استفاده کنید). ۲. (خدا نیازی به شما ندارد، چون) دنیا و آخرت شما از خداست (و شما نیازمند او هستید). ۳. تکذیبگرانِ از دین برگشته، افراد بدبختی هستند. ۴. دوزخ جای افراد بدبخت و شقاوتمند است. ۵. پارسایی و بخشش خالصانه موجب نجات از دوزخ است. ۶. بخشش خالصانه موجب رشد و پاکی انسان می‌شود. ۷. بخشش اگر خالصانه و برای رضایت الهی باشد (نه برای جبران زحمات دیگران) رشد بیش‌تری می‌آورد. ۸. هر کس برای رضایت الهی گام بردارد، خدا (از او راضی می‌شود و او را با پاداش بزرگی) راضی می‌کند. ۹. با تقوا و بخشش، خود را از آتش دوزخ دور سازید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۵

بخش شانزدهم: سوره‌ی ضحی

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «ضُحی در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۱ آیه و ۴۰ کلمه و ۱۹۲ حرف است. این سوره‌ی دهمین سوره قرآن در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «فجر» و قبل از سوره‌ی «انشراح») و نود و سومین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «ضُحی («نیمروز» و تابش خورشید در آن) است که از اولین آیه‌ی این سوره گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۶

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس آن (سوره‌ی ضُحی را بخواند خدا از او خشنود می‌شود و شایسته است پیامبر اسلام از او شفاعت کند و برای او ده حسنه (و نیکی) به تعداد هر یتیم و بینوا خواهد بود. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسانی است که سوره‌ی ضحی را بخوانند و به محتوای آن عمل کنند؛ یعنی نسبت به یتیمان و بینوایان مهربانی و امدادرسانی کنند.

ویژگی

ویژگی: ویژگی این سوره آن است که با سوره‌ی انشراح یک سوره‌ی کامل شمرده می‌شود؛ یعنی اگر کسی در نماز سوره‌ی ضُحی

را بخوانـد، بایـد حتمـاً سورهی انشـراح را نیز بخوانـد. این مطلب هم در روایات اهل بیت علیهم السـلام آمـده «۲» و هـم بـا دقت در محتوای دو سوره و پیوند معنایی آنها به دست می‌آید.

اهداف

اهـداف: دو محور اساسـی این سوره عبارت‌اند از: الف) یادآوری نعمت‌های الهی به پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و دل‌داری به او؛ ب) سفارش در مورد مهربانی و امدادرسانی به یتیمان و بینوایان.

مطالب

مطالب: ۱. سوگند به روز و شب، که نشان دهنده‌ی اهمیت آنهاست (در آیات ۱- ۲)؛ ۲. اشاره‌ای به مسئله‌ی شفاعت (در آیه‌ی ۵)؛ ۳. لزوم یادآوری نعمت‌های الهی (در آیه‌ی ۱۱). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی ضُحی قرآن کریم در آیات اول تا هشتم سوره‌ی ضُحی با سوگند و تأکید به گذشته‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و الطاف الهی نسبت به او و نعمت‌هایی که در آخرت به وی عطا می‌شود اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۸. وَالضُّحَى وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى وَلَلآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الأُولَى وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيماً فَآوَى وَوَجَدَكَ ضَالّاً فَهَدَى وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى سوگند به نیمروز!* سوگند به شب، هنگامی که آرام گیرد!* که پروردگارت تو را رها نکرده و (با تو) به سختی دشمنی نورزیده است؛* و مسلماً، (سرای) آخرت برای تو از (سرای) نخستین بهتر است؛* و حتماً در آینده پروردگارت به تو عطا می‌کند و خشنود می‌شوی.* آیا تو را یتیم نیافت و پناه داد؟!* و تو را گم گشته یافت و راه‌نمایی کرد؛* و تو را فقیر یافت و توانگر ساخت؛ شأن نزول: حکایت کرده‌اند که مدتی (بین سه تا پانزده روز) وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود نیامد؛ مشرکان بر پیامبر ایراد گرفتند که پروردگارش او را رها کرده و با او دشمنی ورزیده است و اگر او راست می‌گوید پس چرا وحی مرتب بر او نازل نمی‌شود. در این هنگام سوره‌ی فوق فرود آمد (و به سخنان آنان پاسخ داد). «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به نیمروز و شب سوگند یاد شده است تا هم اهمیت مطلب بعد را مورد تأکید قرار دهد و هم توجه انسان‌ها را به روز و شب جلب کند تا در مورد این دو پدیده مطالعه و دقت بیش‌تری بنمایند. نیمروز، هنگامی که آفتاب بر می‌آید و نور و گرما همه جا را فرا می‌گیرد، جهانیان جان تازه‌ای می‌گیرند و شب، هنگامی که تاریک و آرام می‌شود، زمینه‌ی استراحت و آرامش همه‌ی موجودات را فراهم می‌سازد. ۲. همان طور که در نظام هستی شب و روز وجود دارد، در نظام نزول وحی نیز گاهی هم‌چون روز است و نور وحی بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله می‌تابد و گاهی هم‌چون شب است و برای مدتی نور وحی قطع می‌شود. آری؛ گاهی وحی الهی قطع می‌شد تا روشن شود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از خود اختیاری ندارد و همه چیز به دست خداست. ۳. در این آیات به سرگذشت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دوران کودکی ایشان و مشکلات این دوران اشاره شده است. آن حضرت هنگامی که در شکم مادرش بود، پدرش عبداللّه و در شش‌سالگی مادرش و در هشت‌سالگی جدش عبدالمطلب را از دست داد و تنها ماند، ولی خدا محبت او را به قلب عمویش ابوطالب «۱» انداخت و او تا آخر عمرش از پیامبر صلی الله علیه و آله و دین اسلام حمایت کرد. آری؛ خدا در دوران کودکی و یتیمی که پیامبر صلی الله علیه و آله نیازمند بود به او لطف کرد و او را تنها نگذاشت و به او خشم ننمود. ۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فقیر بود، ولی خدا همسری هم‌چون خدیجه «۲» را بر سر راه او قرار داد تا ثروت سرشار خود را در راه محمد صلی الله علیه و آله و دین او مصرف کرد

و بعد از پیروزی اسلام نیز غنایم زیادی نصیب مسلمانان و پیامبر صلی الله علیه و آله شد که برای پیش‌رفت اسلام مورد استفاده قرار گرفت. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۴۹ ۵. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که در مورد آیات فوق فرمودند: آیا تو را یتیم یعنی فردی بی‌نظیر در میان مخلوقات نیافت «۱» سپس مردم را در پناه تو قرار داد؟ و تو را در میان مردم ناشناخته کرد و تو را فردی عیال‌وار یافت که سرپرست اقوامی در علم و دانش است و آنها را به وسیله‌ی تو بی‌نیاز ساخت. «۲» البته این‌گونه احادیث به برخی از بطون آیه اشاره دارند؛ یعنی مفهوم یتیمی و گم‌گشتگی و عیالمندی را توسعه داده‌اند به طوری که شامل موارد فوق بشود. ۶. «ضالّ» معانی متعددی دارد: الف) به معنای گمراه، یعنی کسی که از ایمان به دور است، که مسلماً این معنا در این جا مقصود نیست؛ ب) به معنای ناآگاه، «۳» یعنی کسی که از نبوّت آگاه نبود و خدا او را آگاه ساخت؛ ج) به معنای گم‌گشته، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله در کودکی چند بار در دره‌ها و در راه مکه و نیز در راه شام راه خود را گم کرد ولی خدا او را راه‌نمایی کرد و به محل خود بازگرداند. د) به معنای پنهان، «۴» یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مردم پنهان و بی‌نام و نشان بود و خدا او را به همه‌ی مردم معرفی و آنان را به سوی او راه‌نمایی کرد (همان طور که در حدیث امام رضا علیه السلام بدان اشاره شده است). البته مانعی ندارد که این آیه به سه معنای اخیر اشاره داشته باشد، هر چند معنای گم‌گشته با سیاق آیات سازگارتر است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۰ ۷. آخرت برای پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا بهتر است؛ یعنی پیامبر در دنیا مورد الطاف الهی قرار می‌گیرد اما در آخرت این لطف بیش‌تر می‌شود و به تفسیر دیگر، هر چه زمان بیش‌تر می‌گذرد لطف الهی نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله بیش‌تر می‌شود و در اواخر عمر ایشان بهتر می‌شود و اسلام گسترش می‌یابد و نهال توحید بارورتر می‌گردد. ۸. یکی از الطاف اخروی خدا نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله آن است که خدا در آخرت آن‌قدر به ایشان لطف می‌کند و می‌بخشد تا راضی شود؛ البته خشنودی پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر شخص خودش نیست بلکه ایشان هنگامی راضی و خشنود می‌شود که امتش مورد شفاعت قرار گیرند؛ از این رو از اهل بیت علیه السلام روایت شده که این آیه امیدبخش‌ترین آیه‌ی قرآن است. «۱» ۹. مقام شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر مقامات الهی و زحمات ایشان برای مردم است؛ بنابراین مقام شفاعت مخصوص ایشان نیست بلکه هر کس صفات رهبر الهی هم‌چون پیامبر صلی الله علیه و آله را داشته باشد می‌تواند برای مردم شفاعت کند، یعنی هر کس در دنیا برای خشنودی خدا تلاش کند، در آخرت به وسیله‌ی عطایای الهی (از جمله شفاعت) خشنود می‌شود. ۱۰. از امام علی علیه السلام روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: روز رستاخیز من در ایستگاه شفاعت می‌ایستم و آن‌قدر گناهکاران را شفاعت می‌کنم که خدا می‌گوید: آیا راضی شدی یا محمد؟! و من می‌گویم: راضی شدم! راضی شدم! «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نیم‌روز و آرامش شب اهمیت ویژه‌ای دارد که خدا به آنها سوگند یاد می‌کند (پس شما در مورد آنها تأمّل و تفکر کنید). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۱ ۲. خدا رهبران الهی را تنها نمی‌گذارد و مورد خشم قرار نمی‌دهد (پس دشمنان دین از ایرادگیری دست بردارند). ۳. فرجام کار رهبران الهی بهتر از حال آنان است. ۴. رهبران الهی در رستاخیز مقام شفاعت دارند. ۵. هرکس در دنیا برای خشنودی خداگام بردارد، خدا در آخرت او را خشنود می‌سازد. ۶. خدا پیامبر صلی الله علیه و آله را از کودکی تحت لطف و حمایت خویش قرارداد (تا رهبری لایق برای اسلام تربیت شود و به حمایت یتیمان و فقرا برخیزد). ۷. در هنگام یتیمی، گم‌گشتگی و فقر به کمک دیگران بشتابید. ۸. خدا پناهگاه، هدایتگر و بی نیاز کننده‌ی شماست (پس به او تکیه کنید و از او استمداد بطلبید). *** قرآن کریم در آیات نهم تا یازدهم سوره‌ی ضُحی، در مورد رسیدگی به کودکان بی‌سرپرست و بینوایان سفارش می‌کند و با تأکید بر یادمان نعمت‌ها می‌فرماید: ۹- ۱۱. فَأَمَّا الْیَتِیمَ فَلَا تَقْهَرْ* وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ* وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّکَ فَحَدِّثْ و اما یتیم را، پس، (خوارش مساز و بر او) چیرگی مَورز؛* و اما گدا را، پس، با پرخاش مران؛* و اما نعمت پروردگارت را، پس خبر بده. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات در مورد برخوردها و ملاقات‌های اجتماعی سه دستور اساسی به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دهد که در حقیقت سرمشق و الگوی همه‌ی مردم است. به او دستور می‌دهد که با یتیمان و

بینوایـان مهربـان باشـد و به آنهـا کمـک کنـد و نعمت‌های الهی را به یاد آورد (و سـپاس گزاری کنـد) تا ما نیز از آن پیامبر رحمت آموزش بـبینیم و او را الگوی خویش قرار دهیم. ۲. قرآن و پیشوایان اسـلام نسـبت به یتیمان مکرر سـفارش کرده‌اند؛ زیرا آنها قشر آسیب‌پذیر جامعه‌انـد و به خاطر از دست دادن پـدر یا مادر نیازمنـد تفسـیر قرآن مهر جلـد بیست و دوم، ص: ۲۵۲ محبت بیش‌تری هسـتند؛ از این رو در این آیه سـفارش شـده که بـا قهر و غلبه و تحقیر بـا یتیمـان برخورد مکن (بلکه با محبت و نوازش با آنان رفتار کـن) تـا کمبودهـای عاطفی‌شـان جـبران شـود. به عبـارت دیگر، وظیفه‌ی شـما محبت و کمـک به یتیمـان است امـا اگر این کـار را نمی‌کنید، حداقل به آنها ضربه‌ی روحی و عاطفی نزنید و آنها را آزرده‌خاطر نسازید. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس دست نوازشگر بر سر یتیمی بکشد، به تعداد هر مویی که دست او از آنها می‌گذرد، در روز رستاخیز نوری خواهد داشت. «۱» و در حـدیث دیگری از آن حضـرت روایت شـده که من و سـرپرست یتیم، مثل این دو انگشت دست در بهشت در کنار هم‌دیگر هستیم، به شرط آن که خودنگه‌دار و باتقوا باشد. «۲» اگر سایه‌ای خود برفت از سرش تو در سایه‌ی خویشتن پرورش ۳. در این آیات سـفارش شـده که بینوایانی را که از شدت فقر به گدایی و درخواست از مردم می‌پردازند از خود نرانید و بر آنان پرخاش نکنیـد یعنی وظیفه‌ی شـما کمـک به فقراست ولی اگر به آنهـا کمـک نمی‌کنیـد، حـداقل به آنهـا ضـربه‌ی روحی و عاطفی نزنیـد و بـدرفتاری نکنید. چو بینی یتیمی سـرافکنده پیش مده بوسه بر روی فرزند خویش یتیم ار بگرید که نازش خرد؟ وگر خشم گیرد که بارش برد؟ ۴. برخی مفسـران گفته‌اند مقصود از «سائل» در این آیه کسـی است که در تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۳ مورد مسائل علمی و اعتقادی پرسش می‌کند، «۱» که باید رهبران الهی و افراد دانشـمند به سؤالات آنها پاسخ دهند. البته بعید نیست که «سائـل» در این جـا شامـل فقیر مـادی و علمی هر دو بشود. ۵. در این آیات سـفارش شـده که نعمت‌های الهی را بازگو کنیـد؛ و بازگو کردن نعمت‌های الهی به دو صورت ممکن است: الف) آنها را با زبان بگوییم؛ البته گفتاری که از به دور غرور و برتری‌طلبی و حـاکی از نهـایت سـپاس گزاری بـه درگـاه الهی باشــد. ب) بـا عمـل از نعمت‌هـای الهی یـاد کنیـم؛ یعنی در راه خـدا از امـوال و نعمت‌هـایی که خـدا به ما داده است ببخشـیم، بخششـی که نشان دهنـده‌ی نعمت فراوان الهی برای ما باشـد. ۶. بیـان کردن نعمت و سپـاس گزاری، روش افراد کریـم و سـخاوتمنداست ولی افراد بخیـل، ثروت و نعمت‌هـا را می‌پوشاننـد و چهره‌ای فقیرانـه بـه خـود می‌گیرنـد تا مبادا دیگران از آنان درخواست کمک کننـد. بیا تا خوریم آنچه داریم شاد درم بر درم چنـد باید نهاد جهان آن کسـی راست کو در جهان خورد توشه راه با همرهان ۷. نعمت در این آیه می‌تواند شامل نعمت‌های مادی و نیز نعمت‌های معنوی هم‌چون نبوّت و قرآن بشود که همه را باید آشکار و بازگو کرد. ۸. از پیامبر صـلی الله علیه و آله روایت شده که خدا، دوست دارد که آثار نعمت‌های خود را بر بنـدگانش ببیند. «۲» و در حـدیث دیگری از آن حضـرت روایت شـده که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۴ هر کس نیکی به او برسد و آثارش بر او دیده نشود، دشمن خدا و مخالف نعمت‌های او شمرده می‌شود. «۱» و از امام علی علیه السـلام روایت شـده که خـدا زیبـاست و زیبایی را دوست دارد و (نیز) دوست دارد که آثار نعمت را بر بنـده‌ی خود ببینـد. «۲» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. کودکان بی‌سرپرست و بینوایان را آزرده نسازیـد و به عواطف آنان ضـربه نزنیـد. ۲. اگر به یتیمـان و بینوایان کمک نمی‌کنید دست کم با آنان بدرفتاری نکنید. ۳. به یاد نعمت‌های الهی باشید (و سپاس آنها را به جا آورید). ۴. آشکار کردن و اظهار نمودن نعمت‌های الهی نیکوست. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۵

بخش هفدهم: سوره‌ی انشراح

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «انشراح» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۸ آیه، ۲۷ کلمه و ۱۰۳ حرف است. این سوره یازدهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «ضُحی» و قبل از سوره‌ی «عصر») و نود و چهارمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «انشراح» (وسعت دادن)، «الم نشرح» و «شرح» که همگی از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۶

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «انشراح» را بخواند، پاداش کسی را دارد که محمد صلی الله علیه و آله را غمگین دیده و اندوه را از قلب او زدوده است. «۱»

ویژگی

ویژگی: طبق احادیث، این سوره با سوره‌ی «الضُحی»، یک سوره شمرده می‌شود؛ یعنی اگر کسی در نماز، سوره‌ی «الضحی» را خواند، باید سوره‌ی «انشراح» را نیز بخواند. البته این مطلب با دقت در دو سوره و پیوند معنایی آنها نیز آشکار می‌شود. «۲»

اهداف

اهداف: هدف اساسی سوره‌ی «انشراح»، تسلّی دادن به پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ البته با این تذکر که در پس مشکلات، آسانی است.

مطالب

مطالب: ۱. یادآوری نعمت‌های الهی به پیامبر صلی الله علیه و آله، از جمله شرح صدر ایشان (در آیات ۱- ۴)؛ ۲. یادآوری این نکته که پس از انجام هر تلاشی استراحت کن و به سوی عبادت پروردگارت روی آور (در آیات ۷- ۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۷

دوم

قرآن کریم در سوره‌ی انشراح، با یادآوری نعمت‌های الهی نسبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و تذکر به این که در پس مشکلات، آسانی است، به ایشان دل‌داری داده، با سفارش در مورد تلاش مضاعف می‌فرماید: ۱- ۸. أَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ* وَوَضَعْنَا عَنکَ وِزْرَکَ* الَّذِی أَنقَضَ ظَهْرَکَ* وَرَفَعْنَا لَکَ ذِکْرَکَ* فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً* فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ* وَإِلَی رَبِّکَ فَارْغَب آیا سینه‌ات را برایت گشاده نساختیم،* و بار سنگین (مشکلات) تو را از تو فرونهادیم؟!* (همان باری) که پشتت را بشکست.* و یادمان تو را برایت بلند (آوازه) کردیم.* پس، در حقیقت، با (هر) دشواری، آسانی است؛* در واقع با (هر) دشواری، آسانی است؛* و هنگامی که (از کار مهمی) فارغ شدی، پس بنشین،* و فقط به سوی پروردگارت متمایل شو. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات، با بررسی گذشته‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از سه نعمت اساسی خدا بر ایشان نام برده شده است: الف) شرح صدر؛ یعنی خدا روحی وسیع به پیامبر داده تا بتواند مشکلات را تحمّل کند و به ایشان فکری بلند، علمی وحیانی و قدرت استقامت در برابر لجاجت‌ها و کارشکنی‌های دشمنان را عطا فرموده است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۵۸ آری؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با شرح صدر با گروه‌های مختلف و مسائل اجتماعی برخورد می‌کرد و زود عصبانی نمی‌شد

و مردم را طرد نمی‌کرد؛ هر رهبر الهی بایـد چنین باشد. ب) خداوند بار سـنگین و کمرشـکنی را که بر دوش پیامبر صـلی الله علیه و آله بود (یعنی مشـکلاتی چون: لجـاجت و مخـالفت مشـرکان و مخالفـان اسـلام، مشـکل آزارهای مردم و گمراهی آنان، مشـکل و انـدوهی که پس از فوت ابوطـالب و خـدیجه پیش آمـد و ...) از دوش ایشان برداشت. ج) خـدا پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله را بلنـدآوازه کرد و نـام او را به سراسـرگیتی رسانـد. در عظمت او همین بس که هر صـبح و شام نام او در کنار نام خـدا در اذان گفته می‌شود و به گوش جهانیان می‌رسد. آری؛ بسـیاری از دشـمنان اسـلام تلاش کردند که اسـلام و نام پیامبر صـلی الله علیه و آله را از صحنه‌ی گیتی حـذف کننـد، امّا بر خلاف نظر آنهـا، اسـلام و نام پیامبر صـلی الله علیه و آله در جهان گسترش یافت. اذان از اواخر دوره‌ی سـکونت پیامبر صـلی الله علیه و آله در مکه شروع شد و تاکنون ادامه دارد. ۲. این یک قانون در مورد رابطه‌ی مشـکلات با آسانی‌ها اشاره شده که در پس هر مشـکل و سـختی، آسانی و پیروزی است. آری؛ کسـی که مشکلات را تحمّل کند و با سختی‌ها مبارزه نمایـد، شـیرینی موفقیت و بهروزی را می‌چشد و میوه پیروزی را می‌چیند. این مشـکلات می‌تواند از نوع مشـکلات اقتصادی، مخالفت‌ها و جنگ‌های دشـمنان و یا هر مشکل دیگری باشد، که در پس آنها پیروزی، بهروزی و رفاه و آسانی است. یادآوری این قانون در قرآن و تأکیـد دوباره بر آن، نویـدی به همگان است که نور امیـد را در دل‌ها زنـده می‌کنـد. ای بسا کاری که اول صـعب گشت بعد از آن بگشاده شد سـختی گذشت بعد نومیدی بسـی امیدهاست از پس ظلمت بسـی خورشیدهاست تفسیر قرآن مهر جلد بیسـت و دوم، ص: ۲۵۹ ۳. نکتـه‌ی جـالب آن است که قرآن نمی‌فرمایـد: بعـد از هر مشـکلی آسـانی است بلکه می‌فرمایـد: «بـا هر مشـکلی آسانی است.» یعنی آسانی‌ها و پیروزی‌ها در دل مشـکلات و همراه آنهاست و آسانی، بدون رنج به دست نمی‌آید. نکته‌ی جالب دیگر، نکره بودن «یُسر» است، که به معنای «آسانی بزرگ» است؛ «۱» یعنی با هر مشکلی، آسانی و پیروزیِ باعظمتی است. ۴. از پیـامبر صـلی الله علیه و آله روایت شـده که بـدان بـا هر سـختی، آسـانی و بـا هر صبر و اسـتقامتی، پیروزی و با هر غم و انـدوهی، خوشـحالی و گشایی است! «۲» ۵. در این آیـات بـا بیان یک اصل کلی در مورد تلاش مسـتمر، به پیامبر صـلی الله علیه و آله یادآور می‌شود که هرگـاه از هر کار مهمی فارغ شـدی به کار مهم دیگری بپرداز! (و هرگز بیکار نمان) وبه سوی پروردگارت توجه نما (و خشنودی او را بطلب). این سفارش مهم و اصل کلی دارای مصادیق و موارد متعددی است که مفسران قرآن بدان اشاره کرده‌اند، از جمله این که: الف) هنگـامی که از نمـاز واجب فـارغ شـدی، به دعـا و مسـتحبات بـپرداز؛ ب) هنگـامی که از دنیـا فراغت یـافتی، به آخرت مشـغول شو؛ ج) هنگامی که از جهاد با دشمن فارغ شدی، به جهاد با نفس روی‌آور؛ د) هنگامی که فراغت یافتی، علی را به ولایت نصب کن. «۳» تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خـدا به رهبران الهی یاری می‌رساند و در مشـکلات آنها را کمک می‌کند. ۲. یکی از صـفات رهبران الهی شـرح صدر است تا با روحی وسیع و فکری گسترده، مشکلات و مخالفت‌هـا را تحمّل کننـد. ۳. مشـکلات رهـبری جـامعه کمرشـکن است (مگر آن که خـدا کمـک کنـد). ۴. شـهرت رهبر اسلام، نیکوست (پس برای بلندآوازه کردن نام رهبران اسـلامی تلاش کنید که به سود اسـلام است). ۵. آسانی و پیروزی از دل مشـکلات پدید می‌آید. ۶. پایان شب سیه سپید است. ۷. هرگاه از کار مهمی فراغت یافتی (بی‌کار مباش، و) به کار مهم دیگری مشـغول شو. ۸. پس از هر کار مهمی به سوی خدا روی آور، (و سـپاس‌گزار او باش که چنین توفیقی به تو داده است). «۱» *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۱

بخش هجدهم: سوره‌ی تین

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «تین» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۸ آیه، ۳۵ کلمه و ۱۵۰ حرف است. این سوره بیست و هفتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «بروج» و قبل از سوره‌ی «قریش») و نود و پنجمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «تین» (انجیر) است که از نخستین آیه‌ی آن گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: در مورد این سوره از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۲ هرکس این سوره را بخواند خدا دو ویژگی در دنیا به او عطا می‌کند: عافیت و یقین؛ و هنگامی که از دنیا رفت، به تعداد کسانی که این سوره را خوانده‌اند، ثواب یک روزه، به عنوان پاداش، به او می‌بخشد. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و از محتوای آن پند بگیرند و در راستای آن در راه خدا گام بردارند.

اهداف

اهداف: هدف اصلی این سوره، ترسیم دو راه سقوط و صعود، فرا روی انسان است (تا هرکس بتواند با آگاهی راه خویش را انتخاب کند).

مطالب

مطالب: ۱. در این سوره به دو میوه‌ی انجیر و زیتون، و نیز کوه سینا و شهر مکه، سوگند یاد شده است (در آیات ۱- ۳)؛ ۲. اشاره‌ای به آفرینش استوار و نظام‌مند انسان (در آیه‌ی ۴)؛ ۳. راه مؤمنان شایسته‌کردار و پاداش دایمی آنان (در آیه‌ی ۶)؛ ۴. هشدار به منکران معاد در مورد داوری خدا (در آیات ۷- ۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۳

دوم

قرآن کریم در سوره‌ی تین با سوگندهای متعدد، دو راه سقوط و صعود را فرا روی انسان ترسیم می‌کند و با هشدار به منکران معاد می‌فرماید: ۱- ۸. وَالتِّینِ وَالزَّیْتُونِ* وَطُورِ سِینِینَ* وَهذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ* لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ* ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِینَ* إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ* فَمَا یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ* أَلَیْسَ اللَّهُ بِأَحْکَمِ الْحَاکِمِینَ سوگند به انجیر و زیتون!* سوگند به کوه پربرکت (: طور سینا)!* سوگند به این سرزمین امن (مکه)!* به یقین، انسان را در بهترین (نظام معتدل و استوار آفریدیم؛* سپس او را به فروترین (و خوارترین مرحله‌ی) فروتران باز گرداندیم،* مگر کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند؛ پس برای آنان پاداشی بی‌پایان است.* پس، بعد (از این دلایل)، چه چیزی تو را به تکذیب کردن (روز) جزا واداشت؟!* آیا خدا داورترین داوران نیست؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به چهار چیز سوگند یاد شده است تا بر اهمیت مطلب بعدی، یعنی آفرینش استوار و نظام‌مند انسان تأکید کند و نیز توجه انسان را به اهمیت این چهار چیز (انجیر، زیتون، کوه سینا و شهر مکه) جلب کند. ۲. در این آیات به دو میوه‌ی نیکو، یعنی انجیر و زیتون اشاره شده است که خواص غذایی زیادی دارند. انجیر غذایی پرانرژی است که قند طبیعی و ویتامین‌های لازم بدن را تأمین می‌کند. زیتون و روغن آن نیز برای سلامتی بدن و رفع برخی عوارض و بیماری‌ها مفید و سرشار از ویتامین و مواد لازم تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۴ بدن است؛ از این رو در قرآن از آن به عنوان «درخت مبارک» یاد شده است. «۱» در احادیث اسلامی نیز به خوردن این دو میوه سفارش شده است «۲» و از نظر کارشناسان تغذیه نیز این دو میوه از اهمیت خاصی برخوردارند. «۳» ۳. «طور سینین» به معنای کوه پربرکت است و منظور

همان کوه سیناست که در صحرای سینا بین مصر و فلسطین واقع شده و دارای درختان پربار زیتون است. این کوه محل مناجات موسی علیه السلام بود و از این رو مکان مقدس به شمار می‌آید. «۴» ۴. منظور از «سرزمین امن» در این سوره، همان شهر مکه و اطراف آن است که حرم امن الهی شمرده می‌شود و در آن جا کسی حق تعرّض به دیگری را ندارد و حتی افراد قاتل، حیوانات، درختان و پرندگان در آن جا در امنیت هستند. ۵. آفرینش انسان نظام‌مند و استوار است؛ یعنی خدا انسان را از نظر جسمی، روحی و عقلی موزون و معتدل آفرید، به طوری که شایستگی پیمودن راه صعود و کمال را دارد. ۶. دو راه فرا روی انسان تصویر شده است: الف) راه سقوط به پایین‌ترین و خوارترین مراحل زندگی؛ ب) راه صعود به قله‌ی کمال و سعادت زندگی. یعنی انسان هم می‌تواند با استفاده از استعدادهایش راه ایمان و عمل صالح را در پیش گیرد و از فرشتگان برتر گردد و هم می‌تواند راه ظلم و کفر و ناسپاسی را در پیش گیرد و از حیوانات، گمراه‌تر و پست‌تر گردد و از مقام تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۵ انسانیت خود سقوط کند. آری؛ انسان آزاد است و اختیار دارد که از حیوانات پست‌تر گردد و یا فراتر از فرشتگان پرواز کند. ۷. منظور از «پایین‌ترین مراحل» که انسان در آن قرار گرفت، چیست؟ انسان وقتی آفریده شد در بهشت برین بود ولی بر اثر فریب شیطان به مرحله‌ی پست دنیا سقوط و هبوط کرد. خدا او را بر اثر کردارش پایین آورد ولی او استعداد و زمینه‌ی صعود به قله‌های کمال را دارد. برخی صاحب‌نظران در این زمینه می‌فرمایند: توجه به غیر خدا انسان را به حجاب‌های ظلمانی و نورانی محجوب می‌نماید ... کسی که تمام توجه او به عالم طبیعت است ... و اصولًا از ماورای دنیا و عالم روحانیت بی‌خبر بوده منکوس الی الطبیعه (: واژگون به سوی طبیعت) است و هیچ‌گاه در مقام برنیامده که خود را تهذیب کند، حرکت و نیروی روحانی و معنوی در خویشتن ایجاد نماید و پرده‌های سیاهی را که روی قلب او سایه افکنده کنار زند، در «اسفل سافلین» که آخرین حجب ظلمانی است قرار دارد. «۱» ۸. افراد کمال‌طلب که راه ایمان را در پیش می‌گیرند و کردار شایسته انجام می‌دهند، پاداشی دایمی و غیر منقطع و بدون نقص و منت خواهند داشت. «۲» ۱۰. «دین»، گاهی به معنای آیین و گاهی به معنای «جزا» می‌آید؛ از این رو به رستاخیز، یوم الدین (روز جزا) گفته شده است. این آیه اشاره دارد که چگونه با این همه نشانه در آفرینش نظام‌مند و هدفمند انسان که هدف نهایی رستاخیز را ثابت می‌کنند را انکار می‌کنید؟! آیا نمی‌دانید که خدا بهترین داور است و در رستاخیز در مورد کارها و گفتارهای شما داوری می‌کند؟!/ گوییا باور نمی‌دارند روز داوری کاین همه کار دغل در کار داور می‌کنند ۱۰. قلمرو پرواز انسان را بشناس، به مقامات پایین راضی مشو و طالب بی‌نهایت شو. امام خمینی رحمه الله در این باره می‌نویسند: قانع نشو به وصول لذت‌های بهیمی (: حیوانی) و شهوت‌های حیوانی و برتری‌های دنیاییِ ظاهری، و به عبادات و طاعات، خود را راضی مگردان و به حسن صورت و نیکویی خلقت بسنده مکن و به حکمت رسمی و شبهات کلامی (: عقیدتی) خود را خرسند مساز و به نیکویی و آراستگی گفتار ارباب تصوف و عرفان خشنود مشو و قناعت مکن و به دعوی و علم‌داری اهل فقه راه مپوی، چه صرف همت در این‌ها که یاد کردیم و ماندن بر آن به تحقیق که هلاکت است و زیان ... وجهه همّ و همت تو خدای یگانه باشد که اوست آفریدگار و آورنده و بازگرداننده‌ی تو. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شهر مکه، کوه سینا و مواد غذاییِ انجیر و زیتون دارای اهمّیت ویژه‌ای است (در آنها تأمّل کنید). ۲. در مورد آفرینش نظام‌مند و استوار انسان دقت کنید و خداشناس شوید. ۳. دو راه «سقوط» و «صعود» فراروی انسان است (تا کدام را انتخاب کنید). ۴. مؤمنان شایسته‌کردار از سقوط نجات یافته و پاداشی دایمی خواهند داشت (پس تلاش کنید در زمره‌ی آنان باشید). ۵. از داوری خدا بهراسید و معاد را انکار نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۷

بخش نوزدهم: سوره‌ی علق

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «علق» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۹ آیه، ۹۲ کلمه و ۲۸۰ حرف است. این سوره اولین سوره در ترتیب نزول (قبل از سوره‌ی «قلم») و نود و ششمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «علق» (خون بسته‌ی آویزان) و «اقرَء» (بخوان)، که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده‌اند و «عُنوان القرآن».

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام روایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۸ هرکس سوره‌ی علق را بخواند و در همان شبانه روز بمیرد شهید از دنیا رفته است و خدا او را به صورت شهید برمی‌انگیزد. «۱» البته روشن است که این ثواب و مقام شهید، برای کسی است که این سوره را بخواند و در راستای محتوای آن حرکت و عمل کند.

ویژگی

ویژگی‌ها: طبق نظر مشهور مفسران، سوره‌ی علق نخستین سوره‌ای است که بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمده است. «۲» آخرین آیه‌ی این سوره سجده‌ی واجب دارد و در هنگام قرائت یا شنیدن آن باید یک سجده به جا آورد.

اهداف

اهداف: محورهای اساسی این سوره عبارت‌اند از: الف) یادآوری توحید و آفریدگار هستی؛ ب) آگاهی‌بخشی نسبت به راه‌های نیک و بدی که فرا روی انسان است.

مطالب

مطالب: ۱. دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به خواندن (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. تکریم مقام علم و قلم (در آیات ۴- ۵)؛ ۳. بیان رابطه‌ی سرمایه‌داری با سرکشی (در آیات ۶- ۷)؛ ۴. بیان راه‌های گوناگونی که انسان می‌تواند انتخاب کند (در آیات ۹- ۱۳)؛ ۵. یادآوری این نکته که همه چیز تحت نظر خداست (در آیه‌ی ۱۴)؛ ۶. تهدید و هشدار نسبت به افراد سرکش تکذیب‌گر (در آیات ۱۵- ۱۸)؛ ۷. دعوت به سجده و نزدیکی به خدا (در آیه‌ی ۱۹). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۶۹

دوم

قرآن کریم در آیات اول تا پنجم سوره‌ی علق به آفرینش انسان و آغاز وحی با خواندن و قلم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۵. اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ* خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ* اقْرَأْ وَرَبُّکَ الْأَکْرَمُ* الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ* عَلَّمَ الإِنسَانَ مَا لَمْ یَعْلَمْ بخوان به نام پروردگارت که (همه چیز را) آفرید؛* انسان را از خون بسته‌ی آویزان آفرید.* بخوان در حالی که پروردگارت ارجمندتر است؛* (همان) کسی که با قلم بیاموخت؛* به انسان آنچه را نمی‌دانست آموخت. شأن نزول: حکایت کرده‌اند: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آغاز رسالتش در کوه «حرا» بود که جبرئیل آمد و گفت: ای محمد! بخوان! و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من نمی‌توانم قرائت کنم. جبرییل او را در آغوش گرفت و سه بار فشرد و پنج آیه‌ی آغازین این سوره به زبان پیامبر صلی الله علیه و آله جاری شد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن برآن‌اند که پنج آیه‌ی اول سوره در آغاز وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده «۲» و جالب آن است که با آن که اسلام در محیط جاهلیت جزیرهٔ العرب پدید آمده و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درس

ناخوانده بود، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۰ ولی آغاز وحی در اسلام همراه با یک حرکت علمی بود و با «خواندن»، «قلم» و «آموزش» شروع شد. همین تأکیدهای اسلام بر قلم و علم بود که طی دو قرن، از جامعه‌ی جاهلیت عرب، پیشرفته‌ترین تمدن آن عصر را پدید آورد و این روح علم‌دوستی همراه در مسلمانان وجود دارد. ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دو بار به خواندن دعوت می‌شود، که بار دوم تأکید بر خواندن اول و یا خواندن بر مردم است. در این آیات پیامبر صلی الله علیه و آله را به خواندن قرآن کریم با نام خدا و یا خواندن اسم پروردگار دعوت کرده است. «۱» آری؛ رهبران الهی باید همیشه به یاد خدا باشند و از او مدد بجویند. ۳. در این آیات بر دو نام «رب» و «خالق» تأکید شده است. واژه‌ی «ربّ» به معنای مالک اصلاح گر و تربیت کننده است و خالقیت خدا دلیلی بر ربوبیت و پرورش‌دهندگی اوست؛ یعنی کسی که جهان را آفریده است آن را تدبیر می‌کند و پرورش می‌دهد. این مطلب پاسخی است به مشرکان عرب که خالق بودن خدا را پذیرفته بودند، امّا بت‌ها را تدبیرگر و ربّ جهان می‌دانستند. ۴. مقصود از آفرینش انسان از عَلَق چیست؟ «علق»، در اصل به معنای چسبیدن به چیزی و آویزان شدن است؛ از این رو به زالو و خون بسته که به بدن می‌چسبند و نیز به تخمک که از اوول زن و اسپرم مرد تشکیل یافته و به دیواره‌ی رحم می‌چسبد و هم‌چون دانه‌ی توتی آویزان می‌شود و از خون آن تغذیه می‌کند، عَلَق می‌گویند. برخی مفسران معتقدند «عَلَق» به معنای صاحب علاقه است- اشاره به روح اجتماعی بشر است که پایه‌ی تمدن اوست- یا اشاره به اسپرم‌های مردان که هم‌چون زالوهای کوچکی شناور و در حرکت‌اند و یا اشاره به گل حضرت آدم که حالت چسبندگی داشت. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۱ البته مانعی ندارد که آیه به همه‌ی این معانی اشاره داشته باشد. «۱» ۵. مقصود از این جمله که خدا با «قلم» به انسان آموزش داد یا آن است که خدا علومی را به وسیله‌ی قلم به انسان آموخت و یا این که خدا نوشتن به وسیله‌ی قلم را به انسان آموخت که تمدن‌ها و علوم و فنون از همین نوشتن با قلم شروع شد. به هر حال این تعبیر قرآن به عظمت قلم ونوشتن اشاره دارد، همان‌طور که در آیات دیگر نیز، خدا به «قلم» سوگند یاد کرده است. «۲» ۶. خدا بزرگوار و ارجمند است و انسان را به وسیله‌ی قلم آموزش می‌دهد و جهل او را برطرف می‌کند. انسان علومی را از طریق وحی، فطرت، عقل وحسّ می‌آموزد و با عنایت الهی، به وسیله‌ی قلم به دیگران منتقل می‌کند و به نسل‌های آینده می‌رسد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام با دانش، قلم و خواندن آغاز می‌شود. ۲. با مطالعه در آفرینش انسان، خداشناس شوید. ۳. با مطالعه‌ی نقش قلم در آموزش بشر، خداشناس شوید. ۴. در بزرگواری خدا همین بس که جهل‌ستیز است. *** قرآن کریم در آیات ششم تا چهاردهم سوره‌ی علق به رابطه‌ی سرمایه داری با سرکشی واکنش‌های متفاوت انسان‌ها در برابر وحی و نبوت اشاره می‌کند و با یادآوری احاطه‌ی علمی خدا می‌فرماید: ۶- ۱۴. كَلَّا إِنَّ الْإِنسَـانَ لَيَطْغَى أن رَآهُ اسْتَغْنَى إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى عَبْداً إِذَا صَلَّى أَرَأَيْتَ إِن كَانَ عَلَى الْهُدَى أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى أَرَأَيْتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّى أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۲ هرگز چنین نیست؛ قطعاً انسان طغیان می‌کند؛* به خاطر این‌که خود را توانگر دید.* در واقع بازگشت (همگان) فقط به سوی پروردگار توست.* آیا دیدی کسی را که منع می‌کند،* بنده‌ای را هنگامی که نماز می‌گزارد؟!* آیا ملاحظه کردی اگر (او) بر (راه) هدایت باشد،* یا به خودنگه‌داری فرمان دهد (منع کردن او سزاوار است)؟!* آیا ملاحظه کردی اگر (او) تکذیب کند و روی برتابد (مستحق مجازات الهی نیست؟)؟!* آیا ندانسته که خدا (او را) می‌بیند؟ شأن نزول: حکایت کرده‌اند که ابوجهل قصد داشت در حال سجده‌ی نماز به پیامبر صلی الله علیه و آله جسارت کند، ولی وقتی نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله شد بین خود و پیامبر خندقی از آتش دید و عقب‌نشینی کرد. در این هنگام آیات فوق فرود آمد و حالات این فرد سرکش را تصویر کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان‌هایی هم‌چون ابوجهل که در پرتو مکتب وحی پرورش نیافته‌اند، هنگامی که خود را ثروتمند و بی‌نیاز ببینند و از دستورات الهی و قوانین سرپیچی می‌کنند، در حالی که هیچ موجودی از نعمت‌ها و امدادهای خداوند بی‌نیاز نیست؛ فقط آنان می‌پندارند و تصور می‌کنند که از خدا بی‌نیاز هستند. ۲. طبیعت ثروت و قدرت آن است که موجب سرکشی و طغیان و ستمکاری می‌شود، مگر آن که به وسیله‌ی ایمان به خدا و معاد، کنترل شود

و در مسیر صحیح و در خدمت جامعه قرار گیرد. ۳. انسان‌های سرکش بایـد بداننـد: اولًا، بازگشت آنان فقط به سوی خداست و او در رستاخیز به حساب تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۳ آنان رسیدگی کرده، کیفر سرکشی آنان را می‌دهد. ثانیاً، خدا سرکشان تکـذیب‌گر را تحت نظر دارد و همه‌ی کارهایشان را می‌بیند و ثبت می‌کند و در نهایت به حساب آنان رسیدگی می‌کند. آری؛ اگر انسان توجه کنـد که همه جا محضـر خـداست و خدا او را می‌بیند و در نهایت بازگشت او فقط به سوی خداست که داور حق است، شرم می کند و دست به گناه نمی‌آلاید و سرکشـی نمی‌کند. آری، گیرم که تو از سر گنه درگذری زان شرم که دیدی کـه چه کردم چه کنم؟! ۴. آیا بنـده‌ای که در حال نماز است و راه هدایت و تقوا می‌پوید، سزاوار منع کردن است؟ آیا بهتر نیست که این سرکشان، راه هدایت و تقوا در پیش بگیرند تا رستگار شوند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرمایه‌داری زمینه‌ساز سرکشی است. ۲. در واقع، انسان‌ها از خدا بی نیاز نیستند بلکه گاهی این‌گونه تصور می‌کنند. ۳. انسان‌های سرکش به معاد توجه کنند و دست از طغیان‌گری بردارند. ۴. متعرّض افراد نمازگزارِ هـدایت یافته و تقواپیشه نشوید. ۵. تکـذیب‌گران از حق روی برتافته، تحت نظر خدا هستند (و به حساب آنان رسیدگی می‌کنند). ۶. جهان محضـرخداست (پس در محضـر خدا گناه و سرکشـی نکنید). *** تفسیر قرآن مهر جلـد بیسـت و دوم، ص: ۲۷۴ سرکشـی، عوامـل و خطرهـای آن ۱. طغیـان مـوجب خشـم الهی می‌شـود (طـه، ۸۱)؛ ۲. طغیـان‌گری کار فرعونی است (طه، ۲۴ و ۴۳ و نازعات، ۱۷)؛ ۳. سرکشـی منتهی به دوزخ می‌شود (نبأ، ۲۲ و نازعات، ۳۷)؛ ۴. غنی دیدن خود، زمینه‌ی سرکشـی انسان است (علق، ۶)؛ ۵. قوم نوح سرکش‌ترین اقوام بودند (نجم، ۵۲)؛ ۶. طغیان عامل تکذیب (آیات الهی) است (شمس، ۱۱)؛ ۷. رها کردن انسان در حال سرکشـی، یکی از عذاب‌های الهی است (بقره، ۱۵ و انعام، ۱۱۰). راه‌کارهای مبارزه با سرکشـی ۱. پیـامبران الهی مأمور مبارزه با طغیان‌گران هسـتند (طه، ۲۴ و ۴۳ و نازعات، ۱۷)؛ ۲. تزکیه، پاک‌سازی و رشدِ نفس راه بـازگشت از طغیـان است (نازعات، ۱۷)؛ ۳. از طغیان‌گران دوری گزینیـد (نحل، ۳۶). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۵ قرآن کریم در آیات پانزدهم تا نوزدهم سوره‌ی عَلَق با یادآوری عذاب‌های رستاخیز، به سرکشان تکذیب‌گر هشدار داده، پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله را به پرهیز از آنان و نزدیکی به خدا سـفارش می‌کند و می‌فرماید: ۱۵- ۱۹. كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعاً بِالنَّاصِيَةِ* نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ* فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ* سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ* كَلَّا لَاتُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ هرگز چنین نیست؛ اگر پایان ندهد، حتماً زمـام (او را) می‌گیریم و می‌کشـیم؛* (همـان) زمام (شـخص) دروغ‌گوی خطا کار را؛* پس بایـد محفلش را فراخوانـد (تا یاری‌اش کننـد)؛* که (مـا هم) به زودی مـأموران (دوزخ) را فرا می‌خوانیم.* هرگز چنین نیست؛ او را اطـاعت مکن و سـجده نما و (به خـدا) نزدیـک شو. نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. یـادآوری عـذاب‌های رسـتاخیز و نـاتوانی افراد در آن روز، هشـدار شدیـدی اسـت به سرکشان تکـذیبگر، تا از آزار رهبر اسـلام دست بردارنـد و مانع نماز و سـجده‌ی او نشونـد. ۲. در رسـتاخیز زمام وموی سـرکشان دروغ‌گو و خطاکار را می‌گیرند و آنان را به سوی آتش می‌کشند؛ همان‌طور که در جنگ بدر پس از کشته شدن ابوجهل، سرِ او را جداکردند و بـا مـوی پیشـانی او را بر زمین کشـیدند. «۱» آری؛ سـرکشان تکـذیبگر در دنیـا و آخرت گرفتـار این‌گونه عـذاب‌ها می‌شونـد. ۳. دروغ‌گویی و خطاکاری زمینه‌ساز عذاب سـخت الهی است و افرادی که هم‌چون ابوجهل زندگی خود را با دروغ، تکذیب و گناه و خطا آلوده‌انـد، در رسـتاخیز گرفتار عذاب می‌شوند. ۴. حکایت شـده که روزی پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله در مسـجد الحرام مشـغول نماز بود، ابوجهل صدا زد: مگر من تو را از این کار منع نکردم! اما پیامبر صـلی الله علیه و آله تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۶ بر او بانگ زد و او را از خود راند. ابوجهل گفت: ای محمد! بر من بانگ می‌زنی و مرا می‌رانی؟ آیا تو نمی‌دانی که خویشاوندان و عشیره‌ی من در این سـرزمین از همه بیش‌ترند؟! «۱» در این جـا بود که آیات فوق فرود آمـد و به او هشـدار داد: در رسـتاخیز هرچه می‌خواهی بانگ بزن و خویشاونـدان و دوسـتانِ هم‌محفل خود را فراخوان تا تو را یاری کنند، ما هم مأموران دوزخ «۲» را فرا می‌خـوانیم تـا تـو را بـه سـوی آتش ببرنـد؛ و روشـن شـود که کـاری از دست تـو و دوسـتانت سـاخته نیست. ۵. سرکشان تکـذیب‌گر، هم‌چون ابوجهل، می‌خواسـتند مانع سـجده‌ی پیامبر صـلی الله علیه و آله شوند ولی خدا در این آیات به پیامبر صـلی الله

علیه و آله دستور می‌دهد برخلاف میل آنان سجده کن و به خدا تقرّب بجوی و نزدیک شو (که آنان نخواهند توانست مانع تو شوند). ۶. در این آیات یک امر و نهی خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله صادر شده است: الف) از مخالفان سرکش پیروی مکن! (بلکه فقط از خدا اطاعت کن). ب) با عبادت و سجده به خدا نزدیکی و تقرّب‌جوی! ۷. «سجده» باعث نزدیکی انسان به خدا می‌شود. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که نزدیک‌ترین حالت بنده به خدا هنگامی است که در سجده باشد. «۳» ۸. در روایات اهل بیت علیهم السلام روایت شده که چهار سوره‌ی قرآن سجده‌ی واجب دارد: «فصلت»، «نجم»، «سجده» و «علق»؛ یعنی هنگامی که آیه‌ی آخر سوره‌ی علق خوانده شد، لازم است خواننده و شنونده سجده کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرکشان ضد دین، منتظر عذاب خوارکننده‌ای باشند. ۲. دروغ‌گویی و خطاکاری زمینه‌ساز عذاب الهی است. ۳. سرکشان تکذیبگر، در رستاخیز تنها می‌مانند و کسی به فریاد آنان نمی‌رسد. ۴. نباید از طغیانگران اطاعت کنید (بلکه فقط از خدا اطاعت کنید). ۵. با سجده (و عبادت) به خدا نزدیک شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۷۹

بخش بیستم: سوره‌ی قدر

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «قدر» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۵ آیه، ۳۰ کلمه و ۱۱۲ حرف است. این سوره بیست و چهارمین سوره در ترتیب نزول (قبل از سوره‌ی «شمس» و بعد از سوره‌ی «عبس») و نود و هفتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «قَدْر» (اندازه‌گیری) و «انّا انزلناه» (ما آن را نازل کردیم) که هر دو نام از آیه‌ی اول سوره گرفته شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۰

فضیلت

فضیلت: در مورد ثواب قرائت سوره‌ی «قدر» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس آن (سوره‌ی قدر) را بخواند، مانند کسی است که ماه رمضان را روزه گرفته و شب قدر را احیا داشته است. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسی است که سوره‌ی «قدر» را بخواند و در قرآن تفکر و در راستای محتوای آن حرکت کند؛ یعنی به عظمت قرآن پی ببرد و آن را قانون زندگی خویش قرار دهد.

اهداف

اهداف: محور اصلی این سوره، نزول قرآن در شب قدر و بیان اهمیت آن شبِ اندازه‌زنی است.

مطالب

مطالب: ۱. اشاره‌ای به تعیین سرنوشت انسان در شب قدر (در آیه‌ی ۴)؛ ۲. بیان نزول فرشتگان و روح در شب قدر (در آیه‌ی ۴). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۱

دوم

خداونـد در سـوره‌ی قـدر به نزول قرآن در شب قـدر و اهمیت آن شب و نزول فرشـتگان و انـدازه‌زنی امور در آن اشـاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۱- ۵. إِنَّا انزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِْ الْقَدْرِ* وَمَا أَدْرَاکَ مَا لَیْلَهُْ الْقَدْرِ* لَیْلَهُْ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَ لْفِ شَهْرٍ* تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُْ وَالرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِن کُلِّ أَمْرٍ* سَلَامٌ هِیَ حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ در حقیقت، ما آن (قرآن) را در شب قدر (: اندازه زدن) فرو فرستادیم.* و چه چیز تو را آگاه کرد که شب قدر چیست؟!* شب قدر بهتر از هزار ماه است!* فرشـتگان و روح در آن (شب)، به رخصت پروردگارشان، از برای (انـدازه زدن) هر کاری فرود می‌آینـد.* آن (شب) تا طلوع سپیده‌دم، سـلامت است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات متعددی از نزول قرآن سخن گفته شده است؛ مثلًا در سوره‌ی «بقره» به نزول قرآن در ماه رمضان؛ «۱» در سوره‌ی «دخان» به نزول قرآن در شب با برکتی که در آن شب، هر امری طبق حکمت الهی تنظیم و جدا می‌شود؛ «۲» و در این سوره به نزول قرآن در شب قدر اشاره شده که فرشـتگان و روح در آن شب فرود می‌آینـد و امور بنـدگان را تنظیم می‌کنند. از مجموع این آیات اسـتفاده می‌شود: تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۲ الف) قرآن در شب نازل شده است؛ ب) آن شب در ماه رمضان است؛ ج) شب نزول قرآن، شبی با برکت است؛ د) در آن شب، تقـدیرات امـور مردم تعیین می‌شـود. ۲. چرا به شب نزول قرآن، شب قـدر می‌گوینـد؟ مفسـران در این مورد چند احتمال داده‌اند: الف) واژه‌ی «قدر» یا به معنای «اندازه زنی» است و به این شب از آن رو قدر گویند که در آن شب، امور مردم اندازه زده می‌شود و تعیین می‌گردد؛ ب) قدر به معنای شـرافت و عظمت است و از آن جهت به آن شب قدر گفته می‌شود که شبی با عظمت و عظیم القـدر است؛ ج) آن شب را بـدن جهت قـدر نامنـد که قرآن با تمام قـدر و منزلتش در آن شب نازل شده، یا مقـدّر شـده که قرآن در آن شب نازل شود؛ د) شب قـدر از آن جهت قـدر است که هر کس آن شب را بیـدار بماند صاحب قدر و منزلت معنوی می‌شود؛ ه) شب قـدر شبی است که عرصه‌ی زمین به خـاطر نزول فرشـتگان زیـادی بر آن، تنـگ می‌شود. البته مـانعی ندارد که آیات فوق به همه‌ی این معانی اشاره داشته باشد؛ هر چند تفسـیر اول مشهورتر است. «۱» ۳. در این آیات از چند جهت به عظمت شب قـدر اشـاره شـده است: الف) شب قـدر ظرف نزول قرآن است؛ ب) به پیـامبر می‌فرمایـد: چه چیزی تو را آگاه کرد که شب قدر چیست؟! ج) شب قدر از هزار ماه برتر است؛ د) شب قدر شب نزول فرشـتگان و روح است؛ تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۳ ه) شـب قـدر شب سـلامت، رحمت و برکت است. ۴. آیـا به طور دقیق مشـخص شـده که شب قـدر چه شبی از ماه مبارك رمضان است؟ در احادیث اسـلامی روایت شده که بارها از پیامبر صـلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السـلام «۱» در این مورد سؤال شـده است؛ امـا آنان با این که از زمان آن شب اطلاع داشـتند ولی مصـلحت ندیدنـد که آن شب را دقیقاً مشـخص سازنـد، تا مردم در شب‌های متعدد، به بیداری و دعا و عبادت بپردازند. پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله همه‌ی شب‌ها دهه‌ی آخر ماه مبارک رمضان را بیـدار می‌مانـد و عبادت می‌کرد. در حـدیثی از امام صادق علیه السـلام روایت شـده که تقـدیر کارها در شب نوزدهم، و استوار شدن آنها در شب بیست و یکم، و امضای آنها در شب بیست و سوم است. «۲» و در حدیث دیگری از ایشان روایت شده که شب قـدر، شب بیست و یکم یـا شب بیست و سوم است. و در برابر اصـرار راوی در مورد تعیین آن شب، فرمود: چه آسـان است دو شـب برای آنچه می‌خـواهی!. «۳» از احـادیث دیگر نیز اسـتفاده می‌شـود کـه اهـل بیـت علیه السـلام برای شب بیست و سـوم اهمیت ویژه‌ای قایل بودند و حتی با حال بیمار به مسجد می‌رفتند و کودکان خود را بیدار نگاه می‌داشتند. در روایت جُهنی روایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۴ پیامبر صـلی الله علیه و آله برای مردی که نمی‌توانست به مدینه بیاید شب بیست و سوم را مشـخص کردند. «۱» ۵. این آیـات یـادآور عظمت قرآن نیز هست، بـدین صورت که اولًا، قرآن در ظرف زمانی بزرگی هم‌چون شب قـدر نازل شـده است. ثانیاً، خـدا قرآن را نازل کرده، از این رو با تعبیر «ما»، که دلالت بر عظمت دارد از آن یاد کرده است. ۶. تعبیر «انـا انزلنـاه» که جمع است، ممکن است اشـاره به عظمت باشـد، همان‌طور که بزرگان می‌گوینـد: «ما این کار را می‌کنیم.» و یا اشاره به آن باشـد که به وسیله‌ی فرشـتگان قرآن را نازل کرده است؛ یعنی خـدا همراه با فرشـتگان، نازل کننده‌ی قرآن است. ۷. در این جا این پرسـش مطرح است که مقصود از نزول قرآن در شب قدر چیست؟ مفسـران قرآن به این پرسـش دو گونه پاسخ داده‌اند:

الف) با توجه به نزول تـدریجی قرآن در طول ۲۳ سال بر پیامبر صـلی الله علیه و آله، آغاز نزول قرآن در شب قـدر بوده، و در طول عمر پیـامبر صـلی الله علیه و آله، این نزول ادامه داشـته است. «۲» ب) قرآن دو نزول، دفعی و تـدریجی، داشـته است. نزول دفعی در شب قدر به یکباره بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله یا جای دیگر نازل شده است و نزول تدریجی در طول ۲۳ سال. «۳» تفسیر قرآن مهر جلـد بیسـت و دوم، ص: ۲۸۵ البته مـانعی نـدارد که سورهی «فوق»، اشـاره به هر دو مطلب باشـد؛ یعنی نزول دفعی وآغـاز نزول تدریجی، هر دو در شب قدر باشد، ولی تفسیر اول مناسب‌تر است. «۱» ۸. نزول قرآن و فرشتگان، به معنای نزول مکانی نیست، بلکه نزول مقامی و وجودی است؛ یعنی آنها از مقام و مراتب عالی وجود، از نزد خـدا به مراتب پایین‌تر می‌آیند تا به انسان نزدیک شوند و قرآن برای انسان قابل فهم شود. ۹. فرشتگان و روح، در شب قدر فرود می‌آیند «۲» و مقدّرات امور را مشخص می‌سازند. البته این بـدان معنا نیست که بر سـرنوشت انسان جبر حاکم است و انسان آزادی اراده ندارد، بلکه از طرفی تقدیر الهی بر اساس شایستگی و لیـاقت افراد است، یعنی زمینه سـازی این مقـدّرات، به دست خود انسـان است و از طرف دیگر، برخی از این مقـدّرات، غیر حتمی و قابل تغییر است و انسان می‌توانـد در مقام تحقق امور، با انتخاب خود، سـرنوشت دیگری برای خود رقم زند؛ «۳» هر شب، قدر است اگر قدر بدانی. ۱۰. مقصود از «روح» در این سوره کیست؟ مفسـران در این مورد اختلاف نظر دارنـد: برخی روح را همان «جبرئیل» دانسته‌اند و برخی نیز آن را به «وحی» الهی تفسیر کرده‌اند؛ و در برخی احادیث نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده که روح، مخلوقی است بزرگ‌تر از فرشتگان. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۶ ۱۱. شب قدر، شبی آکنده از سـلام است و تا طلوع سپیـده دم این سـلام ادامه دارد. مقصود از «سـلام»، همـان سـلامتی و خیر و برکت است که در شب قـدر با نزول فرشـتگان بر مردم فرو می‌بارد و یا سـلام فرشتگان به هم‌دیگر و به مؤمنان و یا سلام فرشتگان بر پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان معصوم آن حضرت است. البته مانعی ندارد که همه‌ی این معانی مقصود آیه باشد، و اطلاق «سلام» به جای «سالم»، نوعی تأکید است؛ یعنی آن شب عین سـلام، سـلامتی و برکت است. ۱۲. در داسـتان ابراهیم علیه السـلام آمده است که فرشـتگان بر او سـلام کردند (هود، ۶۹) می‌گوینـد: از این سـلام فرشـتگان، لـذتی به ابراهیم علیه السـلام رسـید که از تمام دنیا برتر بود و نیز از سـلام فرشـتگان بر او، آتش برایش گلستان شد. حال اگر در شب قدر فرشتگان بر مردم سلام کنند و حقیقت آن درک شود، چه لذت و برکتی خواهد داشت؟! «۱» شب قـدری چنین عزیز و شـریف بـا تو تا روز خفتم هوس است حافظ ۱۳. شب قـدر از هزار ماه (حدود هشـتاد سال) برتر است؛ یعنی اگر کسی یک شب قدر بیدار بماند و عبادت کند، رحمت الهی و برکاتی بر او نازل می‌شود که از یک عمر او بلکه از هزاران ماه برتر است. «۲» آری؛ در آن شب مقدّرات انسان مشـخص می‌شود، یعنی هر گونه توبه، خودسازی و دعا در سرنوشت و مقدرات آینده‌ی انسان مؤثر است، همان‌طور که قرآن که تعیین کننده‌ی خط سـعادت انسان است، باید در شب قدر نازل شود که سرنوشـت انسان را تعیین کنـد و شاید همین راز ارتباط شب قدر با نزول قرآن در آن شب باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۷ به عبارت دیگر، شب قدر به جهت نزول قرآن و اندازه‌زنی مقدرات در آن شب، فضـیلتی مضاعف دارد که برای آن شب واقع شده است، همان‌طور که شـهادت مولی علی علیه السـلام به شب بیست و یکم، فضیلتی دیگر بخشیده است. چه مبارک سحری بود و چه فرخنـده شبی آن شب قدر که این تازه براتم دادند حافظ ۱۴. در این جا پرسشـی که مطرح است این که با توجه به اختلاف طلوع و غروب خورشـید و تفـاوت شب و روز در مناطق مختلف کره‌ی زمین، شب قـدر آنها چگونه است؟ پاسـخ آن است که، شبِ کره‌ی زمیـن در حقیقت ۲۴ سـاعت است که سـایه‌ی زمین یـک دور می‌چرخـد و نیم کره‌ی آن را تاریک می‌سازد. بنابراین، شب قـدر ۲۴ ساعت است «۱» و از این رو حکایت شـده که عظمت روز قـدر کم‌تر از شب قـدر نیست. ۱۵. شب قـدر، اوج مهمانی الهی و قرآن سفره‌ی اوست. امـام خمینی رحمه الله می‌فرماینـد: میهمانی خـدا، مهمانی ای که در آن جا سـفره‌ای که پهن کرده است، قرآن مجید اسـت و محلی کـه در آن جـا ضـیافت می‌کنـد مهمش «لیلـهٔ القـدر» اسـت ... نفـوس را از روز اول مـاه مبـارک رمضـان به روزه، به مجاهده، به ادعیه مهیا می‌کند تا برسـند به آن سـفره‌ای که از آن باید اسـتفاده کنند و آن لیلهٔ القدر است که قرآن در آن نازل شده

است. این ضیافت الهی انسان را منقلب باید بکند از این جهت حیوانی به تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۸ آن جهت واقعی انسانی؛ از ظلمت‌هایی که اطلاع به آن داریم منقلب کنند انسان را، به آن نورهایی و آن نورها و نور مطلقی که همه‌ی عالم تبع اوست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن با عظمت در شبی عظیم القدر نازل شده است (آن را بشناسید و پاس دارید). ۲. درک عظمت شب قدر، برای هر کس میسّر نیست. ۳. شب قدر، شب تعیین مقدّرات امور است (پس با شب زنده داری، توبه و دعا زمینه‌ساز مقدّرات نیکویی برای خود باشید). ۴. فرشتگان و روح، در شب قدر نازل می‌شوند و آن شب آکنده از سلامتی، خیر و برکت می‌گردد (پس بیدار باشید و از این برکات استفاده کنید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۹

بخش بیست و یک: سوره‌ی بینه

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «قدر» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۵ آیه، ۳۰ کلمه و ۱۱۲ حرف است. این سوره بیست و چهارمین سوره در ترتیب نزول (قبل از سوره‌ی «شمس» و بعد از سوره‌ی «عبس») و نود و هفتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «قَدْر» (اندازه‌گیری) و «انّا انزلناه» (ما آن را نازل کردیم) که هر دو نام از آیه‌ی اول سوره گرفته شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۰

فضیلت

فضیلت: در مورد ثواب قرائت سوره‌ی «قدر» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس آن (سوره‌ی قدر) را بخواند، مانند کسی است که ماه رمضان را روزه گرفته و شب قدر را احیا داشته است. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسی است که سوره‌ی «قدر» را بخواند و در قرآن تفکر و در راستای محتوای آن حرکت کند؛ یعنی به عظمت قرآن پی ببرد و آن را قانون زندگی خویش قرار دهد.

اهداف

اهداف: محور اصلی این سوره، نزول قرآن در شب قدر و بیان اهمیت آن شبِ اندازه‌زنی است.

مطالب

مطالب: ۱. اشاره‌ای به تعیین سرنوشت انسان در شب قدر (در آیه‌ی ۴)؛ ۲. بیان نزول فرشتگان و روح در شب قدر (در آیه‌ی ۴). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۱

دوم

خداوند در سوره‌ی قدر به نزول قرآن در شب قدر و اهمیت آن شب و نزول فرشتگان و اندازه‌زنی امور در آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۵. إِنَّا انزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِٔ الْقَدْرِ* وَمَا أَدْرَاکَ مَا لَیْلَهُٔ الْقَدْرِ* لَیْلَهُٔ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ* تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُٔ وَالرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِن کُلِّ أَمْرٍ* سَلَامٌ هِیَ حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ در حقیقت، ما آن (قرآن) را در شب قدر (: اندازه زدن) فرو فرستادیم.* و چه چیز تو

را آگاه کرد که شب قدر چیست؟!* شب قدر بهتر از هزار ماه است!* فرشتگان و روح در آن (شب)، به رخصت پروردگارشان، از برای (اندازه زدن) هر کاری فرود می‌آیند.* آن (شب) تا طلوع سپیده‌دم، سلامت است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات متعددی از نزول قرآن سخن گفته شده است؛ مثلًا در سوره‌ی «بقره» به نزول قرآن در ماه رمضان؛ «۱» در سوره‌ی «دخان» به نزول قرآن در شب با برکتی که در آن شب، هر امری طبق حکمت الهی تنظیم و جدا می‌شود؛ «۲» و در این سوره به نزول قرآن در شب قدر اشاره شده که فرشتگان و روح در آن شب فرود می‌آیند و امور بندگان را تنظیم می‌کنند. از مجموع این آیات استفاده می‌شود: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۲ الف) قرآن در شب نازل شده است؛ ب) آن شب در ماه رمضان است؛ ج) شب نزول قرآن، شبی با برکت است؛ د) در آن شب، تقدیرات امور مردم تعیین می‌شود. ۲. چرا به شب نزول قرآن، شب قدر می‌گویند؟ مفسران در این مورد چند احتمال داده‌اند: الف) واژه‌ی «قدر» یا به معنای «اندازه زنی» است و به این شب از آن رو قدر گویند که در آن شب، امور مردم اندازه زده می‌شود و تعیین می‌گردد؛ ب) قدر به معنای شرافت و عظمت است و از آن جهت به آن شب قدر گفته می‌شود که شبی با عظمت و عظیم القدر است؛ ج) آن شب را بدن جهت قدر نامند که قرآن با تمام قدر و منزلتش در آن شب نازل شده، یا مقدّر شده که قرآن در آن شب نازل شود؛ د) شب قدر از آن جهت قدر است که هر کس آن شب را بیدار بماند صاحب قدر و منزلت معنوی می‌شود؛ ه) شب قدر شبی است که عرصه‌ی زمین به خاطر نزول فرشتگان زیادی بر آن، تنگ می‌شود. البته مانعی ندارد که آیات فوق به همه‌ی این معانی اشاره داشته باشد؛ هر چند تفسیر اول مشهورتر است. «۱» ۳. در این آیات از چند جهت به عظمت شب قدر اشاره شده است: الف) شب قدر ظرف نزول قرآن است؛ ب) به پیامبر می‌فرماید: چه چیزی تو را آگاه کرد که شب قدر چیست؟! ج) شب قدر از هزار ماه برتر است؛ د) شب قدر شب نزول فرشتگان و روح است؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۳ ه) شب قدر شب سلامت، رحمت و برکت است. ۴. آیا به طور دقیق مشخص شده که شب قدر چه شبی از ماه مبارک رمضان است؟ در احادیث اسلامی روایت شده که بارها از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام «۱» در این مورد سؤال شده است؛ اما آنان با این که از زمان آن شب اطلاع داشتند ولی مصلحت ندیدند که آن شب را دقیقاً مشخص سازند، تا مردم در شب‌های متعدد، به بیداری و دعا و عبادت بپردازند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همه‌ی شب‌ها دهه‌ی آخر ماه مبارک رمضان را بیدار می‌ماند و عبادت می‌کرد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که تقدیر کارها در شب نوزدهم، و استوار شدن آنها در شب بیست و یکم، و امضای آنها در شب بیست و سوم است. «۲» و در حدیث دیگری از ایشان روایت شده که شب قدر، شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است. و در برابر اصرار راوی در مورد تعیین آن شب، فرمود: چه آسان است دو شب برای آنچه می‌خواهی!. «۳» از احادیث دیگر نیز استفاده می‌شود که اهل بیت علیه السلام برای شب بیست و سوم اهمیت ویژه‌ای قایل بودند و حتی با حال بیمار به مسجد می‌رفتند و کودکان خود را بیدار نگاه می‌داشتند. در روایت جُهنی روایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۴ پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردی که نمی‌توانست به مدینه بیاید شب بیست و سوم را مشخص کردند. «۱» ۵. این آیات یادآور عظمت قرآن نیز هست، بدین صورت که اولًا، قرآن در ظرف زمانی بزرگی هم‌چون شب قدر نازل شده است. ثانیاً، خدا قرآن را نازل کرده، از این رو با تعبیر «ما»، که دلالت بر عظمت دارد از آن یاد کرده است. ۶. تعبیر «انا انزلناه» که جمع است، ممکن است اشاره به عظمت باشد، همان‌طور که بزرگان می‌گویند: «ما این کار را می‌کنیم.» و یا اشاره به آن باشد که به وسیله‌ی فرشتگان قرآن را نازل کرده است؛ یعنی خدا همراه با فرشتگان، نازل کننده‌ی قرآن است. ۷. در این جا این پرسش مطرح است که مقصود از نزول قرآن در شب قدر چیست؟ مفسران قرآن به این پرسش دو گونه پاسخ داده‌اند: الف) با توجه به نزول تدریجی قرآن در طول ۲۳ سال بر پیامبر صلی الله علیه و آله، آغاز نزول قرآن در شب قدر بوده، و در طول عمر پیامبر صلی الله علیه و آله، این نزول ادامه داشته است. «۲» ب) قرآن دو نزول، دفعی و تدریجی، داشته است. نزول دفعی در شب قدر به یکباره بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله یا جای دیگر نازل شده است و نزول تدریجی در طول ۲۳ سال. «۳» تفسیر قرآن

مهر جلـد بیسـت و دوم، ص: ۲۸۵ البته مـانعی نـدارد که سوره‌ی «فوق»، اشـاره به هر دو مطلب باشـد؛ یعنی نزول دفعی وآغـاز نزول تدریجی، هر دو در شب قدر باشد، ولی تفسیر اول مناسب‌تر است. «۱» ۸. نزول قرآن و فرشتگان، به معنای نزول مکانی نیست، بلکه نزول مقامی و وجودی است؛ یعنی آنها از مقام و مراتب عالی وجود، از نزد خـدا به مراتب پایین‌تر می‌آیند تا به انسان نزدیک شوند و قرآن برای انسان قابل فهم شود. ۹. فرشتگان و روح، در شب قدر فرود می‌آیند «۲» و مقدّرات امور را مشخص می‌سازند. البته این بـدان معنا نیست که بر سـرنوشت انسان جبر حاکم است و انسان آزادی اراده ندارد، بلکه از طرفی تقدیر الهی بر اساس شایسـتگی و لیـاقت افراد است، یعنی زمینه سـازی این مقـدّرات، به دست خود انسـان است و از طرف دیگر، برخی از این مقـدّرات، غیر حتمی و قابل تغییر است و انسان می‌توانـد در مقام تحقق امور، با انتخاب خود، سـرنوشت دیگری برای خود رقم زند؛ «۳» هر شب، قدر است اگر قدر بدانی. ۱۰. مقصود از «روح» در این سوره کیست؟ مفسـران در این مورد اختلاف نظر دارنـد: برخی روح را همان «جبرئیل» دانسته‌اند و برخی نیز آن را به «وحی» الهی تفسیر کرده‌اند؛ و در برخی احادیث نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده که روح، مخلوقی است بزرگ‌تر از فرشتگان. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۶ ۱۱. شب قدر، شبی آکنده از سـلام است و تا طلوع سپیـده دم این سـلام ادامه دارد. مقصود از «سـلام»، همـان سـلامتی و خیر و برکت است که در شب قـدر با نزول فرشـتگان بر مردم فرو می‌بارد و یا سـلام فرشتگان به هم‌دیگر و به مؤمنان و یا سلام فرشتگان بر پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان معصوم آن حضرت است. البته مانعی ندارد که همه‌ی این معانی مقصود آیه باشد، و اطلاق «سلام» به جای «سالم»، نوعی تأکید است؛ یعنی آن شب عین سـلام، سـلامتی و برکت است. ۱۲. در داسـتان ابراهیم علیه السـلام آمده است که فرشـتگان بر او سـلام کردند (هود، ۶۹) می‌گوینـد: از این سـلام فرشـتگان، لـذتی به ابراهیم علیه السـلام رسیـد که از تمام دنیا برتر بود و نیز از سـلام فرشـتگان بر او، آتش برایش گلستان شد. حال اگر در شب قدر فرشتگان بر مردم سلام کنند و حقیقت آن درک شود، چه لذت و برکتی خواهد داشت؟! «۱» شب قـدری چنین عزیز و شـریف بـا تو تا روز خفتم هوس است حافظ ۱۳. شب قـدر از هزار ماه (حدود هشـتاد سال) برتر است؛ یعنی اگر کسی یک شب قدر بیدار بماند و عبادت کند، رحمت الهی و برکاتی بر او نازل می‌شود که از یک عمر او بلکه از هزاران ماه برتر است. «۲» آری؛ در آن شب مقدّرات انسان مشـخص می‌شود، یعنی هر گونه توبه، خودسازی و دعا در سرنوشت و مقدرات آینده‌ی انسان مؤثر است، همان‌طور که قرآن که تعیین کننده‌ی خط سـعادت انسان است، باید در شب قدر نازل شود که سرنوشـت انسان را تعیین کنـد و شاید همین راز ارتباط شب قدر با نزول قرآن در آن شب باشد. تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۷ به عبارت دیگر، شب قدر به جهت نزول قرآن و اندازه‌زنی مقدرات در آن شب، فضـیلتی مضاعف دارد که برای آن شب واقع شده است، همان‌طور که شـهادت مولی علی علیه السـلام به شب بیست و یکم، فضیلتی دیگر بخشیده است. چه مبارک سحری بود و چه فرخنـده شبی آن شب قدر که این تازه براتم دادند حافظ ۱۴. در این جا پرسشـی که مطرح است این که با توجه به اختلاف طلوع و غروب خورشـید و تفـاوت شب و روز در مناطق مختلف کره‌ی زمین، شب قـدر آنها چگونه است؟ پاسـخ آن است که، شبِ کره‌ی زمیـن در حقیقت ۲۴ سـاعت است که سـایه‌ی زمین یـک دور می‌چرخـد و نیم‌کره‌ی آن را تاریک می‌سازد. بنابراین، شب قـدر ۲۴ ساعت است «۱» و از این رو حکایت شـده که عظمت روز قـدر کم‌تر از شب قـدر نیست. ۱۵. شب قـدر، اوج مهمانی الهی و قرآن سفره‌ی اوست. امـام خمینی رحمه الله می‌فرماینـد: میهمانی خـدا، مهمانی ای که در آن جا سـفره‌ای که پهن کرده است، قرآن مجید اسـت و محلی کـه در آن جـا ضـیافت می‌کنـد مهمش «لیلـهٔ القـدر» اسـت ... نفـوس را از روز اول مـاه مبـارک رمضـان به روزه، به مجاهده، به ادعیه مهیا می‌کند تا برسـند به آن سـفره‌ای که از آن باید اسـتفاده کنند و آن لیلهٔ القدر است که قرآن در آن نازل شده است. این ضـیافت الهی انسان را منقلب بایـد بکنـد از این جهت حیوانی به تفسـیر قرآن مهر جلـد بیست و دوم، ص: ۲۸۸ آن جهت واقعی انسـانی؛ از ظلمت‌هـایی که اطلاع به آن داریم منقلب کننـد انسان را، به آن نورهایی و آن نورها و نور مطلقی که همه‌ی عالم تبع اوست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن با عظمت در شبی عظیم القـدر نازل شـده است (آن را بشناسـید و پاس دارید). ۲. درک

عظمت شب قدر، برای هر کس میسّر نیست. ۳. شب قدر، شب تعیین مقدّرات امور است (پس با شب زنده داری، توبه و دعا زمینه‌ساز مقدّرات نیکویی برای خود باشید). ۴. فرشتگان و روح، در شب قدر نازل می‌شوند و آن شب آکنده از سلامتی، خیر و برکت می گردد (پس بیدار باشید و از این برکات استفاده کنید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۲۸۹

بخش بیست و دوم: سوره‌ی زلزال

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «زلزال» در مدینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده «۱» و دارای ۸ آیه، ۳۵ کلمه و ۱۴۹ حرف است. این سوره نود و دومین سوره در ترتیب نزول و نود و نهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «زِلزال» و «زلزله» (لرزش) که هر دو نام از آیه‌ی اول سوره گرفته شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۰

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «زلزال» را بخواند همانند آن است که سوره‌ی «بقره» را خوانده، و پاداش کسی را دارد که یک چهارم قرآن را قرائت کرده باشد. «۱» البته روشن است که این پاداش‌ها برای کسانی است که سوره را بخوانند و در آن تفکّر و در راستای محتوای آن حرکت کنند.

اهداف

اهداف: مهم‌ترین هدف این سوره یادآوری رستاخیز است.

مطالب

مطالب: ۱. اشاره‌ای به حوادث آستانه‌ی رستاخیز (در آیات ۱- ۳)؛ ۲. اشاره‌ای به گواهی زمین (در آیه‌ی ۴)؛ ۳. بیان تجسّم اعمال در رستاخیز (در آیه‌ی ۴)؛ ۴. بیان رسیدگی دقیق به اعمال نیک و بد (در آیات ۷ و ۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۱

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی زلزال قرآن کریم در آیات اول تا پنجم سوره‌ی زلزال به حوادث وحشتناک آستانه‌ی رستاخیز و گواهی زمین در آن روز اشاره می کند و می‌فرماید: ۱- ۵. إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا* وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا* وَقَالَ الْإِنسَانُ مَا لَهَا* يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا* بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا هنگامی که زمین با لرزشش به لرزه درآورده شود،* و زمین (بار) گرانبارش را بیرون آورد،* و انسان می گوید: «آن (زمین) را چه شده؟!»،* در آن روز، آن (زمین) خبرهایش را می گوید؛* به خاطر این که پروردگارت بدان وحی (: الهام) کرده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به رستاخیز و حوادث وحشتناک آستانه‌ی آن، مثل لرزیدن زمین، متلاشی شدن کوه‌ها و در هم ریختن نظام فعلی جهان به نفخ صور اول، یعنی حوادث پایانی جهان کنونی اشاره شده است؛ «۱» و در آیات پایانی، به نفخه‌ی دوم، یعنی آغاز روز رستاخیز و حضور مردم در آن صحنه برای حساب‌رسی اشاره می‌شود. ۲. مقصود از

زلزله‌ی رستاخیز، لرزش همه‌ی زمین است که مثل برخی زمین لرزه‌های معمولی مقطعی و موضعی نیست. ۳. منظور از بیرون ریختن بارهای سنگین زمین چیست؟ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۲ مفسران قرآن در این مورد چند احتمال داده‌اند: الف) منظور بیرون آمدن مواد مذاب درون زمین است که در هنگام آتشفشان مقداری از آن‌ها و در آستانه‌ی رستاخیز همه‌ی آنها به بیرون پرتاب می‌شوند. ب) مقصود بیرون ریختن گنج‌های درون زمین است که مایه‌ی حسرت دنیاپرستان می‌شود؛ ج) منظور مردگانی هستند که با زلزله‌ی رستاخیز، از درون قبرها به خارج پرتاب می‌شوند. البته مانعی ندارد که آیه به هر سه معنا اشاره داشته باشد. ۴. هنگام حوادث آستانه‌ی رستاخیز، انسان‌های (مؤمن و کافر) به سخن می‌آینـد و با تعجب می‌گویند: زمین را چه شده که این‌گونه می‌لرزد و مواد خود را بیرون می‌ریزد. آری؛ این زمین که تـا دیروز آرام بود، در رستاخیز به نهادِ ناآرامی تبدیل می‌شود که همه را به وحشت می‌اندازد. چون برآیـد آفتاب رستخیز برجهند از خاک خوب و زشت، تیز ۵. مقصود از سخن گفتن زمین و بیان اخبار آن چیست؟ الف) زمین به فرمان الهی زبان می‌گشاید و سخن می‌گوید و اسرار اعمال نیک و بد انسان‌ها را آشکار می‌سازد. ب) آثار اعمال انسان‌ها بر صفحه‌ی زمین ظاهر می‌شود. اگرچه این آثار امروز برای ما محسوس نیست، ولی همانند اثر انگشت انسان که باقی می‌ماند، آثار صوتی، تصویری و مانند آنها نیز در زمین باقی می‌مانند و در رستاخیز نمایان می‌شوند. ۶. در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که زمین در مورد تمام کارهای نیک و بد انسان‌ها گواهی می‌دهد و حتی روز آن را دقیقاً مشخص می‌سازد! «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۳ و در برخی احادیث از امام علی علیه السلام روایت شده که در قسمت‌های مختلف زمین نمازگزارید، زیرا در رستاخیز هر قطعه‌ی زمین برای کسی که روی آن نماز خوانده گواهی می‌دهد. «۱» ۷. در این آیات بیان شده که خدا به زمین وحی می‌کند که اسرار را آشکار کند و یا بارهای گرانبار خود را بیرون ریزد. مقصود از این وحی، همان الهام تکوینی به زمین است؛ یعنی خدا به زمین اشاره می‌کند و فرمان می‌دهد که این کارها را انجام دهد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز با حوادث دهشتناکی آغاز می‌شود که انسان‌ها را به شگفت می‌آورد! (پس برای آن روز آماده شوید). ۲. یکی از گواهان رستاخیز زمین است، که اسرار را آشکار می‌کند (و از اعمال شما خبر می‌دهد، پس مراقب اعمال خود باشید). ۳. زمین گوش به فرمان وحی خداست. *** قرآن کریم در آیات ششم تا هشتم سوره‌ی زلزال تجسّم اعمال و حساب‌رسی دقیق اعمال انسان‌ها را یادآور می‌شود و می‌فرماید: ۶- ۸. يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتاً لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ* فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ* وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرّاً يَرَهُ در آن روز، مردم (از قبرها به صورت گروه‌های) جداگانه بازمی‌آیند تا اعمالشان به آنان نشان داده شود.* پس کسی که هم وزنِ ذرّه‌ای (کار) نیک انجام دهد، آن را می‌بیند.* و کسی که هم وزنِ ذرّه‌ای (کار) بد انجام دهد، آن را می‌بیند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در روز رستاخیز مردم جداگانه و گروه گروه جهت رسیدگی به اعمالشان وارد صحنه‌ی محشر می‌شوند؛ یعنی مؤمنان، کافران و و اهل هر مذهب جداگانه وارد صحنه می‌شوند؛ یا این که گروهی سعادتمند و شاد، و گروهی شقاوتمند و ناراحت، به محشر گام می‌نهند؛ و یا این که هر امتی به همراه رهبر خویش می‌آید. «۱» ۲. مردم هنگام ورود به صحنه‌ی محشر، به صورت انبوه و هیجان زده‌اند؛ یعنی هنگام برخاستن از قبرها، و یا هنگام حرکت به سوی بهشت و دوزخ به صورت گروه‌هایی هیجان زده‌اند. «۲» ۳. مقصود از مشاهده‌ی اعمال در رستاخیز چیست؟ مفسران قرآن به این پرسش پاسخ‌های متعددی داده‌اند، از جمله این که: منظور مشاهده‌ی خود اعمال یعنی تجسّم اعمال است؛ و یا این که منظور مشاهده‌ی نامه‌ی اعمال، یا جزای اعمال و یا مشاهده‌ی باطنی و شناخت چگونگی اعمال است. البته مانعی ندارد که همه‌ی این معانی مقصود آیه باشد، امّا تجسّم اعمال با ظاهر آیه سازگارتر است، «۳» و آیات بعدی نیز شاهد همین مطلب است. در کفش بنهند نامه‌ی نجل وجود فسق و تقوا آنچه او خود کرده بود مولوی ۴. اعمال نیک و بد انسان‌ها اگر به اندازه‌ی ذرّه‌ای هم‌چون اتم هم باشد، «۴» در رستاخیز تجسّم می‌یابد و مشاهده می‌شود و کیفر و آثارش به تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۵ صاحبش می‌رسد. آری؛ در حساب‌رسی خدا، و ترازوی سنجش اعمال در رستاخیز، همه چیز به حساب می‌آید و

کوچک و بزرگ نـدارد. ۵. برخی مفسـران نوشته‌اند: در زمانی که برخی یاران پیامبر صـلی الله علیه و آله نسبت به بخشـش اموال انـدک، بی‌اعتنا بودنـد و می‌گفتنـد: پاداش به چیزهایی داده می‌شود که ما دوست داریم و چیزهای کوچک مورد علاقه‌ی ما نیست (پس پـاداش نـدارد.) و نیز به گناهـان کوچـک بی‌اعتنا بودنـد، آیات فوق فرود آمـد و در مورد کارهای بـدِ کوچک هشـدار داد و نسبت به کارهـای نیکِ کوچک تشویق کرد. ۶. روایت شـده: «مردی خـدمت پیامبر صـلی الله علیه و آله آمـد و آموزش علوم الهی درخواست کرد، پیامبر از یکی از یارانش خواست که به وی قرآن تعلیم دهـد، و او سوره‌ی زلزال را به وی آموزش داد. بعـد از آن، مرد از جـا برخـاست و گفت: همین برای من کافی است. پیامبر صـلی الله علیه و آله فرمود: «او فقیه شـد و بازگشت». «۱» بلی، کسی که سوره‌ی زلزال و حساب‌رسی دقیق اعمال را به طور عمیق درک کند و بداند که کوچک‌ترین اعمالِ نیک و بد او محاسبه خواهد شـد، فهم عمیقی‌از دین پیـدا کرده است؛ از این رو مراقب اعمـال خویش می‌شود و دسـتورات الهی را رعایت می‌کنـد و سـعادتمند می‌شود. ای خرد برکش تو پَرّ و بالها سوره برخوان زلزلت زلزالها در قیامت این زمین بر نیک و بـد کی زِ نادیـده گواهی‌ها دهـد ۷. مقصود از دیـدن اعمال در رسـتاخیز آن است که انسان نتیجه‌ی نهایی اعمال را می‌بینـد؛ یعنی اگر کارهای نیکی کرده و گناهی نیز انجـام داده که کارهـای نیکش را از بین برده است، باقیمانـده‌ی اعمـالش را می‌بینـد؛ همـان طور که اگر گنـاهی کرده و توبه نموده است، نتیجه‌ی توبه‌اش را می‌بیند؛ و کسـی که نتیجه‌ی چیزی را ببیند گویا همه‌ی عمل را دیده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۶ ۸. در این آیات رسـیدگی به اعمال نیک را، قبل از دیـدن و رسـیدگی به اعمال بـد ذکر کرده است. شایـد بـدین جهت که دید حساب‌رسان الهی نسبت به انسان مثبت است؛ به طور طبیعی انسان باید کارهای نیک داشته باشد و وارد بهشت شود، و گنـاه و انحراف و کارهـای بـد خلاـف طبیعت و مسیر آفرینش انسـان است. آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. رسـتاخیز روز تجسّم اعمـال و ملاقات آنهاست. ۲. رستاخیز روز جدایی‌ها و هیجان‌هاست! (پس برای آن روز آماده شوید). ۳. ذرّه‌ای از اعمال شما گم نمی‌شود، بلکه همه‌ی اعمالتان در رستاخیز مجسّم می‌شود و آنها را می‌بینید. ۴. حساب‌رسی خدا، دقیق است (پس برای آن روز آماده شوید). ۵. همـان‌طور که در مورد اعمـال نیک شـما دقت می‌شود، در مورد اعمال بـد شـما نیز دقت می‌شود. ۶. اول به حسـاب اعمال نیک انسان‌ها رسـیدگی می‌شود و بعـد به اعمال بد (یعنی حساب‌رسان با دید مثبت به انسان‌ها نگاه می‌کنند). ۷. برای روزی آماده شوید که اعمال نیک و بد خود را می‌بینید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۷

بخش بیست و سوم: سوره‌ی عادیات

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «عادیات» در مـدینه بر پیامبر صـلی الله علیه و آله نازل شـده «۱» و دارای ۱۱ آیه، ۴۰ کلمه و ۱۶۳ حرف است. این سوره صـدمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنهـا نام این سوره «عادیات» (اسب‌های دونـده‌ی نفس زن) است که از آیه‌ی اول سوره گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۸

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از امام صادق علیه السـلام روایت شده که هر کس سوره‌ی «عادیات» را بخواند و بر آن مداومت ورزد، خدا در روز قیامت او را با امیرالمؤمنین علی علیه السلام محشور می‌کند و در جمع او و دوستانش خواهد بود. «۱» با توجه به شأن نزول این سوره که در مورد امام علی علیه السـلام و شـجاعت و جهاد ایشان در جنگ ذاتُ السـلاسِلِ است، هر کس این سوره را بخواند و در

راستای مضمون آن حرکت کند و در راه علی علیه السلام گام نهد، در رستاخیز با او خواهد بود.

اهداف

اهداف: محورهای اساسی این سوره عبارت‌اند از: الف) یادآوری نقاط ضعف انسان‌های تربیت نایافته؛ ب) بیان عظمت رزمندگان اسلام؛ ج) یادآوری احاطه‌ی معاد.

مطالب

مطالب: ۱. سوگندهای مکرر و بیدار کننده (در آیات ۱- ۵)؛ ۲. اشاره‌ای به ناسپاسی انسان (در آیات ۶ و ۷)؛ ۳. اشاره‌ای به مال دوستی انسان (در آیه‌ی ۸)؛ ۴. بیان زنده شدن انسان از قبر (در آیه‌ی ۹)؛ ۵. اشاره‌ای به آشکار شدن امور و اسرار در رستاخیز (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۶. یادآوری احاطه‌ی علمی خدا بر انسان در رستاخیز (در آیه‌ی ۱۱). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۰۹

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی عادیات قرآن کریم در آیات اول تا هشتم سوره‌ی عادیات با سوگندهای مکرر بر عظمت رزمندگان اسلام، به ناسپاسی و مال دوستی انسان‌های تربیت نایافته اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۸. وَالْعَادِیَاتِ ضَبْحاً* فَالْمُورِیَاتِ قَدْحاً* فَالْمُغِیرَاتِ صُبْحاً* فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعاً* فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعاً* إِنَّ الْإِنسَانَ لِرَبِّهِ لَکَنُودٌ* وَإِنَّهُ عَلَی ذلِکَ لَشَهِیدٌ* وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَیْرِ لَشَدِیدٌ سوگند به [اسبان دونده‌ی نفس‌زن* و افروزندگان جرقه‌ی آتش* و شبیخون زنندگان در صبح* و (اسبانی که) به وسیله‌ی آن (دویدن) غبار را برانگیختند،* و به وسیله‌ی آن (دویدن) در میان جمع (دشمن، ظاهر) شدند!* قطعاً انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است؛* و مسلماً او بر آن (مطلب) گواه است؛* و قطعاً او سخت، دوست‌دار (مال) نیک است. شأن نزول: حکایت شده: در سال هشتم هجری به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر رسید که دوازده هزار نفر در سرزمین «یابس» جمع شده و عهد بسته‌اند که جماعت مسلمانان را متلاشی کنند و پیامبر و علی علیه السلام را به قتل برسانند. پیامبر صلی الله علیه و آله سپاهی را به سرکردگی برخی صحابه به جنگ آنان فرستاد، ولی بدون نتیجه بازگشتند؛ سرانجام علی علیه السلام را به فرماندهی سپاه منصوب کرد و او با سرعت به دشمن شبیخون زد و صبحگاهان آنان را محاصره نمود، ابتدا اسلام را بر آنان عرضه کرد، وقتی آنان لجاجت کردند آنها را شکست داد تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۰ و با اسیران و غنایم زیادی بازگشتند. از آن جایی که در این جنگ اسیران را با طناب محکم بستند، به جنگ «ذاتُ السلاسِل» مشهور شد. این سوره در همان شب بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد، و خبر پیروزی علی علیه السلام و سپاه اسلام را بشارت داد و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را در نماز صبح خواند و خبر پیروزی را به مردم رساند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این سوره به اسبان تیزتک سوگند یاد شده است که در میدان جنگ به سرعت حرکت می‌کنند و با برخورد سُم آنها با سنگ‌ها، جرقه‌های آتش بیرون می‌جهد و صبحگاهان دشمن را محاصره می‌کنند؛ و این شبیخون آن‌قدر سریع است که گرد و غباری در هوا پخش می‌شود و ناگهان دشمن، رزمندگان اسلام را در وسط اردوگاه خود می‌بینند. «۲» و از آن جا که این حرکت، جهادی مقدس است خدا به آن رزمندگان و اسب‌هایشان و جرقه‌های سم ستورانشان سوگند یاد می‌کند. آری؛ انسان تربیت یافته در پرتو وحی تا آن جا اوج می‌گیرد که خدا به اسب او نیز سوگند یاد می‌کند. «۳» ۲. این آیات نوعی آموزش نظامی نیز هست، یعنی اشاره دارد که در تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۱ هنگام حمله به دشمن، با مرکب‌هایی تیزتک و تندرو حرکت کنید و صبحگاهان که دشمنان در خوابند آنان را غافلگیر و محاصره کنید و با حرکت خود چنان گرد و غباری به پا کنید که دشمن هراسان و سرگردان شود و جایی را نبیند و چاره‌ای جز تسلیم نداشته باشد. ۳. هر چند که

این سوگندها در مورد اسب‌ها، جرقه‌ی سُم ستوران و رزمندگان عصر پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ ولی این‌ها نشان دهنده‌ی اهمیت و عظمت رزمندگان اسلام و وسایل رزمی آنهاست؛ یعنی توجه مسلمانان را به مقام والای جهادگران تربیت یافته در پرتو وحی جلب می‌کند که در هر زمان مصداق‌هایی دارد و در عصر ما شامل خلبانان، ملوانان، رزم آوران تانک سوار و دیگر رزمندگان اسلام می‌شود. تیغ در دست گرفتن هنر مردان است خاک میدان بلا تاج سرمردان است ترک سر کردن و جان در ره جانان دادن هنر هر که نباشد، هنر مردان است از قفس بال گشودن به سوی حضرت دوست شوق دیدار خدا، بال و پر مردان است (خسرونژاد) ۴. قرآن کریم انسان را موجودی ارجمند معرفی می‌کند که اگر درپرتو وحی تربیت یابد می‌تواند جانشین خدا در زمین شود؛ ولی اگر به حال خود رها شود و کژ راهه رود پست‌تر از حیوانات می‌شود. صفات انسان‌های تربیت نایافته در پرتو وحی عبارت است از: الف) ناسپاس و بخیل‌اند؛ «۱» ب) مال دوست‌اند؛ و همین مال دوستی و مال پرستی عامل ناسپاسی و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۲ بخل آنهاست. پس برخی تسلیم هوا و هوس خود می‌شوند و به ثروت اندوزی و مال پرستی می‌پردازند و در مشکلات به دوستان خود کمک نمی‌کنند و شکرگزار خدا نیستند و نعمت‌های او را انکار می‌کنند. همین حالات آنها گواهی می‌دهد که این صفات در وجود آنها ریشه دوانده است. «۱» آری؛ رنگ رخساره خبر می‌دهد از سرّدرون. ۵. «خیر» به معنای هرگونه نیکی، همچون علم، بهشت، سعادت و ثروت است و در این جا مقصود ثروت‌دوستی است. «۲» البته دوست داشتن اموال در اصل بد نیست ولی هنگامی که به حد مال پرستی برسد و انسان را به بخل و ناسپاسی بکشاند، نکوهیده خواهد بود. چون انسان را از هدف اصلی و کمال و سعادت باز می‌دارد. هر سر موی تو را با زندگی پیوندهاست با چنین دل‌بستگی از خود بریدن مشکل است (صائب) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رزمندگان اسلام و وسایل رزمی آنان، آن‌قدر مقدس‌اند که می‌توان به آنها سوگند یاد کرد. ۲. در هنگام جهاد، به دشمن شبیخون بزنید و صبحگاهان او را غافلگیر کنید. ۳. انسان (های تربیت نایافته) را، از ناسپاسی، بخل و مال دوستی بشناسید. ۴. مال دوستی شدید (که به مرحله‌ی مال پرستی برسد)، مطلوب نیست. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۳ قرآن کریم در آیات نهم تا یازدهم سوره‌ی عادیات با یادآوری رستاخیز و آشکار شدن اسرار در آن روز و احاطه‌ی علمی خدا، به انسان‌ها هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۹- ۱۱. أَفَلَا یَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِی الْقُبُورِ* وَحُصِّلَ مَا فِی الصُّدُورِ* إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ یَوْمَئِذٍ لَخَبِیرٌ و آیا نمی‌داند در زمان (رستاخیز) آنچه در قبرهاست برانگیخته می‌شود؟* و آنچه در سینه‌هاست به‌دست آورده (و آشکار) شود؟* قطعاً در آن روز پروردگارشان به (حال) آنان آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات رستاخیز، زنده شدن مردگان، استخراج آنان از قبر و آشکار شدن اسرار درونی آنها یادآوری شده است تا هشداری باشد برای انسان‌های ناسپاس، بخیل و مال پرست که از کردار و نیت‌های خود مراقبت کنند. ۲. اکثر افراد از قبرها زنده بیرون می‌آیند ولی کسانی که قبر ندارند، مثل کسی که غرق شده یا سوخته، در حقیقت قبر آنها همان محلی است که ذرّات وجودشان در آن جا پراکنده شده است، و از آن جا برانگیخته می‌شوند. ۳. خدا همیشه از اعمال انسان با خبر است، و این که تأکید شده خدا در رستاخیز بر انسان احاطه‌ی علمی دارد و از اعمال و نیت‌های او با خبر است، بدان جهت است که آن روز، روز جزاست و نتایج اعمال در آن روز ظاهر می‌شود. به عبارت دیگر، این یادآوری برای تهدید به آن روز است که اگر انسان به این احاطه‌ی علمی خدا توجه داشته باشد، کم‌تر به گناه و ناسپاسی اقدام می‌کند. ۴. در رستاخیز اسرار و نیت‌های انسان را از درون دل و روح او استخراج می‌کنند و هر خیر و شرّی را جدا می‌سازند. «۱» کفر و ایمان، نیت‌های خوب و بد و صفات نیک و ناپسند را از روح انسان جدا کرده و آشکار می‌سازند و بر طبق آنها کیفر می‌دهند. هر خیالی کو کند در دل وطن روز محشر صورتی خواهد شدن (مولوی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان‌ها به یاد معاد باشند (و از مال پرستی و ناسپاسی دست بردارند). ۲. رستاخیز، روز آشکار شدن اسرار درونی انسان و جدا سازی نیک و بد آنهاست، (پس مراقب اعمال و نیت‌های خود باشید). ۳. خدا بر شما احاطه‌ی علمی دارد (و در رستاخیز بر اساس علم خود پاداش و کیفر می‌دهد، پس مراقب کردار خود باشید). «۱» *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۵

بخش بیست و چهارم: سوره‌ی قارعه

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «قارعه» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۱ آیه، ۳۶ کلمه و ۱۵۰ حرف است. این سوره بیست و نهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «قریش» و قبل از سوره‌ی «قیامت») و صد و یکمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «قارعه» (کوبنده) است که یکی از نام‌های رستاخیز بوده و از آیه‌ی اول سوره گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۶

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی «قارعه» را بخواند، خدای متعال او را از فتنه‌ی ایمان آوردن به دجّال حفظ می‌کند و او را در قیامت از چرک جهنّم دور می‌دارد. ان شاء اللّه! «۱» البته روشن است که این آثار برای کسی است که آن سوره را بخواند و در راستای محتوای آن حرکت کند و اعمال نیک خویش را افزایش دهد.

اهداف

اهداف: محور اساسی این سوره معاد و هشدار در مورد آن است.

مطالب

مطالب: ۱. بیان یکی از نام‌های رستاخیز و اشاره‌ای به عظمت آن (در آیات ۱ – ۳)؛ ۲. اشاره‌ای به حوادث هولناک آستانه‌ی رستاخیز (در آیات ۴ و ۵)؛ ۳. یادآوری فرجام نیک پرکاران نیکوکار (در آیات ۶ و ۷)؛ ۴. یادآوری فرجام عذاب‌آلود کم کاران گناهکار (در آیات ۸ و ۹)؛ ۵. بیان یکی از نام‌های دوزخ، یعنی هاویه (در آیات ۹– ۱۱). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی قارعه قرآن کریم در آیات اول تا پنجم سوره‌ی قارعه به حوادث کوبنده‌ی آستانه‌ی رستاخیز و وضع مردم و کوه‌ها در آن زمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱ – ۵. الْقَارِعَةُ* مَا الْقَارِعَةُ* وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ* يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ* وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنفُوشِ (رستاخیز) کوبنده!* (رستاخیز) کوبنده چیست؟!* و چه چیز تو را آگاه کرد که (رستاخیز) کوبنده چیست؟!* روزی که مردم همچون پروانه‌ی پراکنده‌اند؛* و کوه‌ها همچون پشم رنگینِ زده شده‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «قارعه» در اصل به معنای کوبیدن چیزی بر چیز دیگر است که صدای شدیدی از آن برخیزد. هم چنین به هر حادثه‌ی مهم و سختی نیز قارعه گویند. این واژه یکی از نام‌های رستاخیز است که اشاره به حوادث هولناک کوبنده و پُر سر و صدای رستاخیز دارد؛ حادثه‌ای عظیم که ابعادش به فکر هیچ کس نمی‌رسد. از این رو خطاب به پیامبر می‌فرماید: «چه چیز تو را آگاه کرد که کوبنده چیست؟!». ۲. در این آیات حوادث هولناک قبل از برپایی روز قیامت یادآوری شده است. حوادثی که موجب در هم

ریختن و تخریب نظام هستی و حیرت و سرگردانی مردم می‌شود، به طوری که همچون پروانه به گرد خود می‌چرخند. ۳. در آستانه‌ی رستاخیز کوه‌ها از هم متلاشی شده و همچون پشم‌های رنگین زده شده، سبک‌بال در فضا حرکت می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حوادث رستاخیز عظیم و کوبنده‌اند! (پس برای آن روز آماده شوید). ۲. حوادث هولناک و کوبنده‌ی رستاخیز، ما فوق درک بشری است. ۳. در آستانه‌ی رستاخیز، نظام جهان درهم می‌ریزد. ۴. سرگردانی رستاخیز را به یاد آورید (و برای آن روز آماده شوید). *** قرآن کریم در آیات ششم تا یازدهم سوره‌ی قارعه به دو گروه انسان‌های پرکار و کم کار و فرجام آنان اشاره می‌کند و با هشدار در مورد سوزندگی آتش دوزخ می‌فرماید: ۶- ۱۱. فَأَمَّا مَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ* فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ* وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ* فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ* وَمَا أَدْرَاكَ مَاهِيَهْ* نَارٌ حَامِيَةٌ و اما کسی که (در آن روز) ترازوهای (اعمال) او سنگین است،* پس او در زندگیِ رضایت‌بخش است؛* و اما کسی که ترازوهای (اعمال) او سبک است،* پس بازگشتگاه او ساقط شدن (در دوزخ) است.* و چه چیز تو را آگاه کرد که آن (دوزخ) چیست؟!* (آن) آتشی سوزان است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت انسان‌های نیکوکار و بدکار را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا مخاطبان قرآن بتوانند آگاهانه راه خود را انتخاب کنند. در این آیات نیز سرنوشت نیکوی انسان‌های «پرکار نیکوکار» و سرنوشت عذاب‌آلود انسان‌های «کم کار گناهکار» ترسیم شده است تا شما یکی از آنها را انتخاب کنید. ۲. «مَوازین» جمع مُوزون، به معنای چیزی که وزن می‌شود، یا به معنای ترازوهایی است که با آنها وزن می‌کنند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۱۹ البته مقصود از ترازو در این جا ترازوهای معمولی دنیوی نیست؛ بلکه منظور میزان و معیار سنجش اعمال انسان‌هاست. همان طور که مقصود از وزن اعمال، سنجش اعمال انسان‌ها با الگوهای کامل است. «۱» برخیز که آویخت ترازوی قیامت برسنج ببین که سبکی یا که گرانی (مولوی) ۳. در برخی از احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده: (مقصود از) ترازو، عدل است. «۲» و در برخی دیگر از احادیث آمده: امیر المؤمنین علیه السلام و امامان از دودمان ایشان علیهم السلام، وسایل سنجش هستند. «۳» یعنی در رستاخیز اعمال مردم را با اعمال رهبران الهی مقایسه می‌کنند و میزان ارزش آنها را مشخص می‌سازند؛ زیرا اعمال ائمه علیهم السلام کامل‌ترین اعمال و میزان و معیار و الگوی دیگران است؛ از این رو ترازوی عدل است. ۴. کسانی که در دنیا کارهای نیک زیاد، یا کارهای با کیفیت و همراه با اخلاص انجام داده‌اند، اعمالشان در رستاخیز سنگین است؛ یعنی هنگام سنجش، اعمال نیکشان بیش از اعمال بدشان است؛ از این رو آنان زندگی رضایت بخشی خواهند داشت. ۵. مقصود از زندگی رضایت بخش و خشنود، همان بهشت جاویدان است؛ زیرا به قدری رضایت بخش است که گویی خودش خشنودی و رضایت است. «۴» آری؛ زندگی دنیا هر اندازه مرفه باشد باز هم از عوامل ناخشنود خالی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۰ نیست؛ اما زندگی آخرت از همه جهت آرام و مایه‌ی خشنودی است. ۶. روایت شده که ذکر کلمه‌ی «لا اله الّا اللّه» و «صلوات» بر محمد وآل محمد و نیز «نیکویی باطن»، میزان اعمال انسان را در رستاخیز سنگین می‌کند. «۱» ۷. هر کس اعمال نیکش در رستاخیز سبک و کم باشد، باز گشتگاه او دوزخ است و از مغز به دوزخ سقوط می‌کند. «۲» ۸. «هاوِیه»، در اصل به معنای سقوط کردن و یکی از نام‌های دوزخ است؛ چرا که دوزخ عمیق است و گناهکاران در آن سقوط می‌کنند و یا مردم با مغز در آن سقوط می‌کنند. «۳» همان دوزخی که دارای آتش سوزان و حرارت شدید است و گناهکاران را می‌سوزاند و درک عظمت و عذاب آن برای هر کس مقدور نیست! آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مردم در رستاخیز، به دو گروه «سنگین بار» و «سبک بار» تقسیم می‌شوند. ۲. فرجام نیک و بد شما در رستاخیز، در گرو اعمال شماست. ۳. رستاخیز روز سنجش اعمال شماست (پس برای آن روز آماده شوید). ۴. (تلاش کنید) اعمال نیک شما، سنگین‌تر از اعمال بد شما باشد تا فرجام رضایت بخشی پیدا کنید. ۵. فرجام بدکاران، سقوط در دوزخی سوزان است. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۱

بخش بیست و پنجم: سوره‌ی تکاثر

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «تکاثر» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده «۱» و دارای ۸ آیه، ۲۸ کلمه و ۱۲۰ حرف است. این سوره پانزدهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «کوثر» و قبل از سوره‌ی «ماعون») و صد و دومین سوره در چینش کنونی قرآن است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۲ تنها نام این سوره «تکاثر» (فزون‌طلبی) است که از آیه‌ی اول سوره گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «تکاثر» را بخواند خدا از نعمت‌هایی که در دنیا به او داده است حساب‌رسی نمی‌کند و پاداش قرائت هزار آیه را به او می‌دهد. «۱»

اهداف

اهداف: محورهای اصلی این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری معاد و هشدار در این زمینه؛ ۲. سرزنش فخر فروشان زیاده طلب.

مطالب

مطالب: ۱. یادآوری زیارت قبور و شمارش آنها برای فخر فروشی (در آیه‌ی ۲)؛ ۲. بیان دو مرحله از علم، یعنی علم الیقین و عین الیقین (در آیات ۵- ۷)؛ ۳. بیان بازپرسی از نعمت‌ها در رستاخیز (در آیه‌ی ۸)؛ ۴. اشاره‌ای به مشاهده‌ی عینی دوزخ (در آیات ۶ و ۷). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۳

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی تکاثر قرآن کریم در سوره‌ی تکاثر با سرزنش فخر فروشان افزون طلب، به مراحل یقین و مشاهده‌ی رستاخیز و باز پرسی از نعمت‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۸. أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ* حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ* كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ* ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ* كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ* لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ* ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ* ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ افزون‌طلبی و فخرفروشی شما را سرگرم ساخت،* تا این‌که به دیدار قبرها رفتید.* هرگز چنین نیست، در آینده خواهید دانست!* سپس هرگز چنین نیست، درآینده خواهید دانست!* هرگز چنین نیست، اگر (بر فرض) با علم یقینی می‌دانستید،* حتماً دوزخ را می‌دیدید؛* سپس مسلّماً با دیده‌ی یقین آن را می‌دیدید؛* سپس در آن روز قطعاً از نعمت‌ها بازپرسی خواهید شد. شأن نزول: حکایت شده: برخی قبایل عرب در مورد کثرت افراد و اموال خود بر یکدیگر مباهات و فخر فروشی می‌کردند، تا جایی که به گورستان رفتند و شمار قبرهای مردگان قبیله‌شان را به رخ دیگران کشیدند. سوره‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و این کارها و فخر فروشی‌ها را سرزنش کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کسانی که به کارهای کوچک مشغول و سرگرم‌اند و از کارها و اهداف تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۴ بزرگ باز مانده‌اند مورد سرزنش قرار می‌گیرند «۱»؛ زیرا آنها از یاد خدا و معاد باز می‌مانند و از راه سعادت و تکامل بشری دور می‌افتند. ۲. برخی افراد چنان گرفتار فخر فروشی می‌شوند که حتی به قبرستان‌ها می‌روند و با شمارش مردگان خویش

مباهات می کننـد، و تا لحظه‌ی مرگ و رسیدن به قبر دست از فخر فروشـی برنمی‌دارنـد. «۲» ۳. «تکـاثر»، در اصل به معنای تفاخر و مباهـات است، ولی در برخی احادیث به معنای افزون طلبی و ثروت انـدوزی نیز آمـده است. چنان که پیامبر صـلی الله علیه و آله در حـدیثی می‌فرماید: تکاثر، جمع آوری اموال از راه غیرحق، و ندادن حق (دیگران) و جمع آوری در انبان است. «۳» ۴. در این آیات، دو بار بیان شده که افزون طلبان فخر فروش به زودی خواهند دانست. تکرار این تعبیر ممکن است برای تأکید مطلب و هشدار باشـد و یا این که جمله‌ی اول اشاره به عـذاب قبر و برزخ، و جمله‌ی دوم اشاره به عذاب رسـتاخیز و هشدار در مورد آنها باشد. همان‌طور که در برخی احادیث به این مطلب اشاره شـده است. «۴» ۵. یکی از عوامل معرفت شـناختی تفاخر و افزون‌طلبی «جهل» است. جهل تفسیر قرآن مهر جلـد بیسـت و دوم، ص: ۳۲۵ نسبت به رسـتاخیز، عـذاب‌های آن روز و ضـعف‌ها و آسـیب پذیری‌های انسان. اگر انسـان بدانـد که بـا وزش تنـدبادی، یـا صـاعقه و زمین لرزه‌ای، یـا بارش بارانی نابود می‌شود؛ و اگر بدانـد در برزخ و رسـتاخیز چه عـذاب‌هایی در انتظار سرکشان مغرور است، هرگز سرگرم تفاخر نمی‌شود و از یاد خدا و معاد غافل نمی‌گردد. من گرفتم که قمار از همه عالم بردی دست آخر همه را باخته می‌باید رفت (صائب) ۶. در احادیث اسلامی به عوامل روان‌شناختی تفاخر نیز اشاره شده است؛ از جمله در حدیثی از امام صادق علیه السـلام روایت شده: هیچ کس تکبّر یا فخر فروشـی نمی‌کند، مگر به خاطر ذلّتی که در نفس خود می‌یابد. «۱» ۷. «یقین» به معنـای وضوح و ثبوت چیزی است و در برابر «شـک» قرار می‌گیرد؛ همـان‌طور که علم در برابر جهل قرار می‌گیرد. طبق احادیث، یقین از مراحل عالی ایمان است. «۲» ۸. در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده: ایمان یک درجه از اسـلام برتر است؛ و تقوا یـک درجه از ایمان بالاتر و یقین یک درجه از تقوا برتر در میان مردم چیزی کم‌تر از یقین تقسیم نشده است. شخصی از آن حضرت پرسید: یقین چیست؟ ایشان فرمودند: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۶ حقیقت یقین، توکّل بر خـدا، تسلیم در برابر ذات پاک او، رضا به تقـدیر الهی، و واگذاری کارهای خویش به خداست. «۱» تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کـافریست راهرو گر صـد هنر دارد توکل بایـدش (حافظ) ۹. یقین دارای مراتـبی است: الـف) علم الیقین؛ یعنی انسـان با دلایل مختلف، به چیزی باور پیدا کند؛ مثل کسی که از دیدن دود به وجود آتش پی می‌برد؛ ب) عین الیقین؛ یعنی انسان حقیقتی را با چشم ببینـد و باور نمایـد؛ مثل کسـی که آتش را مشاهـده کنـد؛ ج) حق الیقین؛ یعنی کسـی خود حقیقت خارجی را درک کنـد؛ مانند کسی که داخل آتش شود و آن را شهود نماید. اگر کسی به مرحله‌ی علم الیقین برسد دوزخ را می‌بیند و اگر به مرحله‌ی عین الیقین برسـد آن را مشاهـده می‌کنـد. البته این مشاهدات ممکن است در قیامت باشد، یا در همین دنیا به وسـیله‌ی شـهود قلبی باشد؛ چون بهشت و دوزخ آفریده شده، و موجود است. ۱۰. در رستاخیز از نعمت‌ها سؤال می‌شود. واژه‌ی «نعمت» معنای وسیعی دارد که شامـل نعمت‌های مادی و معنوی می‌شود. از این رو در برخی احادیث روایت شـده که مقصود آب و غـذاست «۲» و در برخی دیگر از احادیث روایت شـده که مقصود نعمت اهل بیت علیه السـلام است «۳» چون نعمت تفسـیر قرآن مهر جلـد بیست و دوم، ص: ۳۲۷ ولایت و رهبری و هـدایت از بزرگ‌ترین نعمت‌ها و سـرمایه‌های خدا دادی است! بله همه‌ی این‌ها از مصادیق نعمت‌های الهی‌اند که در قیـامت از آنهـا پرسـش می‌شود که در مورد آنهـا چه کردیـد. آیـا از آنهـا به طور صـحیح اسـتفاده کردیـد و شـکر آنها را به جا آوردیـد؟ حق همی گوید چه آوردی مرا اندرین مهلت که دادم مر تو را عمر خود را در چه پایان برده‌ای؟ قوت و قوّت در چه فانی کرده‌ای؟ گوش و چشم و هوش و گوهرهای عرش خرج کردی چه خریدی تو ز فرش؟ (مولوی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. افزون‌طلبی و فخر فروشـی شما را سرگرم نسازد (و از اهداف بلندی هم‌چون خدا و معاد غافل نسازد). ۲. افزون‌طلبی و فخر فروشی (مرز ندارد و) ممکن است، به مرده شـماری برسد. ۳. ریشه‌ی افزون‌طلبی و فخر فروشـی، جهـل است. ۴. اگر انسـان بـه مرحله‌ی علم یقینی و عینی برسد، دوزخ را مشاهده می‌کند (و از فخر فروشـی دست برمی دارد). ۵. رستاخیز، روز بازپرسی از نعمت‌هاست، (پس مراقب باشید نعمت‌ها را به جا مصرف کنید و سپاس آنها را به جا آورید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۲۹

سیمای سوره تکاثر

سیمای سوره‌ی عصر بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز کلیات: سوره‌ی «عصر» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۳ آیه، ۱۴ کلمه و ۶۸ حرف است. این سوره دوازدهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «انشراح» و قبل از سوره‌ی «عادیات») و صد و سومین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «عصر» (فشرده، بعداز ظهر و یا مطلق زمان) است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۰ فضیلت: در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی عصر را در نمازهای مستحبی بخواند، خدا او را در رستاخیز بر می‌انگیزد در حالی که صورتش نورانی، چهره‌اش خندان و چشمش روشن (به نعمت‌های الهی) است تا این که داخل بهشت شود. «۱» البته روشن است که این پاداش‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن حرکت کنند. اهداف: محورها و اهداف اساسی این سوره عبارت‌اند از: الف) بیدارگری انسان با یادآوری سرگذشت رو به افول و فروکاهشی او؛ ب) بیان عوامل نجات و سعادت انسان. مطالب: ۱. سوگند به عصر (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. بیان نقش ایمان، عمل صالح، حق‌گرایی و شکیبایی در سعادت انسان (در آیه‌ی ۳). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۱ دوم: محتوای سوره‌ی عصر قرآن کریم در سوره‌ی عصر زنگ بیداری انسان‌ها را به صدا درمی‌آورد و سرنوشت خسارت بار انسان و عوامل چهارگانه‌ی نجات و سعادت او را یادآوری می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۳. وَالْعَصْرِ* إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِی خُسْرٍ* إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ سوگند به عصر!* قطعاً [هر] انسان در زیانکاری است،* مگر کسانی که ایمان آورده و (کارهای) شایسته انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و هم‌دیگر را به شکیبایی سفارش نموده‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدای متعال راستگوست و نیازی به سوگند ندارد، ولی گاهی برای تأکید بر مطلبی و یا نشان دادن اهمیت چیزی بدان سوگند یاد می‌کند؛ از این رو در این سوره به «عصر» قسم یاد می‌کند تا توجه انسان را به اهمیت زمان و عصر جلب کند، و او را به تأمّل بیش‌تر در عوامل زیانکاری و سعادت خود فرا خواند. ۲. «عصر» در اصل به معنای «فشردن» است. به بعد از ظهر نیز عصر گویند؛ چون کارها در آن موقع فشرده‌تر می‌شود. مفسران قرآن در این که مقصود از «عصر» چیست چند احتمال داده‌اند: الف) منظور همان معنای لغوی عصر، یعنی فشارها و مشکلات زندگی انسان است که غفلت زداست و انسان را به یاد خدا می‌اندازد؛ ب) منظور همان زمان عصر (بعد از ظهر) است. زمانی که زندگی روزانه تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۲ دگرگون می‌شود و همه‌ی موجودات، خسته و کوفته به سوی خانه‌ها می‌روند. این دگرگونی نظام هستی نشانه‌ای از نشانه‌های خداست؛ ج) مقصود سراسر زمان و تاریخ بشریت است که مملو از حوادث تکان دهنده و درس‌های عبرت‌آموز و بیدارگر است؛ د) منظور، عصر نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله یا عصر قیام مهدی (عج) است که عظمت خاصی در تاریخ بشریت دارد. در روایات به این مورد اشاره شده است. «۱» ه) مقصود، انسان کامل است که فشرده و عصاره‌ی عالم است؛ و) منظور، نماز عصر است که اهمیت ویژه‌ای دارد و گاهی از آن با عنوان «صَلاةُ وُسطی یاد می‌شود. «۲» البته این تفسیرها با هم منافاتی ندارند و مانعی ندارد که «عصر» به همه‌ی این معانی اشاره داشته باشد، ولی با توجه به آیات بعد، معنای زمان و تاریخ بشر از همه مناسب‌تر است. ۳. سرمایه‌های وجودی انسان هر روز کاهش می‌یابد و او همواره زیان می‌بیند، «۳» چون سرمایه‌ی عمر، استعداد، نیروهای جسمانی و روحانی‌اش، رو به تحلیل و تقلیل است و سیر فروکاهشی دارد. سحر گه به راهی یکی پیر دیدم سوی خاک خَم گشته از ناتوانی بگفتم: چه گم کرده‌ای اندرین ره؟ بگفتا جوانی جوانی جوانی (ملک‌الشعراء بهار) ۴. از نظر جهان بینی اسلامی، جهان، بازار و تجارت‌خانه‌ای است که گروهی در آن سود می‌برند و گروهی زیان می‌بینند. «۴» بنابراین طبق این آیات تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۳ همه‌ی انسان‌ها در حال زیانکاری‌اند، مگر کسانی که سرمایه‌های وجودی خود را در راه ایمان و عمل شایسته صرف کرده و زندگی معنوی پرسودی داشته‌اند. ۵. چهار عامل سعادت و نجات انسان از زیانکاری عبارت‌اند از: الف) ایمان، که زیر بنای فعالیت‌های فکری و اعتقادی انسان است؛ مانند ایمان به خدا، معاد،

نبوت و امامت؛ ب) کارهای شایسته، که نوعی خدمت به خویش و مردم است؛ مانند عبادت، علم آموزی، پرورش اخلاقی، کمک مادی و معنوی به مردم و انجام خدمات عمومی و خصوصی؛ سود دنیا و دین اگر خواهی مایه‌ی هر دو شان نکوکار است گر درِ خُلد را کلیدی هست بیش بخشیدن و کم آزاری است (ابن یمین) ج) فراخوان عمومی به حق (یعنی مطالبی که مطابق واقع باشد هم‌چون توحید، قرآن، عدالت، راستی و ...) و فراخوانی به وسیله‌ی ارشاد، تشویق، تعلیم، آگاهی بخشی و امر به معروف و نهی از منکر؛ د) فراخوان عمومی به صبر و شکیبایی، یعنی دعوت به مقاومت در برابر مشکلات، صبر در برابر گناهان و شکیبایی در انجام وظایف و عبادات. ای دل صبور باش و غم مخور که عاقبت این شام صبح گردد و این شب سحر شود (حافظ) ۶. در روایات تاریخی آمده است: یاران پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که با یکدیگر ملاقات می‌کردند پیش از آن که از هم جدا شوند، سوره‌ی «عصر» را می‌خواندند و محتوای عالی آن را یاد آوری می‌کردند. «۱» ۷. حق گرایی و صبر پیشگیِ باید دو طرفه باشد؛ یعنی نباید فقط به فکر تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۴ نجات خویش بود بلکه باید افراد جامعه را نیز به حق گرایی و استقامت در این راه فراخواند. ۸. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که برای وجود شما قیمتی جز بهشت نیست، پس خودتان را به کم‌تر از آن نفروشید. «۱» ۹. انسان سرمایه‌ی وجودی خود را لحظه به لحظه از دست می‌دهد، و هر گامی که برمی‌دارد به طرف مرگ است! ولی در عوض چه چیزی به دست می‌آورد؟ برخی انسان‌ها عمر و زندگی خویش را برای به دست آوردن مال و مقام ناپایدار و یا لذّتی زودگذر مصرف می‌کنند در حالی که این‌ها برای زندگی بشر لازم است اما هیچ‌کدام بهای عمر و سرمایه‌ی وجود انسان نیست. انسان باید در برابر سرمایه‌ی عظیمی که مصرف می‌کند چیزی بزرگ هم‌چون کمال، سعادت، خشنودی خدا و بهشت را به دست آورد. و به دست آوردن چنین کالاـیی جز از مسیر ایمان، عمل شایسته، سفارش مستمر به حق‌گرایی و شکیبایی و استقامت در آن راه میسّر نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ای انسان‌ها بیدار شوید که هر لحظه سرمایه از کف می‌دهید و زیان می‌بینید. ۲. ایمان، شایسته کرداری، حق گرایی و استقامت ورزی از عوامل نجات و سعادت است. ۳. تنها به فکر نجات خویش نباشید، بلکه دیگران را نیز به حق گرایی و استقامت فرا خوانید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۵ عوامل زیانکاری انسان ۱. انسان (هر لحظه) در حال زیانکاری است؛ چون سرمایه‌های خود را از دست می‌دهد (عصر، ۲)؛ ۲. هر کس شیطان را به عنوان دوست و سرپرست خود برگزیند، زیانی آشکار می‌بیند (نساء، ۱۱۹)؛ ۳. کسانی که ملاقات الهی را تکذیب می‌کنند، زیانکارند (انعام، ۳۱ و یونس، ۴۵)؛ ۴. فرزندکشی عامل زیانکاری است (انعام، ۱۴۰)؛ ۵. کسانی که در برابر آزمایش‌ها و مشکلات طاقت نیاورند و مرتجع شوند، زیانکارند (حج، ۱۱)؛ ۶. باطل‌گرایان زیانکارند (غافر، ۷۸)؛ ۷. کفر و شرک عامل زیانکاری است (غافر، ۸۵ و زمر، ۶۵)؛ ۸. اهل کتاب که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را می‌شناسند و به او ایمان نمی‌آورند، زیانکارند (انعام، ۲۰)؛ ۹. هر کس در رستاخیز کفّه‌ی اعمالش سبک باشد، زیانکار است (اعراف، ۹)؛ ۱۰. کسی که مانع راه خدا شود زیانکارترین افراد است (هود، ۱۹– ۲۲)؛ ۱۱. زیانکار واقعی کسی است که به جان و خانواده‌اش زیان وارد شود (زمر، ۱۵ و شوری، ۴۵)؛ ۱۲. قطع رحم و فسادگری عامل زیانکاری است (بقره، ۲۷)؛ ۱۳. گمراهی عامل زیانکاری است (اعراف، ۱۷۸)؛ ۱۴. کسانی که خود را از مکر و نقشه الهی ایمن بدانند، زیان‌کارند (اعراف، ۹۹)؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۶ ۱۵. کسانی که اعمالشان در دنیا و آخرت نابود شود، زیانکارند (توبه، ۶۹)؛ ۱۶. حزب شیطان، زیانکارند (مجادله، ۱۹)؛ ۱۷. کسی که اموال و فرزندانش او را از یاد خدا باز دارد، زیانکار است (منافقون، ۹)؛ ۱۸. هر کس راهی غیر از اسلام بپوید، زیانکار است (آل‌عمران، ۸۵)؛ ۱۹. اطاعت از کافران به زیانکاری منتهی می‌شود (آل‌عمران، ۱۴۹)؛ ۲۰. تکذیب‌گران پیامبران و آیات الهی، زیانکارند (اعراف، ۹۲ و ۹۵)؛ ۲۱. ستمکاران، از قرآن جز زیانکاری برداشت نمی‌کنند (اسراء، ۸۲)؛ ۲۲. کسانی که فکر می‌کنند نیکوکارند ولی کارهایشان نابود شده است، زیانکارترین مردم هستند (کهف، ۱۰۳ و ۱۰۴). راهکارهای نجات از زیانکاری ۱. ایمان، عمل شایسته و سفارش به حق و صبر (عصر، ۳)؛ ۲. فضل و رحمت الهی (بقره، ۶۴)؛ ۳. آمرزش و رحمت الهی (اعراف، ۲۳

و ۴۹)؛ ۴. ترک ظلم، کفر، شرک و چیزهایی که زمینه‌ساز و عامل زیانکاری‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۷

بخش بیست و ششم: سوره‌ی همزه

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «هُمزه» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۹ آیه، ۳۳ کلمه و ۱۳۰ حرف است. این سوره سی و یکمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «قیامت» و قبل از سوره‌ی «مُرسلات») و صد و چهارمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «هُمَزه» و «لُمَزه» (بسیار بدگو و طعنه زن و عیب‌جو) که از آیه‌ی اول سوره گرفته شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۸

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی هُمزه را بخواند، ده برابر تعداد کسانی که پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام را ریشخند می‌کردند، به او نیکی و حسَنه داده می‌شود. «۱»

اهداف

اهداف: محورهای اصلی این سوره عبارت‌اند از: الف) سرزنش ثروت اندوزان عیب جو؛ ب) یادآوری معاد.

مطالب

مطالب: ۱. یادآوری این نکته که ثروت، انسان را جاویدان نمی‌کند (در آیه‌ی ۳)؛ ۲. اشاره به یکی از نام‌های دوزخ یعنی حُطَمه (درهم شکننده) (در آیه‌ی ۴)؛ ۳. بیان اوصاف آتش دوزخ، و این که آن آتش از درون می‌سوزاند (در آیات ۶- ۹). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۳۹

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی هُمزه قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره‌ی هُمزه به نکوهش زراندوزان و عیب جویان می‌پردازد و با بیان فرجام عذاب‌آلود آنان می‌فرماید: ۱- ۴. وَیْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ* الَّذِی جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ* يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ* كَلَّا لَيُنبَذَنَّ فِی الْحُطَمَةِ وای بر هر بسیار بدگو [و] بسیار عیب جوی (طعنه زن)!* (همان) کسی که ثروت را جمع‌آوری کرد و آن را شمارش نمود.* می‌پندارد که ثروتش او را ماندگار کرده است. * هرگز چنین نیست؛ قطعاً در (دوزخ) درهم شکننده افکنده می‌شود. شأن نزول: حکایت شده که برخی از سران مشرکان مکه (هم‌چون وَلید بن مُغیره)، پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله بدگویی می‌کردند و پیش‌رو، به آن حضرت طعنه و ریشخند می‌زدند. این سوره درباره‌ی آنها نازل شد و اعمال آنان را نکوهش کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند این سوره درباره‌ی افراد خاصی از سران مشرکان و دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله که نسبت به ایشان عیب‌جویی و بدگویی می‌کردند فرود آمده است، اما معنای سوره، شامل تمام عیب جویان زراندوز در طول تاریخ می‌شود و همه‌ی آنان را نکوهش می‌کند. منه عیب خلق ای فرومایه پیش که چشمت فرو دوزد از عیب خویش (سعدی) تفسیر قرآن مهر جلد بیست

و دوم، ص: ۳۴۰ ۲. در این آیات کسانی نکوهش شده‌اند که با غیبت، بدگویی، عیب جویی، ریشخند کردن، طعنه زنی و اشاره‌ی دست، چشم و آبرو، دیگران را تحت فشار روانی قرار می‌دهند. وای به حال چنین کسانی که عذاب دردناکی در انتظار آنهاست! ما نگوییم بد و میل به ناحق نکنیم جامه‌ی کس سیه و دلق خود ازرق نکنیم عیب درویش و توانگر به کم و بیش بَدست کار بد مصلحت آنست که مطلق نکنیم (حافظ) ۳. «هُمزه» در اصل به معنای «فشار دادن» است «۱» و به غیبت کننده نیز گفته شده، چون با سخنان خود دیگران را تحت فشار قرار می‌دهد؛ و «لُمزه» به کسی گویند که (با غیبت و طعنه‌زنی) در پی عیب‌جویی از دیگران است. «۲» البته برخی مفسران معانی دیگری نیز برای این دو واژه آورده‌اند. برخی نیز این دو را هم معنا دانسته‌اند. «۳» ۴. «وَیْل» برای تهدید به کار می‌رود، یعنی وای به حال عیب جویان زراندوز! این تعبیر در قرآن، در مورد منافقان و کافران به کار رفته، که خدا موضع‌گیری سختی در برابر آنان دارد. ۵. در احادیث اسلامی بر حفظ آبروی مردم سفارش شده، و از آزار، عیب جویی و توهین به دیگران منع شده است. از جمله در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۱ خوارترین مردم کسی است که به دیگران توهین کند. «۱» و در حدیث دیگری از آن حضرت روایت شده که به برخی اصحاب فرمود: آیا شما را به بدترینِ مردم خبردهم؟ گفتند: آری ای فرستاده‌ی خدا. حضرت فرمود: کسانی که بسیار سخن چین‌اند و در میان دوستان جدایی می‌افکنند و از افراد پاک و بی گناه، عیب جویی می کنند. «۲» یکی گفت با صوفیی در صفا ندانی فلانت چه گفت از قفا؟ بگفتا خموش ای برادر بخفت ندانسته بهتر که دشمن چه گفت کسانی که پیغام دشمن برند زِ دشمن همانا که دشمن ترند (سعدی) ۶. زراندوزان، که ثروت‌های زیاد را از راه حلال و حرام گردآوری می کنند و آنها را می‌شمارند و ذخیره می‌سازند، مورد نکوهش قرار گرفته‌اند. «۳» آنان می‌پندارند که ثروتشان آنها را جاویدان می‌سازد و مرگ و بیماری و حوادث را از آنان دفع می کند، در حالی که ثروت بی‌هدف و حرام، نه تنها مشکل گشا نیست بلکه مشکل ساز است؛ همان‌طور که قارون‌ها و فرعون‌ها را هلاک ساخت. ۷. در حدیثی از امام رضا علیه السلام روایت شده: مال، جز با پنج خصلت جمع نمی‌شود: بُخل شدید، آرزوهای دور و دراز، آزمندی، قطع رابطه با خویشاوندان و مقدم داشتن دنیا بر آخرت. «۴» ۸. در فرهنگ اسلامی، زراندوزی و تنگدستی هر دو نکوهش شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۲ انسان مسلمان باید با کار و تلاش زندگی مرفه و آبرومندی برای خود و خانواده‌اش فراهم سازد، ولی نباید گرفتار ثروت اندوزی بخیلانه و آزمندانه شود؛ به عبارت دیگر، ثروت برای فرد مسلمان نیک است، در صورتی که: الف) ثروت وسیله باشد نه هدف؛ ب) ثروتمند امیر بر مال باشد نه اسیر آن؛ ج) ثروت از راه قانونی و حلال به دست آید، نه از راه حرام و غیر قانونی؛ د) ثروت در راه حلال مصرف شود نه در کژ راهه‌ها. ۹. «حُطمۀ» (در هم شکستن) یکی از نام‌های دوزخ، یا بخش فوق العاده سوزان آن است. این نام اشاره به آن است که دوزخ، غرور زراندوزان عیب جو را درهم می‌شکند؛ همان طور که جسم آنان را می‌سوزاند و درهم می‌شکند. آری؛ همان‌گونه که آنان در دنیا بر مردم فشار روانی وارد می کنند، در آخرت گرفتار فشار شکننده‌ی دوزخ می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با بد گویی و عیب جویی، بر مردم فشار روانی وارد مسازید. ۲. ثروت اندوزی شما را جاویدان نمی‌سازد، (پس آزمند و بخیل نباشید). ۳. فرجام زراندوزان عیب جو، عذاب‌آلود است. ۴. هر کس به مردم فشار روانی وارد کند تحت فشار دوزخ، درهم شکسته می‌شود. *** قرآن کریم در آیات پنجم تا نهم سوره‌ی هُمزه با هشدار به زراندوزان عیب جو، به بیان اوصاف آتش دوزخ می‌پردازد و می‌فرماید: ۵- ۹. وَمَا أَدْرَاکَ مَا الْحُطَمَةُ* نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ* الَّتِی تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ* إِنَّهَا عَلَیْهِم مُؤْصَدَةَ* فِی عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ و چه چیز تو را آگاه کرد که (دوزخ)، درهم شکننده چیست؟!* (آن) آتش برافروخته‌ی خدایی است؛* (همان آتشی) که از دل‌ها (ی سوزان) سر می‌زند.* در حقیقت آن (آتش) بر آنان فرو بسته شده است،* در ستون‌هایی کشیده (و طولانی)! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات، هشداری است به زراندوزان عیب‌جو؛ همان کسانی که با بدگویی و عیب‌جویی بر مردم فشار روانی وارد می‌کردند و سخنانشان هم‌چون عمودهایی بر قلب مردان خدا فرو می‌رفت و دل آنان را آتش می‌زد و اموال مردم را جمع کرده و

زندانی می کردند. اکنون در رستاخیز، این زراندوزان عیب جو، گرفتار آتشی می‌شوند که هم‌چون آتش مواد منفجره بر آنان فشار می‌آورد، غرور روانی و اعضای بدنشان را درهم می‌شکند و راه گریزی از آن ندارند؛ آتشی که هم‌چون میله‌های آهنی در اعماق وجود آنان نفوذ می کند و دلشان را آتش می‌زند و می‌سوزاند. آری؛ آتش دوزخ عکس العمل و تجسّم اعمال افراد در دنیاست. چون هر چه می‌رسد به تو از کرده‌های توست جرم فلک کدام و گناه زمانه چیست؟ (صائب) ۲. در این آیات، تعبیراتی به کار رفته است که ذلّت و خواری زراندوزان عیب جو را نشان می‌دهد. از طرفی بیان شده که آنان را به دوزخ پرتاب می کنند همان‌طور که چیزهای بی‌ارزش را دور می‌اندازند. «۱» و از طرف دیگر اشاره شده که آتش دوزخ آنان را درهم می‌شکند و غرور روحی و قدرت جسمانی آنها درهم فرو می‌ریزد «۲» و آنان حق بیرون آمدن از دوزخ را ندارند. «۳» آری؛ کسانی که با زبان و اشاره‌ی چشم و ابرو و با عیب جویی‌ها و طعنه‌های خود، دیگران را ریشخند و خوار می‌ساختند، اکنون در رستاخیز خوار و ذلیل می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۴ ۳. تعبیر «آتش الهی» اشاره به عظمت آتش دوزخ است. آتشی که به دل می‌رسد و آن را آتش می‌زند و می‌سوزاند، بر خلاف آتش‌های دنیوی که به پوست می‌رسند. ۴. مقصود از جمله‌ی «آتش دوزخ در ستون‌هایی است.» چیست؟ مفسران در این مورد چند احتمال داده‌اند: الف) منظور آن است که آتش دوزخ در ستون‌های طولانی است؛ ب) این تعبیر تأکیدی است بر بسته بودن درهای دوزخ که گویا با میخ‌های محکم بسته شده‌اند؛ ج) منظور نوعی از وسائل عذاب دوزخیان، همانند کُند و زنجیر است؛ د) مقصود آن است که شعله‌های آتش دوزخ، هم‌چون اشعه‌ی ایکس، به صورت عمودی حرکت می کند و تا اعماق وجود انسان فرو می‌رود. «۱» البته مانعی ندارد که آیه‌ی به همه‌ی این معانی اشاره داشته باشد. معنای اول و چهارم نیز قابل جمع است، ولی معنای اول با ظاهر آیه سازگارتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عذابی خرد کننده و دل‌سوز، در انتظار زراندوزان عیب‌جوست. ۲. از دوزخی بهراسید که بر دل آتش می‌زند، (و دست از عیب‌جویی و زراندوزی بردارید). ۳. زراندوزی و عیب جویی، باعث زندانی شدن انسان در دوزخ می‌شود. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۵

بخش بیست و هفتم: سوره‌ی فیل

اول

کلیات

فضیلت: در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی «فیل» را در نماز واجب بخواند، در رستاخیز هر کوه و زمین هموار و کلوخی، برای او گواهی می‌دهد که او از نمازگزاران است. «۱»

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «تکاثر» را بخواند خدا از نعمت‌هایی که در دنیا به او داده است حساب‌رسی نمی کند و پاداش قرائت هزار آیه را به او می‌دهد. «۱»

ویژگی

ویژگی: خصوصیت سوره‌ی «فیل» آن است که با سوره‌ی «ایلاف» در حکم یک سوره‌اند. اگر کسی یکی از آنها را در نماز بخواند، باید دیگری را نیز بخواند تا یک سوره‌ی کامل به شمار آید. «۲»

اهداف

اهداف: هدف اصلی سوره هشدار به مخالفان اسلام و سرکشان قدرتمند است که از سرنوشت عذاب‌آلود فیل‌سواران عبرت آموزند.

مطالب

مطالب: ۱. یادآوری قدرت خدا در برابر دشمنان حق، که با پرنده‌گانی کوچک، لشکری عظیم را از پای در می‌آورد (در آیه‌ی ۳)؛ ۲. اشاره‌ای به استفاده از فیل، در جنگ‌های ما قبل اسلام (در آیه‌ی ۱)؛ ۳. بیان این که خدا نقشه‌های دشمنان را نابود می‌کند (در آیه‌ی ۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی فیل قرآن کریم در سوره‌ی فیل به ماجرای حمله‌ی فیل سواران به کعبه و فرجام هلاکت بار و عبرت‌آموز آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۵. أَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِأَصْحابِ الْفِیلِ* أَلَمْ یَجْعَلْ کَیْدَهُمْ فِی تَضْلِیلٍ* وَأَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طَیْراً أَبابِیلَ* تَرْمِیهِم بِحِجارَةٍ مِن سِجِّیلٍ* فَجَعَلَهُمْ کَعَصْفٍ مَأْکُولٍ آیا نظر نکرده‌ای که پروردگارت با همراهان فیل چه کرد؟!* آیا نیرنگ آنان را گم گشته قرار نداد؟!* و پرندگانی دسته دسته بر آنان فرستاد،* که سنگ [هایی از جنس گِل بر آنان افکندند؛* و (سرانجام) آنان را هم‌چون برگ خورده شده قرار داد. شأن نزول: حکایت کرده‌اند: ابوطالب روزی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پرسید: آیا تو پیامبر قوم خود هستی یا به سوی جهانیان برانگیخته شده‌ای؟ پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب فرمود: من به سوی تمام انسان‌های سیاه، سفید، عرب و عجم برانگیخته شده‌ام ... و تمام فارس و روم را به سوی این آیین فرا می‌خوانم. این سخن به گوش قریش رسید و آنها با اعتراض به ابوطالب گفتند: اگر این سخنان به گوش مردم فارس و روم برسد، ما را از سرزمین‌مان می‌ربایند و سنگ‌های خانه‌ی کعبه را قطعه قطعه جدا می‌کنند. در همین هنگام آیه‌ی ۵۷ سوره‌ی قصص و سوره‌ی فیل فرود آمد «۱» (و با تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۸ یادآوری سرگذشت هلاکت‌بار فیل سواران، گوش‌زد نمود که هیچ کس قادر نیست به کعبه حمله کند). نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این سوره به ماجرای حمله‌ی ابرهه و سپاه فیل سوار او به کعبه اشاره دارد. «۱» ابرهه یکی از فرماندهان سپاه مسیحیان در فتح یمن بود. او که مردی قدرت طلب بود با کودتا در یمن به حکومت رسید و دستور ساخت کلیسایی زیبا را داد و از مردم عرب خواست که در آن عبادت کنند و از کعبه دست بردارند ولی آنها نپذیرفتند و حتی برخی از آنها به کلیسای ابرهه جسارت کردند و آن را آتش زدند؛ از این رو ابرهه تصمیم به تخریب کعبه گرفت تا هم از آنها انتقام گرفته باشد و هم مردم را متوجه کلیسای خود سازد. ابرهه با سپاهی فیل سوار «۲» به سوی مکه حرکت کرد و به غارت اموال مردم پرداخت که در این میان دویست شتر از عبدالمطلب به یغما رفت. سپس فرستاده‌ای به سوی بزرگ مردم مکه (عبدالمطلب) فرستاد تا به آنان خبر دهد که او فقط برای تخریب کعبه آمده و قصد جنگ ندارد. عبدالمطلب نزد او رفت و ضمن درخواست برگرداندن شترانش، به او گفت: من صاحب شتران هستم و خانه‌ی کعبه نیز صاحب دارد، که به زودی از آن دفاع می‌کند. با سرازیر شدن سپاه ابرهه به سوی کعبه، مردم مکه به دره‌ها و کوه‌ها پناه بردند ولی دیری نپایید که ابر سیاهی از پرندگانی که شبیه پرستو بودند نمایان شد و هر کدام از آنها با سه سنگ‌ریزه‌ای که با منقار و پاها حمل می‌کردند بر لشکریان ابرهه حمله کردند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۴۹ و این سنگ ریزه‌ها به هر کس اصابت می‌کرد هلاک می‌شد. افرادی هم که جان سالم به در بردند فرار کردند. ۲. در همان سالی که سپاه فیل سوار به مکه حمله کرد (یعنی پنجاه و دو سال قبل از هجرت) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دنیا

آمـد و آن سال به عام الفیل مشـهور گشت که مبـدأ تاریخی برای عرب‌ها شد. برخی مفسـران برآن‌اند که این واقعه زمینه‌ساز ظهور پیامبر بود؛ یعنی از نوع معجزاتی است که قبل از قیام پیامبران واقع می‌شود، و در اصـطلاح به این نوع وقایع، «ارهاص» گفته می‌شود. «۱» ۳. پیـامبر اسـلام صـلی الله علیـه و آله واقعه‌ی حملهی سـپاهیان ابرهه به کعبه را نديـده بـود، امّـا در این آیـات به ایشـان خطـاب می‌شود: «آیا نظر نکرده‌ای؟!» این تعبیر به خاطر آن است که آن واقعه به عصـر پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار نزدیک بود به طوری که گویا پیامبر صـلی الله علیه و آله با چشم خود دیده است؛ و یا این که مقصود از «نظر»، تأمّل در این حادثه‌ی عبرت‌آموز است. ۴. لشـکریان بی‌شـمار ابرهه برای ایجاد رعب و وحشت از فیل‌هایی که پیشـرفته‌ترین وسـیله‌ی جنگی آن زمان به شمار می‌آمد، استفاده می‌کردنـد. اما خدا آنان را به وسـیله‌ی موجوداتی کوچک، هم‌چون پرسـتو و توسط سـنگ گل‌ها نابود ساخت تا درس عبرتی برای همه‌ی سـرکشان زورمنـد باشـد و بداننـد که قـدرت آنها در برابر قـدرت الهی حقیر و ناچیز است! ۵. نیرنـگ و نقشـه‌ی ابرهه از این حمله، تخریب کعبه و فراخوانـدن مردم به عبـادت در کلیسـای خود بود، امـا خـدا این نقشه و نقشه کشـان را نـابود سـاخت تا درس عبرتی برای دیگران شونـد. آنان نه تنها به مقصود خود نرسیدند، بلکه شـکست آنان بر عظمت مکه و کعبه افزود و امنیت آن جا را صـد چندان کرد، و دل‌های مشـتاقان را بیش‌تر جذب کعبه نمود. ۶. «أبابیل» به معنای دسـته دسـته است، یعنی این پرندگان که شبیه پرسـتو بودند به صورت گروهی حرکت می‌کردند، و با سـنگ گِل‌های کوچکی که با خود حمل می‌کردند سپاه ابرهه را بمباران و هم‌چـون برگ خردی بر تفسـیر قرآن مهر جلـد بیسـت و دوم، ص: ۳۵۰ زمین ریختنـد و هلاک ساختنـد. ۷. در این جا پرسشـی که مطرح است این است که چگونه سپاهی عظیم به وسیله‌ی سـنگ گل‌های کوچک از پای درآمد؟ در پاسخ این پرسش باید گفت: قرآن اشاره کرده که این سـنگ گل‌ها به نحوی معجزه آسا سپاه ابرهه را از پای درآورد، اما روشن نساخته است که این سنگریزه‌ها حامـل میکرب‌هایی هم‌چون وبا، حصـبه و آبله بوده است؛ «۱» یا اتم‌های فشـرده‌ای بوده که بسـیار سـنگین شده و به هر کجا اصابت می‌کرده آن را سوراخ می‌نموده است و یـا به نوع دیگری بوده است. به هر حال خـدایی که در درون هر ذره، نیروی اتمی قرار داده است می‌توانـد به وسـیله‌ی سـنگریزه‌ها، سپاهی عظیم را نابود سازد. ۸. سـپاهیان هلاـک شـده‌ی ابرهه، به برگِ خورده شـده، یا کاه جویده شده تشبیه شده‌اند. این مطلب اشاره به خواری و ناتوانی آن گروه سرکش، و متلاشی شدن کامل آنهاست. ۹. سوره‌ی فیل و ماجرای هلاکت بار وعبرت‌آموز آن، هشـداری بود برای مشـرکان مکه که با پیامبر صـلی الله علیه و آله مخالفت می‌کردنـد و درس آموزنـده و هشـدار دهنده‌ای است برای همه‌ی سـرکشان تاریخ. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به سـرنوشت عذاب‌آلود فیل سواران بنگرید و عبرت آموزیـد. ۲. خـدا می‌توانـد قدرتمنـدان و موجـودات بزرگ را بـا کوچـک‌ترین چیزهـا هلاـک سـازد. ۳. اگر خـدا بخواهـد، پرندگان و سـنگ‌ریزه‌ها باعث نابودی دشمنان او می‌شوند. ۴. اگر کسـی به مقـدسات حمله کند خدا او را خرد و هلاک می‌سازد. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۱

بخش بیست و هشتم: سوره‌ی قریش

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «قریش» در مکه بر پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۴ آیه، ۱۷ کلمه و ۹۳ حرف است. این سوره بیست و هشتمین سوره در ترتیب نزول (قبل از سوره‌ی «قارعه») «۱» و صد و ششمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌انـد از: «قریش» (نـام قبیله‌ای مشـهور در مکه) و «لِإیلاـف» (برای الفت گرفتن)، که هر دو نـام از اولین آیه‌ی این سوره گرفته شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۲

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی قریش را بخواند، ده برابر تعداد کسانی که گرد خانه‌ی کعبه طواف کرده یا اعتکاف می‌کنند، نیکی و حَسَنه به او می‌دهند. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن، یعنی دوستی با دیگران و پرستش خدای کعبه، حرکت کنند.

ویژگی

ویژگی: سوره‌ی «قریش» با سوره‌ی «فیل» یک سوره‌ی کامل به شمار می‌آید و اگر کسی یکی از آنها را در نماز بخواند، باید دیگری را نیز بخواند. «۲» البته ارتباط محتوای سوره‌ی قریش با سوره‌ی فیل شاهد این یگانگی است.

اهداف

اهداف: محور اصلی این سوره بیان نعمت‌های الهی برای انگیزش حسّ سپاس گزاری و پرستش است.

مطالب

مطالب: ۱. یادآوری این نکته که الفت و دوستی یکی از نعمت‌های الهی است (در آیات ۱ و ۲)؛ ۲. بیان این مطلب که امنیت و غذا از نعمت‌های الهی است که باید در برابر آن از خدا سپاس گزاری نمود و او را پرستش کرد (در آیات ۳ و ۴)؛ ۳. یادآوری نعمت‌های الهی به قریش، و فراخوان آنان به سوی توحید (در آیات ۱- ۴). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۳

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی قریش قرآن کریم در سوره‌ی قریش به اهمیت الفت و فلسفه‌ی پرستش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴- ۱. لِإِيلَافِ قُرَيشٍ* إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيفِ* فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هذَا الْبَيْتِ* الَّذِي أَطْعَمَهُم مِن جُوعٍ وَآمَنَهُم مِنْ خَوْفٍ برای الفت گرفتن قریش،* الفت آنان در سفر زمستانه و تابستانه،* پس باید پروردگار این خانه (: کعبه) را بپرستند؛* (همان) کسی که آنان را در گرسنگی غذا داد و آنان را از ترس ایمن ساخت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سوره‌ی «قریش» در حقیقت دنباله‌ی سوره‌ی «فیل» و یادآور نعمت‌های الهی بر مردم مکه است: خدا سپاه فیل سوار را نابود و حمله‌ی آنان به کعبه را دفع کرد، تا اجتماع قریش متلاشی نشود و الفت بیش‌تری یابد و به یاری خدا دلگرم شود. «۱» ۲. سرزمین مکه که بین شام و یمن قرار داشت سرزمینی خشک و کم آب بود و کشاورزی و دامداری در آن رونق چندانی نداشت، از این رو مردم مکه بیش‌تر به تجارت می‌پرداختند. آنان در تابستان به سوی سرزمین شام (یعنی فلسطین و سوریه) و در زمستان به سوی یمن که هوا در آن جا گرم‌تر بود، مسافرت می‌کردند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۴ آنان در این سفرها نیازمند دوستی، امنیت و غذا بودند، و خدا به وسیله‌ی حفظ کعبه این امور را برای آنان به ارمغان آورد. یعنی پس از واقعه‌ی عام الفیل، قریش در میان مردم از احترام خاصی برخوردار شدند و کم‌تر متعرّض آنان می‌شدند؛ کعبه نیز نقطه‌ی امید آنان بود و همگی به سوی آن باز می‌گشتند و با تجارت آنها و سفرهای زیارتی دیگران به مکه، اقتصاد مکه رونق می‌گرفت و غذای قریش تأمین می‌شد. ۳. در این آیات به سه نعمت دوستی، غذا و امنیت اشاره شده است. سه نعمتی که در زندگی بشر نقش اساسی دارد و لازم است انسان سپاس گزار این نعمت‌ها باشد و خدا را بپرستد. ۴. «قُریش» نام قبیله‌ی اصلی مردم مکه و در اصل به معنای اکتساب است؛ چون قریش زندگی خود را با تجارت می‌گذراندند؛ و یا به معنای بازرسی و

خبرگیری است که قریش از حاجیان اخبار اطراف را کسب می‌کردند؛ و یا به معنای اجتماع است؛ و یا نام نوعی حیوان قدرتمند دریایی است که حیوانات کوچک را می‌بلعد. «۱» به هر حال قریش که اولین مخاطبان اسلام بودند سابقه‌ی خوبی از خود برجای نگذاشتند؛ چون اکثر آنان در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله ایستادند و او را آزار دادند و سپاس نعمت‌های الهی را به جا نیاوردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یاد نعمت‌های الهی (مثل دوستی، امنیت و غذا) سپاس‌گزار و پرستشگر او باشید. ۲. منشأ امنیت، غذا و دوستی‌ها پروردگار شماست. ۳. قریش (و مردم مکه) قدر نعمت‌های الهی خود را بدانند و از پرستش خدا غافل نشوند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۵

بخش بیست و نهم: سوره‌ی ماعون

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «ماعون» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۷ آیه، ۲۵ کلمه و ۱۲۵ حرف است. این سوره شانزدهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «تکاثر» و قبل از سوره‌ی «کافرون») و صد و هفتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «ماعون» (وسایل ضروری و کوچک زندگی)، «الدین» (روز جزا و آیین) و «ارأیتَ» (آیا دیدی؟) که نام اول، از آیه‌ی هفتم، و دو نام دیگر از آیه‌ی اوّل این سوره گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۶

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده که هرکس این سوره را در نمازهای واجب و مستحب بخواند، خدا نماز و روزه‌ی او را قبول و از حساب دنیا معاف می‌کند. «۱» البته روشن است که این آثار برای کسانی است که این سوره را بخوانند و طبق محتوای آن عمل کنند؛ یعنی به دیگران کمک و به یتیمان و بینوایان رسیدگی کنند، و به نماز اهمیت دهند.

اهداف

اهداف: ۱. یادآوری معاد؛ ۲. بیان آثار انکار معاد و نکوهش منکران.

مطالب

مطالب: ۱. یادآوری لزوم رسیدگی به یتیمان و بینوایان (در آیات ۲ و ۳)؛ ۲. نکوهش غفلت کنندگان از نماز و ریاکاران (در آیات ۴- ۶)؛ ۳. سرزنش کسانی که چیزهای کوچک و ضروری زندگی را به همسایگان نمی‌دهند (در آیه‌ی ۷). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی ماعون قرآن کریم در سوره‌ی ماعون به آثار انکار معاد در زندگی اجتماعی اشاره می‌کند و با هشدار به ریاکاران و سهل انگاران در نماز می‌فرماید: ۱- ۷. أَرَأَیْتَ الَّذِی یُکَذِّبُ بِالدِّینِ* فَذالِکَ الَّذِی یَدُعُّ الْیَتِیمَ* وَلَا یَحُضُّ عَلَی طَعَامِ

الْمِسْكِينِ* فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ* الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ* الَّذِينَ هُمْ يُرَآءُونَ* وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ آیا دیدی کسی را که (روز) جزا را دروغ می‌انگارد؟!* پس آن کسی است که یتیم را به سختی می‌رانـد؛* و بر غـذا دادن به بینوا (یان) تشویق نمی‌کند.* و وای بر نمـازگزاران؛* (همـان) کسـانی که آنـان از نمازشـان غافل‌انـد؛* (همـان) کسـانی که ایشان ریاکاری می‌کننـد؛* و چیزهای انـدک (وسایل زنـدگی را از دیگران) دریغ می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات از تکـذیب گرانی یادشده که روز جزا و قیامت را انکار و یا دین اسلام را دروغ می‌شمارند. «۱» این بی‌ایمانی و دوری از دین، موجب می‌شود که دست به هر خلافکاری بزننـد «۲» و نمـاز و عبادت را به فراموشـی بسپارند و به انسان‌های نیازمنـد کمک نکننـد؛ زیرا مهم‌ترین انگیزه‌ی انسان از انجام کارهای نیک و عبـادت خالصانه، ایمان است. تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و دوم، ص: ۳۵۸ ۲. در این آیـات پنـج اثر برای منکران دین و معاد بیان شده است: «۱» الف) به کودکـان بی سرپرست توجه نمی‌کننـد و برخورد خشونت آمیز بـا آنان دارنـد؛ ب) مردم را برای کمک به بینوایان تشویق نمی‌کنند؛ ج) نماز و عبادت را به فراموشـی می‌سپارند، و در مورد آن سهل‌انگاری می‌کنند؛ د) افرادی ریاکارند که کارها را برای خـدا و ثواب‌های اخروی انجام نمی‌دهنـد بلکه برای خشـنودی مردم کار می‌کننـد؛ ه) به همسایگان و دوسـتان کمک نمی‌کننـد و حتی از عاریه دادن وسایل انـدک و کوچک زنـدگی به آنان دریغ می‌کنند. ۳. در این آیـات به دو نکته‌ی متفاوت در مورد یتیمـان و بینوایـان اشـاره شـده است: الف) برخورد خشونت‌آمیز بی‌دینـان با یتیمان و تأکیـد بر رانـدن آنها؛ ب) تأکیـد بر غـذا نـدادن به بینوایان. یعنی یتیمان بیش از هر چیز نیازمنـد محبت‌انـد، تا کمبود عاطفی فقـدان پدر و مادر آنها تأمین شود، ولی بینوایان بیش‌تر نیازمند غذا و کمک‌های مالی‌اند. ۴. مردم نه تنها وظیفه دارنـد به بینوایان کمک مالی کنند، بلکه باید دیگران را نیز در این کار تشویق کنند. آری؛ ما باید با تشکیل انجمن‌های خیریه و تبلیغات، مردم را برای کمک رسانی به نیازمندان تشویق کنیم. خواهی ز لطف بر تو گشایـد خـدا دری هرگز به قهر، خسته دلاـن را مران ز در (قاسم رسا) ۵. «ساهون» از ماده‌ی «سـهو»، به معنای خطایی است که از روی غفلت سـر می‌زند، که گاهی همراه با تقصیـر در مقدمات یا بدون تقصیـر است؛ که در این جا سهو و سهل انگاری همراه با تقصیر در انجام نماز است؛ یعنی افرادی که در مورد اصل نماز سهل‌انگاری و غفلت می‌کنند تا ترک شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۵۹ و یا این که در مورد وقت نماز سـهل انگاری می‌کنند و آن را به تأخیر می‌اندازند. در احادیث اسلامی هر دو مورد از مصادیق آیه شمرده شده است «۱». آری؛ کسانی که اعتقاد قوی به دین ومعاد ندارند، در نماز سهل انگاری می‌کنند؛ پس اگر می‌خواهیـد کسـی به عبادت و نماز خود اهمیت دهد و آن را ترک نکند، اعتقادات او را قوی سازید. ۶. در حدیثی از امام صادق علیه السـلام روایت شـده که منظور از آیه، ترک نماز و سـستی در انجام آن است. «۲» و در حدیثی از امام علی علیه السـلام روایت شـده: هیـچ عملی نزد خـدا محبوب‌تر از نمـاز نیست، پس چیزی از امور دنیا شـما را سـرگرم نکنـد که از وقت خاص نمازها غافل سازد (سـپس به آیه‌ی فوق اشاره کردند و آن را به معنای سـهل انگاری در وقت نماز دانسـتند). «۳» ۷. در این آیات ریاکاران سرزنش شده‌انـد، چراکه ارزش هر کاری به نیت آن است. اگر کاری برای خدا باشد ارزشـمند است ولی اگر به قصد نشان دادن به مردم باشـد نزد خـدا پاداشـی نـدارد و تکامـل معنوی و روحی برای انسـان به بـار نمی‌آورد. خـدایا عطا کن نمازی که باشـد منزه ز خودبینی و خودنمـایی در حـدیثی از امـام صادق علیه السـلام روایت شـده که هر کس برای مردم عمل کنـد ثواب او بر مردم است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۰ سپس خطاب به یکی از اصحابش به نام زُراره فرمود: ای زُراره هر ریایی شرک است. «۱» کلید در دوزخ است آن نماز که در چشم مردم گزاری دراز اگر جز به حق می‌رود جاده‌ات در آتش فشانند سجاده‌ات (سعدی) آری؛ ریاکاری شـرک خفی است، چون فرد، غیر خـدا را شـریک در عبادت می‌کند. چو بر دل نشـیند غبار ریا نتابد بر آن دل دگر روشنی (قاسم رسا) ۸. «ماعون» به معنای چیز اندک است و بسـیاری از مفسـران گفته‌اند: مقصود وسایل جزئی مورد نیاز و ضـروری زنـدگی است، و غالباً همسایگان آنها را از هم‌دیگر عاریه می‌گیرنـد؛ مثل آب، نمک، کبریت و ظروف. «۲» کسانی که این وسایل را از دیگران دریغ کننـد مورد سـرزنش قرار گرفته‌انـد، چرا که این نشانه‌ی بُخل آنان و موجب به زحمت انداختن دیگران است. در

حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده: ماعون همان وامی است که انسان به دیگری می‌دهد و یا وسایل زندگی است که عاریه می‌دهد و یا کارنیکی است که انجام می‌دهد. «۳» ۹. در حدیث دیگری روایت شده که شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «ما همسایگانی داریم که وقتی وسایل را به عاریه می گیرند آنها را می‌شکنند و خراب می کنند، اگر وسایل را به آنها ندهیم گناه کرده‌ایم؟» حضرت فرمود: «در این صورت مانعی ندارد». «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دین نباوری، انکار معاد و آثار آنها را بنگرید (و عبرت بیاموزید). ۲. برخورد خشونت آمیز با کودکان بی‌سرپرست، تشویق نکردن مردم به غذا رسانی به بینوایان، سهل انگاری در نماز، ریاکاری و بُخل در عاریه دادن وسایل زندگی از آثار معاد نباوری است. ۳. انکار دین ومعاد آثار زیانبار اجتماعی و فردی دارد. ۴. اگر می‌خواهید افراد را نماز خوان کنید، اعتقادات دینی و معاد باوری آنان را تقویت نمایید. ۵. سهل انگاری در نماز عواقب شومی به دنبال دارد (پس شما این‌گونه نباشید). ۶. مجازات الهی در انتظار ریاکاران است (پس شما ریاکاری نکنید). ۷. هرکس در وسایل کوچک زندگی بُخل ورزد، (و مردم را به زحمت اندازد) آینده‌ی شومی در انتظار اوست. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۳

بخش سی ام: سوره‌ی کوثر

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «کوثر» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده «۱» و دارای ۳ آیه، ۱۰ کلمه و ۴۲ حرف است. این سوره چهاردهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «عادیات» و قبل از سوره‌ی «تکاثر») و صد و هشتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۴

فضیلت

تنها نام این سوره «کوثر» (خیرفراوان) است که از آیه‌ی اول سوره گرفته شده است. فضیلت: در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که هرکس سوره‌ی کوثر را در نماز واجب و مستحب بخواند، خدا در رستاخیز او را از نهر کوثر سیراب می کند. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسی است که سوره را بخواند و در آن تفکر و در راستای آن به سوی کوثر حرکت کند و نماز گزارد.

ویژگی

ویژگی‌ها: سوره‌ی کوثر با سه آیه، کوچک‌ترین سوره‌ی قرآن است. برخی کلمات آن مثل «کوثر»، «ابتر» و «نحر» یک بار در قرآن به کار رفته است.

اهداف

اهداف: محور اصلی این سوره، بیان نعمت‌های الهی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دل‌داری به ایشان است.

مطالب

مطالب: ۱. اشاره به نعمت‌های فراوانی که به پیامبر صلی الله علیه و آله داده شد؛ از جمله حضرت فاطمه علیها السلام (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. اشاره‌ای به تداوم نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و منقطع شدن نسل دشمنان او (در آیه‌ی ۳)؛ ۳. معرفی نماز و قربانی، به عنوان دو راه سپاس گزاری از نعمت‌های الهی (در آیه‌ی ۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۵

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی کوثر قرآن کریم در سوره‌ی کوثر با بیان اعطای نعمت فراوان به پیامبر صلی الله علیه و آله، به ایشان دلداری داده، و با اشاره به منقطع شدن دشمنان او می‌فرماید: ۱ - ۳. إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ* فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ* إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ در حقیقت ما به تو (نیکی) فراوان عطا کردیم.* پس برای پروردگارت نماز بگزار و (شتر) قربانی کن.* [چرا] که فقط (دشمن) کینه‌توز تو بریده‌نسل است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند: شخصی به نام «عاص بن وائِل» که از سران مشرکان مکه بود، هنگام خارج شدن پیامبر صلی الله علیه و آله از مسجد الحرام با ایشان ملاقات و صحبت کرد، سپس وارد مسجد الحرام شد و مشرکان از او پرسیدند باچه کسی صحبت می‌کردی؟ گفت: با این مرد ابتر! (یعنی کسی که پسر ندارد و نسل او منقطع است). سوره‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و به‌پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت کوثر داد و دشمنان او را منقطع خواند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دو پسر به نام قاسم و طاهر (: عبداللَّه) از خدیجه داشت که هر دو در مکه از دنیا رفتند و ایشان بدون پسر باقی ماند. «۲» این تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۶ موضوع باعث شد تا دشمنان زبان بگشایند و آن حضرت را «ابتر» یعنی «بریده نسل» بخوانند، چراکه آنان می‌پنداشتند پسر اهمیت زیادی دارد و تداوم بخش برنامه‌ی پدر است؛ از این‌رو پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که پسر نداشت برنامه‌هایش تعطیل می‌شد. ۲. سوره‌ی کوثر چند خبر اساسی را اعلام کرده است که برخی، آنها را پیش گویی‌های اعجاز آمیز قرآن دانسته‌اند: «۱» الف) خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله خیر فراوانی هم‌چون پیروزی اسلام بر کفر، «۲» و موهبتی هم‌چون فاطمه علیها السلام می‌دهد که برنامه‌ها و نسل اورا تداوم می‌بخشد. ب) دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله بریده نسل خواهند شد و برنامه‌ها و عظمت دودمان آنها باقی نخواهند ماند؛ همان‌طور که مشرکان مکه و عاص بن وائل و مانند او منقرض شدند و هیچ نامی از آنان و دودمانشان باقی نیست. ۳. «کوثر»، از ریشه‌ی «کثرت» به معنای خیر و برکت فراوان است، و به افراد سخاوتمند نیز کوثر گفته می‌شود. مفسران قرآن در مورد معنای کوثر چند احتمال داده‌اند؛ از جمله: کثرت فرزندان فاطمه علیها السلام، نهری در بهشت، «۳» حوض کوثر «۴» (که مؤمنان در هنگام ورود به بهشت از آن سیراب می‌شوند.) قرآن، نبوّت، کثرت اصحاب و یاران، شفاعت «۵»، پیروزی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ‌ها و نیز علمای امت او «۶» که فرزندان معنوی پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام هستند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۷ البته معنای کوثر وسیع است و مانعی ندارد که شامل همه‌ی این مصادیق و موارد بشود؛ هر چند با توجه به قرینه‌ی ذیل سوره (یعنی بریده نسل خواندن دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله) و شأن نزول آن، احتمال اول مناسب‌تر است. آری؛ این فاطمه علیها السلام است که خود شفاعت کننده‌ی امت است و فرزندانش هم‌چون نهری بهشتی در بین بشریت جاری شده و همگان را از حوض کوثر علوم آل محمد صلی الله علیه و آله سیراب می‌کنند و تداوم‌بخش نبوّت و پاس‌داران قرآن‌اند و با رهبری‌شان پیروزی‌های بزرگ علمی و معنوی برای مسلمانان به وجود آورده‌اند. جنت طلبان گر لب شیرین تو بینند در کام همه تلخ شود کوثر و تسنیم (جامی) ۴. در این سوره بیان شده که به شکرانه‌ی نعمت کوثر، پیامبر صلی الله علیه و آله باید نماز بگزارد و قربانی کند. البته برخی مفسران معتقدند که مقصود نماز و قربانی روز عید قربان است، ولی معنای آیه گسترده است و شامل هر گونه نماز و قربانی می‌شود. این سوره در حقیقت، آموزشی است برای همه‌ی رهبران الهی و مسلمانان تا برای ادای شکر نعمت‌های بزرگ الهی به نماز وقربانی رو آورند و پیوند خود را با خدا و خلق محکم‌تر و نیاز معنوی خویش و نیاز مادی غذایی بینوایان را برطرف سازند. ۵. «نَحْر» در اصل به معنای گلوگاه و نیز

«کشتن شتر» است و از آن جـا که در عصـر پیـامبر صـلی الله علیه و آله، شتر اهمیت ویژه‌ای داشت، به مصـداق کامـل قربـانی، یعنی کشـتن شتر اشـاره شـده است. امـا مفسـران قرآن معانی دیگری نیز برای آن بیان کرده‌انـد: - مقصود از «نحْر» ایسـتادن رو به قبله در هنگـام نمـاز است، چون یکی از معـانی این واژه، روبه‌رو شـدن است. - مقصود بلنـد کردن دست‌هـا در هنگام تکبیر گفتن در نماز است؛ تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۸ - و یـا این که در هنگام رکوع، کمر انسان کاملًا صاف باشـد. دو مورد اخیر در احادیث اسـلامی از پیامبر صـلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایت شده است. «۱» البته مانعی ندارد که همه‌ی این معانی مقصود و مصـداق آیه باشـد، ولی معنـای اول بـا ظاهر آیه و معنـای سوم با ذکر نماز قبل از نَحْر سازگارتر است. ۶. «ابتر» به معنای «حیوان دم بریده» است و به انسان‌هایی که نسـلشان قطع شده نیز گفته شده است. به کاربردن این تعبیر در مورد پیامبر صـلی الله علیه و آله نوعی توهین به ایشان بود؛ از این رو خدا در مورد دشمنان او نیز از همان تعبیر استفاده کرد و آنان را دشمن کینه توزی خواند که دشمنی آنها همراه با قساوت، رذالت و بی‌ادبی است. ۷. از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله جز یک دختر باقی نماند و تمام نسل ایشان از فاطمه علیها السـلام ادامه یافت و این در حالی است که آمار فرزنـدان فاطمه علیها السـلام در آسـتانه‌ی قرن پانزدهم هجری قمری و قرن بیسـتم میلادی در جهان، بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیـون نفر تخمین زده می‌شود. «۲» اما از نسل دشـمنان پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله هیچ نام و رسمی باقی نمانده است. ۸. در این سوره از دادن کوثر با لفظ «عطا» یاد شـده که عظمت آن را می‌رساند و نیز از ضـمیر جمع (انّا) و از تأکید (انّ) عظمت نعمت کوثر اسـتفاده می‌شود که تاکنون گوشه‌ای از آن برای ما روشن شده است. آری؛ خـدا زحمات رهبران الهی را ارج می‌نهـد و در عوض به آنان خیر فراوان عطا می‌کند. تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۶۹ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. خط پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله مسـتدام وخط دشـمنان او منقطع است. ۲. خـدا زحمات رهبران الهی را جبران می‌نمایـد و به آنان خیر فراوان عطا می‌کند. ۳. هرگاه خدا به شـما نعمتی بزرگ داد با نماز و قربانی از او سپاس‌گزاری کنید. ۴. مخالفان اسـلام، به «کوثر پیامبر» و «انقطاع دشـمنانش» بنگرنـد (و عبرت آموزنـد). *** تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۱

بخش سی و یکم: سوره‌ی کافرون

اول

کلیات

کلیـات: سوره‌ی «کـافرون» در مکه بر پیـامبر صـلی الله علیه و آله نازل شـده و دارای ۶ آیه، ۲۶ کلمـه و ۹۴ حرف است. این سـوره هفـدهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «ماعون» و قبل از سوره‌ی «فیل») و صد و نهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌هـای این سوره عبارت‌انـد از: «کـافرون»، «عبـادت» و «جَحْـد» (انکـار)، که نام اول از آیه‌ی اول سوره و نام‌های دیگر از مضـمون سوره، که انکار، کفر و عبادت خداست، گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۲

فضیلت

فضـیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «کافرون» را بخواند گویی یک چهارم قرآن را خوانده است. «۱» شاید این بدان جهت است که حدود یک چهارم قرآن مربوط به مبارزه با شرک است و البته این ثواب برای کسی است که این سوره‌ی را بخواند و در راستای آن حرکت کند و دست ردّ بر سینه‌ی مشرکان و کافران بزنند.

اهداف

اهداف: هدف اصلی این سوره، اعلام توحید عبادی است.

مطالب

مطالب: ۱. اعلام بیزاری از کفر و شرک در عبادت؛ ۲. اعلام جدایی راه مسلمانان از کافران، و مأیوس کردن کافران. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۳

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی کافرون قرآن کریم در سوره‌ی کافرون با اعلام توحید عبادی اسلام، به نفی کفر و شرک می‌پردازد و می‌فرماید: ۱- ۶. قُلْ يَاأَيُّهَا الْكَافِرُونَ* لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ* وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ* وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدتُّمْ* وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ* لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ بگو: «ای کافران!* آنچه را (شما) می‌پرستید (من) نمی‌پرستم،* و آنچه را (من) می‌پرستم شما نمی‌پرستید،* و آنچه را (شما) پرستیدید من نمی‌پرستم،* و آنچه را (من) می‌پرستم شما نمی‌پرستید؛* دین شما فقط برای شماست، و دین [من فقط برای من است.» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از سران مشرکان مکه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: یک سال تو از آیین ما پیروی کن و بت‌های ما را بپرست، و یک سال نیز ما خدای تورا می‌پرستیم، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله نپذیرفت؛ و باز اصرار کردند که حداقل برخی از بت‌های ما را لمس کن و به آنها تبرک جوی تا ما نیز تو را تأیید کنیم و خدای تو را بپرستیم، ولی بازهم پیامبر صلی الله علیه و آله قبول نکرد و فرمود: «من منتظر فرمان خدا هستم.» در این هنگام سوره‌ی «کافرون» فرود آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را در مسجد الحرام برای سران قریش خواند و آنان از شنیدن پیام این سوره کاملًا مأیوس شدند و به آزار پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش پرداختند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این سوره بر توحید عبادی تأکید شده است؛ یعنی در اسلام، عبادت مخصوص خداست و انسان مسلمان باید فقط خدا را بپرستد و نباید در برابر غیر خدا، کرنش و عبادت کند و معبودان دروغین هم‌چون بت‌ها و موجودات دیگر را بپرستد، و کسی را شریک خدا در عبادت قرار دهد، که گرفتار شرک عبادی می‌شود. ۲. این آیات خبر می‌دهند که نه پیامبر صلی الله علیه و آله غیر خدا را می‌پرستد و نه مشرکان دست از بت‌ها بر می‌دارند و خدا پرست می‌شوند. آری؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دست از حق و توحید بر نمی‌دارد چون آن را با دلیل پذیرفته و حقیقت آن را دریافته است. ولی مشرکان با تقلید کورکورانه از نیاکان خود، به پرستش بت‌ها روی آورده‌اند و منافع خود را در آن می‌بینند؛ از این رو حاضر نمی‌شوند که دست از شرک بردارند و تسلیم توحید شوند. ۳. مقصود از کافرانی که هرگز مسلمان نمی‌شوند، سران مشرکان مکه هم‌چون عاص، امیه و مانند آنهاست که در نهایت با حالت کفر و شرک از دنیا رفتند؛ وگرنه برخی از کافران و مشرکان قریش پس از فتح مکه مسلمان شدند. «۱» ۴. کافران و مشرکان مکه، منکر خدا به عنوان آفریننده‌ی جهان نبودند، «۲» اما شرک در پرستش داشتند و معتقد بودند که باید بت‌ها را پرستید. با این اعتقاد غلط باید مبارزه می‌شد. ۵. در این جا پرسشی مطرح می‌شود که چرا سوره‌ی «کافرون» و برخی دیگر از سوره‌های قرآن با واژه‌ی «قُل» (بگو) آغاز می‌شود؟ درحالی که این آیات بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده که برای مردم بگوید، و به طور طبیعی نباید این واژه را برای مردم حکایت کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۵ پاسخ این پرسش آن است که واژه‌ی «قل» جزئی از وحی بوده، و نقل آن توسط پیامبر صلی الله علیه و آله نشانه‌ی حفظ و اصالت وحی الهی است که ایشان عین کلام خدا و جبرئیل را بازگو می‌کند و حتی واژه‌ی «بگو» را هم تکرار می‌کند؛ یعنی هیچ تعبیر و تغییری در وحی رخ نمی‌دهد. البته در مورد سوره‌ی

«کافرون» نکته‌ی دیگری نیز وجود دارد و آن این که اگر واژه‌ی «قل» از اول آن حذف شود آیات بعد از نظر معنا مشکل پیدا می‌کنند؛ چون پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید: من بت‌های شمارا نمی‌پرستم، نه این که خدا بگوید من بت نمی‌پرستم. ۶. و پرسش دیگر این که تکرار جملات در سوره‌ی «کافرون» برای چیست؟ مفسران قرآن در این مورد چند پاسخ داده‌اند: الف) تکرار جملات برای تأکید بر نفی شرک عبادی ومأیوس کردن کامل مشرکان است، تا دیگر برای دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله به شرک، اصرار نکنند و بدانند راه آنان از اسلام جداست؛ ب) هر کدام از جملات سوره‌ی «کافرون» در برابر جمله‌ای از مشرکان است که در شأن نزول بدان اشاره شد. آنان پیشنهاد کردند که یک سال تو معبودان ما را بپرست، و سال بعد، ما خدای تورا می‌پرستیم؛ باز سال سوم تو معبودان ما را بپرست، و سال چهارم ما خدای تو را می‌پرستیم. از این رو قرآن نیز تمام این پیشهادات را جداگانه نفی کرد. «۱» البته مانعی ندارد که این سوره اشاره به هردو تفسیر باشد؛ زیرا هر دو معنا با هم قابل جمع است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۶ ۷. از آیین بت پرستی با عنوان «دین» یاد شده است، «دین شما ارزانی خودتان و دین ما نیز برای خودمان». مفهوم این سخن، جواز بت پرستی و تسامح و تساهل با کافران نیست بلکه نوعی تهدید و تحقیر بت پرستی است، و شاهداین مطلب آن است که قرآن با شرک و کفر در تمام ابعاد آن مبارزه می‌کند. «۱» ۸. این آیات، مرز اسلام و کفر را روشن می‌سازد و راه مسلمان را برای همیشه از کافران و مشرکان برای همیشه جدا می‌سازد. آری؛ توحید، رمز تکامل و پیوند با حق و شرک، و رمز سقوط و جدایی از حق است؛ پس این دو قابل جمع وسازش نیستند، و هر انسانی باید یکی از این دو خط را بپیماید. موحد چه در پای ریزی زرش چه شمشیر هندی نهی بر سرش امید و هراسش نباشد زکس بر اینست بنیاد توحید و بس (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خط اصیل اسلامی، توحید عبادی است. ۲. راه اسلام، از شرک و کفر جداست. ۳. امیدی به مشرکان و کافران لجوج نداشته باشید که آنان توحیدگرا نخواهند شد. ۴. توحیدِ عبادی خود را به همگان اعلام کنید و از شرک و کفر بیزاری جویید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۷

بخش سی و دوم: سوره‌ی نصر

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «نَصْر» در مدینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۳ آیه، ۱۹ کلمه و ۷۷ حرف است. این سوره صد و یکمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «حشر» و قبل از سوره‌ی «نور») و صد و دهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌انداز: «نَصْر» (یاری) و «تَودیع» (خدا حافظی)؛ چرا که گفته‌اند: این سوره به وفات پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره دارد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۸

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «نصر» را بخواند همانند کسی است که همراه پیامبر در فتح مکه شرکت کرده است. «۱» و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده: هر کس سوره‌ی «فتح» را در نماز مستحبی یا واجب بخواند، خدا او را بر تمام دشمنانش پیروز می‌گرداند. «۲»

اهداف

اهداف: ۱. مژده‌ی پیروزی اسلام؛ ۲. یادآوری لزوم سپاس گزاری بعد از پیروزی.

مطالب

مطالب: ۱. اعلام این که در آینده‌ای نزدیک، مردم گروه گروه به اسلام می گروند (در آیه‌ی ۲)؛ ۲. فراخوان به تسبیح، حمد و استغفار، به شکرانه‌ی پیروزی (در آیه‌ی ۳). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۷۹

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی نصر قرآن کریم در سوره‌ی نصر پیروزی اسلام را بشارت می‌دهد و با دعوت به سپاس گزاری، در این مورد می‌فرماید: ۱– ۳. إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ* وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجاً* فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّاباً هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا می‌رسد،* و مردم را می‌بینی، در حالی که گروه گروه در دین خدا وارد می‌شوند،* پس با ستایش پروردگارت تسبیح بگوی و از او طلب آمرزش کن؛ [چرا] که او بسیار توبه‌پذیر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این سوره به فتح و پیروزی بزرگی برای اسلام اشاره می کند، پیروزی که بعد از آن مردم گروه گروه به سوی اسلام می‌شتابند. برخی مفسران برآنند که منظور از این پیروزی، همان فتح مکه در سال هشتم هجری است که موجب تثبیت اسلام و گسترش آن در جزیرةالعرب، برچیده شدن بساط بت پرستی از مکه، ناامید شدن بت پرستان و مشرکان، گشوده شدن فصل نوینی در تاریخ اسلام و بر طرف شدن موانع گسترش اسلام و گرویدن گروه گروه کافران به اسلام شد. البته برخی مفسران نیز این فتح را اشاره به «صلح حُدیبیه» در سال ششم هجری می‌دانند؛ و برخی نیز گفته‌اند: سوره‌ی «فتح» در حج آخر پیامبر صلی الله علیه و آله در سال دهم هجری نازل شد؛ ولی با توجه به این که این سوره خبر از پیروزی مسلمانان در آینده می‌دهد، این احتمال بعید است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۰ ۲. «نَصرُ اللَّه» (یاری خدا) در قرآن با مضامین مختلف تکرار شده است؛ «۱» و اشاره به آن است که یاری و پیروزی با اراده‌ی خداست، یعنی مقدمات و تأمین نیرو و امکانات جنگی، وظیفه‌ی مجاهدان است؛ اما پیروزی از ناحیه‌ی خداست و او را باید سپاس گزاری کرد. ۳. در این سوره به پنج مرحله‌ی اساسی اشاره شده است: الف) مرحله‌ی یاری و امداد الهی نسبت به رزمندگان اسلام؛ ب) مرحله‌ی پیروزی بر دشمن، که نتیجه‌ی یاری الهی است؛ ج) گسترش اسلام و ورود مردم به اسلام، که نتیجه‌ی پیروزی رزمندگان و برطرف شدن موانع است؛ د) مرحله‌ی سپاس گزاریِ نعمت یاری، پیروزی و گسترش اسلام که آن با تسبیح و ستایش پروردگار حاصل می‌شود؛ ه) جلوگیری از غرور و رفع نقایص، که با توبه و طلب آمرزش محقق می‌شود. ۴. مقصود از «تسبیح»، منزّه شمردن خدا از هرگونه عیب و نقص و منظور از «حمد»، ستایش پروردگار برای صفات کمال اوست، که هرچه عیب و نقص است از انسان و محدودیت‌های اوست، و هرچه نعمت و نیکی است از خداست. آری؛ از دست و زبان که برآید کز عهده‌ی شکرش به در آید (سعدی) ۵. بعد از هر پیروزی ممکن است رزمندگان دچار غفلت و غرور شوند یا حسّ انتقام‌جویی بر آنان غلبه کند؛ از این رو پس از پیروزی، باید طلب آمرزش و استغفار کنند، یعنی حرکت و پیروزی خود را آسیب‌شناسی و اشکالات خود را یاد آوری و توبه و استغفار کنند تا خدا آنها را بیامرزد و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۱ گرفتار غفلت و غرور و انتقام‌جویی نشوند. ۶. این جا این پرسش مطرح می‌شود با این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معصوم بود، چرا خدا به او دستور استغفار می‌دهد؟ مفسران به این پرسش چند پاسخ داده‌اند: الف) انسان هر اندازه شکر و تسبیح و ستایش خدا را به جا آورد باز هم باید به درگاه خدا روآورد و عذر تقصیر بخواهد، چون نمی‌تواند حق شکر او را به جا آورد؛ و این طلب آمرزش پیامبر صلی الله علیه و آله بدین جهت بود. ب) بعد از هر پیروزی ممکن است برخی افراد، تندروی و انتقام‌جویی کنند؛ از این رو آنها برای جلوگیری از چنین حالتی باید به یاد خدا باشند و استغفار کنند. ج) این سوره، به نوعی اعلام پیروزی

اسلام، پایان مأموریت پیامبر صلی الله علیه و آله و اشاره‌ای به فوت ایشان است؛ از این رو مناسب بود که پیامبر صلی الله علیه و آله در پایان عمر به تسبیح، حمد و استغفار روی آورد. د) خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور استغفار می‌دهد تا مسلمانان بیاموزند؛ یعنی برخی مسلمانان ممکن است درسال‌های مبارزه، گاهی گرفتار لغزش و گمان‌های بد شده باشند و اکنون بعد از پیروزی لازم است که با توجه، خود را پاک کنند. ۷. در احادیث روایت شده: پس از آن که پیامبر صلی الله علیه و آله سوره‌ی «فتح» را بر مردم خواند، همه خوشحال شدند جز عباس عموی پیامبر که گریه کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله از او علت گریه‌اش را پرسید. او گفت: گمان می‌کنم خبر رحلت شما در این سوره است! پیامبر فرمود: «همان‌گونه است که تو می‌گویی.» «۱» آری؛ این سوره اعلام پیروزی اسلام و پایان مأموریت پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ بنابراین در پایان کار و قبل از مرگ باید به تسبیح و حمد و استغفار روی آورد. از این رو روایت شده: «بعد از نزول این سوره، پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار تسبیح، حمد و طلب آمرزش می‌کرد». «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. روز پیروزی بزرگ اسلام و روی‌کرد عظیم مردم به دین فرا خواهد رسید. ۲. پیروزی شما در گرو امداد الهی است. ۳. هرگاه به پیروزی بزرگی رسیدید، سپاس‌گزار خدا باشید (که یاری و پیروزی شما از اوست). ۴. تسبیح و حمد، سپاس‌گزاریِ نعمت بزرگ پیروزی اسلام است. ۵. پس از پیروزی (غافل و مغرور نشوید، بلکه با آسیب‌شناسی گذشته‌ی خویش) طلب آمرزش کنید. ۶. خطا بخشی خدا بسیار است (پس ناامید نشوید و از او طلب آمرزش کنید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۳

بخش سی و سوم: سوره‌ی مسد

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «مَسَد» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۵ آیه، ۲۰ کلمه و ۷۷ حرف است. این سوره پنجمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «مدثّر» و قبل از سوره‌ی «تکویر») و صد و یازدهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «مَسَد» (ریسمانی از لیف خرما)، «تبَّت» (زیانکار و هلاکت بار)، «لَهَب» (شعله‌ی آتش) و «ابو لَهب» که نام یکی از مشرکان و دشمنان سر سخت پیامبر صلی الله علیه و آله است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۴

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی «مَسَد» را بخواند، من امیدوارم که خدا او را با ابولهب در یک خانه جمع نکند (و در دوزخ هم‌نشین او نشود). «۱» البته این‌گونه نتایج برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در راستای محتوای آن حرکت کنند؛ یعنی از خط ابولهب‌ها و دشمنان اسلام فاصله بگیرند.

اهداف

اهداف سوره: هدف اصلی این سوره هشدار به دشمنان اسلام است که فرجام عذاب‌آلودی دارند.

ویژگی

ویژگی: خصوصیت سوره‌ی مَسَد آن است که برخلاف روش معمول قرآن، که از دشمنان اسلام نام نمی‌برد، در این سوره از

ابولهب به طور صریح نام برده و به او نفرین شده است؛ زیرا او از دشمنان لجوج اسلام بود که پیامبر صلی الله علیه و آله را بسیار آزار می‌داد.

مطالب

مطالب: ۱. حمله‌ی شدید و نفرین به یکی از دشمنان سرسخت اسلام، یعنی ابو لهب (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. پیش‌گویی فرجام عذاب‌آلود و کفرآمیز ابولهب و همسرش (در آیات ۳- ۵)؛ ۳. اعلام این که مال و ثروت در آخرت مایه‌ی نجات کافران نخواهد بود (در آیه‌ی ۲)؛ ۴. اشاره‌ای به سرگذشت همسر ابو لهب (در آیات ۴ و ۵). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۵

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی مسد قرآن کریم در سوره‌ی مَسَد با نفرین به ابولهب، به فرجام عذاب‌آلود دشمنان خاص پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی ابو لهب و همسرش اشاره کرده، می‌فرماید: ۱- ۵. تَبَّتْ یَدَا أَبِی لَهَبٍ وَتَبَّ* مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ* سَیَصْلَى نَاراً ذَاتَ لَهَبٍ* وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ* فِی جِیدِهَا حَبْلٌ مِن مَسَدٍ زیانکار و هلاکت‌بار باد دو دست ابولهب؛ و زیان دید و هلاک شد.* ثروتش و آنچه کسب کرده بود، (عذاب را) از او دفع نکرد.* به زودی در آتشی شعله‌ور وارد می‌شود (و می‌سوزد).* و (نیز) همسرش، در حالی که هیزم‌کش (دوزخ) است؛* در گردنش ریسمانی از لیف خرمای تافته است. شأن نزول: حکایت شده که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مأموریت یافت که مردم را به طور علنی به سوی اسلام فراخواند و از این رو به بالای کوه صفا رفت و مردم را صدا زد. وقتی همگان حاضر شدند، گفت: اگر به شما خبر دهم که دشمنان از پشت این کوه قصد حمله به شما را دارند، آیا گفته‌ی مرا تأیید می‌کنید؟ همگان گفتند: (آری) ما هرگز از تو دروغی نشنیده‌ایم. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را به عذاب شدید الهی هشدار داد. ابولهب که در میان آن جمع بود صدا زد: زیانکاری و هلاکت برتو باد! آیا ما را فقط برای شنیدن همین سخن جمع کردی؟! در این هنگام سوره‌ی مَسَد فرود آمد و با همان تعبیری که ابولهب به کاربرده بود، به او نفرین کرد تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۶ و فرجام عذاب‌آلود ابو لهب و همسرش را بیان نمود. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. روش معمول قرآن کریم آن است که از دشمنان اسلام نام نمی‌برد، بلکه با عناوین کلی، هم‌چون کافران و منافقان از آنان یاد می‌کند. اما در این سوره نام ابو لهب برده شده و به همسرش نیز اشاره شده است. این مطلب از یک طرف به خاطر آن است که ابو لهب و همسرش بی‌ادبی و جسارت را از حد گذراندند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را بسیار آزردند و از این رو لازم بود نام او برده شود و نفرین گردد تا درس عبرتی برای دیگران باشد. و از طرف دیگر این سوره هشداری است به همه‌ی زنان و مردانی که هم‌چون ابو لهب و همسرش هستند؛ یعنی فرجام ابو لهب صفتان را بیان می‌کند و در حقیقت صفات و روش آنها را نکوهش و نفرین می‌کند که ممکن است در هر زمان مصادیق و نمونه‌های جدیدی داشته باشد. و از سویی، نوعی آموزش به مسلمانان نیز به شمار می‌آید که به دشمنان لجوج و بددهن اسلام مرگ بگویید و هر شعاری علیه رهبران اسلام دادند شما مقابله به مثل کنید. ۲. «ابولهب» کُنیه‌ی عموی پیامبر صلی الله علیه و آله است. نام او «عبدالعُزی» (بنده‌ی بت عُزی) است. «ابولهب» به معنای صاحب شعله‌ی آتش است و از آن جا که ابولهب تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۷ دارای صورتی سرخ و برافروخته بود، این کنیه را برای او برگزیدند. ابولهب از دشمنان سرسخت و لجوج پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام بود. او پیامبر صلی الله علیه و آله را دنبال می‌کرد و تبلیغات او را خنثی می‌نمود و به آزار جسمی و روحی او می‌پرداخت. هر جا پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را به توحید فرا می‌خواند، ابولهب حاضر می‌شد و او را دیوانه می‌خواند و مردم را به شرک و بت پرستی دعوت می‌کرد و حتی به اعرابی که از خارج مکه برای دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند می‌گفت: او دیوانه‌ای است که مشغول مداوای او هستیم و از آن جا که

عموی پیامبر صلی الله علیه و آله بود سخنان او تأثیر می‌کرد و برخی بدون ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه بازمی‌گشتند. او پیمان بنی‌هاشم، برای حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله را امضا نکرد و به صف دشمنان آن حضرت پیوست. ابولهب سخنان رکیک و زننده‌ای به کار می‌برد و در آخرین سخنش به پیامبر «تبّت» «۱» (: زیان و هلاکت بر او باد) گفت که قرآن نیز همین تعبیر را در مورد او به کاربرد. «۲» سنگ بد گوهر اگر کاسه‌ی زرین بشکست قیمت سنگ نیفزاید و زر کم نشود (سعدی) ۳. ابو لهب مرد ثروتمندی بود که در کوشش‌های ضد اسلامیِ خود، بر ثروتش تکیه می‌کرد، ولی قرآن به او هشدار داد که این اموال در رستاخیز نمی‌تواند عذاب الهی را از او دفع کند. ۴. ابولهب که صورتی برافروخته و آتش‌گون داشت، در رستاخیز «۳» گرفتار شعله‌های بزرگ آتش می‌شود و می‌سوزد تا عبرتی برای سرکشان و مخالفان لجوج اسلام باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۸ ۵. ابولهب پس از جنگ بدر، در اثر ضربه‌ی چوبی که یک زن به او زد بیمار شد و بدنش عفونتی هم‌چون طاعون پیدا کرد و بیرون از مکه با پرتاب سنگ در دل زمین پنهان شد. «۱» ۶. «ام جمیل» همسر ابولهب و خواهر ابوسفیان و عمه‌ی معاویه بود. او با شوهرش در ضدیت با پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام همکاری می‌کرد و گاهی خارها را به دوش می‌کشید و در راه عبور پیامبر صلی الله علیه و آله می‌ریخت تا او را بیازارد. احمد که سرآمد عرب بود هم خسته‌ی خار بولهب بود (نظامی) ۷. قرآن کریم همسر ابو لهب را هیزم کش آتش دوزخ معرفی کرده است. این تعبیر یا به خاطر آن است که او خارها را به دوش می‌کشید و بر سر راه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌ریخت، یا به خاطر آن که با سخن‌چینی، پیامبر صلی الله علیه و آله را آزار می‌داد، یا به خاطر بُخل به هیزم کش فقیری تشبیه شده است، یا به دلیل آن است که او در رستاخیز بارگناهان زیادی را به دوش می‌کشد، و یا به جهت آن است که او با شوهرش در راه دشمنی با اسلام همکاری می‌کرد و بار این کار را به دوش می‌کشید. البته مانعی ندارد که آیات فوق اشاره به همه‌ی این معانی باشد، ولی معنای اول مناسب‌تر است. ۸. در این سوره بیان شده است که در رستاخیز برگردن همسر ابو لهب ریسمانی از لیف خرماست. این تعبیر کنایه از خواری او در قیامت است که طنابی خشن در جهنّم برگردن او می‌نهند و یا به خاطر آن که ام‌جمیل گردبندی قیمتی داشت که سوگند یاد کرده بود آن را در راه دشمنی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هزینه کند و اصولًا زنان اشرافی باگردن‌بند خود ابراز شخصیت می‌کنند؛ از این رو در رستاخیز گردن بندی از لیف خرما به او می‌دهند تا تحقیر شود! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۸۹ ۹. بسیاری از کافران پس از پیروزی اسلام، مسلمان شدند؛ ولی ابولهب و همسرش، طبق پیش‌گویی قرآن، توفیق ایمان آوردن پیدا نکردند و این مطلب را برخی از مفسران از خبرهای غیبی و اعجازآمیز قرآن دانسته‌اند. «۱» ۱۰. ابولهب عموی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود، ولی از نظر فکری و عقیدتی از او فاصله گرفت و گرفتار عذاب شد، در حالی که افرادی هم‌چون سلمان فارسی که از نظر فکری و ایمانی به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک بودند اهل آن حضرت شدند. آری؛ معیار اساسی در نزدیکی و دوری افراد به رهبران الهی، عقیده و فکر آنان است، نه خویشاوندی و نسب آنان و چه بسا نزدیکان جسمی که از پیامبر و رهبران الهی دورند! آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به دشمنان اسلام مرگ بگویید و با شعارهای آنان مقابله به مثل کنید. ۲. ابو لهب‌صفتان، فرجامی عذاب‌آلود دارند. ۳. در رستاخیز (که روز تنهایی و نیاز است)، ثروت کافران سودی به حالشان ندارد. ۴. زنان با دشمنان اسلام همکاری نکنید، اگر چه شوهر شما باشند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۱

بخش سی و چهارم: سوره‌ی اخلاص

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «توحید» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۴ آیه، ۱۵ کلمه و ۴۷ حرف است. این سوره، بیست و یکمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «ناس» و قبل از سوره‌ی «نجم») و صد و دوازدهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «اخلاص»، «توحید»، «الأساس»، «نسبهٔ الرّب» (شناسنامه‌ی پروردگار)، «نور»، «نجات»، «قل هو اللَّه»، و «الصمد»، که این دو نام اخیر از آیات اول و دوم سوره گرفته شده‌اند، و نام‌های دیگر از مضامین و لوازم و صفات سوره است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۲

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که آیا کسی از شما ناتوان است که در یک شب ثلث قرآن را بخواند؟ برخی یاران پرسیدند: چه کسی می‌تواند چنین کند؟ حضرت فرمود: سوره‌ی توحید را بخوانید. «۱» از امام سجاد علیه السلام روایت شده که خدای متعال می‌دانست که در آخر الزمان اقوامی ژرف‌نگر می‌آیند، از این رو سوره‌ی «توحید» و آیات آغاز سوره‌ی «حدید» را نازل کرده و هرکس ورای آن را طلب کند هلاک می‌شود. «۲» البته روشن است که این ثواب‌ها، برای خواندن همراه با ژرف نگری و تفکر و حرکت در راستای توحید است.

اهداف

اهداف: هدف اصلی این سوره روشن ساختن ابعاد توحید است.

مطالب

مطالب: ۱. اشاره‌ای به توحید ذات و صفات (در آیه‌ی ۱ و ۴)؛ ۲. بیان این که خدا مطلوب و مقصود نهایی موجودات است (در آیه‌ی ۲)؛ ۳. نفی عقاید مسیحیان و یهودیان در مورد فرزند داشتن خدا (در آیه‌ی ۳). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۳

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی اخلاص قرآن کریم در سوره‌ی توحید با اشاره به توحید ذات و صفات خدا می‌فرماید: ۱ - ۴. قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ* اللَّهُ الصَّمَدُ* لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ* وَلَمْ یَکُن لَهُ کُفُواً أَحَدٌ بگو: «خدا یکتاست،* خدایِ همواره مقصود،* نه زاییده و نه زاده شده است؛* و هیچ کس برای او همتا نبوده است.» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از کافران «۱» از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستند که خدا را برای آنان وصف کند و پیامبر صلی الله علیه و آله سه روز سکوت کرد تا سوره‌ی اخلاص فرود آمد و خدا و صفات او را معرفی کرد. «۲» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سوره‌ی توحید را شناسنامه‌ی خدا دانسته‌اند؛ یعنی در این سوره خدا را با نام معرفی می‌کند و نسب او را مشخص می‌سازد که پدر و مادر و فرزندی ندارد و در جملاتی کوتاه، خدا را نسبتاً به صورت کامل معرفی می‌کند. ۲. در جهان‌بینی اسلامی خدا یکی است (توحید ذاتی) و تنها او تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۴ سرچشمه‌ی همه‌ی قدرت‌ها و خوبی‌هاست و فقط او شایسته‌ی پرستش است؛ یعنی روح توحیدی در تمام عقاید و اعمال مسلمانان جاری است و محور اصلی دین اسلام توحید است که هم‌چون روحی در کالبد دین دمیده شده است. ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی نروم جز به همان ره که تو ام راه‌نمایی همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم همه توحید تو گویم که به توحید سزایی (سنایی غزنوی) ۳. توحید دارای تقسیمات متعددی است: الف) براساس یک تقسیم، توحید به چهارشاخه تقسیم می‌شود: ۱.

توحید ذاتی: یعنی خدا یکی است و هیچ شریک و همتایی ندارد. ۲. توحید صفاتی: صفات خدا از ذاتش جدا نیست- همان‌طور که این صفات از هم‌دیگر جدا نیستند- بلکه همگی عین ذات‌اند. ۳. توحید افعالی: یعنی او سبب و علت اصلی هر وجود و حرکتی در جهان است. ۴. توحید عبادی: یعنی مردم باید تنها او را بپرستند و غیر او شایسته‌ی پرستش نیست. البته در قرآن کریم به همه‌ی این شاخه‌ها و مراتب توحید اشاره شده «۱» اما در سوره‌ی فوق توحید ذاتی و صفاتی یادآوری شده است. ب) در تقسیم دیگری توحید به چند شاخه‌ی توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت، توحید در قانون‌گذاری، توحید در مالکیت، توحید در حاکمیت و توحید در اطاعت تقسیم می‌شود و در قرآن کریم به این شاخه‌ها و مراتب اشاره شده است. «۲» ۴. فلاسفه و متکلمان ومفسران قرآن برای توحید دلایل متعددی ارائه کرده‌اند که در این جا فقط آنها را یادآوری می‌کنیم: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۵ الف) برهان صِرف الوجود: یعنی خدا وجود مطلق است که هیچ قید و شرط وحدّی ندارد و اگر محدودیتی پیدا کند، عدم در او راه می‌یابد و چیزی غیر از او نیست که محدودیت و عدم را بر او تحمیل کند. و دو هستی نامحدود هم تصور نمی‌شود؛ چون حتماً یکی فاقد کمالات دیگری می‌شود و محدود می‌گردد، پس فقط یک خدای نا محدود وجود دارد. ب) برهان وحدت نظام و انسجام جهان: یعنی وحدت نظام هستی و قوانین حاکم برآن و انسجام اجزای آن، نشان می‌دهد که «یک خالق» و «یک اراده» بر آن حاکم است، پس جز خدای یکتا وجود ندارد. این برهان با پیشرفت علوم بشری هر روز روشن‌تر می‌شود. همه آفرینندهات بالا و پست تویی آفریننده‌ی هر چه هست جهان را بدین خوبی آراستی برون زان که یاریگری خواستی (نظامی گنجوی) ج) برهان تمانُع: که ذیل آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی انبیاء بیان شد که اگر بیش از یک خدا باشد، جهان به فساد و تباهی کشیده می‌شود. د) دلیل دیگر، دعوت عمومی پیامبران الهی به سوی یک خداست؛ یعنی اگر خدای دیگری بود، پیامبری می‌فرستاد و ما را از وجود خویش آگاه می‌ساخت. ۵. سوره‌ی توحید با واژه‌ی «قُل» (بگو) شروع می‌شود. این مطلب از طرفی به وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره دارد که اظهار مطالب توحیدی و بیان مطالب مخفی برای مردم است و از طرف دیگر به حفظ وحی و دقت در بیان آن؛ زیرا پیامبر حتی واژه‌ی «بگو» را برای ما نقل کرده است؛ یعنی هیچ گونه تغییر وتصرفی در وحی ننموده است. ۶. «هُوَ»، ضمیر مفرد غایب است که اشاره به ذات مقدس الهی دارد که در نهایت خفا است، و او از دسترس افکار محدود و از دید چشم‌ها وحواس بشر بیرون است، هر چند آثار او در جهان آشکار است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۶ ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم و ز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ما همچنان در اول وصف تو مانده‌ایم (سعدی) ۷. «اللَّه» اسم خاص خداست که به ذات دارای تمام کمالات اشاره می‌کند و معنای اصلی آن معبود، معشوق یا کسی است که عقل‌ها در مورد او حیران است. «۱» نام «اللَّه» بیش از همه‌ی نام‌های خدا و بیش از هزار بار در قرآن تکرار شده است. ۸. «احَد» در اصل به معنای وحدت ویکتا بودن است و اشاره به ذاتی دارد که از هر جهت بی‌نظیر و منفرد است؛ ذات، علم و قدرت او یگانه است و مانندی ندارد؛ ذات یکتایی که در ذهن و در خارج از ذهن قبول کثرت نمی‌کند. «۲» ۹. در حدیثی آمده است که در روز جنگ جَمَل، مردی از امام علی علیه السلام پرسید: آیا می‌گویی خدا واحد است؟ واحد به چه معناست؟ برخی از یاران به آن مرد حمله کردند که چرا در هنگامه‌ی جنگ چنین پرسشی می‌کند، اما امام علی علیه السلام فرمود: او را به حال خود بگذارید؛ آنچه را او می‌خواهد، همان چیزی است که ما از این گروه دشمن می‌خواهیم! (و ما برای توحید می‌جنگیم). سپس توضیح دادند که دو معنای «واحد»، در مورد خدا صحیح نیست: یکی این که وحدت عددی باشد (یعنی خدا یکی باشد که دو داشته باشد) و دوم آن که وحدت نوعی باشد (چون خدا نوع ندارد). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۷ و دو معنای واحد در مورد خدا صحیح است: اول به معنای این که خدا در جهان شبیه ندارد و دوم آن که ذات خدا در خارج و عقل تقسیم‌پذیر نیست. «۱» ۱۰. «صَمَد» در اصل به معنای قصد است و خدا را صَمَد می‌گویند، از آن رو که مردم قصد درگاه او می‌کنند. البته برای «صمد» معانی دیگری نیز نقل شده است مانند صلابت و نیز به معنای آقا و بزرگی که دیگران برای انجام کارهای خود به سوی او می‌روند و یا به معنای

چیزی که توخالی نیست. «۲» از این رو در کلمات مفسران و احادیث معانی متعددی برای صمد بیان شده است، که معمولًا با معانی لغوی همخوان است. ۱۱. صَمَد در لغت به «چیزی که توخالی نباشد» نیز معنا شده و در حدیثی از امام حسین علیه السلام نیز همین معنا روایت شده است. در علم فیزیک نیز بیان شده که همه‌ی موجودات از اتم ساخته شده‌اند که توخالی است؛ یعنی فضای خالی بسیاری بین الکترون‌ها و هسته‌ی مرکزی اتم وجود دارد، به طوری که اگر این فاصله‌ها برداشته شود حجم اجسام بسیار کوچک می‌شود. از این رو برخی افراد نوشته‌اند که این آیه اشاره به نفی جسمانیت از خداست؛ یعنی همه‌ی موجودات از اتم‌های توخالی تشکیل شده‌اند اما خدا هم‌چون اتم، جسم توخالی نیست. «۳» ۱۲. برخی یهودیان معتقد بودند که عُزَیر پسر خداست و غالب مسیحیان نیز معتقدند که عیسی پسر خداست و مشرکان عرب نیز فرشتگان را دختران خدا می‌دانستند، ولی قرآن کریم در این سوره، همه‌ی این عقاید خرافی را نفی می‌کند و اعلام می‌کند که خدا نه زاییده شده و نه تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۸ می‌زاید و فرزندی ندارد. ۱۳. از امام حسین علیه السلام روایت شده که فرمودند: مقصود از «لم یَلد ولم یُولد» آن است که خدا برتر از آن است که چیز لطیف، مانند نفس و عوارض گوناگون آن، مانند خواب و خیال واندوه و خوشحالی و خنده و گریه و گرسنگی و سیری، از او خارج شود و نیز برتر از آن است که از چیز مادی و لطیف متولد گردد. «۱» البته این حدیث اشاره به بطن آیه دارد؛ یعنی معنای «تولد» را گسترش داده، تا هرگونه خروج و نتیجه‌گیری چیزی از چیز دیگر را شامل شود. ۱۴. «کُفوْ» به معنای هم‌طراز در مقام و منزلت است و به هرگونه چیز شبیه و همانندی گفته می‌شود؛ یعنی خدا همانندی ندارد تا با او همتا گردد و شبیهی ندارد تا با او مساوی باشد. این آیه تمام عوارض و صفات مخلوقات و هرگونه نقص و محدودیت را از او نفی می‌کند و این همان توحید ذاتی و صفاتی است. نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی (سنایی غزنوی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیام توحیدی اسلام را اعلام کنید. ۲. هستی، آهنگ خداکرده است. ۳. دنبال حسب و نسب خدا نگردید که او تنهاست. ۴. خدا را به یکتایی و بی‌همانندی بشناسید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۳۹۹

بخش سی و پنجم: سوره‌ی فلق

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «فلق» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده «۱» و دارای ۵ آیه، ۲۳ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۰ کلمه و ۷۴ حرف است. این سوره نوزدهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «فیل» و قبل از سوره‌ی «ناس») و صد و سیزدهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «فلق» (شکافتن سپیده دم) است که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که همانند سوره‌ی فلق و ناس بر ایشان نازل نشده است. «۱» و نیز از آن حضرت روایت شده که به برخی یاران خود فرمودند: هرگاه بر می‌خیزی و می‌خوابی این دو سوره (فلق و ناس) را بخوان. «۲»

اهداف

اهداف: هدف اصلی سوره، آموزش پناهندگی به خدا، از شرّ موجودات شرور است.

مطالب

مطالب: ۱. اشاره‌ای به عظمت سپیده دم و آفرینش آن (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. بیان منابع شرّ و فساد در جهان (در آیات ۲– ۵)؛ ۳. یادآوری خطر مهاجمین شب (در آیه‌ی ۳)؛ ۴. بیان خطر وسوسه‌گران (در آیه‌ی ۴)؛ ۵. یادآوری خطر حسد و رشک‌ورزی (در آیه‌ی ۵). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۱

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی فلق قرآن کریم در سوره‌ی فلق با آموزش پناهندگی به خدا، به منابع شرّ و فساد جهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱– ۵. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ* مِن شَرِّ مَا خَلَقَ* وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ* وَمِن شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ* وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ بگو: «پناه می‌برم به پروردگار بامداد،* از بدی آنچه آفریده است،* و از بدی نهایت تاریکی (شب)، هنگامی که فرا رسد،* و از بدی (زنان افسونگر) دمنده در گره‌ها (و پیوندها و قرارها،)* و از بدی حسود هنگامی که رشک ورزد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این سوره نیز با «قل» شروع می‌شود و از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواهد که این مطالب را برای مردم بازگو کند. این بیان از طرفی اشاره به حفظ کامل وحی و عدم دخالت پیامبر صلی الله علیه و آله در کلمات دارد و از طرف دیگر آموزشی به مردم است که از شرّ موجودات شرور به خدا پناه ببرید و این جملات را بگویید. ۲. «فَلَق» به معنای شکافتن چیزی است و از آن جا که در هنگام سپیده دم، دل تاریکی شب شکافته می‌شود و نور بامداد می‌دمد، به آن فَلَق گفته می‌شود و نیز به موجودات زنده و یا همه‌ی موجودات فَلَق گفته می‌شود؛ چرا که گویا با شکافتن پرده‌ی عدم به وجود می‌آیند. آری؛ پروردگار سپیده دم یا پروردگار موجودات، مدّبر جهان است که باید در هنگام خطرها به او پناه ببریم. ۳. چرا خدا موجودات را شرّ آفریده است که باید از آنها به خدا پناه برد؟ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۲ آفرینش ایجاد است و ایجاد موجودات خیر است، پس اگر شرّی به وجود می‌آید لازمه‌ی محدودیت‌ها، نقص‌ها و انحراف موجودات از قوانین آفرینش است. یعنی چاقوی برنده اگر در جای مناسب مصرف شود نیکوست، اما اگر در جای نامناسب و برای کشتن مردم استفاده شود شرّاست. ۴. مقصود از شرِّ فرارسیدن نهایتِ تاریکی شب آن است «۱» که موجودات مزاحم یا افراد مهاجم بیش‌تر در شب وجود دارند و از تاریکی آن برای حمله استفاده می‌کنند و شب را هم‌چون حفره‌ای زیانبار، کمینگاه خود قرار می‌دهند. البته این آیه می‌تواند اشاره به ظلمت‌های جهل و کفر و فریب نیز باشد، که هرگاه جهان را فراگیرد خطری عظیم برای بشریت است. ۵. مقصود از کسانی که در گره‌ها می‌دمند، چه کسانی هستند؟ مفسران در این مورد چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) منظور زنان وسوسه‌گری هستند که پی‌درپی در گوش مردان مطالبی را می‌خوانند تا عزم آهنین آنها را سست کنند و از کارهای مثبت بازشان دارند، همان‌طور که در طول تاریخ، این زنان وسوسه‌گر، با سحر بیان خود حوادث مرگباری را آفریده و آتش برخی جنگ‌ها را شعله‌ور ساخته‌اند. «۲» ب) منظور، افراد شروری هستند که با وسوسه‌ها و تبلیغات خود تصمیم‌ها را سست می‌سازند. ج) مقصود آیه، زنان جادوگری هستند که در گره‌ها می‌دمند و سحر می‌کنند. «۳» البته بعید نیست که آیه‌ی فوق، معنای وسیعی داشته باشد که همه‌ی این موارد از مصادیق آن باشد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۳ ۶. در این سوره یکی از منابع شرّ را رشک حسودان معرفی می‌کند که آن‌قدر خطرناک است که انسان باید از آنها به خدا پناه برد. عواملِ «حسد»، ضعف ایمان، تنگ نظری و بُخل انسان است. و حسد سرچشمه‌ی برخی گناهان کبیره می‌شود و حتی ریشه‌ی اولین قتل در تاریخ بشر و سرچشمه‌ی کشته شدن هابیل، حسد بود و همین حسد مانع رشد و کمال بشر ومانع راه پیامبران بود. یوسفان از رشک زشتان مخفی‌اند کز عدو خوبان در آتش می‌زنند یوسفان از مکر اخوان در چه‌اند کز حسد یوسف به گرگان می‌دهند (مولوی) ۷. از امام باقر علیه السلام روایت شده که آفت دین، رشک‌ورزی، خود بزرگ بینی و

فخرفروشی است. «۱» ۸. «حسـد» به معنای آن است که انسان آرزو کنـد که نعمت‌های دیگران نابود شود، ولی «غِبْطه» آن است که انسـان آرزو کنـد نعمتی هم‌چون نعمت دیگران داشـته باشـد، بـدون آن که آرزوی نابودی نعمت دیگران را بکنـد؛ از این رو گفته شده که غبطه خوب است اما حسد ناپسند است. ۹. اگر حسد در درون کسی موجود باشد، ولی آن را آشکار نسازد و به صحنه‌ی زنـدگی وارد نکند و تأثیری در رفتار و موضع‌گیری‌های او نداشته باشد، این‌گونه حسد، خطری برای دیگران ندارد هر چند صـفای دل را از بین می‌برد. اما اگر حسـد به مرحله‌ی عمل و زندگی وارد شود، خطرناك است و باید از آن به خدا پناه برد و آیه‌ی فوق به این مرحله اشـاره دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگام خطر، پناهگاه شـما خداست. ۲. موجودات، دارای دو بعد خیر و شـر هسـتند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۴ ۳. ظلمت، وسوسه‌گری و رشك‌ورزی از مظاهر و منابع شـرور هستند. ۴. مواظب خطر ظلمت جهـانی و تبلیغات سو و رشك‌ورزی‌ها باشـید. ۵. رهـبران الهی خود را در معرض خطرهـای شبانه و وسوسه‌گران و حسودان قرار ندهند. ۶. مراقب زنان افسونگر باشید. ۷. حسادت خود را ابراز نکنیـد که خطرآفرین است. *** تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۵

بخش سی و ششم: سوره‌ی ناس

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «ناس» در مکه بر پیامبر صـلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۶ آیه، ۲۰ کلمه و ۷۹ حرف است. این سوره بیستمین سوره در ترتیب نزول (پس از سوره‌ی «فلق» و قبـل از سوره‌ی «اخلاـص») و صـد و چهـاردهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «ناس» (مردم) است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است. این واژه سه مرتبه در این سوره تکرار شده است. تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۶

فضیلت

فضـیلت: از امـام باقر صـلی الله علیه و آله روایت شـده است که هر کس سوره‌های «فلق»، «ناس» و «اخلاص» را در رکعت آخر نماز شب بخوانـد، به او بشارت داده می‌شود که خدا نماز تو را قبول کرده است. «۱» البته روشن است که این آثار برای کسانی است که این سوره‌ها را بخوانند و در آنها تفکر و در راستای محتوای آنها حرکت کنند.

اهداف

اهداف: هدف اصلی این سوره، آموزش پناهندگی به خدا از شر شیطان‌صفتان است.

مطالب

مطالب: ۱. اشاره به سه صـفت ربوبیت، حاکمیت و معبود بودن خدا (در آیات ۱– ۳)؛ ۲. هشدار در مورد وسوسه‌گری شیطان‌ها (در آیات ۴– ۶)؛ ۳. یادآوری این که شیطان‌صـفت‌ها ممکن است از جنس جن یا انسان باشند (در آیه‌ی ۶). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی ناس قرآن کریم در سوره‌ی ناس با اشاره به صفات خدا، به خطر شیطان‌صفتان وسوسه گر و لزوم پناهندگی به خدا اشاره کرده، می‌فرماید: ۱ - ۶. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ* مَلِكِ النَّاسِ* إِلهِ النَّاسِ* مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ* الَّذِی یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ* مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ بگو: «پناه می‌برم به پروردگار مردم،* (همان) فرمانروای مردم،* (همان) معبود مردم،* از بدی وسوسه گر بسیار پنهان شونده،* که در سینه‌های مردم وسوسه می کند،* در حالی که از جن و (یا از) مردم است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این سوره نیز با «قُل» (بگو) شروع شده که از طرفی اشاره به آن دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله وحی الهی را به طور کامل به دست بشر رسانده و هیچ دخالتی در کلمات آن نداشته است و از طرف دیگر آموزشی برای پیامبر صلی الله علیه و آله و مردم است که از شر شیطان‌صفتان وسوسه گر به خدا پناه ببرند. ۲. در این سوره به سه صفت خدا اشاره شده است: الف) رُبُوبیت و پروردگاری خدا، یعنی خدا مردم را آفریده و تحت تربیت خود قرار داده است؛ ب) حاکمیت و مالکیت خدا، یعنی خدا مالك حقیقی همه‌ی انسان‌هاست و مالکیت و حکومت دیگران اعتباری و قرار دادی است؛ ج) معبود بودن خدا، یعنی همه‌ی انسان‌ها او را می‌پرستند؛ زیرا غیر از او شایسته‌ی پرستش نیست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۸ ۳. پناه بردن به خدا گاهی با کلمات و زبان، گاهی در مرحله‌ی فکر و عقیده و گاهی در مرحله‌ی عمل و زندگی است؛ یعنی انسان از راه‌های شیطانی و وسوسه‌ها دوری گزیند و خود را تحت تربیت الهی قرار دهد و از عبادت غیر او بپرهیزد و با پرستش خدا به کمال برسد و فقط خدا را حاکم و مالك حقیقی جهان بداند و از او فرمان برد. آری؛ پناهندگی به خدا در همه‌ی مراتب زبانی، فکری و عملی مطلوب است؛ و اشاره به این سه صفت خدا، سه درس مهم تربیتی و سه وسیله‌ی نجات از وسوسه گران است. ۴. «وسواس»، در اصل به معنای صدای آهسته‌ای است که از به هم خوردن زینت‌آلات برمی‌خیزد «۱» و به هر صدای آهسته‌ی وسوسه گری گفته می‌شود که آثار نامطلوبی در جان و فکر بشر می گذارد و در این جا مقصود وسوسه گرانی هستند که خود را پنهان کرده‌اند «۲» و برنامه‌های خود را با مخفی کاری می‌آمیزند و در گوش انسان‌ها وسوسه می کنند. ۵. این سوره نوعی هشدار و اعلام خطر به انسان‌هاست که شیطان‌صفتان مخفی کار و وسوسه گرند؛ و باطل را حق جلوه می‌دهند و نیرنگ کاری و ظاهرسازی می کنند؛ پس منتظر نباشید که شیطان‌صفتان را در چهره‌ی اصلی ببینید؛ آنان گاهی به صورت انسان‌ها و گاهی به صورت جنیان هستند. ۶. مقصود از وسوسه کردن در سینه‌ها چیست؟ این تعبیر اشاره دارد که شیطان‌ها و شیطان‌صفتان افکار پلید خود را به ذهن انسان‌ها القا می کنند و کم کم آنان را منحرف می‌سازند و به تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۰۹ سوی گناه می کشانند. امام خمینی رحمه الله در مورد وسوسه‌های شیطان می گوید: همان شیطانی که اغوا می کند (: فریب می‌دهد) آدم را، اکثر اغوائاتش این است که انسان را بازی می‌دهد، وسوسه می کند در انسان، وسوسه‌های دامنه‌دار، از همه طرف وسوسه می کند که تو حالا- صاحب قدرت هستی، تو صاحب کذا هستی، دیگران چه کاره‌اند؟ ... «۱» ۷. از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که هیچ مؤمنی نیست مگر آن که برای دل او دو گوش است: گوشی که فرشته در آن می‌دمد (و الهام می کند؛) و گوشی که (شیطان‌صفتان) وسوسه گرِ پنهان کار در آن می‌دمند (و مطالب خود را القا می کنند) و خدا مؤمن را به‌وسیله‌ی فرشته تأیید می کند؛ و این است معنای آیه‌ای که می‌فرماید: خدا با روح خود او را تأیید کرد. «۲» ۸. از سوره‌ی ناس و حدیث فوق استفاده می‌شود که انسان در معرض الهامات رحمانی فرشتگان و القائات شیطانی است و این انسان است که می‌تواند به هر کدام از این دو ندا گوش دهد و راه خیر یا شرّ را انتخاب کند. ۹. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رهبر امت اسلام و معصوم بود واحتمال نداشت که از شیطان فریب بخورد و منحرف گردد، ولی خدا به او دستور می‌دهد که از شرّ انسان‌ها و جنیان وسوسه گرِ پنهان کار، به خدا پناه ببرد. این مطلب اشاره به آن است که رهبران بیش‌تر در معرض خطرند؛ و آموزه‌ای برای همه‌ی مردم است که از خطر شیطان‌صفتان مصون نیستند، پس باید به خدا پناه ببرند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا، پناهگاه شما در برابر خطرِ شیطان‌صفتان است. ۲. در هنگام وسوسه‌های

شیطان‌صفتان، به یاد پرورشگر، حاکم و معبود خود باشید. ۳. شیطان‌صفتان، افرادی وسوسه گر و پنهان‌کارنـد (پس خطر آنهـا دو چندان است). ۴. راه ورود شیطان‌صفتان، دل و ذهن شماست، پس مراقب افکار خود باشید. ۵. شیطان‌صفتان را فقط در میان جنیان جست‌وجو نکنید، چه بسا از جنس خود شـما باشند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۱ خطرهای شیطان ۱. شیطان دشمن آشکار شماست (یوسف، ۵ و اعراف، ۲۲)؛ ۲. شیطان دوست بدی است (نساء، ۳۸)؛ ۳. شیطان آدم و حوا را فریب داد و از بهشت خـارج ساخت (بقره، ۳۶ و اعراف، ۲۷)؛ ۴. او شـما را به سوی کارهـای زشت و ناپسند فرا می‌خوانـد (بقره، ۲۶۸ و نـور، ۲۱)؛ ۵. ربـاخواری کاری شیطانی است (بقره، ۲۷۵)؛ ۶. برخی کارهـای مـا زمینه‌ساز لغزش‌های شیطانی است (آل‌عمران، ۱۵۵)؛ ۷. شیطان دوستان خـود را می‌ترسانـد (آل‌عمران، ۱۷۵)؛ ۸. شیطان می‌خواهـد شـما را گمراه سـازد (نسـاء، ۶۰)؛ ۹. دوسـتان شیطان گرفتار زیانکاری می‌شونـد (نساء، ۱۱۹)؛ ۱۰. شیطان فریبکارانه وعـده می‌دهـد و آرزواندیشـی انسان را تقویت می‌کنـد (نساء، ۱۲۰)؛ ۱۱. شراب‌خواری و قماربازی از وسایل شیطانی است که با آنها بین مردم بـذر کینه و دشـمنی می‌پاشـند (مائده، ۹۰ و ۹۱)؛ ۱۲. شیطان برخی چیزها را برای انسان زینت می‌دهد (انعام، ۴۳ و انفال، ۴۸)؛ ۱۳. شیطان یکی از عواملِ فراموشی انسان و یاد خداست (یوسف، ۴۲ و مجادله، ۱۹)؛ ۱۴. شیطان وسوسه‌گر است (طه، ۱۲۰ و ناس)؛ ۱۵. شیطان مایه‌ی خواری انسان می‌شود (فرقان، ۲۹)؛ ۱۶. شیطان مـانع راه خـدا می‌شود (نمل، ۲۴)؛ تفسیر قرآن مهر جلـد بیسـت و دوم، ص: ۴۱۲ ۱۷. شیطان انسـان را به سوی آتش فرا می‌خواند (لقمان، ۲۱)؛ ۱۸. سخن درِگوشی و نجوی عملی شیطانی است (مجادله، ۱۰)؛ ۱۹. شیطان، انسان را به سوی کفر فرامی‌خواند (حشر، ۱۶)؛ ۲۰. اسـرافکاران برادران شیطانند (اسراء، ۲۷). راهکارهای مقابله با شیطان ۱. از گام‌های شیطان پیروی نکنید (بقره، ۲۰۸)؛ ۲. از شـرّ شیطان به خدا پناه ببرید (آل‌عمران، ۳۶؛ اعراف، ۲۰۰ و ناس)؛ ۳. دوسـتان شیطان را بکشید (نساء، ۷۶)؛ ۴. در هنگام قرائت قرآن از شـرّ شیطان به خدا پناه ببرید (نحل، ۹۸)؛ ۵. شیطان‌پرستی نکنید (یس، ۶۰ و مریم، ۴۴)؛ ۶. دشـمن شیطان باشید (فاطر، ۶) «۱». تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۳ بسـمه تعالی با توفیق الهی این تفسیر و ترجمه در فروردین ۱۳۷۸ ش مطابق با ۱۸ ذی الحجه ۱۴۲۰ روز عید غدیر شـروع شد و در تاریخ ۸/ ۹/ ۱۳۸۱ مطابق ۲۳ رمضان ۱۴۲۳ ترجمه‌ی آن پایان یافت. و نگارش اول تفسـیر در تاریخ ۲۲/ ۱۰/ ۱۳۸۱ در آسـتانه‌ی تولـد امام رضا علیه السـلام با یاری اساتیـد ارجمنـد حوزه و دانشـگاه آقایان: محسـن اسـماعیلی، محمـد امینی، حسـین شـیرافکن، محسن ملا- کـاظمی، شـهید غلا-معلی همائی و نیک‌زاد و با همکاری آقایان: نعمت اللَّه صبـاغی و نصـراللَّه سـلیمانی و ویرایش آقـای محمـد جواد شـریفی و سـرکار حمیـده خـانم انصاری و تایپ و صـفحه آرایی آقایان: رحمتی، اکبر جعفری و محمد رضایی و با حمایت و تشویق حجج اسـلام دکتر حسن علی اکبری، دکتر قمی، دکتر ابراهیم کلانتری و آقای شـریف زاده به پایان رسـید. الهی تو را سپاس می‌گوییم که توفیق بزرگی به ما عنایت کردی و از شروع تا پایان کار همیشه همراه، امـدادگر و هـدایتگر مـا بـودی! الهی در این ترجمه و تفسـیر، مـا تلاش نمـودیم تـا از حق منحرف نشویم ولی ممکن اسـت لغزش‌های ناخواسته داشته باشیم، آنها را بر ما ببخشای و توفیق اصلاح آنها را در بازنگری عنایت فرما! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۴ الهی مـا را از خادمـان قرآن و اهـل بیـت علیهم السـلام قرارده و به این ترجمه و تفسـیر، برکت عنـایت فرمـا! الهی به همه‌ی همکـاران مـا و کسـانی که در مراحل مختلف شـکل‌گیری و چاپ و نشـر این اثر یاور ما بودنـد پاداش بزرگی از نزد خودت عنـایت فرمـا! الهی خـانواده‌ی ما را که با بردباری یاری‌گر ما شدنـد، از خادمان قرآن قرار بـده! الهی ثواب این ترجمه و تفسـیر را به روح پـدرم که مشوق و حمـایت گر من در تحصـیل علم بودنـد و به روح شـهید همـائی و همه‌ی شـهدای اسـلام و انقلاب اسـلامی برسـان! «ربّنا تقبّل منّا باحسن قبول» «و آخر دعونا الحمـدللَّه ربّ العالمین» «وصلّی اللَّه علی محمّـد وآل محمّـد» محمـد علی رضایی اصفهانی ۲۳/ ۱/ ۱۳۸۸ ش- قم تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۵

منابع

منابع «کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوة، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المکتبة العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبةالدین شهرستانی، مطبعة الغری فی النجف، بی تا. ۸. الاصابة فی تمییز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود، دارالکتب، العلمیة، بیروت، الاولی، ۱۴۱۵ ه. ق. ۹. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیة، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۱۰. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۶ ۱۲. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۳. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۴. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۵. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیة، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۶. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۷. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۸. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الارشاد فی معرفة حجج اللّه علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۰. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۱. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیه (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۲. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۳. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۴. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعة العلمیة، ۱۳۹۴ ق. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۷ ۲۵. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۶. تصحیح الاعتقاد، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۷. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، موسسة التمهید، قم، الطبعة الاولی، ۱۳۸۳ ش. ۲۸. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسة الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۹. تفسیر المنیر، وهبة بن مصطفی زحیلی، دارالفکر المعاصر، بیروت، دمشق، اول، ۱۴۱۸ ه. ق. ۳۰. التفسیر لکتاب اللّه المنیر، محمد الکرمی، قم، مطبعة العلمیة، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۳۱. التفسیر والمفسّرون، دکتر محمد حسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۳۲. التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۳. تفسیر الوسیط، وهبة بن مصطفی زحیلی، دارالفکر المعاصر، بیروت، دمشق، اول، ۱۴۲۲ ه. ق. ۳۴. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۵. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۶. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۷. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی‌تا. ۳۸. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبة النینوی الحدیثة، تهران، بی‌نو، بی‌تا. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۸ ۳۹. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه

علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۴۰. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد اللَّه مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۴۱. الدرّ المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی‌بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۴۲. الرسالهٔ الذهبیهٔ (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۴۳. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبداللَّه، دار المعرفهٔ، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۴. الصحیفهٔ السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۵. الصراط المستقیم الی ستحقی التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۶. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۷. الغدیر فی الکتاب و السنهٔ و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۸. الکافی، ثقهٔ الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۹. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبداللَّه، دارالکتب الاسلامیهٔ، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۵۰. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. ۵۱. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، المکتبهٔ الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۵۲. اولین دانشگاه وآخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۱۹ اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۵۳. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۴. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعهٔ الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۵. بحارالانوار الجامعهٔ لدرر اخبار الائمهٔ الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسهٔ الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۶. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیهٔ اللَّه مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۷. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح اللَّه دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۸. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوهٔ، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۶۰. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۶۱. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۶۲. تأویل الآیات الظاهرهٔ فی فضائل العترهٔ الطاهرهٔ، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۳. تحریر الوسیله، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، چاپ دوم. ۶۴. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۰ ۶۵. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۶. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۷. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۸. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۹. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۷۰. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۷۱. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۷۲. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۷۳. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبداللَّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبهٔ الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۴. تفسیر الجواهر فی

تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۵. تفسیر الحبری، ابو عبداللّٰه الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، موسسهٔ آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۶. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۷. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنهٔ، محمد صادقی تهرانی، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۱ تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۸. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبداللّٰه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعهٔ و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۹. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۸۰. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۱. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۸۲. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیهٔاللّٰه مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳ جلدی. ۸۳. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفهٔ، الطبعهٔ الثانیهٔ. ۸۴. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، چاپ دوم. ۸۵. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی‌جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۶. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۷. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۸. تفسیر بیان السعادهٔ فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۹. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۲ سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۹۰. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبداللّٰه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۹۱. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۹۲. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۹۳. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۴. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. ۹۵. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۶. تفسیر حجهٔ التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجهٔ بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۷. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۸. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۹. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی‌تا، ۵ جلدی. ۱۰۰. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۱۰۱. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۳ ۱۰۲. تفسیر سوره حمد، روح اللّٰه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۱۰۳. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۴. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۵. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۶. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸

جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۷. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، قم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می‌باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۸. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۹. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۱۰. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة. ۱۱۱. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۱۳. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفة، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۴ ۱۱۴. تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبداللّه انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۵. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۶. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۷. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبة الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۸. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۹. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۲۰. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل اللّه، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۲۱. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح اللّه کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۲۲. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۲۳. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعة الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۴. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. ۱۲۵. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۵ ۱۲۶. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعة العلمیة، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۷. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۸. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرةالمعارف اسلامیة، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۹. تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف (مجموعة ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبة الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۳۰. تنزیه الانبیاء و الائمة علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۳۱. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۳۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۳۳. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۴. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، المرکز العربی الکتاب، بی‌تا. ۱۳۵. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح اللّه خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۶. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. ۱۳۷. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. ۱۳۸. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۹. دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبة الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۴۰. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۶

مؤسسهٔ علوم القرآن، دمشق، الطبعهٔ السابعهٔ، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفظی بی تا، تهران. ۱۴۱. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۴۲. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود الآلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۴۳. روح عرفانی روح اللّه، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسهٔ توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۴. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۵. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۶. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱.۱۴۷. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدّب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۸. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید اللّه، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۹. سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوهٔ للطباعهٔ و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۵۰. سیره ابن هشام (السیرهٔ النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبهٔ العربیهٔ، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۱. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۵۲. شرح نهج‌البلاغه، عبدالحمید بن هبهٔ اللّه، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۵۳. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیداللّه قضی، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۷ تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۴. صحیح بخاری، ابوعبداللّه محمدبن اسماعیل الخاری، بیروت، داراحیاء الثراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۵. صحیفه نور، روح اللّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۵۶. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمهٔ للطباعهٔ والنشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۷. عدهٔ الداعی، ابن فهد حلی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلی، انتشارات دارد الکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۸. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبهٔ الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۹. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۶۰. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۶۱. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۶۲. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۶۳. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیهٔ اللّه مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۵. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاکر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۶. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، ۱۳۵۲ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۸ ۱۶۷. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۸. قرآن ناطق، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۹. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ‌دوم، بی‌تا. ۱۷۰. قرب الاسناد، حمیری عبداللّه بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامیه به چاپ رسیده است). ۱۷۱. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۷۲. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۷۳. کشف الغمهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبهٔ بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۴. کفایهٔ الاصول، آخوند محمدکاظم خراسانی، قم، موسسهٔ النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۵. کمال الدین و تمام النعمهٔ، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۶. کنزالفوائد، کراجکی،

ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۷. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۸. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۹. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۸۰. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۸۱. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۸۲. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۲۹ محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۸۳. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۴. مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت:، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۵. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیـة اللّه علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۶. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۷. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۸. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۹. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۹۰. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. ۱۹۱. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۹۲. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۹۳. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۴. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۵. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و دوم، ص: ۴۳۰ تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۶. میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۷. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۸. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۹. جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۲۰۰. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش. ۲۰۱. دانش عصر فضا، نوری، آیهٔ اللّه حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۲۰۲. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجرهٔ، قم (نسخه صبحی صالح). ۲۰۳. نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۴. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعهٔ، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۵. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر

اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که

لایق اوست، به آنها ضـمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یـک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینوایی ضـعیف را دارد و تو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مـؤمنی بینـوا و ضـعیف از پیروان مـا را دارد، امّـا تـو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشـایی که آن بینـوا، خـود را بِـدان، نگـاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شـکند؟». [سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنـده کنـد و از کفر به ایمـان، ارشـاد کنـد، گویی همه مردم را زنـده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشـیرهای تیز بکشد». مسـند زید: امام حسـین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».